

تگرشی به گذشته و آینده

پنجاه سال مبارزه در راه آزادی

حسن ماسالی

جلد سوم

نگرشی به گذشته و آینده
(جلد سوم)

نویسنده: دکتر حسن ماسالی

ناشر:

Multi-Cultural Center, P.o.Box 4145, 65031
Wiesbaden, Germany

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
طرح روی جلد و صفحه‌آرایی: یونس فقیهی

ISBN 978-3-9816239-2-5

Copyright © 2013 Hassan Masali. All rights reserved.

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی، به هر صورت
(چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر منع است.

پیشگفتار

..... فهرست مطالب

۱۱

فصل هفتم - تبعید دوباره به خارج از کشور

- | | |
|----|--|
| ۱۵ | کوشش در راه اتحاد نیروهای سکولار - دموکرات |
| ۱۹ | تلاش برای معاش در آلمان |
| ۲۲ | ملاقات با استاد سابقم در دانشگاه "گوته"، فرانکفورت |
| ۲۸ | ملاقات با دکتر شاپور بختیار و همکاری با نهضت مقاومت ملی ایران |
| ۳۹ | تلاش برای مقابله با سیاست ترور و اختناق رژیم در خارج از کشور |
| ۴۰ | تشريح برخی مواضع سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران |
| ۵۰ | عضویت مشروط در نهضت مقاومت ملی ایران |
| ۵۷ | کوشش برای بازسازی جنبش سکولار - دموکراسی و استمرار مبارزه
علیه رژیم |
| ۷۰ | کنفرانس ملی و دیدگاهها |
| ۸۱ | ارتباط با فعالین و نهادهای مدافعان حقوق بشر |
| ۹۲ | نیروهای تخریبگر در خارج از کشور |

فصل هشتم - تلاش دوباره برای سازماندهی مبارزه در داخل کشور

- | | |
|-----|---|
| ۱۳۵ | حمایت از مبارزات دانشجویان و زنان ایران در داخل کشور |
| ۱۳۵ | ارتباط با جبهه دموکراتیک ایران و جنبش دانشجویی در داخل کشور |

۱۷۳	برگزاری کنفرانس درباره ایران به ابتکار نازنین افشن جم
۱۷۶	کلیت نظام بیازی خورد تا بازی بعدی (کنفرانس پاریس)
۲۰۰	جنبیش چپ ایران و عوامل بحران و ناکامی‌های آن در ایران
۲۰۸	کوشش برای انتشار نشریه مستقل که در خدمت جنبش دموکراسی باشد
۲۱۲	حمایت از زلزله زدگان خراسان، پرونده‌سازی علیه افراد نیکوکار
۲۲۳	کنفرانس برلین و ماجراجویی‌های رژیم
۲۳۰	وحدت بخشیدن زندگی شخصی با زندگی مبارزاتی
۲۳۲	حمایت از حقوق بشر، زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان و پناهجویان

فصل نهم - بایدها و نبایدها

۲۳۷	جمع‌بندی از رویدادها و تجارب سیاسی؛ چه نباید کرد و چه باید کرد؟
۲۴۲	کوشش برای همبستگی ملی ایرانیان و گسترش دموکراسی در ایران و مبارزه با نظریات ارتقایی و دروغین
۲۴۹	راهکارهای نجات از دیکتاتوری و محرومیتهای اجتماعی
۲۵۱	نکاتی پیرامون شکل‌گیری فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی در جامعه
۲۵۲	روند شکل‌گیری فرهنگ اجتماعی
۲۵۳	"عادت‌ها" چگونه شکل می‌گیرند و در فرهنگ اجتماعی تاثیر می‌گذارند
۲۵۴	ایدئو‌لوژی و خرافات مذهبی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی
۲۵۵	دیکتاتوری، دیکتاتور پروری، فرهنگ خشونت و فرصت طلبی در جامعه
۲۵۶	شرایط اقتصادی و مناسبات تولیدی جامعه
۲۵۸	نقش "فرهنگی اقوام و ملت‌های مختلف" در فرهنگ اجتماعی
۲۵۹	شرایط جغرافیائی و اقلیمی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی
۲۶۰	حوادث و بحرانهای سیاسی، اجتماعی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی

۲۶۰ فرهنگ سیاسی چگونه شکل میگیرد

۲۶۲ نکاتی درباره فرهنگ عناصر لپن و تحریبگر در درون جنبش آزادیخواهانه ایران

۲۶۹ حرف آخر

پیشگفتار

پس از استقرار نظام عیار رژیم خمینی، جامعه ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طرز فاجعه‌باری سقوط کرد.

در چنین شرایط دردناک و بحرانی، نیروهای آزاداندیش ایران بدون اینکه از امکانات و تدارکات مبارزاتی ضروری برخوردار باشند در سراسر ایران به مقاومت و مبارزه خود ادامه دادند. اما کردستان ایران به پایگاه اصلی مبارزه و مقاومت تبدیل شد؛ به طوری که گروه‌های مختلف سیاسی و برخی از روشنفکران ایران که مورد هجوم وحشیانه رژیم قرار گرفته بودند زیر چتر مبارزاتی سازمان‌ها و مردم قهرمان کردستان، در این منطقه مستقر شدند تا به مبارزه و مقاومت خود ادامه دهند.

متاسفانه شرایط سخت مبارزاتی و فرهنگ عدم سلوک موجب گردید که جنبش مقاومت و آزادیخواهی مردم ایران با "بحران درونی" رو برو شود. در جلد دوم کوشش به عمل آوردم که دستاوردها و ناکامی‌های جنبش انقلابی و مقاومت ایران را در این دوران به طور مستند، باز و شفاف ارائه دهم.

فقدان هماهنگی سیاسی، فقدان انسجام تشکیلاتی و مبارزاتی موجب گردیدند

که بقایای رژیم با ترفندهای جدیدی به حیات واپسگرایانه خود ادامه دهد.
شخصا با کسب تجربه به دست آمده در صدد برآمدم که راهکارهای جدیدی
برای استمرار مبارزه در خارج از کشور جستجو کنم که به شرح آن در این جلد (جلد
سوم) خواهم پرداخت.

حسن ماسالی

تابستان ۱۳۹۲

فصل هفتم

تبعید دوباره به خارج از کشور

کوشش در راه اتحاد نیروهای سکولار - دموکرات

مدت‌ها ضمن استمرار مبارزه در کردستان و گیلان، به سهم خود تلاش کردم که شاید با مشارکت حزب دموکرات کردستان ایران به رهبری دکتر قاسملو و آقای بنی‌صدر و با مشارکت برخی روشنفکران بتوانیم شورای ملی مقاومت را به یک جنبش سراسری، دموکراتیک و سازمان یافته تبدیل کنیم. اما فرقه‌گرایی مجاهدین و روابط ناسالم درون شورای ملی مقاومت مانع از این امر گردید. علاوه بر آن تجربیات تلخی نیز از سایر گروه‌های رانده شده ایرانی، در کردستان ایران به دست آوردم که اسناد آن ضمیمه است. لذا ما به عنوان یک گروه کوچک به تنها‌ی قدرت مقابله با تمام ناهنجاری‌ها را نداشتیم و تصمیم گرفتیم که انتقال همه‌ی اعضای گروه را به مکان‌های امن در داخل و خارج از کشور فراهم سازیم و راهکارهای جدیدی در خارج از کشور برای استمرار مبارزه جستجو کنیم.

بنابراین، پس از اعزام تمامی افراد گروه به مکان‌های امن در داخل و خارج از کشور، از طریق سفارت فرانسه در عراق، تقاضای پناهندگی سیاسی کردم. خوشبختانه خیلی سریع با آن موافقت شد و ویزای ورود به فرانسه، برایم صادر گشت. به این ترتیب عازم فرانسه شده و پس از اقامتی کوتاه در آن کشور، پناهندگی سیاسی‌ام را به آملان منتقل کردم. از این طریق می‌توانستم به تحصیلات ناتمام دانشگاهی خود که به خاطر ادامه‌ی مبارزه علیه شاه، دچار وقفه گشته بود، ادامه دهم.

با توجه به پرونده‌ی تحصیلی که در دانشگاه فرانکفورت داشتم، با اسم‌نویسی

مجدد من در دانشگاه موافقت شد. از این رو در سال ۱۹۸۴ در رشته‌ی علوم سیاسی به عنوان رشته اصلی شروع به تحصیل کردم. همچنین جامعه‌شناسی و ادبیات آلمانی را به عنوان رشته‌های فرعی، انتخاب نمودم. در سال ۲۰۰۰ موفق به کسب درجه‌ی «دکترا» در علوم سیاسی شدم. پروفسور «یوآخیم هیرش» در رشته‌ی علوم سیاسی، پروفسور داود غلام آزاد در رشته‌ی علوم اجتماعی، و یک نفر نیز در رشته‌ی ادبیات آلمانی، مسئول امتحاناتم بودند.

از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ ضمن ادامه‌ی تحصیل، فعالیت‌های سیاسی جدیدی برعلیه جمهوری جهالت- جنایت و فاشیستی خمینی، آغاز کردم . ضمن ادامه تحصیل و کارهای پژوهشی نگاهی انتقادآمیز به گذشته مبارزاتی خود و دیگران انداختم و در صدد برآمدم که راهکارهای جدیدی برای استمرار مبارزه برای براندازی رژیم واپسگرا بیام. در این ارتباط بدون تعصب با جریان‌های مختلف چپ تا لیبرال - دموکرات در داخل و خارج از کشور رابطه برقرار کردم و ضمن حفظ ارتباط با جنبش انقلابی کردستان با شخصیت‌های سیاسی نظری داریوش فروهر و یاران او، دریادار احمد مدنی، تیمسار ناصر فربد، حسن نزیه، عباس امیرانتظام، سرتیپ عزیزالله امیررحیمی؛ همچنین با فعالین حقوق بشر نظیر دکتر عبدالکریم لاهیجی، عبدالفتاح سلطانی، شیرین عبادی، دکتر حسین باقرزاده و همسر مبارزش بانو فتحیه زرکش، دکتر سیاوش عقری، دکتر شهلا عقری ارتباط برقرار کردم تا از تجارب و دیدگاه‌های آنان مطلع شوم و در صورت امکان در راه شکل‌گیری یک جنبش وسیع سکولار - دموکراسی با همدیگر همکاری کنیم.

ضمن تبادل نظر با دگراندیشان به این نتیجه رسیدم که برای مقابله با رژیم حاکم ضروری است به طور سازمان‌یافته در چند سطح فعالیت کنیم تا کمبودها و ناکامی‌های گذشته را جبران کنیم.

لذا به اتفاق تعدادی از یاران خود چندین سمینار و نشست عمومی، سازماندهی کردیم. به طور مثال ضمن برگزاری «جشنواره فرهنگ و هنر ایران» و کنفرانس «نقش

روشنفکران در تبعید» که در روزهای ۲۲ و ۲۳ آوریل ۱۹۸۹ برگزار شد، از کارشناسان ارشد ایران نظیر امیرهوشمنگ کشاورز (کارشناس امور کشاورزی و عشایری ایران)، پرویز اوصیا (کارشناس سازمان برنامه)، پروفسور محسن مسرت (کارشناس انرژی و محیط زیست) دعوت به عمل آوردم تا درباره شرایط جامعه ایران دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. در اینجا تصاویر این سمینارها ضمیمه می‌باشد.

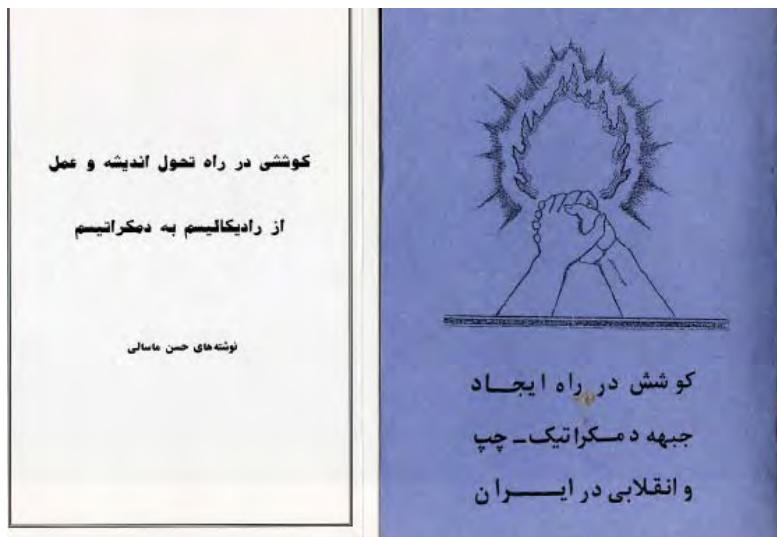
همچنین چند سمینار درباره شکل‌گیری جنبش چپ دموکرات در آلمان سازماندهی کردیم که تصاویر جزوای انتشاریافته در این موارد ضمیمه می‌باشد.



امیرهوشمنگ کشاورز در حال سخنرانی در سمینار «سارلند» آلمان



پرویز اوصیا کارشناس سابق سازمان برنامه و بودجه در حال ارائه نظریات خود در سمینار
سازلند آلمان





تصویر جلد های ۴ جزوی درباره مباحث دموکراسی خواهی که در خارج از کشور مطرح و انتشار یافت.

تلاش برای معاش در آلمان

در ضمن برای اینکه بتوانم امرار معاش کنم، مدتی برای یک شرکت آلمانی و همچنین ایرانی، رانندگی می‌کردم. بعداً، هنگامی که در دانشگاه مشغول تحصیل بودم همزمان یک دوره کارآموزی در امور تعلیم و تربیت را نیز در دانشکده عالی ویسبادن گذراندم.

سپس در یک موسسه‌ی خیریه‌ی کارگری که توسط حزب سوسیال دموکرات آلمان اداره می‌شد، به عنوان مربی تعلیم و تربیت بچه‌های بی‌سرپرست و آواره، استخدام شدم. بیش از پنج سال در آنجا کار کردم. همسرم نیز در پاریس مشغول به تحصیل شد و بعدها با حمایت خویشاوندان و دوستانش به آمریکا مهاجرت کده و در آنجا مشغول به کار گشت. خودم تا سال ۲۰۰۰ میلادی پس از گرفتن مدرک

تحصیلی ام در رشته فلسفه سیاسی از دانشگاه فرانکفورت در آلمان ماندم.



سند تاییدنامه استخدام به عنوان «مربی» کودکان بی‌سرپرست و مسئله‌دار در ارتباط با بنیاد
کارگری سوسیال – دموکرات‌های آلمان به نام «ماری یوخاچ هایم»

سپس برای اینکه به زندگی مشترک با همسرم لطمه دیگری وارد نشد، خودم را
از محل کار در آلمان بازنشسته و به آمریکا نقل مکان کدم.

مهاجرت دوباره به اروپا و آمریکا موجب شد که فعالیت‌های سیاسی – اجتماعی
جدیدی را به منظور اتحاد نیروهای سکولار – دموکرات و شکل‌گیری جنبش نوین

چپ و دموکرات آغاز کم.

در این مرحله هم با ناکامی‌های فراوانی روبرو شدم که اسناد آن در اینجا انتشار می‌یابد.



Herr Hassan Massali, geb. am 09.07.1936 in Tavalech/Iran ist seit dem 01.01.1991 in unserer Einrichtung als Erzieher im Gruppendienst tätig. Sein Arbeitsfeld umfasst die Betreuung von unbegleiteten minderjährigen Flüchtlingskindern verschiedener Nationalitäten in allen sozialen und rechtlichen Angelegenheiten.

Herr Massali erhält:

ARBEITERWELFARE
Bezirksteilverband L
Rainer Kluge
Heimleiter



به موازات تحصیلات دانشگاهی، جدگانه در آموزش رشته‌های مختلف تعلیم و تربیت شرکت کردند و سپس به عنوان «مربی امور کودکان بی‌سرپرست و آزاردیده» در یک موسسه غیرانتفاعی کارگری در آلمان استخدام شدند و بیش از پنج سال به طور رسمی کار کردند. این تصاویر در ارتباط

با کارم می‌باشند.

ملاقات با استاد سابق در دانشگاه "گوته"، فرانکفورت

پس از قریب پانزده سال، با استادم پروفسور "یوآخیم هیرش" دردانشگاه "گوته" فرانکفورت، ملاقات کردم. نزد ایشان، "تزدکترای" خودم را در رشته "فلسفه سیاسی" گذرانده بودم. ایشان هم اکنون، علاوه بر کارهای پژوهشی، به فعالیت‌های آزادیخواهانه و برابری طلبانه در آلمان مشغول می‌باشد. او درباره شرایط ایران و خاورمیانه و نیروهای "اپوزیسیون ایران" جویا شد. ضمن تشریح شرایط کنونی ایران و منطقه، افت و خیزهای سیاسی خودم و سایر عناصر و جریانها را مطرح کردم. از جمله گفتم: یکی از پدیده‌های کنونی در درون نیروهای شکست خورده ایران اینستکه "بطرز بیمارگونه ای به تخریب هم‌دیگر مشغول هستند".

ایشان را مطلع ساختم که قصد دارم خاطرات سیاسی و همچنین چند جلد کتاب دیگر و از جمله "تز دکترای" خودم را که قبلاً فقط برای کتابخانه‌های دانشگاه‌ها ارسال داشته بودم، به زبان آلمانی نیز منتشر سازم. ایشان ضمن استقبال از این اقدامات، با دفاتر مختلف دانشگاه تماس گرفت تا دوباره اسناد مختلف تحصیلی ام را بطور رسمی کپی کرده برایم ارسال دارند. این اسناد نشان میدهند که با غرمه "خوب" (۳) امتحانات را گذرانده بودم. همچنین در سه صفحه، از محتوای "رساله مربوط به تز دکترا" که ارائه داده بودم، ارزیابی کرده، و رضایت خودش را ابراز داشته بودند. این اسناد در اینجا انتشار می‌یابند.

Duplikat



Der Fachbereich Gesellschaftswissenschaften der Johann Wolfgang Goethe-Universität

verleiht unter dem Dekanat
des Professors der Politikwissenschaft Dr. Hans-Jürgen Puhle

Herrn

HASSAN MASSALI

aus Tavalech/Gilan, Iran

den Grad eines Doktors der Philosophie

nachdem er in ordnungsgemäßem Promotionsverfahren
durch die genügende Dissertation

„Die Entstehung, Entwicklung und die fortwährende Krise der
Marxistisch-Leninistischen Organisationen Irans seit 1963“

sowie durch die genügende mündliche Prüfung
seine wissenschaftliche Befähigung erwiesen hat.

Frankfurt am Main, den 5. Juni 2000

Hiermit wird amtlich bestätigt,
daß die vorstehende Kopie
nur der vorgelegten Ausführung
des Promotionsverfahrens übereinstimmt.

Philosophische Promotionskommission

Frankfurt a. M.
30. Sept. 2013
i. A. Sauer



Der Dekan:

مدرک دکترای فلسفه‌ی سیاسی از دانشگاه فرانکفورت در سال ۲۰۰۰

Johann Wolfgang Goethe-Universität Frankfurt am Main

Fachbereich G E S E L L S C H A F T S W I S S E N S C H A F T E N

Herr Hassan M A S S A L I

aus Tavlesh/ Iran

wird bescheinigt, daß er die Doktorprüfung (Dr. phil.) mit den Noten

schriftlich: idoneum (3,0)

mündlich: rite (3,0)

bestanden hat.

Das Recht zur Führung des Doktortitels beginnt erst mit der Aushändigung des Diploms.

Frankfurt am Main, den 05. Juni 2000

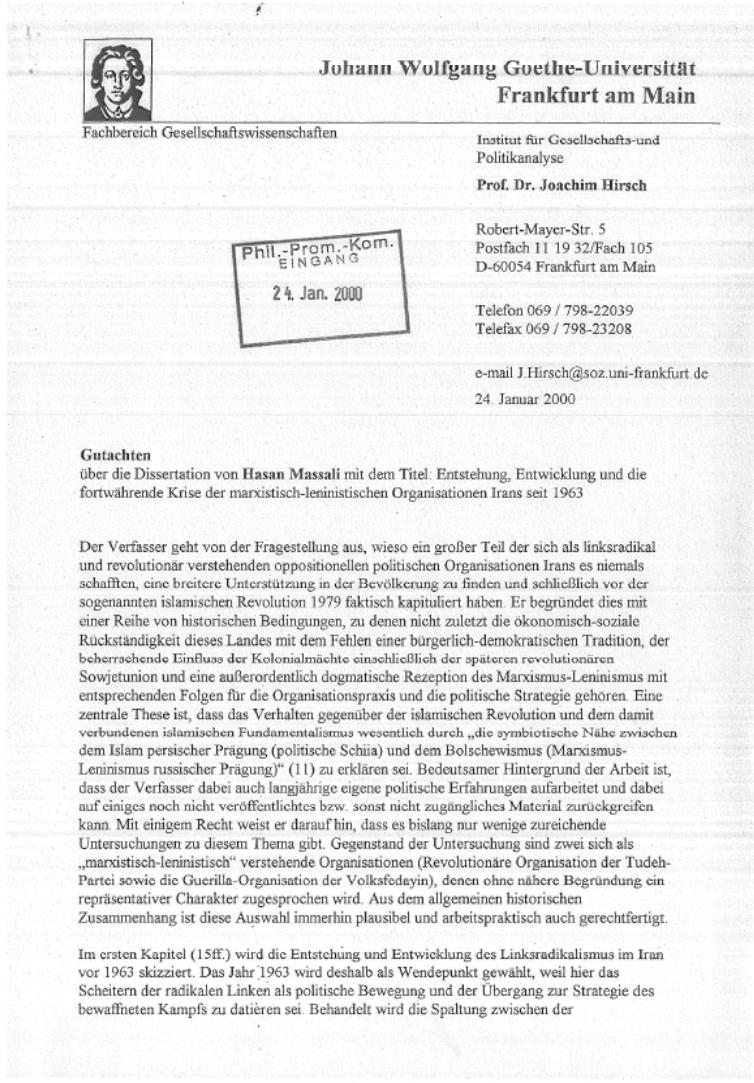
A. Müller

Dekan

Hiermit wird amtlich beglaubigt,
daß die vorstehende Kopie
mit der vorgelegten Ausfertigung
des Originals übereinstimmt.
Philosophische Promotionskommission

Frankfurt a. M.
30. Sept. 2013
i. A. Sauer





Gutachten

über die Dissertation von **Hasan Massali** mit dem Titel: Entstehung, Entwicklung und die fortwährende Krise der marxistisch-leninistischen Organisationen Irans seit 1963

Der Verfasser geht von der Fragestellung aus, wieso ein großer Teil der sich als linksradikal und revolutionär verstehenden oppositionellen politischen Organisationen Irans es niemals schafften, eine breitere Unterstützung in der Bevölkerung zu finden und schließlich vor der sogenannten islamischen Revolution 1979 faktisch kapituliert haben. Er begründet dies mit einer Reihe von historischen Bedingungen, zu denen nicht zuletzt die ökonomisch-soziale Rückständigkeit dieses Landes mit dem Fehlen einer bürgerlich-demokratischen Tradition, der beherrschende Einfluss der Kolonialmächte einschließlich der späteren revolutionären Sowjetunion und eine außerordentlich dogmatische Rezeption des Marxismus-Leninismus mit entsprechenden Folgen für die Organisationspraxis und die politische Strategie gehören. Eine zentrale These ist, dass das Verhalten gegenüber der islamischen Revolution und dem damit verbundenen islamischen Fundamentalismus wesentlich durch „die symbiotische Nähe zwischen dem Islam persischer Prägung (politische Schia) und dem Bolshevismus (Marxismus-Leninismus russischer Prägung)“ (1) zu erklären sei. Bedeutsamer Hintergrund der Arbeit ist, dass der Verfasser dabei auch langjährige eigene politische Erfahrungen aufarbeitet und dabei auf einiges noch nicht veröffentlichtes bzw. sonst nicht zugängliches Material zurückgreifen kann. Mit einigem Recht weist er darauf hin, dass es bislang nur wenige zureichende Untersuchungen zu diesem Thema gibt. Gegenstand der Untersuchung sind zwei sich als „marxistisch-leninistisch“ verstehende Organisationen (Revolutionäre Organisation der Tudeh-Partei sowie die Guerilla-Organisation der Volksfeinde), denen ohne nähere Begründung ein repräsentativer Charakter zugesprochen wird. Aus dem allgemeinen historischen Zusammenhang ist diese Auswahl immerhin plausibel und arbeitspraktisch auch gerechtfertigt.

Im ersten Kapitel (15ff.) wird die Entstehung und Entwicklung des Linksradikalismus im Iran vor 1963 skizziert. Das Jahr 1963 wird deshalb als Wendepunkt gewählt, weil hier das Scheitern der radikalen Linken als politische Bewegung und der Übergang zur Strategie des bewaffneten Kampfs zu datieren sei. Behandelt wird die Spaltung zwischen der

linksbürgerlichen Nationalbewegung und der ML-Bewegung, die einerseits mit dem dominierenden Einfluss der Sowjetunion, andererseits mit der Unfähigkeit der KP begründet wird, von einer „kleinbürgerlichen Kaderorganisation“ zur Massenbewegung zu werden. Ganz gut wird dagestellt, wie sich die iranische radikale Linke als Spielball zwischen konkurrierenden imperialen Interessen einschließlich derer der Sowjetunion missbrauchen ließ und dies selbst wieder im Widerspruch zu einer politischen Verankerung in der Bevölkerung stand. Als entscheidend wird aber herausgestellt, wie die „professionell-bürokratische Intelligenz“ als sich immer weiter radikalisierendes „Subjekt der Modernisierung“ mit ihrer eigenen autoritär-bürokratischen Entwicklungsoption scheitert. Dieses Kapitel zeigt eine durchaus gute Fähigkeit, wesentliche Züge und Hintergründe der politischen Entwicklung herauszuarbeiten, leidet aber insgesamt noch an einem sehr narrativen Stil, d.h. die Ergebnisse hätten analytisch stringenter aufgearbeitet und präsentiert werden können.

Kapitel 2 (71ff.) ist der allgemeine Entwicklung des Linksradikalismus nach 1963 gewidmet, deren Hintergrund die „weiße Revolution“ des Schah und die damit verbundenen sozialen Spaltungen und Erschütterungen darstellt. Genährt wird die Entwicklung linksradikaler Bewegungen einerseits durch die zweideutige Haltung der bürgerlichen Nationalen Front und der kommunistischen Tudeh-Partei zum Schahregime, andererseits durch die rasche Entwicklung eines akademischen Proletariats im Zuge der autokratischen Modernisierungs-politik. „Eine wachsende Zahl von Studenten, welche mehrheitlich aus den Provinzen stammten und die keinen Zugang zu den Universitäten fanden, bildete mit zustromenden Bauern, die als Arbeitskräfte die Slums von Teheran vergrößerten, eine explosive Masse der Unzufriedenen“ (81), die unter dem herrschenden repressiven Regime und unter der Kontrolle der Geheimpolizei keine politische Artikulationsmöglichkeit fanden. Unter der Einfluss der nationalen Befreiungsbewegungen der sechziger und siebziger Jahre (Kuba, Algerien) und der Studentenbewegung kommt es zu einer immer stärkeren Distanz zum Sowjetkommunismus und zu einer fortschreitenden theoretisch-politischen Radikalisierung.

Es folgt nun eine genauere Untersuchung der beiden ausgewählten ML-Organisationen (Kapitel 3,82ff.), ihrer Entstehung, ihrer ideologisch-theoretischen Entwicklung und Differenzierung sowie ihrer Organisationsformen und Mitgliederstrukturen. Als zentrale Gründe für ihr schließlich politisches Scheitern werden ein starkes Sekterertum, ein grundlegender Autoritarismus mit der damit verbundenen Realitätsblindheit sowie gravierende theoretische Schwächen ausgemacht. „Die langanhaltenden despatischen Machtkonstruktionen im Staat und autoritär-religiöse Erziehungstraditionen, stammesbezogene, familienbedingte Hierarchien in der Gesellschaft bildeten nicht nur ein historisches Hindernis in der Demokratieentwicklung des Landes, sondern schufen auch einen Boden für eine antidemokratische Linke, die sich in diesem politisch beschränkten Klima kaum anders entfalten konnte“ und die ein „politisches Verhalten und Bewusstsein repräsentierte, das den reaktionären Regierungskreisen nicht unähnlich war“ (108).

Dieses Argument wird in Kapitel 4 (111ff.) fortgesetzt, wobei die etwas undurchsichtige Gliederungssystematik einige Redundanzen mit sich bringt. Grundlegend wird an der Begründung festgehalten, dass die Entwicklung der ML-Organisationen durch ein komplexes Zusammenspiel außerhalb soziökonomischer und politischer Faktoren und eigener theoretisch-strategischer Fehler zu verstehen sei. Daraus hätten sich die dieses politische Spektrum kennzeichnenden Widersprüche ergeben: zwischen Massenvertretungsanspruch und Avant-gardismus, zwischen antireligiöser Haltung und „Basisverbundenheit“, zwischen Separatismus und einheitsstaatlicher Orientierung u.a.m. Fazit ist, dass die ML-Organisationen mit ihrem politischen Heroismus und Aktivismus, einem grundsätzlich undemokratischen Denken und Verhalten und einem Weiterschleppen traditioneller Clanstrukturen nicht nur ihrem Gegner,

dem „islamischen Fundamentalismus“ näher standen als sie selber wahrnahmen, sondern sich zugleich auch immer stärker in die gesellschaftlich-politische Isolation und Marginalisierung begeben mussten.

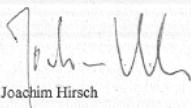
In der Zusammenfassung (140ff.) stellt der Verfasser seine wichtigsten Argumentationsgänge und Ergebnisse noch einmal etwas systematischer dar und schließt mit einigen abschließenden Thesen (152f.), die aber so allgemein gehalten sind, dass ihr Stellenwert in bezug auf die vorher ausgeführte Argumentation ziemlich unklar bleibt.

Die Arbeit ist in ihrer Fragestellung und in ihrem Argumentationsgang recht plausibel angelegt und ihre Ergebnisse sind durchaus überzeugend. Allerdings ist sie insgesamt eingemaßen oberflächlich geblieben und sie erträgt an vielen Stellen einer angesichts des vorliegenden Materials durchaus möglichen präziseren und gehaltvollerem Beweisführung. Insgesamt ist der gesellschaftstheoretische und analytische Kontext viel zu wenig ausgeleuchtet und es bleibt eingemaßen unklar, welche theoretischen Schlussfolgerungen der Verfasser jenseits einer insgesamt durchaus plausiblen Darstellung eines Geschichtsverlaufs zieht. Die verwendeten empirischen Daten erscheinen eher zufällig eingestreut und die präsentierten Statistiken erinnern z.T. an nachvollziehbaren Aussagegewicht. Störend ist auch, dass des öfteren der Stellenwert und der Kontext dokumentarischer Zitate nicht genau genug kenntlich gemacht wird. Die Zitierweise ist manchmal etwas schludrig und auch die Gliederung ist nicht völlig überzeugend, was einige Redundanzen im Text nach sich zieht. Da ich mich in der einschlägigen Literatur nicht gut genug auskenne, kann ich die Originalität der Arbeit nicht ganz beurteilen, bin aber der Ansicht, dass die Ergebnisse über den schon erreichten Stand der Forschung nur unwesentlich und allenfalls in einigen Teilbereichen hinausgehen.

Im Gesamteindruck können der Arbeit deshalb trotz der unbestreitbar richtigen Ergebnisse bestenfalls ganz knapp die Qualitäten einer wissenschaftlichen Dissertation zugekannt werden. Insgesamt ist sie zu oberflächlich und zu deklamatorisch geblieben und bedürfte eines sehr viel gründlicheren analytischen Hintergrunds. Anerkennung verdient allerdings, in welchen Umfang und mit welcher Konsequenz es der Verfasser geschafft hat, eine kritische Distanz zu seinem eigenen politischen Erfahrungshintergrund und wohl auch zu seiner eigenen politischen Praxis zu gewinnen. Wenn Wissenschaft etwas mit kritischer Selbstreflexion zu tun hat, so ist ihr zumindest dieses Bemühen auf jeden Fall zuzuerkennen. Empfehlenswert wäre es, für die Druckfassung die Gliederung noch etwas zu korrigieren und dabei einige Redundanzen zu beseitigen, die Kapitalüberschriften aussagekräftiger zu machen und nicht zuletzt den etwas unbeholfenen Titel der Arbeit zu ändern.

Ich bewerte die vorliegende Dissertation noch mit

rite.



Joachim Hirsch

ملاقات با دکتر شاپور بختیار و همکاری با نهضت مقاومت ملی ایران

هنگامی که دوباره در دانشگاه فرانکفورت مشغول به تحصیل شدم، تجربیات سیاسی مهمی را پشت سر گذرانده بودم. با انتخاب دوباره رشته علوم سیاسی و جامعه شناسی، در صدد برآمدم که به گذشته سیاسی خود و سایر افراد و گروهها نگاه انتقادی داشته باشم. به اتفاق برخی از دوستان، چند سمینار؛ به سال ۱۹۸۶ در آلمان برگزار کردیم. در این نشست‌ها، ناهنجاری‌ها، ناکامی‌ها و بحران جنبش چپ ایران را مورد بررسی قراردادیم. در این سمینارها تعداد کثیری از فعالین جنبش چپ با دیدگاه‌های گوناگون شرکت داشتند که اسناد آن تحت عنوانی زیر منتشر گشتند:

۱ - نتایج سمینار ویسبادن (درباره بحران جنبش چپ ایران)

۲- نتایج سمینار ماینس (علت مخالفت نیروهای چپ با رژیم خمینی)

۳- سمینار «بوکه بورگ» (خصوصیات جامعه‌ی کنونی ایران و راه خروج از بن بست عقب ما ندگی).

با توجه به نکات بر شمرده شده، تصمیم گرفتم که «تزریق دکترای» خود را درباره دلایل شکست و ناکامی جنبش ملی، به خصوص جنبش چپ ایران، به رشته‌ی تحریر در آورم. از این رو، پژوهشی درباره رویدادهای سیاسی ایران از زمان انقلاب مشروطه تا زمان استقرار رژیم خمینی به عمل آوردم.

مدتی بود که دکتر شاپور بختیار با تشکیل «نهضت مقاومت ملی ایران» در پاریس اقامت داشت و علیه رژیم خمینی به فعالیت خود ادامه می‌داد. چندین تن از ایاران سیاسی گذشته ام، به خصوص آن‌هایی که در چارچوب جبهه ملی ایران در اروپا و جنبش دانشجویی فعالیت می‌کردند، از مشاورین و همکاران نزدیک دکتر شاپور بختیار بودند.

از طریق برخی از ایاران دیرینه نظیر مهندس مهدی خرازی، مهندس حمید ذوالنور، لادن برومند، علی برومند، حسن نقیبی، حمید صدر از اخبار و مناسبات

درون نهضت مقاومت ملی و دکتر شاپور بختیار، با خبر می‌شدم. برخی دیپلمات‌های خوشنام و بعضی روشنفکران صاحب نظر و ارزشمند، نظیر آقای ایرج پزشکزاد و مهدی قاسمی نیز با دکتبختیار همکاری می‌کردند. همچنین مطلع شدم که برخی افراد دغلکار، فاسد و فرصت طلب و همچنین افراد «مشکوک» نیز در تشکیلات نهضت مقاومت ملی ایران رخنه کرده‌اند. از این رو، مدت‌ها از عضویت در «نهضت مقاومت ملی ایران» اجتناب می‌کردم.

هنگامی که عوامل رژیم خمینی، آقای عبدالرحمن برومند، یکی از همرزمان بختیار را در آوریل ۱۹۹۱ به قتل رساندند، برخی از دوستانم که مشاور بختیار و از مسئولین نهضت بودند، از من دعوت کرده که در ماسم یادبود برومند در پاریس صحبت کنم. از آنجایی که همیشه رابطه‌ای باز و شفاف با دوستان و همرزمان خود داشتم، هنگام سخنرانی، ضمن تمجید از شهامت، مقاومت و مبارزات چهل ساله‌ی دکتر بختیار در مسیر دموکراسی خواهی و سکولاریسم، بیان کردم: تعجب می‌کنم که چطور برخی افراد فرصت طلب و نامطلوب نیز در اطراف بختیار حلقه زده‌اند؟

هنگامی که این سخنان را ایراد کردم، یکی از همان افراد فرصت طلب از جلسه خارج شد. دکتبختیار که در ردیف جلو نشسته بود، سکوت کرد.

پس از پایان جلسه، به اتفاق مهندس مهدی خرازی به منزل وی رفتیم تا با ایشان گفتگو کیم. دکتبختیار نگاهی به من کرد و گفت: آقای ماسالی، وقتی افرادی نظیر شما، بامن همکاری نکنند، عناصر فرصت طلب و نامطلوب مرا محاصره، خواهند کرد!

پس از این دیدار، یک بار دیگر نیز به اتفاق یکی دیگر از یاران دیرینه، آقای علی شاکری به ملاقاتش رفته و قرار گذاشتیم که به نهضت پیوندم و با ایشان همکاری کنم. اما هنوز مسئولیتی در درون تشکیلات نهضت نداشته و در آلمان مقیم بودم. اگرچه گاهگاهی شادروان دکتر بختیار، به من تلفن زده و نامه می‌نوشت.

مناسبات یا دکتر شاپور بختیار و "نهضت مقومت ملی ایران"

CHAPOUR BAKHTIAR
17, BD BABYLON
PARIS - FRANCE
TEL. 522.40.87



MONSEIGNEUR H. MOSSALLI

P.O.BOX 150416
6000 FRANKFURT

R.P.A.

درست گرامی دیپ روزه همان را
دو روزه لی مارک ببر از حکیم
هم بینا لی پس از سلامت داشتم
۱۴ آبیع - در این من وابح اینها لی
بطریون داری من اینها لی درست
بگرد - ایان برگز کو ایور دا
در در ۱۷۷۰ شاپور بختیار

نامه شادروان دکتر شاپور بختیار

حسن ماسالی

اوت ۱۹۹۲

خاطره ملاقات با شاهزاده دکتر پنځبر

از سال ۱۹۶۰ که فعالیت میباشی خود را در خارج از کشور، در رایجه با جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد، یومن، با نام دکتر پنځبر آشنا شدم، در جریان انقلاب ایران (۱۳۵۷)، گروهه از همان آغاز با استقرار حکومت مذهبی و "جمهوری مختار" در زیده، ولی همکنم با اکثر جزویاتهای سیاسی ایران، تحت تأثیر رادیکالیسم انقلابی فراز المقدم و پوهشگارهای دور اقیانوس پنځبر در پیشنهاد خطرات استبداد مذهبی توجه ای نمی کرد، از همه پدر، مسده نوحی سیاست اندیجان در جزویاتهای سیاسی ایران حکم بود که اکثر ما تصور میگردیم با تمسخر کردن و خبر شدیدن آخوندها، و با برپائی چند اعتراض سیاسی، اکثر خواهیم شد "ملها" را که منبور جامعه بودند، از ایزدیکه قربت به پایین پنځبر و بسط آنها را در چوبم، ضعف و نکاری اکثر رهبران ملی، سرگذشت تئوریک و میباش گروههای چپ، شرایطی بوجو آورده که آخوندها توافق نهادند خیلی آسان قدرت سیاسی را آبیضه کنند.

پس از اینکه ضربات قدرتیه باری به همه مردم و سازمانهای سیاسی وارد شد، تازه برهن از ما از خواب خلاصت پیدار شدم و به صحت نظریات و سلطان پنځبر این برآمده، من شخصاً مایل بودم، پس از اینکه بخارج از کشور آمده بودم، با ایشان تماس پرقرار کنم، اما، موافقن از این راه موجود بودند:

از خدمت سوال میگردم چرا پنځبر هنوز از آقون اساسی سبق که بطل شده، و از نظم سلطنتی ملتفاری میکند؟

چرا عناصر بدنام و فرسن طلب و عمل للهه رژیم سبق، او را محاصره کرده اند؟ آیا این عناصر و چنین ایزارهایی در بال مسازی رژیم استبدادی کاشته مولانه اند شد، و پنځبر را قربانی نخواهند کرد؟

پس از مدتی، مطلع شدم که جده ای از ای واران میباشی سبق و مورده اعتماد من، به پنځبر پیوسته اند، پانها رجوع کردم تا از کم و کوف برلنمه و مناسبات اطراف ایلان پنځبر مطلع شویم، معلوم شدکه جناح پندی بین نیروهای ملی و نمکرات ای پیکنفر، و عناصر فرسن طلب و بین فرهنگ، ای طرف نیگر، در داخل "نهضت ملتویت ملی ایران" شکل گرفته است و این صفت آرایی تا آنجا پیش رفته است که شخص دکتر پنځبر نیز وارد این کارزار "بروانی" شده و جایز رفای ملی و نمکرات را گرفته است، و پیشی "عنصر" بین مایه و بین فرهنگ را از مسئولیتها برکنار کرده است.

اين خبر ما خوشحال كرد و تصميم گرفت که در روند پيشين ميلزه «سياسي و «ابروني» نيز شركت کنم. زير، يافتن داشتم که با همسك ياران مورده اختقاد قيمت، زمينه ذهنی و سياسی معمادی فراهم خواهيم ساخت که همان نيزو هاي مللي و دمکرات، تحت رهبری بختيار «متحده شولد و زمينه حکومت مللي ايران و جايگزيني قدرت سیاسي، تامين شود.

دوبار، با بختيار ملاطفت كردم. هر يار، يكى از اعضائي شورا که در ضمن از ياران مورده اختقاد قيمت من بودند، در اين ملاطفتها شركت داشتند.

تصميم گرفته بودم، هر چه من للوشم، هر نوع اتفاقی نسبت به ايشان دارم و هر برئمه و چشم اندلار سیاسي را مفید شناختن ميدهم، با صراحت با يافشن مطرب كنم. مطلع بودم که ايشان شناختن سیاسي صلحبنظر، شجاع، و درباره اي موارد «لوچ» هستند. زنگي سیاسي او نيزشان ميادند که آن دمکرات و با فرهنگي بوده اند.

از روحچه خود نيز خير داشتم که اگر بخواهم با هر فرد پيمان سیاسي و دوستي بپندم، پايد از روی اعتقاد و اختقاد متفاوت و از روی صفا و صميميت باشد. در مناسبات سیاسي رایج تهبا، انتخاب چنین روشن، همشه «موقفيت آميز» نیست.

«سياست بازان»، در ميان مردم رواج داده اند که «سياست بهر و مادر تداره». «سياست بعض» از روح و نور است. «شيوه» «سياست بازان» اينستکه «درخطون» درباره خليج ممتاز به «توافق» ميرسند، و آن درمجمع عمومي و علنی، نظر ديجري اعلام ميکنند و اين کار خود را «زنگي سیاسي» و «پا» «سياست باقی» مي نامند.

از ديدگاه من، بختiar شخصيت سیاسي ارزشدار اى بود که مهتوانست نظر موثری در صحنه سیاسي داخلی و بين الملل امواجند، و به رخوت و پرانگانی، و به بى بيشنگان نيزو هاي سیاسي ايران، خاتمه دهد. اما، من بخيست بريختي چنجه هاي کثار او و مناسباتش تصريح من شدند. شخاوه ممتازي باز رجوع گرده بودند. بريختي از جريانهاي سیاسي رانشونیگر گردد بوديم که حرفاهاي خود را با اى مطرح مجاز نهادم. بريختي از جريانهاي نيز، خودشان به اين شخصيت و درايت رسیده بودند که چنین دليلوگي را برقرار نهادند. من نيزشونیگر شده بودم که با اى صحبت کنم اما نگران بودم که مبدأ «سرافت گوئی» من موجه رانش خاطر لوب شود و به برئمه اى که برای اتحاد نيزو هاي مللي و دمکرات تنبل ميگردم، نظمه وارد گردد.

در ملاطفات اوپرانيون مسائل را مطرب كردم. در ملاطفات دوم، وارد بحث جزايات شدید بطور يك پنج ساعت طول گشيد. در اين ملاطفتها، معلمون شدم که با اقم صاحببنظر، بالر هنگ و شجاعي روند هست. سیسيميت و بى بروان من نيز در او اثر بخشيده بود و روپرهاي، شخصي بوجود آمده بود که خيلی را داشت با همديگر تبادل نظر و بحث ميگردند. در مسائل اساسی به توافق رسیده، او مثل يك بوقتی در بالر هنگ، با ملتلت و قلطحيت خاص، در برابر ملاطفت بمن می گفت: «...اين مسائل را متوانند در بیرون اعلام کنی و اعضای اما نيز زیر آن بگذاري بود».

پس از آن دکتر پرومند پادست دلخیه‌مان رئیم چهوری اسلامی، مدهن پالیووی در پاریس برگزار کرند و از من نیز دعوت شد که با عن ملصحت مسخرانی کنم. در مسخرانی لم به برهی از اتفاقات اصولی لم اشاره کردم و در پایه برهی ملصحت میلیس بختیار که افراد نامطوبی داشته اند، در این جلسه، بطور علی و در حضور دکتر بختیار مطرح کردم. این مسئله را در ملاقاتهم و در "خواست" بالو مطرح کرده بودم و صحت تغیرات را تأیید کرده بود. هفتم از طرح آنها در چنین اجتماعی این بود که حکم العمل او را مشاهده کنم و تجربه شخصی جدیدی پادست قورم.

دکتر بختیار، بر لیبرگ پدن ثابت کرد که "سینمات پاز" نیست، بلکه سینماستار لایق و شجاعی است که خانی را مت میتوان و ب اختصار کرد.

بختیار، در جریان اتفاقات ایران تنها ماند و مازوی شد. ولی بعدت حقیقت گوئی اش و نور انیوش و منش دولتمردانه اش، از ارزوا خارج شد و اختلاع عده کثیری از روشنگران و مردم را نسبت بخوشن جلب کرد. او از دست مارفت، ولی خاطره ای زنده نیست و راه و روش ای، ادامه خواهد یافت.

سخنرانی حسن ماسالی در سوگ

دکتر عبدالرحمن برومند (در پاریس)

با حضور دکتر بختیار

ابندا میتوخاهم مرگ نایب‌شام آقای دکتر عبدالرحمن برومند را به خانواده ایشان ، به همه مازریس راه آزادی و دمکراسی و از جمله به دوستان نهضت مقاومت ملی ایران و به آقای دکتر شاپور بختیار ، تسلیت بکویم .

من با نام دکتر برومند ، در ارتباط با میزرات جبهه ملی ایران ، قبل از وقوع انقلاب در ایران ، آشنای شده بودم . بس از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ : دویاره نام او نظرم را جلب کرد . زیرا : قبل از اینکه آخوندها قدرت سیاسی را کاملاً در دست بگیرند ، قبل از اینکه سیاری از مازریس و سازمانهای سیاسی ایران ، آینده تکری واقع بینانه ای درباره خطرات و عواقب "آخوندیسم " بعمل بیاورند ، دکتر برومند همگام با دکتر شاپور بختیار ، به همراهی تعداد قلیل از باران خود ، بدون ترس از تهدیت ، بی ناگانه جدایی دین از دولت را خواستار شدند و سخالت جدی خود را با دیگرانوی مذهبی اعلام کردند .

آخوندها که سوار بر سوچ احساسات بودم شده بودند . هر فرد و چندیانی که با آنها مخالفت می‌کرد ، طوفدار سلطنت و "خانواده پیلوی" معرفی می‌کردند . در چنین شرایطی ، درخواست صافر سرشناس و بدنهام رژیم سابق نیز کوشش کردند که با ابراز ارادت کاذب ، خودشان را به دکتر بختیار و میهن دوستان نزدیک کنند .

استبداد حملان سابق ، مجرمین و غارتکاران رژیم سابق که در ضمن آدمهای بی فرهنگی نیز هستند ، قصد داشتند از دکتر بختیار و سایر ملیون بهره برداری کرده و از خودشان احادة جنیت کنند و دویاره خودشان را به قدرت برسانند .

تظاهر به "نزدیکی" "شاه الله ای ها به نهضت مقاومت ملی ایران ، موجب گردید که سیاری از ما که فریفته شجاعت و دوراندیشی بختیار و دکتر برومند و پارانش شده بودیم ، نسبت به اصالت فکر ، آزادی خواهی و دمکراسی خلیلی این دوستان ، گاهی دچار تردید شویم . من با وجود ساخته هفتگاری و مازلائی طولانی و مشترک با این دوستان و با وجودنکه از اینجا نیز با رژیم آخوندی به مخالفت برخاسته بودم ، حاضر نمی شدم که با دکتر بختیار و دکتر برومند و سایر دوستان نهضت مقاومت ملی ایران گفت و شود سیاسی و همکاری داشته باشم و فقط به سلام و علیک عادی بسته گرده بودم .

اما ، رشته های ارتباط فکری ، سیاسی و انسانی گذشته ، بالاخره موجب گردیدن که از مقابله هدفیگر بستر بطلع شویم . تا جایی که یقین کردم : دکتر پختار ، دکتر برومند و صارین دیگر نیزت مقاومت ایران ^۱ ، نسبت به آزادی و دمکراسی و استقلال ایران ، سوختگاه و قادر باقی مانده اند .

از طرف دیگر ، تجربه های تلح و تبرین مبارزات مستمر گذشته ، به همه ما آموخته بود که افراد و جریانهای سیاسی پا فرهنگ ، همگز نمی توانند - حتی تاکتیکی - با یک جویان سیاسی بی فرهنگ و مند دمکراتیک هصوتی و همزیستی شوند .

بنابراین ، دکتر پختار و بارانی می بایستی حقوق خود را با کلیه تقاضای دیکتاتوری سابق ، شخص و جدا می کردند و خوبخانه ، امروز منظور خود را تحقق یافته می بینند .
به علت آگاهی از چنین تحولاتی ، مشتاق بدبار با رهبران و قواین ^۲ نیزت مقاومت علی ^۳ بودم و از جمله اقدام کرد که با دکتر برومند ملاقات و تبادل نظر مستمر بعمل آورم . ولی افسوس که در اینسازه غلت کردم و دشمنان ایران ، این فرصت را از من و سایر مبارزین سلب کردند تا بنوایم از نقیبات ایشان طولانی تر استفاده کنیم .

دکتر برومند در مقایسه با بارانی از رهبران سنتی جمهه علی ایران ، سرتناس نبود ، ولی او در شرایط بحرانی انقلاب ایران ، درست اندیشید و درست عمل کرد .
دکتر برومند ، با اینکه از رفاه عالی برخوردار بود ، محافظه کار بود . او بعای اینکه خانه نشین شود و تخم بائی و تالمیڈی پیشاند ، سوختگاه به مقاومت و مبارزة خود ادامه داد و دیگران را به مبارزة و مقاومت تشویق کرد .

ترابیط بحراشی که با آن روپیه بودیم بطور اساسی حارت بودند از :

- ۱ - ضمن اینکه اکثریت جریانهای سیاسی ایران چشم انداز روشنی برای آینده ایران تداشتند ، از نک نظری و فرقه گرانی دست بردار نبودند و تنها برای " دکتر ، راه و روش خود " حقائب قائل بودند . به عبارت دیگر : احترمت ما از فرهنگ سیاسی دمکراتیک برخوردار نبودیم .
- ۲ - پس از شکست و ناکامی در جریان انقلاب ایران ، افراد و جریانهای که از روی استبداد و آئی ، بیش از دیگران برای خود " حقایق مطلق " قائل بودند ، بیش از دیگران نیز دچار بحران شدند . مقوله که نه تنها تعادل روحی خود و نیز از دست دادند . به شارت دیگر ، از یک افراد به افراد دیگری افتدند . علامه آن : سیاست زدایی ، راست روی ، تسلیم طلبی و خانه نشینی بود .
- ۳ - استمار تزویر و اختناق و فشاری نسخه سیاسی ، راه گفت و شنود دمکراتیک را در ایران سد

کرده بود تا بتوانیه ازینها و بازنگری واقع بستانه ای از گذشته خود بصل آورم . لذا ، با پیشداوری و ناخشم و کبنه و سو ، غلن نشست به هصدیگر ، سالها بیرون شد .

در چنین شرایطی ، تعادل سیاسی و یوحی وا حفظ کرد ، با خونسردی به آینده تکریتن ، دنبال راه پایانی بودن ، با فروشنی انتساعات خود و دیگران را اینها می کردند « کار هر کس نیو ، در چنین شرایطی است که استقامت و پایداری چنین افرادی قابل ستایش است .

هم اکنون که راه آینده را از بی راهه تخبیعنی داده ایم و در شرایطی که زینه های اولیه شکل گیری ، اختلاف و اتحاد نیروهای ترقیخواه و ملی فواهی شده اند ، از دست دادن هر مجازی ، دردناک است ،

به عقیده من ، اشخاص و جریانهای سیاسی داروچ بیروزی و قدرت ، یا در تراویث شکست و ناکامی ، واقع بستانه نمی توان شناخت . در شرایط بحرانی است که شخصیت های واقعی تبلور پیدا می کنند و شخصیت های کاذب نمی شوند .

ما سکن آست در پایه ای موارد یا دکتر پهلوی و دکتر برومند و بیان آنها اختلاف داشته باشیم ، ولی باید انصاف داشت : آنها کسانی بودند که در شرایط بحرانی ، در راه هماهنگ حکومت مذهبی ، درست اندیشیدند و حتی در سینی بالا مثل جوانان بر شوری استقامت کردند .

چرا دکتر برومند را به قتل وسائدند ؟

ردّه آخوندی ایران تا کنون دهها هزار نفر را در ایران به قتل رسانده است و در خارج از کشور نیز عده ای از شخصیت ها و مجازین سیاسی را تجویز کرده اند تا موقعیت خود را به اصطلاح "تثیت" کنند . آیا این رژیم ، با تکارگرفتن چنین جنایاتی ، موقوفیت تثیت شده ، با پیشرفت متریال شده است ؟ بظالم ، ارتکاب این جنایات علامت نیوی و زوال این رژیم است .

رژیم شاه ، پهلوی اسیداد و دیکتاتوری ، تبور فکری و جسمانی مخالفین خود ، متلاشی شد . من عطمی هستم که آخوندها ، پرای اینکه پیش از رژیم سایق خلابت کرده اند و دیکتاتوری مذهبی را در همه ابعاد زندگی مردم مسترق داده اند ، به سرویست شوم تری دچار خواهند شد ، این رژیم مثل پودر و خاکستر خواهد آوردید .

دکتر برومند و سایر مجازی های که به دست رژیم آخوندی به قتل رسیده اند ، در حقیقت فربانی اندیشه ها و مجازات حق طلبانه خود شده اند . ولی سردمداران این رژیم باید بدانند که ما از

مرگ نمی هراسیم و تا نجات ایران از دیکتاتورها و عقب ماندگی ها ، مجازه خواهیم کرد .

دکتر برومند از افرادی بود که سیمانه هی کوشید تا اختلاف و اتحادی بین بروهمای ملی ، دفاترات و چپ آزاداندیش ایران صورت گیرد . رژیم آخوندی باید بدانند که با مرگ برومندها ،

قاستلوها و سایر افراد ترقیخواه و علی ، هدفهایی که آنها تعیین می نمودند : از بین نمی روید .
وزرا ، وزاری سرپرگی ها ، نا امنی ها ، معنقم گوارش و فرقه گوارش ها ، نه بانک و سیده و نز
ایران و در خارج از کشور ، جنت ازادیخواهانه و استقلال خلبانه بروگی با محتوای شنی فرهنگ
سیاسی دھراتیغ ، شکل خواص بگشت .
مخفی انداشت عا با ریشم و این گرا و قزوینیست ایران اینسته : عا بطور اساسی و بنیادی با نظام
ولایت قبه و با هر گونه دیكتاتوری ، سلطنهای خالقی و این ریشم پایه تغیر کند ، عا در اینجا
بیچنون بگوش و سازنی لخواصیه گردد .
نه اوای تسب آزادی و دمکراسی و استقلال ایران ، بیش از گذشته آمده استنامت و قدکاری
هستیم .
نه صنه شنیدن آزادی و دستیاری ، به همه صین دوستان بشارت عی دهم که بیوهای واقعی
آزادیخواه ، دمکرات و ملی : عینم کوچه اند که در صیر واحادی حرکت کنند و هیچ بروزی
لذتیوایند عا ز این راه بازداوه .

برگ بر ارتقای و دیكتاتوری ،
زنده باه ایران ،
دیوید بر آزادی .

متاسفانه مدتی طول نکشید که در آگوست ۱۹۹۱ دکتر شاپور بختیار نیز، توسط
عوامل رژیم خمینی به قتل رسید. در چنین شرایطی، اکثریت قریب به اتفاق یاران
دیرینه‌ام که با بختیاره‌مکاری می‌کردند، ازمن دعوت کردند که عضویت شورا
و هیات اجرایی "نهضت مقاومت ملی ایران" را بپذیرم و به سهم خود در تجدید
سازماندهی این تشکیلات شرکت کنم. به دیگر سخن می‌خواستیم که مبارزه علیه
رژیم متوقف نشود.

بر این باورم، دوستان دیرینه‌ام که به عنوان یاران و مشاوران بختیار در پاریس
اقامت داشته و با اوی همکاری می‌کردند، در حراست از جان برومند و بختیار،
بسیار غفلت کردند. آن‌ها حفاظت از جان بختیار را خوش خیالانه، به عهده‌ی پلیس
فرانسه گذاشتند. درحالیکه می‌بايستی گروه ویژه‌ای از مبارزین با سابقه‌ی سیاسی

که به فنون مبارزه و سازماندهی در شرایط ترور و اختناق، آشنایی داشته، این وظایف را برعهده، می‌گرفتند. در جریان دادگاه و محکمه توریست‌ها و قاتلان وابسته به رژیم، آشکارشده که دولت فرانسه خواستار گسترش روابط اقتصادی و سیاسی، با رژیم خمینی است. از این رو از حضور و گسترش فعالیت‌های دکتر بختیار در فرانسه، چندان خشنود نبود. به احتمال زیاد، پیش‌پیش از طرح ترور بختیار، اطلاع داشتند اما به عمد چشمان خود را بسته، تا راه را برای نفوذ عوامل رژیم باز بگذارند!



آرامگاه دکتر شاپور بختیار در پاریس

تلاش برای مقابله با سیاست ترور و اختناق رژیم در خارج از کشور
رژیم خمینی موفق شده بود نه تنها سیطره شوم خود را در داخل کشور
استحکام بخشد بلکه سیاست تروریستی خود را به خارج از کشور گسترش داده بود
و ترور دکتر عبدالرحمان برومند، دکتر شاپور بختیار، دکتر عبدالرحمان قاسملو، دکتر
سعید شرفکندي و ياران مبارز ديگر نمونه هاي از اين سیاست رژیم بود. به همين
علت به سهم خود در صدد برآمدم که با قبول مسئوليت در نهضت مقاومت ملي
ایران، با برگزاری چندين سمينار در ارتباط با جنبش چپ، تماس با شخصیت های
سیاسی گوناگون در داخل و خارج از کشور، همچنین برگزاری "کنفرانس ملي" به
منظور شکلگیری جنبش سکولار - دموکراسی و تلاش برای اتحاد و ائتلاف نیروهای
مزبور به مبارزه و مقاومت خود در خارج از کشور ادامه دهم. به همين دليل،
نظریاتم را برای تجدید سازماندهی نهضت به طور کتبی ارائه و قبول مسئوليت در
درون تشکيلات را، مشروط به پذيرش طرحها و پيشنهادات ارائه شده، كردم که در
اینجا اسناد مربوطه انتشار مي يابد.

دوستان عزيز هيأت اجرائي ، درود فراوان به شما.

نظريات خودم را بمنظور تشریح مواضع نهضت، ارائه ميدهم و پيشنهاد مى كنم
مجموعه نظريات را رفيق ما «همایون بهمنش» جمع آوري کرده و بوسيله دوستان
بطور نهايی انشا کرده، برای جلسه سالگرد قتل بختیار اعلام گردد تا با ابتکار سیاسی
جدیدی وارد صحنه شويم.

دوستدار-حسن ماسالی

تشریح برخی موضع سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

مطلوب پیش رو، حاوی نکاتی است که نگارنده قبل از پذیرش مسئولیت در کادر رهبری "نهضت مقاومت ملی ایران" به شورای عالی نهضت ارائه دادم و قبول مسئولیت را مشروط به پذیرش دیدگاهها و پیشنهاداتم نمودم.

در حالیکه میهن ما زیر شلاق دیکتاتوری مذهبی، سیاه ترین دوران تاریخ خود را طی می کرد و روند فروپاشی مناسبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و انسانی در جامعه، ابعاد گستردگی ای یافته بودند، نهضت مقاومت ملی ایران به رهبری شادروان دکتر شاپور بختیار، به خواسته های اساسی مردم و مسائل حیاتی جامعه ایران توجه نمود و استراتژی مبارزاتی خود را بر اساس موازین سیاسی و مبانی فکری زیر اعلام نمود:

۱- اعتقاد به حاکمیت ملی و قوامیت ارضی کشور

۲- احترام به مبانی آزادی اندیشه، قلم، اجتماعات و سایر آزادی های فردی و گروهی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳- اعتقاد به نظام سیاسی عرفی (لائیک) و پشتیبانی از کنفرانس گرایی (پلورالیسم) فکری و سیاسی در ایران

۴- اعتقاد به عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار تهمیدست جامعه

۵- تامین حقوق دموکراتیک زنان، گروههای مذهبی، زبانی و اقوام مختلف ایران که بوسیله دولت مرکزی و نیروهای ارتجاعی پایمال می شوند.

رهبر فقید نهضت مقاومت ملی ایران با قاطعیت اعلام کرده بود که : راه تحقق خواسته های مردم، انجام انتخابات آزاد با نظارت نیروهای دموکرات داخلی و بین المللی، می باشد. و تاکید می کرد که مردم ایران باید فرصت یابند در محیطی کاملا آرام و آزاد، با تشکیل «مجلس موسسان» درباره هی شکل و محتوای نظام سیاسی آینده ایران، نظر خود را ابراز دارند و تصمیم گیری کنند.

شادروان دکتر بختیار، همه افراد و گروههای سیاسی را تشویق می‌کرد که به جای هتاكی و رفتار خشونت آمیز علیه همدیگر، بکوشند محیط سالم و دموکراتیکی برای گفت و شنود و تبادل نظر فراهم کنند تا زمینه اتحاد عمل و ائتلاف نیروهای دموکرات برای نجات ایران و مردم میهن ما، فراهم شود.

نهضت مقاومت ملی ایران با از دست دادن رهبرانی چون دکتر شاپور بختیار و دکتر عبدالرحمن برومند، مواجه با مشکلات عدیده ای شد. ما مجبور بودیم از یک طرف با توطئه‌ها و دشمنی آشکار جمهوری اسلامی ایران مقابله کنیم و از طرف دیگر علیه عناصر فرصت طلبی که برای تامین منافع شخصی و خودخواهی‌های فردی، به درون نهضت رخنه کرده بودند، به مقابله برخیزیم.

هیات اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران اعلام می‌کند که هم اکنون موفق شده ایم به بسیاری از مشکلات غلبه کنیم و مناسبات سیاسی و تشکیلاتی را برای ادامه مبارزه، با زسازی کنیم و روابط خود را با نیروهای ملی و دموکرات داخل و خارج از کشور، برای تحقق برنامه‌های استراتژیک گسترش دهیم.

ما مصمم هستیم که ضمن تشریح برخی مواضع سیاسی و دقیق تر کردن برنامه‌های مبارزاتی و اصول اعتقاداتی خود، در مسیر مبارزاتی متحول تری گام برداریم.

از دیدگاه نهضت مقاومت ملی ایران:

- مفهوم «حاکمیت ملی ایران» شکل گیری نظام سیاسی و اجتماعی است که در آن، هیئت حاکمه و دولت، از طریق انتخابات آزاد و طبق قوانینی که توسط مجلس قانونگذاری وضع می‌شود، قدرت سیاسی را در اختیار بگیرد. «حکومت ملی» باید متکی به رای و اراده قاطبه مردم ایران باشد و از حقوق و منافع مردم سراسر کشور، بدون هیچگونه تبعیضی دفاع کند.

- در «حکومت ملی» اعتقاد به مبانی فرهنگ‌های کهن‌سال ایرانی به عنوان یک

سرچشمه فیاض برای احراز هویت مستقل، در جامعه ملل و همچنین بعنوان زیربنای فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌گردد.

-«حکومت ملی»، از قشر، طبقه، حزب، مذهب و یا ایدئولوژی خاصی طرفداری نمی‌کند، بلکه از حکومت قانون و کثرت گرایی (پلورالیسم) جانبداری می‌کند.

"حکومت ملی"، وظیفه دارد که با قیام قوا از قمامیت ارضی کشور حراست کند. به اعتقاد ما، حکومتی که قادر به تامین استقلال و قمامیت ارضی کشور ایران نباشد، خصلت «ملی» ندارد.

به اعتقاد ما، «حکومت ملی» باید خصلت دموکراتیک داشته باشد. حکومتی که به آزادی و دموکراسی پایبند نباشد، نمی‌تواند خصلت «ملی» داشته باشد.

-احترام به مبانی آزادی اندیشه، قلم، اجتماعات و سایر آزادیهای فردی و گروهی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، مبانی اولیه حرکت و برنامه سیاسی یک دولت ملی و دموکرات می‌باشد.

-نهضت مقاومت ملی ایران اعتقاد دارد که با فروپاشی «اردوگاه سوسیالیستی» قطب بندي جدیدی در سطح جهانی و از جمله در بین نیروهای سیاسی داخلی بوجود آمده است. نیروی «چپ» ایران ناگزیر است که در چارچوب ملی فعالیت کند ولذا حرکت سیاسی جدید «چپ»، آنرا در صف نیروهای «ملی» قرار می‌دهد. جایگاه «چپ دموکرات» در قدرت سیاسی آینده ایران، به منظور تکیه بر عدالت اجتماعی باید محفوظ بماند.

-با فروپاشی نظام سلطنتی در ایران، نیروهای طرفدار آن به دو بخش عمدۀ تجزیه شده‌اند. بخشی از آن که در ترور و اختناق و غارت بیت‌المال شرکت نداشته‌اند، و از نظر فلسفی و سیاسی از نظام مشروطه پادشاهی طرفداری می‌کنند، جز نیروهای «ملی» محسوب می‌شوند و تفاوت دیدگاهها از نظر «شکل» نظام نمی‌تواند موجب گردد که از صفوف نیروهای ملی و دموکرات حذف گردد.

-نهضت مقاومت ملی ایران اعتقاد دارد که با توجه به تحولاتی که در ایران و جهان روی داده است، مردم ایران مطالبات و خواستهای جدیدی دارند که نظام آینده ایران باید آنها را مد نظر داشته باشد. ارزش‌های انسانی، مفهوم دموکراسی و آزادی «پیشرفت و ترقی»، را نمی‌توانیم با معیار و روش‌های (سنتی) بسنجیم و تحقق بخشیم.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که از اقوام و مذاهب مختلف و فرهنگ متنوعی تشکیل شده است. در گذشته، حکومت مرکزی با متعدد کردن همه‌ی قوای سیاسی، اداری، اقتصادی و نظامی در دست خود، به سرکوب قاطبه مردم مشغول بوده و از مشارکت مردم ایران در امور خود ممانعت بعمل می‌آورده است. بنابراین، عقیده داریم که «آلترناتیو ملی و دموکراتیک» مطلوب ما، باید پس از کسب قدرت سیاسی، بلادرنگ:

الف - نظام فاسد اداری و دستگاه متمرکز دیوانسالاری را که عامل بازدارنده بزرگی در راه استقرار دموکراسی و مشارکت مردم در امور کشور می‌باشد، بطور بنیادی تغییر دهد و بصورت نیروی هماهنگ کننده اداری، منظور تامین حقوق دموکراتیک مردم درآورد.

ب - دولت مرکزی باید «دسانترالیزه» شود. نباید در انحصار گروه سیاسی و ایدئولوژی خاصی درآید. باید از ائتلاف نیروهای مختلف ملی و دموکرات تشکیل گردد تا مناسبات دموکراتیک حتی در رأس قدرت باجرا درآید.

ج - دولت مرکزی باید نقش هماهنگ کننده امور در سراسر کشور را بر عهده بگیرد و نقش کلیدی در برنامه ریزی‌های اقتصادی مالی، پولی، سیاست خارجی و تشکیل ارتش ملی بر عهده بگیرد.

د - دولت ائتلافی باید شرایطی فراهم کند که در محیطی دموکراتیک، مردم آزادانه نهادهای سیاسی و اجتماعی مطلوب خود را تشکیل دهند و بطور مستقیم

و یا از طریق نهادهای منتخب خود در تعیین سیاست کشور دخالت کنند.

تعیین سیاست محلی و منطقه‌ای و برنامه ریزی اداری و رفاهی، با تشکیل مجلس ملی و منطقه‌ای، با رعایت قوانین و مقررات ملی و سراسری، به اجرا در آیند.

۵- دولت مرکزی و نهادهای محلی و منطقه‌ای وظیفه دارند از فرهنگ و زبان اقوام مختلف ایران حراست کنند و در اعتلای آن بکوشند.

به اعتقاد نهضت مقاومت ملی ایران، استقرار نظام سیاسی عرفی (لائیک)، بدون چون و چرا باید تحقق یابد. جدایی دین از دولت موجب می‌گردد که باورهای مذهبی مردم محترم شمرده شود.

دولت مرکزی وظیفه دارد همه مذاهب را به رسمیت بشناسد تا در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار شوند.

-نهضت مقاومت ملی ایران، اعتقاد دارد که «آلترناتیو ملی دموکراتیک» در ایران، وظیفه دارد به عدالت اجتماعی در ایران تکیه کند، زیرا اکثریت بزرگی از مردم جامعه‌ء ما در فقر و تهدیستی وعقب ماندگی اجتماعی و فرهنگی بسر می‌برند. جبران و اپسکرایی و فراهم کردن رفاه عمومی از طریق رفرمها ببنیادی امکانپذیر خواهند بود.

-با توجه به تجارب به دست آمده در ایران و جهان، خصوصاً در کشورهای صنعتی پیشرفته، وظیفه داریم که از صنعت و تکنولوژی برای جبران عقب ماندگی استفاده کنیم ولی باید هشیار باشیم که انسان‌ها و محیط زیست را فدای بهره برداری اقتصادی نکنیم. برنامه ریزی کشور باید طوری طراحی شوند که انسان، طبیعت و اقتصاد را وحدت بخشد.

-نهضت مقاومت ملی ایران، بعلت خصلت و ترکیب نیروهای اجتماعی درون خود، وظیفه دارد که دموکراسی و آزاداندیشی را درون تشکیلات خود گسترش دهد.

گرایش‌های فکری مختلفی که در درون نهضت مقاومت ملی ایران در مسیر شکل گیری و ایجاد «آلترناتیو ملی و دموکراتیک» در ایران گام بر می‌دارند، از حقوق دموکراتیک مساوی برخوردار خواهند بود. اتحاد عمل و ائتلاف سیاسی جریان‌های فکری مختلف در درون نهضت، راه را برای جریان‌های «چپ»، «مشروطه‌خواه» یا «جمهوری‌خواه» در درون نهضت مقاومت ملی ایران هموار خواهد کرد تا بتوانند درباره اندیشه خود تبلیغ کنند و در صورت ضرورت، درباره شکل نظام مورد علاقه خود، در آینده تصمیم گیری به عمل آورند.

- برای نهضت مقاومت ملی ایران، انجام انتخابات آزاد و تشکیل «مجلس مؤسسان» احترام به اصول دموکراسی تلقی می‌شود.

هفتم اوت ۱۹۹۳

حسن ماسالی

اصل اسناد ارسال شده در زیر می‌آید.

四

شہقت بقا وست ملی ایران " جیسے وچہ سخواہدہ؟

تعریف کرد: «**ملوک ایران**» شروعهای هشتاد که دریا مداری آزادست آوردهای علی چشم مشرطه طبیعی و سبقت ملی ایران کوتوله بوده است و از این لحاظ کار و نساج «سیا می و هویت ملخی» دارد و نه تنها من شیروهای «فر تاریخ چهل ساله» اخیر ایران، نشان «بیرونیان مصدق» معرفه سوده و دیگرها خنثی خدیده است اما سارکوبی نیز نظام ملخیان را در ایران، شرکهای فردی و ای سعادت خلیل سای شان خبرهای شدید پنهانی از اینها، سیاسته بر روزهای دیگران می خواهیست ملی قدم را متصدی و هرگز ایجاد نکرنا خوبی می باشد و دکتر اشک فکه ایستی می کنند، این افراد و مخالفان گوشی می کنند تا مشکلات سیاسی مطلوب خود را پیوچند خودسا و ورنده و پادشاهیانشان را علی موجود، فعا ملت کنند،

صیخین، مادرهای خوشی «اووهگاه» بیویوم سیاستی «سیاستی»، شنی از هر چهار سهی «سب» شنی، تکنوریهای: «اردوکاه» موسی ایستی، «آندرهانویونا لیسم برورشی، «دنکستانا تروی بروولنارا» و «نظام سایس مارکیزی» و ای راه کرد، مهد ماسک، بلودر ماسک، و حاکمیت ملی عین و حاکمیت ملی عین عقداً پیدا کرده، ایند ای دورتخت پیش مبارزه ای است که همیست «علی» سکب می کنند

-۲-

سازمان ، سلطنت‌خواهی که در صفات نیروهای سیاسی ایران و چنان روز داده است ، مفهوم "ملی" شعرچگانع تری گستین گند و نیروهای وسیع شری را شامل می‌گردد .
"نهیت معاویت ملی ایران" سهم خود گوشتی گند که همه نیروهای ملی - دیکتات ایران
بر اساس برداشت سیاسی مشترکی منعقد شوند و مشترکا ماستیم و مستقل کردن برموده مرا مرکشور ،
نه تنها نظام را بگردای موجود را از مان مزد آورده ، بلکه مشترکا فرواه سازندگی گلور و
ایجاد چشمای سازنای دیگرانشگی بگویند .

دوستان گرامی :
علی شاگردی
من نفیسی

این مطلب و سایر نظر در "قیام ایران" عی قریبت . برای صحبت انتشاری و عضی شرکت‌کنن
مشترک این اقدامی مکنید مردمی ندارد . در ضمن امراء ندارم که حتی به اسم عن انتشار
پاشه ، بلکه اعتقاد دارم موهم چینی موافعی از پلر امراء خارج از نهیت و سایر
مسماوی از آنها نیفعت مروی نشد . هر نوع تسمیی گرفتاری مرا مطمئن نماید .

بادرودنرا وان - من ماسالی

رسا فبر ۱۹۹۵

ترجم بولنی مسائل سیاسی برای بحث و تضمیم کهیز
درجلسه: تواریخ سیاست عناوین ملی ایران

تحولات گه در محنت بین اسلیل روی ماده است و تضمیم روم آنچه‌ای بیرون حاشیه ۲ بران و خواستی که هر لحظه ممکن است دران روی دهد، ارگانها رهبری شهبت مقاومت ملی ایران را ملزم می‌کند که بساز قدران نادروان دکترها بوریخسار، نه شدناستی به شکل‌بالت سistem، دمکراتیک و هما همگ باشد، بلکه درباره "سائل اساسی زمزه، آدمیتی کند، طرح و برنامه" شخصی ارادت دهد.

و اشتبه اینستک بلکلی فکری و سیاسی درآخون مخالف آبروییون (بران، باختر پیار، انتقال گرد، از سرخوره فعال، منطق سبب سائل اساسی چامه ایران بازداشت است، اگر راه حل مطلوبی شادیم، حداقل کوشش گیری نیز برای طرح این سائل که هارا "بیرون" گردد است، سعی کنیم.

منظور من، درباره بیان این سائل کلی میوش کرده‌ایم و باع جدید سوالات را آنکه اینها با محدودگاهه شهوقی اند اتفاق اید و در شیخجه، در مخالف آبروییون ایران، در آنکه غصمه موده، اینها مانند شاگردانه ایم که ناخواهی شوسم مانند اکانت محدود خود، بیرون از قدر، موافق خود را توجه گئیم و ما ومه دعس که "در" پسند، سوادک، ۰۰۰، روشن خواهد شد، سیستم استقرار جنین و دشی موجب سلط اعتماد بروم از نهضت مقاومت ملی ایران خواهد شد،

ا- تذا سیر عملی که باید برای برگزاری، رژیم جمهوری اسلامی انجام شود گذاشده؟

الف- امکان فنا لیت مستقل سادران زمینه خود را توجه انداده از امکانات و قریبتهای خودیه درست اینستاده که برایم، طرح و برنامه عمل مستقل مادرداخ و خارج از کشور جسته و از این سایر مراقبهای ملی و دمکرات‌دورداخ و خارج از کشور

ب- برای اعتماد عمل و اشلاق ماسایر سیروهای ملی و دمکرات‌دورداخ و خارج از کشور طرح واقع میتواندی دارم با برخس روزی‌دانهای سیاسی، عکس العمل نشان می‌دهم؟ امداد، مخالف و مازمانهایش که با این سطور "ا- لوبت" دارم اکماست و چرا؟

ا- نهضت مقاومت ملی ایران در زمان حیات دکتر ظایور بختیار با رضا پیشوی او تصادداشت و حتی در آنکه عموی اینطورا سنباط شد، بود که "نهضت" "مترونه خواه" می‌ساخت، در این حیات نادران دکترها بوریخسار و پس از آن شعبیر و تحولاتی در این مناسابات حاصل شد و مرزمندی و صفا آرایی جدیدی در جال تکلیف‌گوین سوادند، ولی این مرزمندی‌ها دقیقاً شعری و ترسیم شدند، تکلیف‌گوین اتفاق و انتقام سازیا بیلیوی و عوادیان او مشتمی شدند، اما نهضت و اگر از عموی را آگاه شکرده‌ایم که در کجا فرار از رسم هرگز نفیسر خود را از این مدد و بروخی دریا و رگشته خودی‌سرم می‌بونم، سیستم اینستاده اینکه اینکجا باید جنسیت برداشیم و ایندا مادرداخ بیلیوی روش مازیم که سکات سوره توافق و احتلال می‌چشم می‌دریاره، هوا دران او که طبقه‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند بوضع خود را روشن مازیم، ندانیم وه بختی از این می‌توانند در نهضت مستکل شون و جرا؟ معا رهائی که درباره "حکم‌گران ملی" دمکراتی... داریم در این سایه سیاست‌گزین و هریان سیاسی توافق داریم و جرا نداریم، آیا "مترونه خواهان دمکرات" مثل "جیزو رخواهان دمکرات" می‌شوند خوب نهضت باشند یا نه؟ سیار غلوت چکوت است، می‌سایت‌جگوه تعریف می‌شوند، وجود مندرج فکری و سیاسی ریزشی کندند، و درینها بخطی که مجلس بوسان بمنظور تعین تکلیف نظام

آینده ایران تشکیل گردد ، "سازمان دمکراتیک" سروطه خواهان و جمهورخواهان درون هیئت چگونه خواهد بود؟
میهم کذا نشن این مناسات رعایت ساختن اذهان عمومی به بود حبشه ملی دمکراتیک
و به بود هیئت مقاومت ملی ایران ، نیست .
سیم خود گوشل گردیدم که برخی از این نکات را صورت موادی در پیشنهای اساسنا مه
عده دید ، پیشنهاد کنم .

۳- مادرساره، استقرار حاکمیت ملی زینا، جامعه‌ی سازمان دمکراتیک و ... محبت کرده‌ایم .

بنظر من ، در آینده تنی شوایم تهبا با انتکا به برخی الماظو مقوله‌های سیاسی که
قابل تفسیر جدیگاه هستند ، غلط است .
آیا وجود گروههای مذهبی ، زمانی و اقتصادی قومی گوایان در پرسنی ایران را انتکار می‌کنیم ؟ آیا کنکهای خوین دولت مرکزی علیه برخی ازین اقوام را اسکاری کنیم ؟
اگر انتکار تنی کنیم ، بدون اینکه وارد بحث‌های فلسفی توبی و خواهیم از مذاہم "ایدئولوژیک" استفاده کنیم : راه حل عملی سیاسی ما برای رفع ضمیم از گروههای مرسور جمیعت از طریق مابرازی نظام سیاسی غیرمتکر (سازی ، اداری و اقتصادی) در ایران چگونه است ؟

بنظر من ، اگر جمیعت انداز سیاسی روشنی در اینباره داشته باشیم ، باید از خطر "تجربه" ایران بترسم !

ما حق شدایم بجهانه "حظ" وحدت " به چماق سرکوب متوسل شویم . این راه را رزیم شاه و خمینی بهموده‌اند جون به دمکراسی پایبند نبودند ، گسترش دمکراسی ، تنها راه حفظ وحدت ویکی ایران می‌باید ، در صورت تحقق دمکراسی و رفاه اجتماعی ... هرفرد و چرباگان کرد .

ما مثل سازمان معاهدین خلق ایران ، فقط منتظر بافتون " متحدا کتبکی " بطور کنگ و میهم شاید مثلا درساره " خودمعتاری در کردستان " نظر بدیم ، بلکه باید با چشم اندار روشنی در اینجا سیاست را مفهم گسترش دمکراسی ، برای سازمان ایران وکل جامعه طرح داشته باشیم .

۴- نا مدعی هستیم که سخواهیم در ایران که قریباً دیکتاتوری در آن حاکم بوده ، دمکراسی و آزادی را حاکم کنیم .
درجا مدعی که عذرآواری و تکلیف طبقاتی ازشد و تکامل کافی برخوردار نبوده ، درجا مدعی که از نظام حزبی و سازمان یافتنی نیازهای اجتماعی آثاری ماقنی نیست ، و "نفرت متفاصل اجتماعی " دربرابر قدرت مرکزی ، تکلیف گرفته نا از دمکراسی خواستکنند و فرهنگ سیاسی دمکراسیک استوار باشد ، چگونه سخواهیم آزادی و دمکراسی را مستقر ساریم ؟ آیا سخواهیم فقط به " نیم " موقت آزادی و دمکراسی دلخواه باشیم ؟
آیا سخواهیم مردم را دعوت کنیم که به " حس نیست " ماء پیشتر از دیگر مدعیان باور گشته ، با اینکه جمن آمر مهیم را سخواهیم طور جدی به بختی افکار عمومی مگذاریم ، پایلخواه و پرستاد مدعی سرای حل این مشکل داریم ؟

بنظرم ، نازمانیکه مردم خجال بیدانکرده اند تهادها و سازمانهای سیاسی و اجتماعی خود را در بیان و در همه ابعاد جامعه نازماندهی کنند و سامنه بخندند ، دمکراسی در معرفی خطر جدی فرار خواهد گرفت .

شورای امنیت عودهم چنین فهم می‌نمایی " تئوفی لمکراتیک " سایه ساده بروان

قدرت، تیرای سلطانی فراهم شود.

شورای طلوب موقعي بدمستی آبده که بخان " اصحاب قدرت سیاسی " بدمست مک گروه،

" تئیم قدرت " و شاکت قدرت (درجیش [چو می] در هیئت حاکم صورت بکریه، لذا

" هیات انتخابی " ناشنا بمعنی تو سرکاری روزم چهارمی اسلامی، بلکه شورای پیواران نعم

سایه تعطیل شود.

دریک ما از " هیات انتخابی " یاده این یاده که از پکلف متعد، " هیات انتخابی " عدهن

زوجه منتشر شکری و پیشنهاد سایه قدرت کشید، واژه‌های دیگر، شفاه، سطارت و گسترش

منظال را دوران از قدرت بطرز " مکاری میکنند " شنیدیم. بسا ده تبرون چنین فرهنگ می‌نمایی،

موجب می‌گویند که این هیات و همانکو خود را می‌دانند جامعه انتخابی ریاست و " سرمش " فراز گشیده،

و همچنین طی روضه‌ی ، شه سطور فرمائی پل سرمه‌بآکاهی، و تباذه‌ی سایه و اپتمانی، عدوه

خود را سارمه‌دهی کنند و حاصله " تئیم " و ازهم کنسته، سطوف چا عدهنی سازمان -

ساخته (نه سراسر خانه‌شی) و با همیستگی اجتنابی، تکل و معاونه باد.

چنین روضه‌ی موجب می‌گویند که تحویل سایه و اجتنابی به بحورت شود گشتری و پیش شویشی :

بلکه سا حرکت منظالی، سکون و منفادل پیش برود.

ما که از " اصحاب قدرت " بدمست کروه خانی گیریان هستیم، باید ازهم اکنون " انتخابی "

مطلوب خودمان را تحلیل کنیم و شرای دکل گشی چنین فرهنگ سایه می‌علیمات کشیم و

با ران مطلوب خود را در این ریاست جنگی کنیم، گفت و می‌خود سایه ازمان را تهدید آغاز

کنیم .

در حاتمه می‌خواستم با اور شوم : اگر در میاره این مسائل با عوایدیگر، را، سطوحی

شدا و سیم، حداقل مسائلی را که باید به آنها باس بدهیم، سطهر درستی مطرح کنیم

و باغریستنی از همه: بحالی در میانها بروی و اتفاقاً تمیزی دعوت کنیم که به دست ای

راه حل مطلوب استیم باین نقد و پرسی مسائل مفروحة، عربده را متوجه جای گرفتن

مسائل می‌کنیم و نقاوت نگران خود را افزایش کنیم را بسیار بین و در معرفتی قضاوت می‌کنیم.

دیستادار - حسن عالی

عضویت مشروط در نهضت مقاومت ملی ایران

اکثریت اعضای شورای نهضت مقاومت ملی ایران، با توجه به ضرباتی که
با ازدست دادن برومند و بختیار به تشکیلات نهضت مقاومت ملی وارد شده
بود، با پیشنهاداتم موافقت کردند. همچنین حوادث نا مطلوبی که در ارتباط با
تشکیلات نظامی نهضت در داخل کشور روی داده بود؛ و رفتارهای فرصت طلبانه
و تخریبگرانهای که برخی عناصر به عمل آورده بودند، روند پذیرش پیشنهادات را
تسريع کرد. افزون بر آن، به عنوان عضو شورا و هیات اجرایی انتخاب گشتم. مدتها
نیز به عنوان مسئول امور بین‌المللی و نشریه‌ی " قیام ایران " ارگان نهضت مقاومت
ملی ایران، برگزیده شدم.

در زمانی که مسئولیت امور بین‌المللی نهضت مقاومت ملی ایران را بر عهده

گرفته بودم، حادثه‌ی تاریخی مهمی روی داد. اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل و یاسر عرفات رهبر جنبش آزادیبخش فلسطین با همدیگر به توافق رسیده و پیمان صلح امضا کردند. بر اساس وظیفه‌ی سیاسی که بر عهده داشتم از طرف نهضت مقاومت ملی ایران، در تاریخ سیزده سپتامبر ۱۹۹۳ به هردو طرف تلگرام و نامه نوشتم و این اقدام شجاعانه‌ی سیاسی- تاریخی را تبریک گفتم. سپس از طرف دفتر اسحاق رابین به نامه‌ام پاسخ دادند.



His Excellency Yitzhak Rabin

Prime Minister of the State of Israel

September 13, 1993

Your Excellency:

On behalf of our members, as well as all democratic and peace-loving Iranians—who due to the present circumstances in our country, and the adoption of the most unsuitable and irresponsible political approach by the current regime, are unable to express their true feelings—the National Movement of Iranian Resistance (NAMR), would like to congratulate the historic event of signing the agreement between the State of Israel and the Palestine Liberation Organization.

This historic accord will put an end to a volatile and explosive situation, which has been threatening the future of the two people, as well as the peace and stability of the area and the whole world. This agreement represents the beginning of a new era, and paves the way for the ultimate solution to the existing problems and realization of the aspirations of the two people and thereby return of peace and stability to one of the most important and sensitive parts of the world.

Your Excellency:

The efforts by you for bringing about this historic accord, and thereby opening a new chapter in the history of the Middle East, illustrates the fact that no matter how deep and complicated the differences are, there will be always solutions for, as long as nations enjoy the privilege of having men of vision and courage as leaders.

For the National Movement of Iranian Resistance, this extraordinary event brings back the memory of our late leader and founder of the movement Mr. Shapour Bakhtiar. A man of vision, who throughout his political life and besides his campaign for restoration of democracy in Iran, was always a firm believer in and an advocate for the right of the Israeli nation to live within secured and recognized borders, and the right of the Palestinians to have their home and the right to self-determination. Unfortunately he is no longer among us to share the

worldwide satisfaction and delight as a result of this remarkable development.

Wishing peace,happiness and prosperity for Israeli and Palestinian people.

The National Movement of Iranian Resistance

On behalf of the Executive Committee
Hassan Massali
Secretary for International Relations

من انگلیسی نامه به اسحاق رابین

His Excellency Yasser Arafat

Chairman of the Palestine Liberation Organization

September 13, 1993

Your Excellency:

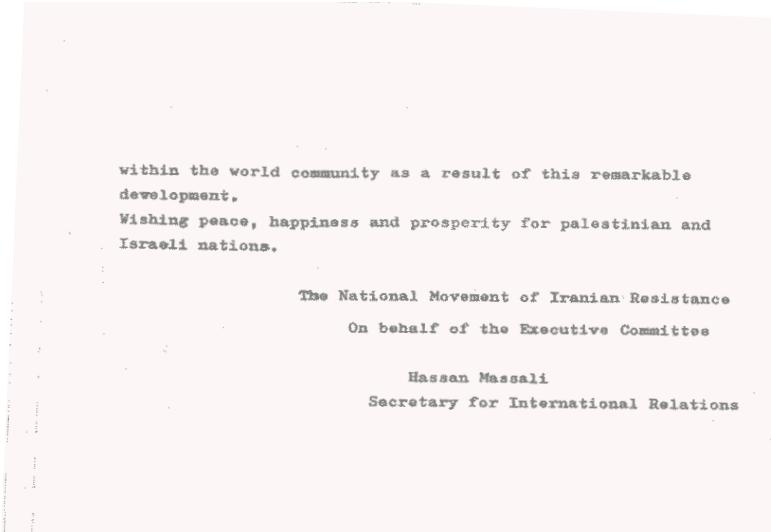
On behalf of our members, as well as all democratic and peace-loving Iranians—who due to the present circumstances in our country, and the adoption of the most unsuitable and irresponsible political approach by the current regime, are unable to express their true feelings—the National Movement of Iranian Resistance (NAMIH) would like to congratulate the historic event of signing the agreement between the Palestine Liberation Organization and Israel.

This historic accord will put an end to a volatile and explosive situation, which has been threatening the future of the two people, as well as the peace and stability of the area and the whole world. The agreement represents the beginning of a new era, and paves the way for the ultimate solution to the existing problems and realization of the aspirations of the two nations and thereby return of peace and stability to one of the most important and sensitive parts of the world.

Your Excellency:

The efforts made by you for bringing about this historic accord, and thereby opening a new chapter in the history of the Middle East, illustrates the fact that no matter how deep and complicated the differences are, there will be always solutions for, as long as nations enjoy the privilege of having men of vision and courage as leaders.

For the National Movement of Iranian Resistance, this extraordinary event brings back the memory of our late leader and founder of the movement Dr. Shapour Bakhtiar. A man of vision who throughout his political life and besides his campaign for restoration of democracy in Iran, was always a firm believer in, and advocate for right of the Palestinians to have their country and the right to self-determination, and for the Israelis the right to live within secured and recognized borders. Unfortunately he is no longer among us, the satisfaction and delight to share



متن انگلیسی نامه به یاسر عرفات

Prime Minister's Bureau

רשות ראש הממשלה

ראש מטה רשות ראש הממשלה
Head of the Prime Minister's Bureau

September 29, 1993
GZ.100

Mr. Hassan Massali
National Movement of Iranian Resistance
2 Place Jean Giraudoux
94000 Créteil
France

Dear Mr. Massali,

On behalf of the Prime Minister, Mr. Yitzhak Rabin, thank you for your Fax of September 13, 1993. Your message of support for the Declaration of Principles and the Agreement of Mutual Recognition signed between Israel and the Palestinians is truly appreciated.

Israel has taken considerable risks upon itself in order to create an opportunity for peace and to put an end to violence and war. It is our wish to open a new chapter in the history of the Middle East - a chapter of mutual recognition, of good neighborliness, of mutual respect, and of understanding. We hope we have begun a new era in relations between peoples everywhere.

From Jerusalem, the eternal capital of Israel and the Jewish people, and in the language of the Bible: "Peace, peace to him who is afar and to him who is near."

Sincerely yours,


Etan Haber

پاسخ دفتر اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل به نامه‌ام

متاسفانه اسحاق رابین، به وسیله‌ی یک اسرائیلی متخصص و ارجاعی، ترور شد.

پس از مدتی، رئیس "کمیسیون روابط خارجی- مربوط به امور ایران" اسرائیل، با من قmas گرفت و درخواست کرد که با آنان دیدار داشته باشم. به اتفاق دو نفر از اعضای شورای عالی نهضت مقاومت ملی ایران که یکی از اعضای مزبور، از دیپلمات‌های سابق ایران و فردی آزاداندیش بود، به طور رسمی به "تل آویو" سفر کردیم.

همچنین قصد داشتم که به طور رسمی با یاسر عرفات (ابوعمار)، دیداری داشته باشیم. ناگفته نماند که نگارنده از قبل با یاسر عرفات آشنایی و دوستی داشتم. ما چند بار با مقامات عالیتریه از جمله رئیس جمهور اسرائیل که یک فرد ایرانی‌الاصل بود دیدار داشتم و از پیمان صلح بین اعراب و اسرائیل پشتیبانی کردیم، اما پس از مدت کوتاهی رابطه خود را با آنان قطع کردیم زیرا حزب «لیکود» و شخص نتانیاهو، برخلاف اسحاق رابین در صدد برآمدند که سیاست ارجاعی و ضدفلسطینی را تعقیب کنند.

کوشش برای بازسازی جنبش سکولار – دموکراسی و استمرار مبارزه علیه رژیم

صادقانه بگوییم کوشش من براین بود که پس از ترور دکتر شاپور بختیار، دکتر عبدالرحمن برومند، دکتر عبدالرحمن قاسملو و دکتر صادق شرفکندي و یاران مبارز آن‌ها، اجازه ندهیم که جنبش سیاسی- مدنی مردم ایران رو به خاموشی گراید. بر این اساس همانطور که قبلاً اشاره شد، در صدد برآمدم که با شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی داخل و خارج از کشور قmas برقرار کنم تا مشترکاً در راه بازسازی جنبش آزادیخواهانه مردم ایران گام‌های استواری بردارم تا اتحادی وسیع از نیروهای سکولار - دموکرات و آزاداندیش ایرانی را سازماندهی کنیم. در اینجا برخی از اسناد مربوط به ارتباط با شخصیت‌های سیاسی داخل و خارج از کشور نشر می‌یابد.

۱۴ خرداد ۱۳۷۴ برابر با دوم ژوئن ۱۹۹۵

سرور ارجمند چناب آقای داریوش فروهر

با درود فراوان به اطلاع شما میرسانیم که پس از مدتها تلاش و گفت و شنود صورات با
ذکر اندیشهان دمکرات و ملی ایران که در تعیید زندگی می‌گذاشت، خوشنخانه زمینه را
برای برگزاری یک کنفرانس ملی فراهم کرده‌ایم و این کنفرانس در تاریخ ۲۸ ماه ژوئن ۹۵
(دوازدهم مرداد ماه) در کشور آستان سوکوار خواهد شد که مبارزان ملی و دمکرات از
کشورهای مختلف اروپا و آمریکا در آن شرکت خواهند کرد.
از جناح شیکه پکی از اهداف ما همان‌گونه مبارزان داخل و خارج از کشور در راه آزادی،
حاکمیت ملی، مردم سالی و ایجاد حکومت عرفی... در ایران می‌باشد. و زنجناح شیکه شنا
و حزب ملت ایران در شرایط کننده، شنا در این کنفرانس برخوردار شویم.
به بیوست این نامه، اوراق و استاد مرسوط به این کنفرانس را برای شما ارسال می‌دارم.
ما امیدواریم که همه مبارزان ملی در داخل و خارج از کشور ساهم‌گردن فعالیت‌های
خود بتوانند شرایط برگزاری انتخابات را دینه‌نمی‌پنند و تعیین نظار م مردم سالی و عرفی را
فراهم سازند.
با درود فراوان و احترام - حسن ماسالی

از طرف "کمیته تدارکات برای برگزاری کنفرانس ملی"

بعد از تحریر: - با اطلاع شما میرسانم که به همت عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی
"بنیاد حلب و دمکراسی سرای ایران" را می‌سین کرده‌ایم که اینجا نسبت به
عنوان "مدیر این بنیاد انتخاب کرده‌اند. اهداف و برنامه‌های بنیاد نیز
جهت اطلاع شما ارسال می‌گرددند.

حسن ماسالی

۹۵ نوامبر ۲۸

سرور ارجمند خان ب تاریخ فروردین ، با درود فراوان

حالطور که حالاً از طرف آغاز مران اویب خبر راه همدم چند نظر از دوست ن
در رابطه با کنفرانس ملی، روز جمعه بعد از اطلاع، اول زیابرده خدمت شاخص
خواهشم باخت .

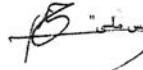
برای روز جمعه رتبه ۲۹ نوامبر عذر و ساخت لی چند نظر از مسئولین
نهضت معاومت ملی برای میتوانند برای ملاقات شما بایدند. لطفاً "از طرف
ملفون یا ناکر امیم من اطلاع رهید که آیا امکان پذیر است یا نه؟ و گزنه
وقت دیگری را تنظیم کنیم . با درود فراوان حسن ماسالی

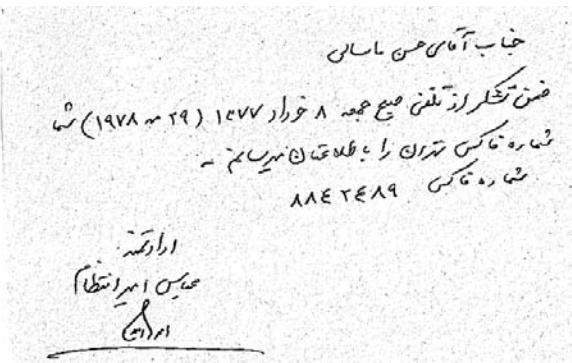
۲۰ خرداد ۷۴ برابر با دهم ژوئن ۹۵

هموطن مبارز جناب آقای سرتیپ عزیزالله امیر رحیمی

با درود فراوان میخواستم با اطلاع شما برسام که به محبت عده کشته ای از شخصیت های سیاسی
ملی و دمکرات ایران که مقیم خارج از کشور هستند درحال تدارک برگزاری "کنفرانس ملی"
هستیم تا همه دمکرات های ملی و ایران دنیوست فرصت بایتد به راه حل های مشترکی دست بابند
و مبارزات خود را ب مبارزان ملی در داخل کشور که در راه استقرار حاکمیت ملی و مردم سالار
جادی دین از حکومت، استقلال و شناخت ارضی کنور و برای ملی زندگی ایران عزیز فعالیت
می کنند، همکام سازند.
فراخوان مربوط به این کنفرانس و استاد دیگر مربوط به فعالیت های خودمان را برای اطلاع
شما ارسال می داریم و امیدواریم که شما ، جناب آقای داریوش فروهر و سایر مبارزان سرشنا
ملی در ایران، دیدگاه های خودتان را برای طرح در این کنفرانس برای ما ارسال دارید.

با احترام و درودهای صمیمانه - حسن ماسالی


از طرف "کمیته تدارک کنفرانس ملی"



جناب آقای مهندس امیر انتظام،
رونوشت: رهبران محترم جبهه ملی ایران،

دوستان و همزمان عزیز،
قبلات ام ای برای شما ارسال داشتم و از اینکه تشکیلات جبهه ملی و نهادهای وابسته به آن از طرح "نکره ملی" پشتیبانی کرده اند پسهم خود آنرا استوردم و نوشتم که باین ترتیب چاده برای گلهای بعدی هموارتر شده است زیرا برداشتم اینستکه رهبران جبهه ملی ایران باین وقایع آنکه پیدا کرده اند:

- ۱- زمان آن قرار رسیده است که شجاعته اعلام کنیم که رژیم جمهوری اسلامی و نظام دینی باید در ایران بروجده شود و قدرت سیاسی - اداری کشور و مدیریت جامعه به نیروهای ملی و دمکرات ایران سپرده شود.
- ۲- جبهه ملی ایران و هرچه شکل اسلامی دیگری به تنهایی قادر به مدیریت جامعه برای کذار از بحران کنونی، نهادهای کردن دمکراسی و نومسازی اینده کشور نخواهد بود. ولذا
- ۳- هدف از برگزاری "نکره ملی" اینستکه همه عناصر و محققان ملی و دمکرات ایران در داخل و خارج از کشور را که به میان اعلامیه چهاری حقوق بشر، جمهوریخواهی، سکولاریسم، کارگرانی سیاسی و دمکراسی پارلمانی پایبند هستند، بطریز "فرانکوهی" منتشر کنیم تا شورای رهبری آن با تکیه به رای آزادانه واراده مردم، قدرت سیاسی و مدیریت کشور را بر عهده بگیرد.

پسهم خود امیدوار هستم قبل از اینکه رهبران جمهوری اسلامی با سیاست های ماجراجویانه خود فاجعه دیگری بیافرینند، طرح "اتحاد فرانکوهی نیروهای ملی و دمکرات ایران" را تحقق ببخشیم.

گام به گام بسوی کنگره ملی

پسی روزهای گشته، پیامهای دلگرم کننده و پیشنهادات سپار ارزش‌آیدی را در خصوص کنگره ملی ایرانیان در وقت کرد و پس از مذاکره با معاشر از مکانیزم انتخاباتی این رئیس‌جمهور عوسمی در سیویت مادر حضور شد بود و دنبال کرد، این استقبالی بعیی نظیر امیدواری زیادی برای دیگر کاندیدات انتخاباتی ایجاد نمود.

و خوش داده و در معرض اداری همراه با موزه ایران بازدید کردند. پس از بازدید از موزه ایران، در ۱۹۷۰ میلادی، موزه ایران را بازگشایی کردند. این موزه از آن زمان به بعد موزه ایران نام داشت.

الهدف اصلی از طرح مساله کنگره ملی فراهم کردن فضای مناسب برای بحث و همکاری و پیرامون مساله مشترک همه ایرانیان استقرار حکمیت ملی و دفاع از تمدن ایرانی ارضی و همیشگی مسالمت آمیز ایرانیان می بششد و تجربه تاریخی نشان داده است.

که به هنرهاهی اجتماعی و سیاسی که توسط تعادل اندکی از غافلیون اجتماعی و یا میانیس مسلطه می شود از تعادل رشد و فراگیر گذشته است. که برخی از این هنرها مانند وایسته و بسته به حضور و غایبت افراد و شخصیتیهای خاصی می باشد و عدم پنهانی از آنها می تواند در اینجا مورد نظر باشد. این نهاد که گردید، به معنی ملک دنگره می باشد که عومن و غافل از هدایت اجتماعی و سیاسی می توانند که برخی از هنرها مانند وایسته و بسته به حضور و غایبت افراد و شخصیتیهای خاصی می باشد و عدم پنهانی از آنها می تواند در اینجا مورد نظر باشد. این نهاد که گردید، به معنی ملک دنگره می باشد که عومن و غافل از هدایت اجتماعی و سیاسی می توانند

سینه در پروپریتی میگفت و گویی میان هم به کام و به تک روی و با شمارکت همه شنونکان حاکمیت ملی و ناصیریت ارضی ایران را داشتند. همچنان که این نهاد را برای این دلایل و مالیات و مشارکت مکانی است بدانستند این رشته در نیازها و وزیری که اینها را در پیشنهاد کردند این را میتوانستند بخواهی

مکان انداد عمل نیروها را فراهم می‌نماید. همین‌گونه مکاتبیم های مواری برای حل اختلاف بین نیروها و علیئن می‌ساییم آن‌لاین و برای اجراء خود کارهای راهبردی، روانه‌ها، می‌است، ارگانیکا در پرسوه مشارکت معمولی و از میان دیگران

بچه به بچه نیست این مجموعه از افرادی است که دستورالعمل های انسانی را با تبارگی و شکرانه ای می پنداشند و از این جهت می توانند در داخل این مجموعه اخراج و جریانی سیاسی و فرهنگی ایجاد کنند. با مشاهده این مجموعه از افراد می توان با مشکلات ایجاد شده در این مجموعه آغاز و جریانی سیاسی و فرهنگی ایجاد کرد.

نمایمراهی اضطرابی شد و می‌گفت: «این مجموعه غافلیت کند!» با پرتابه داده بود. اهداف حداکثری وی در خارج از نگاه سازگار بیشتر، به نظر می‌رسد که پاسخ را در چارچوب دولالگ ملی می‌توان پیدا کرد.

لیکن این مکانات مخصوصاً برای این اتفاقات مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. هدف از فراخوان شنیدن کنگره مجمع اوری نیزروهای ایلی و فراهم کردن امنیت دیوارک سازده و خلاص از آنها و همان‌جا همکاری و تحدّث عملی در میان این افراد را درست نموده‌اند. این اتفاقات باعث شد که در جنگ ایران و عراق به مکالمات اولیه اشاره شوند.

پیشتر توجه متعهدهای تاریخی باشد در تحمل و تکمیل و گذیگر است، اکثر همودنان ما از خالق و تواندیگری از عرضه خود را بخواهند، با این وجود در عرصه عمل شناخت زیادی از پیرو اجزائی کردن حقیقت این مشترک تصورگر و نظری پردازی برخوردارند، و دهنده هر کسی خود و گروه را شفیعه بخواهند چنانچه حرکت سیاسی و اجتماعی اینها بیند و بیگران را

ر خود سان نمی دهد. هر رسان خود و کروز خود را می سینه، پرچمداری مرکز سیاسی و امنیتی می بیند و پیش ران

پیشتر به فرمابندهای فرا می خواند و بعضی حتی این مقام را نیز شایسته نمی بینند، از همین رو است که ما در عرصه کار گروهی، تشکیلاتی توفیق جذاب نمی بایم، رو آوردن به تشکیلات و زامان جدید نباید بدلیله باشد گفتنه مسکن نخواهد بود. بارها آزمودیم و درسی از شکستهای نیاموختیم، فرستت زیادی برای تکرار جنگهای فرسایش نداریم، مسکن کوتاه کنم و این بار بر روش دیگر آغاز نمی و به جای آخر کار پرورده اختلاف و دعوا را از همان ابتدا آشکارا روی میز بگذاریم و به شیوه مدنی و مسالمت آمیز در چارچوب هم اندیشه می (دیالوگ) به حل اختلاف پیرازم و آن وفت که از مر بیز با ایندخت بی خواسته با گلایهای استوار و هماهنگ به مسوی خانه مشترک حرکت کنیم، برای یکباره که شده سودای رهبری را از مر بیرون کنیم و اجازه دهم که هر ایرانی خود را بخشی از جریان رهبری جمعی و ملی بداند و به آن بپلا به جای صرف ارزی برای تحمل قاعده هری خود به دیگران، تلاش کنیم همیگر را برای انعام و طفیه مشترک تشویق و پاری دهیم، این ایندایی ترین درسن دمکراسی است که مدیران، کارگزاران، مجریان.... یک چیز میلیسی می پیشی صورت طبیعی در جریان یک حرکت اجتماعی و به شیوه دمکراتیک برگزیده شوند (آنهم در سورت نواز) مردم ایران از سمت رهبران خود برگزیده ای که رویاکارانه مد از رسالت انسانی می زند و ای حرصن و طمع زنگی زمینی می قردد، خسته و بیزارند.

ایران برای ساختن اینده خود به انسانهای پرشور و یکی نیاز دارد که سرشال از عشق به ایران و ایرانی است و با خدمت بدون منت به کشکور شق خود را نشان می دهد و با اعتماد به برایی بین ایرانیان و نفی کلیه اشکال تعیضی بین آن خود را به مقام شهروند ایران ارتقاء می دهد، آنان که در تدب و سودای رهبری بی تاب و بیقراراند از این عشق نصیبی ندارند و سزاوار آن نیستند که ایرانی خواهند شوند.

پیشنهاد می کنم که تاشکول کنگره ملی و بررسی شرایط عضویت متقاضیان طبق اساسنامه آئین کار مصوب کنگره، هر متقاضی عغوان حضو آزادی می دهد و با اعتماد به برایی بین ایرانیان و نفی کلیه اشکال تعیضی بین آن خود را به منسی، مقامی غیر از حضو ساده آزمایشی به خود و دیگران قابل شود، حکم شکست کنگره را صادر کرده است. به عغوان حضو ساده کنگره پیشنهادات خود را بطور ملاصدۀ مطرح می کنم:

- 1- هنف از دعوت به تشکول کنگره ملی پسیج همه امکانات ملی برای استقرار حکمیت ملی و دفاع از تمامیت ارضی ایران می پلند، حکمیت ملی برایند، هم اندیشه، همکاری و معزیتی شهروندان ایران به شیوه مدنی و مسالمت آمیز بوده و در تداوم همه میازرات تاریخی ملت ایران برای تحقق حق تعین سرنوشت دمکراتیک می بشند.
- 2- اصول متفاوت می تواند به عغوان پیشنهاد مورده برسی، تقد و اصلاح فرازگرد.
- 3- عشق به ایران خالقی و اینکاران فردی و دسته جمعی شامن موقفيت این حرکت است.
- 4- تلاش برای تشکول کنگره می تواند به تصمیم باریگان بین المللی در مورد ایران اثر گذاشته و آنان از دست زدن به اقداماتی آسیب رسان به تمامیت ارضی و امنیت و ملت ایران برخود دارند.
- 5- با پنج حضو ساده می توان یک هسته از جموعه های هسته های کنگره را تشکیل داده و سپس به گسترش هسته ها و برقراری اربیاط و دیالوگ بین آنها کار برداشت از اتصال چندین هسته در یک شهر می توان کمیته شهری و اساتی را تشکیل داده و سپس شورای کشوری را بوجود آورد. مسلماً در آغاز حرکت داخل و خارج گلکور از مللایی مسئلتی برای سازماندهی استقاده خواهد کرد. تجارب هریک قلاب انتقال به دیگری بوده و در عمل چونگی اربیاط و ادغام آنها مشخص خواهد شد.
- 6- راه اداری یک وب سایت پیمار غنید می پاشد.
- 7- با اقدامی مشترک در راستای مقاعع از حقوق زندانیان سیاسی و عیتدی و حمایت از اعتراضات کارگری و حقوق سندیکاگران خشتنگان کار را برای اوج آنحداد در محل بدارم.
- 8- هرچه زودتر سندوقی برای حمایت از غالین سیاسی و کارگری تشکیل دهیم.
- 9- تلاش کنیم حداقل تا شش ماه دیگر یک شیست سراسری (حداقل در خارج از کشور) برای بررسی پیشنهادات و تدوین اساسنامه و آئین کار کنگره برگزار گردد.
- 10- غالین داخل کشور به سورت فردی یا در قالب جریانات و احزاب سیاسی فعالانه برای تدارک کنگره تلاش نموده و امکانات خود را برای تشکیل هسته های پسیج نمایند.
- 11- از آنجا که اینجا بعثون ایک عضو ساده و آزمایشی با این جریان ملی مرتبط هستم، لذا بازگشت من به زندان یا سندگری اعضای یک یا چند هسته اطمینه ای به این حرکت ملی نخواهد زد، هسته بصورت اینکاری تشکیل، تکلیر و بهم متصل خواهد شد.



۱۳۷۹-۳-۲۵

دوسنست بیسیار لر حبشه :

لار در دند فراوان ، بیانیم سه میاسبت پیش آمد از ی
 پیش یعنی شده مانی ، با حافظه عزمی هم آوانده و
 دلایل مسرور را بسرانم :

رسید شرده که ایام علم تکرار نهاده ،
 خیابانی نهاده ، چیزی نزدیکی نخواهد نهاده ،
 بدین روایتی نزدیکی نزدیکی نزدیکی نهاده ،
 که قصش بجهد و نشانه استم ، تکرار نهاده .

رسید شرده ، چیزی نزدیکی



از چپ به راست: ۱- مسٹر جو دنیلیان (حصت اول) ۲- سینکڑمیر در (عترتاکلدهشت)
۳- حسن ماسالی (مریم‌خانم) ۴- داروغه ریس (فرید کار)

جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۳۹۱
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲
جواب

جناب آقای سولیمانی نامه فرید

با کمال حوصله و تقدیر به آگاهی جناب خالی پیروزیان که در جلسه شورای مرکزی، مورخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۹۹
نهضه مطبوعات شورا سپرکرده شده است، مطابقتندم در روز پنجشنبه بیست و هفتم مرداد ماه سال است
۹۰: ۵ بعد از ظهر در جلسه شورای مرکزی جمهوری اسلامی ایران مذکور یعنی رساید.

با احترام
دیش مطبوعات مرکزی جمهوری اسلامی ایران
لریب روحانی

تلویزیون: جمهوری اسلامی ایران - دیگر دو شبکه - دو فروزه تلویزیون کلیسا - کوتی چالدرم - شماره: ۲۱

جمهوری اسلامی ایران - منتشریت: ۷۷۶۸-۱۳۹۷

کنفرانس ملی

IRANIAN NATIONAL CONFERENCE

گزارشی از برگزاری کنفرانس ملی

دیوان ایرانی | آنلاین کتابخانه ایران

ششم تا هشتم مرداد ۱۳۹۵ کیست ۲۸

برگرمایی دم کرده بعداً زهیر تا بستان، اندک اندک بر بشما رفوا دیکه برای شرکت در گرفتن این سرماخواسته شده بودند آفروده می‌گشت و همگان در آماده‌سازی سالن گفتارهای شد رکابات را بازی می‌دادند و با پرچم سرمهش شیرپوش خورشیدنشان را برآوردند، عکسهاشی از زنده‌بادان همیشه جا و دایستراخان، با فرخان و دیگر محمد مقدم، سرداران و پیشوانان نهضت ملی و مشروطیت ایران و شاه را مکبیت ملی، استقبال و شما میت ارضی برآون، جداشی دین اژدها حکومته برای گلچوقق زن و مرد، محل گفتگو از دین گردید. و همین پیکرها و نوشته‌ها نشان دهندۀ بنیان باور و اندیشه برگزاری گفتگو است.

باید که این معرفی گردند، جمع خانواده ایکارت کاملاً تضمین گرفت که آزاده؛ جلسات پنهانه؛ هیأت
کاملاً کار باشد تا از تلافی وقت و بحث های نه جندا نلام استنگ؛ شود.

ز دوستان که متعلقه به رهبری سازمانها و گروههای سامی ملی و دمکرات بودند، آشکارا شانده‌نده‌اند. آن بود که این کنفرانس مورد پشتیبانی بخش مهمی از شرکوهای ملی و دمکرات می‌باشد. به بیکار شدن دریبی همیستگی و همگای هستند.

وتوان و استنطا راه درگاهها نخستین حاصل گفت و شنودها با داداشت گردید و کمیسیونی تشکیل شدندتا با توجه به گونه‌گونی دیدگاهها بینایه‌ای شهمه نمایندگ سیاستگر اهداف و دیدگاهها پایه و جوان گذاشتند و با پست‌پست می‌رسیدند. بود. بکی از مازاتب‌گزار اشها را ادیوشی در خارج و داخل کشوربیندرایین چندروز سیاستگر و سیکو بود. بکی از خبرگزاران ایران از تصاویری نشانی ازدوشی ایران سرکرده ادیوشی خبرمی‌داد که مردم ایران می‌برستند ایمان کیانندگه این عینین سیاستگاره در چینن فئای نایادی منشکاری که همراهداشند. می‌داندیشید که این مردم بجان آمده و بوبیشاحال هرنیسمی از همکاری و همگامی در راه را شنید. ایران را نا انتبا بندی هستندو بیکوونه است که ساری پس گران رسود و همه ما است، باید چنین ملی پر برخوان ساخت و بروز از خودبینی بیهوده ای ایران امروز و فردای ایران چاره‌ای کارساز اندیشید و گاهی ملی و ملتوار و بیکوونه بود. بکی از خود بینی کرد.

از همه رسانه‌های ایرانی و خارجی دعوت کرده بودم که در کنفرانس شرکت کنند. بسیاری از روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون‌ها، از جریان برگزاری «کنفرانس ملی» مبنی بر شکل گیری یک اتحاد وسیع، گزارش تهیه کردند. این امر، موجب حشمت رژیم توریستی حاکم در ایران گردید و یک نفر از ماموران امنیتی خود را با گذرنامه دیپلماتیک به فرانسه اعزام داشت. مامور وزارت اطلاعات، کوشش می‌کرد از طریق «موبیل» با یک نفر از شرکت کنندگان کنفرانس، درباره شیوه کار و مناسباتم، اطلاعات جمع‌آوری کند. از این موضوع مطلع شدم و شماره تلفن و مشخصات مامور رژیم را در اختیار پلیس ضداطلاعات آمان قرار دادم. آنها آن فرد را از طریق «اینترپل» تحت پیگرد قرار دادند. آن فرد متوازن شد و به ایران برگشت.

نهضت مقاومت ملی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Chahour Bakhtiar
Postfach 12-110-21, D-8001 München, Germany

۹ تیر ۹۵

رسالت عذرخواهی علی شکری، رئیس

میتوانست با طلاق نمایند که دعوست یک کنفرانس ملی خواسته باشد عمویون
او بجهت شدید است: مخفظ و ایشان برجی گروهی ایران آن هفته که در این جریان
جهویت همدمان از دست برخورد که بجزم اینکه این منصبی است چون میخواهیم و باشد
پامن از این کیم که موظفیست رهبری سیاسی از از و کرونا عذرخواهی نمود و
عیسی سکل بکری دستور داد خبر شناخته.

جان از این امر حادث شما بکری در دنار کاتر عده‌ای از دوستن خبر همچنان که داشت
خوبی که خوده نیز توصیه نموده ام، در هر حال این کنفرانس میتواند سیاست
از کارهای مارا در بر ایطلیه ایران خواهد برد و درود می‌نماید.

مشکل این است که تمدن پیش از این جهد انتظامیه را بر عهده بکری و
سیاست کار کنفرانس بروال عادی نیست بود. افتتاح هبته عذرخواهی
۲۱ سپتامبر (روزگیری) حاضر بود. با درود اولان - حسن ایشان
بهر سریع که در این نیز خبر خوب خوش شد
از طبقی رادیوهای خارجی فضیل و آن.

نامه خطاب به علی شاکری برای افتتاح کنفرانس ملی که البته ایشان ضمن تحریب فعالیت‌های
مذبور ادعا کرده بود که از برگزاری کنفرانس ملی بی‌خبر است.

کنفرانس ملی و دیدگاهها

از حسن ماسالی

مارس ۱۹۹۶

اندیشه‌ی بوجود آوردن اتحادی از نیروهای ملی-دموکرات فکر جدیدی نیست و سابقه‌ی طولانی دارد. اما نگرشی به گذشته‌ی ما نشان میدهد که مبانی تئوریک و سیاسی چنین تلاش‌هایی خالی از اشکال نبودند. بهمین دلیل اکثر این کوشش‌ها در گذشته به ناکامی انجامیدند و یا دست آورد محدودی داشتند. مهم اینستکه از تجارب گذشته خود و دیگران بیاموزیم و در صدد رفع موانع باشیم و همچنان برای تحقق هدف که دنبال می‌کنیم پیگیر باشیم.

قبل از اینکه ایرادی به مبانی فکری و سیاسی دیگران بگیرم ضروری میدانم با صراحة اعلام کنم که شخصاً سالها در راه اتحاد نیروهای ملی-دموکرات کوشش بعمل آورده بودم و به نتایج و دست آوردهای محدودی نیز رسیده بودیم. اما درک ما از مفهوم ملی و دموکرات محدود و ناقص بود و بهمین لحاظ نیز در پاره‌ای موارد به انحراف کشانده شد.

ما قبل از اینکه در راه اتحاد قدم برداریم باید با وضوح اعلام کنیم که هدف ما از اینکار چیست؟ با چه ارزش‌ها و معیارهایی طالب اتحاد و مبارزه‌ی مشترک هستیم؟ آنچه که به گذشته بر می‌گردد اکثر ما حرف از آزادی و دموکراسی می‌زدیم ولی کمتر به آن پاییند بودیم و لذا مبانی اتحاد عمل ما جنبه‌ی تاکتیکی و زود گذر داشت که نهایتاً به تجزیه، انشعاب، سنتیز و ناکامی ختم شد.

گامهایی که اکنون با همت عده‌ای از سوت‌هه دلان بر می‌داریم با توجه به تجربیات گذشته می‌باشد. بهمین علت با وجود انبوهی از موانع که ناشی از مبانی فکری سیاسی و فرهنگی رایج گذشته در میان نخبگان و روشنفکران جامعه می‌باشد و تبدیل به عدت‌ها و کردارهای نامطلوب سیاسی شده اند کوشش می‌کنیم که به

آینده ای بهتر امیدوار باشیم.

ما امیدوار هستیم؛ زیرا به ضعف‌ها و کمبودهای خودمان و دیگران آگاه هستیم. ما پذیرفته ایم که از کره ماه و از کشورهای دیگر دموکراسی برای ما به ارمغان نمی‌آورند. ما پذیرفته ایم که هیچ گروه و قشر اجتماعی مبرا از خطاب نبوده اند. لذا با مطلق نگری و خود مرکز بینی باید مبارزه کنیم تا فرهنگ دموکراسی را ترویج دهیم. فرهنگ دموکراسی نیز با پند و اندرز حاصل نمی‌شود مگر در عمل و ممارست اجتماعی.

بنابراین برپایی جنبشی آزادیخواهانه و ملی در داخل و خارج از کشور هم هدف ما است و هم وسیله ای است برای تحقق برنامه‌های بیشمار دیگر! برای برپایی جنبش آزادیخواهانه و ملی لزومی ندارد که افراد و گروههای مختلف سوگند وفاداری به دموکراسی بخورند. بلکه دگراندیشان را پذیرفت و در مبارزه ای مشترک با معیارها و ارزش‌های آزادی و دموکراسی فعالیت کردن موجب می‌گردد که در همه ما پالایش فکری صورت بگیرد و منش خود را با بینش دموکراتیک انطباق دهیم و گزنه بر ملا شده طرد می‌شویم.

مشکلات

برای برپایی جنبشی آزادیخواهانه و ملی مشکلات و موانع مختلفی وجود دارند که عبارتند از:

۱- برخی از نخبگان (الیت) جامعه که باید در داخل و خارج از کشور علمدار و پیشگامان چنین حرکتی باشند درباره دموکراسی سخن می‌گویند ولی در عمل متاسفانه به ارزش‌های دموکراسی پاییند نیستند و هنگام عمل از آن طفره می‌روند و آشکار و پنهان کارشکنی می‌کنند و روند کار را بلوکه می‌کنند و ... این افراد و محافل خود مرکزبینی و مطلق نگری خود را رها نکرده اند.
مشاهده کرده ام که برخی از این افراد و محافل تنها مشکل سیاسی ندارند بلکه

مشکل روحی نیز دارند. یعنی وحشت دارند که ضمن مشارکت در یک جنبش وسیع هویت و جایگاه ذهنی که برای خود قائل هستند از دست بدھند. اتکا به نفس این افراد و گروها را باید تقویت کرد محتوای فکری سیاسی و فرهنگی آنان باید غنی تر شوند تا با شهامت وارد میدان عمل شوند تا خودشان و جنبش ملی غنی تر گردد...

۲- نخبگان خارج از کشور بدون ارتباط و الهام از مبارزات داخل کشور منفعل میشوند. لذا باید ارتباط فکری و مبارزاتی با داخل برقرار باشد تا از انفعال بیرون بیاییم. اما باید هشیار باشیم که هر انگیزه ای نیز نمی تواند الهام بخش ما برای برپایی جنبش آزادیخواهانه و ملی باشد. بعبارت دیگر مبارزه ای که از غنای فرهنگ دموکراسی برخوردار نباشد می تواند بار دیگر اکثریت ما را به رادیکالیسم کور دیگری سوق دهد. بنابراین تداوم مبارزه و مقاومت در شکل گیری جنبش مطلوب و مورد نظر ما اهمیت دارد اما ارزش ها و معیارهای دموکراسی را باید بطور کامل و از دیدگاه استراتژیک مد نظر قرار دارد.

۳- خطر دیگری که کنفرانس ملی را تهدید می کند اینستکه بسیاری از ما با شیوه های سازماندهی و طرز کار سیاسی سنتی عادت کرده ایم. یعنی سابقا عادت بر این بود که عده ای دردمند و علاقمند سیاسی جمع می شدیم تا در جستجوی راه حل سیاسی، راه حل مبارزاتی و تشکیلاتی باشیم؛ قبل از اینکه چشم اندار و برنامه سیاسی روشنی ارائه بدھیم قبل از اینکه برنامه عمل و توان مبارزاتی خودمان را بسنجمیم و بدون اینکه شناخت واقع بینانه ای از پندار و کردار اجتماعی همدیگر و دیگران کسب کنیم....احساسات سیاسی و روابط عاطقی در ما غلبه می کرد و پس از چند نشست و برخاست با کمک چند نفر که سوگند وفاداری بهمدمیگر میخوردند تشکیلات جدیدی در کنار گروههای بیشمار دیگر بوجود می آوردیم. نهایتا همان حرفهای گروههای دیگر را تکرار می کردیم و برای اینکه ثابت کنیم که بهتر از

دیگران هستیم بخش بزرگی از توان و استعداد خود را صرف مقابله، بدگوئی، ستیز و تضعیف گروههای رقیب می‌کردیم و نهایتاً هدف اصلی سیاسی و مبارزاتی منحرف و یا فراموش می‌شدند. در بیانیه کنفرانس ملی در اشتوتگارت آمده است: (ایرانیان حاضر در کنفرانس بعنوان بخشی از جنبش بزرگ ملی و آزادیخواهی ایران و به رغم تفاوت نظرهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فلسفی یا عضویت در گروهها و سازمانهای سیاسی و اجتماعی متفاوت؛ اصول اساسی زیر را بعنوان فصل مشترک آرمانهای سیاسی خود مبنای مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و تشکیل یک آلتنتایو سیاسی می‌دانند).

بنابراین تلاشگران و علاقمندان کنفرانس ملی کوششی که برای سازماندهی و اتحاد نیروهای ملی-دموکرات بعمل آورده اند باید همیشه مد نظر داشته باشند که این حرکت سیاسی را بر اساس تعریف فوق تداوم ببخشند تا در روند تحول و تکامل خود، خصلت «جنبش» بودن خود را حفظ کند.

نظرخواهی هایی که قبل و بعد از تشکیل کنفرانس ملی بعمل آورده ام نشان می‌دهند که همه ی افراد علاقمند و پشتیبانان کنفرانس ملی و افرادی که با وسوسات به تداوم کار کنفرانس نظاره می‌کنند امیدشان به اینستکه: کنفرانس ملی خصلت یک جمعیت یا جنبش بزرگ آزادیخواهانه و ملی را داشته باشد که در آن همه ی دموکراتها به صورت فردی یا گروهی شرکت و عضویت داشته باشند. افراد و گروهها بر اساس چند اصل مهم سیاسی و برنامه عمل مبارزاتی با همدیگر همکاری و اتحاد کنند. هر فرد یا گروهی آزاد باشد که برای برنامه ی اخص سیاسی و نظام مطلوب دموکراتیک خود جدایگانه فعالیت کند. شکل تشکیلاتی و سازماندهی آن به نوعی اتخاذ شود که نوعی عدم مرکز (دسانتزالیزاسیون) ولی هماهنگ و همسوئی سیاسی و مبارزاتی را مورد توجه قراردهد تا به خصلت جنبشی و تنوع آرا و سلیقه ها لطمه ای وارد نسازد و مشارکت وسیع نیروهای ملی- دموکرات داخل و خارج از کشور را فراهم سازد.

اشتراك نظر و افتراق

ابتدا باید تائید کنم افراد و محافلی که کنفرانس ملی را برگزار کرده اند خود را از سرشت ویژه ای نمی دانند. ما مدعی نیستیم که دموکراسی را کشف کرده ایم. ما مدعی نیستیم که ضرورت اتحاد عمل نیروهای ملی- دموکرات را به ارمغان آورده ایم و بلکه مدعی هستیم که شیوه ی برخورد ما به اصول و معیارهای دموکراسی اثر بخش تر است و راه های عملی که پیشنهاد می کیم نتایج مطلوب تری خواهد داشت تا تقابل ها را به تفاهem و سنتیزهای خشونتگرانه را به رقابت های دموکراتیک تبدیل کنیم.

بخشی از جمهوریخواهان (از چپ تا محافظه کار) عقیده دارند که باید فقط در راه اتحاد و ائتلاف نیروهای جمهوریخواه گام بردارند و با طرفداران نظام پادشاهی فقط دیالوگ داشته باشند. همینطور برخی از طرفداران نظام پادشاهی نیز بر این عقیده هستند که باید فقط طرفداران خودشان را بسیج و سازماندهی کنند و بقیه را ظاهرا تحمل کنند.

برخی از گروهها و محافل نیز هستند که ابائی ندارند دشمنی آشکار خود را با دگر اندیشان با صراحة بیان کنند.

نظر اکثریت ما اینست که: حق طبیعی هر فرد و گروه سیاسی چپ جمهوریخواه، سلطنت طلب مشروطه خواه و غیره است که استقلال فکری، سیاسی و تشکیلاتی خود را حفظ کند و برای تحقق برنامه ی سیاسی و نظام سیاسی مطلوب خودش نیز فعالیت کند. اما باید توجه داشته باشیم که بالاتر از منافع فردی و گروهی نجات مردم و میهن قرار دارد و قبل از اینکه خواستار جمهوری یا پادشاهی باشیم باید از ارزش ها و معیارهای آزادی و دموکراسی دفاع کنیم. درد اصلی جامعه ما، جمهوری یا پادشاهی نیست. هر دو نوع نامطلوب آنرا تجربه کرده ایم. بلکه درد اصلی مردم و جامعه ما عقب ماندگی اجتماعی و فقدان آزادی و دموکراسی است.

هنوز تعداد کثیری از دوستان چپ هستند که فکر می کنند هر فردی تابلوی چپ را

حمل کند اتوماتیک ترقیخواه است و از همه افراد دنیا نیز دموکرات تر محسوب می شود و اصولا از سرشت ویژه ای است و دگر اندیشان باید به دست بوس آنان بیایند. بهمین علت بسیاری از این افراد تبدیل به حاشیه نشینان جامعه شده اند. هنوز عده کثیری از میانه روها و محافظه کاران هستند که حاضر به گسترش دموکراسی نیستند و بدون اینکه چشم انداز و دورنمای روشی برای استقرار دموکراسی و سازندگی جامعه ارائه بدهند به شکل حکومت چسبیده اند و حتی برخی عناصر نیز پیدا شده اند که بدون داشتن هیچگونه صلاحیتی پیشاپیش خود را پادشاه و یا رئیس جمهور می نامند!!!

از زمان انقلاب مشروطه تا کنون مردم میهن ما حکومت ها و رژیم های مختلف را تجربه کرده اند. برخی از نخبه گان جامعه که ادعای دموکراسی میکردند هنگامی که بقدرت رسیدند دیگر به ارزش ها و معیارهای دموکراسی پاییند نبودند. ما باید بالاخره روزی به این شیوه ای تفکر خاتمه بدهیم. باید تسليم کسانی نشویم که فقط دنبال قدرت خود هستند.

باید پرسش کنیم چرا جمهوری؟ چرا پادشاهی؟ چرا چپ؟ چرا مذهبی؟ باید این دیدگاه ها در خودمان تقویت کنیم که ایجاد آلتزناحیو تنها مفهوم تغییر حکومت و نظام و ایجاد قدرت جایگزین نیست بلکه شرایطی فراهم کنیم که فرهنگ سیاسی دموکراتیکی در جامعه حاکم شود که در آن نیروهای سیاسی و اجتماعی که به قدرت می رستند و همچنین نیروهایی که نقش اپوزیسیون را ایفا خواهند کرد از فرهنگ دموکراسی برخوردار باشند و به ارزش های انسانی مدنی و حقوق بشر پاییند باشند. جامعه ای بسازیم که هیچکس درصد نابودی دیگری بر نیاید.

فراخوان

تشکیل مجلس نیروهای ملی - دمکرات در تبعید

محدود عن عزیز. در همه محاکم آگاه نسبت به سرتوشت ایران اپراز نگرانی میشود؛ سالهاست که دیکتاتوری مذهبی و سلطنتی ولایت فقهی میون ما را به مرز فقری و ناایمنی کشانده است. سالهاست که مردم میون ما با مرگ، دلت، و آواره گئی دست بگیراند. هرگز اعتراف و خودجوش مردم در شرایط اتفاقی کنوتی فر که نه محاسبه سیاسی را درهم ریخته و خود به یکی از عوامل همچومنی را پایل شده است. مجموعه ای مشهور از مراکز قدرت کوتاگین را ریاقابها و تنگ تریهای رایج در دستگاه حکومت، یکی دیگر از عوامل بحران را و نگران کنده است. رفشار ناسالم بخشی از این روهای اینوزمیون، پراکندگی هنروهای ملی و دمکرات و فقدان انترباشو ملی عامل نگران کننده دیگری در شرایط اینست. استقرار این شرایط میتواند عاقبت شوم دیگری نیز برای ما داشته باشد: خطر درگیر شدن ایران در یک جنگ داخلی و خارجی و تجزیه شکور، خطری است جدی! این اینورزی به تهائی قادر نخواهد بود میون ما را از دیکتاتوری، واپسگارانی و عوایض آن نجات دهد. همه عوامل شناخته شده مدکر و رویدادهای اجتماعی و چهول دیگر عده ای از افراد ملی و دمکرات را بر آن داشته است که احسان مستولیت دیوال را چاره ایجاد کنند. این افراد ملی و دمکرات را در سطح اروپا و آمریکا موجوب کردید که «نامه در کردش» (شماره ۲-آوریل ۱۹۹۰ م) برای تمداد زیادی از شخصیتی‌های سیاسی، علمی، ادبی، فرهنگی و علمی‌اندیش ارسال کرده. تاکنون قریب بیصد هزار از دکراهای طرقدار سلطنت مشروطه، مجھوڑخواه، مذہبیون طرفدار حکومت عربی را چیز آزاداندیش ایران که عقیم کانادا، ایالات متحده آمریکا و اروپا مستند برای شرکت در کفارناس ملی پنهانهاده شده اند. عده کلیری از این افراد با پذیرش اصل کلرکت کاران سیاسی اسلامی که خود را برای شرکت در کفارناس اعلام داشته اند. دلخواه از افراد با استفاده امنیتی و رفشار مغقوله ای از شرکت در کفارناس عذرخواهی کرده اند. پوشی از افراد نیز اعلام کرده اند که حاضر نیستند با دیگران مسکاری کنند. بهین این ترتیب اینکی برای قاطعه‌نمی و تضمیم کفرت اند که تسلیم قرن هشتاد و سیاست‌های خودروپسی و خود محروم بینی^۱ نشنوند و کفارناس ملی را طور مشترک با موقوفیت برگزار کنند.

ما عنده داریم، صر قدر و گروهی که ادعای دمکراسی میکنند باید آنرا در عمل و رفتار خود به اثبات پرسانند و اسلام باشد به عنوان خردی یا فراکمیون سیاسی، با دیگراندیشان دمکرات در یک مجلس ملی شرکت کنند و براي صالح ملی بر اینرا پيردازند.

بنما به توصیه جم کثیری، عده ای در شرق و غرب آمریکا و در اروپا داوطلب شده اند که «کمیته شمارک برای پرکاری کفارناس ملی^۲ را تشکیل هند. افراد دیگری نزی میتوانند داوطلبانه در فعالیتی‌های کمیته شمارک شرکت داشته باشند.

این کنفرانس از غروب وغصه ۲۸ تا یکشنبه ۳۰ زوئن (جولای) ۱۹۹۵ در کشور آلمان برگزار خواهد شد.

از نایابدکان احزاب و غواصینهای پارلائیکلورهای مختلف ایوپا و آمریکا و نایابدکان رسانه های حکومی ایرانی شرکت در این کنفرانس دعوت به عمل خواهد آمد.

نماینده

نماینده

نماینده

نماینده که قیلاً اعلام گردیده بود:

۱- شرکت در کنفرانس بدون توجه به نقلات ششکلاته افراد، بصورت انفرادی خواهد بود، در این کنفرانس است که «جهه باید گرد» و «جهه تایید کرده» تعین میشوند، پیشایش هدف، برناهه و مناسیبات ششکلاته آینده

تعین خواهد شد. اما پیغام رعایت مسائل امنیتی، تدارکاتی و فنی ضروری است که از قبل تعداد و اسمی افراد شرکت کننده مشخص گردد تا موقع از آنان برای شرکت در کنفرانس دعوت به عمل آید.

۲- شرکت کنندگان در کنفرانس از حقوق مساوی بپروردارند و به هیچ فرد و گروهی اجازه داده نمیشود که حق وی را ای برای خود قابل شرعاً معرفه کنند، در کنفرانس به عنوان هیئت مؤسس آن تلقی میگردد.

۳- شخصی که به دلایل موجه (مشکلات مالی، حریقه ای، پیماری...) قادر به شرکت در کنفرانس نباشد، ممتنعند نظریات خود را کیا برای کنفرانس ارسال دارند و در مجامع و جلساتی که احتمالاً بعد از کنفرانس ملی سازماندهی خواهد شد شرکت کنند.

۴- به ضمیمه برگ تقاضای شرکت در کنفرانس ملی برای همه شخصیت های ملی-جمهورات که پیشههاد شده اند ارسال میگردد، تقاضاها داریم که آنرا حداقل تا تاریخ آغاز ماه زوئن ۹۵ به لشانی تعین شده در تقاضانه ارسال دارند.

* برای کسب اطلاع از نحوه شرکت در کنفرانس میتوانید با نشانی های زیر تماس برقرار کنید:

آقای کامبیز قالیم مقام

آقای دکتر جعفر صدیق

(آلمان)

Mr. Kambiz GHAEMMAGHAM

2904 BROAD WAY

SANTA MONICA CA 90404 / U.S.A.

Tel.: (49 - 8651) 62678

Fax: (49 - 8654) 67 944

Tel.: (1-310) 829 64 68

آقای دکتر فرج الله اردلان

(آمریکا)

Mr. Dr. Faraj ARDALAN

168 WALKER ROAD, Suite # 200

GREAT FALLS, VA 22066 / U.S.A.

Tel.: (1 - 703) 406 - 1800

Fax: (1 - 703) 406 - 0946

آقای دکتر حبیب صیز

(آمریکا)

Mr. Dr. Habib MOMAYEZ

ICPA, P. O. BOX 19740 - 187,

IRVINE, CA 92714, U.S.A.

Tel.: (1 - 818) 558 30 21

Fax: (1 - 818) 848 74 50

آقای مهندس بهمن مبشری

(آلمان)

Tel. + Fax: (49 - 7272) 86 96

آقای حسن ماسالی

(آلمان)

P.O.BOX 4

34514 VOEHL

GERMANY

Tel.: (49 - 5635) 642

Fax: (49 - 5635) 545

در صورت لزیم میتوانید با شماره تلفن «سیار» تجزیه و مریار کنید.

Mobil-Tel.: (49 - 172) 240 92 82

* ایندیکاتور آن عدد از معمولان باشد که دارای اسکاتات مالی هستند و به سرویست مردم را کشور خود
بلاقنند، سهم خود را در تأمین بخراج ارائه تدارک این کنفرانس پایی رساند تا همان شکلات بر داشت
اعضاء کمیته تدارک کنفرانس که داوطلبانه با دلسری سیاست میکنند، سیگنی توکند.
گشک های خود را بخراوه، به سواب یانکی نیز واچن کنید.

H. MASSALI
SPARKASSE VOEHL, GERMANY
Konto Nr.: 2935972
BLZ: 53351201

(کمیته تدارک برای برگزاری کنفرانس ملی ا)
۱۹ خرداد ۱۳۷۴ برابر با اول زیرن ۱۹۵

2

اطلاعیه

هموطنان عزیز،

همانطورکه ۲۶ کاهی دارد به استکار عده کشیری از مبارزان و شخصیت های ملی و دیگرات که قریب دو سال با همیگر درمنا وره و گفت و شنود بودند، "کنفرانس ملی" فراخوانده شد.
هر یک از مبارزان و شخصیت های ملی و دیگرات بنا به تشخیص خود، افرادی برای شرکت در این کنفرانس و مجمعین برای معا لشیه ای تدارک ای پیشنهاد کردند بطوریکه تا هنگا مددور این اطلاعیه، قریب با تعدادی برای شرکت در کنفرانس ملی پیشنهاد داشتند.
شكل گیری هیئت تدارک برای برگزاری کنفرانس ملی شیب در شرایط متفاوت و برآنگانگی غالی از اکمال شود، بطوریکه استاد آنای کامیز قائم مقام و سپس آقای دکتر حبیب میر که هر کدام متعلق به جایگاه، نکری و سپسی خاص خود استندو پیشنهاد دادند، عملاً درین امور دجالت نکردند، بقیه اعضاً هیئت تدارک، من انתרا به حق دیگران سیاسی و اسلامی افراد، به معا لیست های خود را مدادهند. امور شناسنگی و داد رکاشی هنوز بیان نرسیده بودکه مواجه با کارشناسی مهندسی و اشها م زنی برخی محاذل و عنصر شدید،
با شناختی که از خلاصت جمهوری اسلامی برای وظایم و ایلت قبده را، برای متعجب و رونیست که با همه شرودهای تصوری این نظام مواجه شویم، ما متناسب با شرایط ملی و اتحاد عمل نبرویم که اراده دخواهی و دیگرات بودن را می کنند، چهره عربان کردند و با خوشحالی زشت ترین اهتمامات و شبوههای دیگر شخصیت "ها" بهم شدت و ششان دادند که هنوز موفق شده اند خود را از نظام فکری استبدادی گذشته نجات دهند.
به عقیده، هر کدام از این عنصر وحافل با انتکبه، خاصی از همانکی و اتحاد عمل نبرویم که ملی و دیگرات و خسته اند و تاثیل می کنند تا میتوانی برای برگزاری کنفرانس ملی که می تواند سوآغاز یک حرکت ملی - دیگرات و همکنگ در سراسر رژیم استبدادی و برای خدمت به مردم ایران باند، ایجاد کنند.

ما خوشحالیم که با طالع همه هموطنان سوته دل و آزاداندیش داخل و خارج از کشور برسانیم که "کنفرانس ملی" در تاریخ اعلام شده با شرکت عده کشیری از مبارزان و شخصیت های ملی که ایالت متحده، آمریکا، ایلان، فرانسه، ایتالیا، آلمان، اتریش، سوئیس، برگزاری می شود و شدادرکنی از هموطنان دیگرات ملی مقیم خارج از کشور که بعلت مکاتبات مالی و تخلفی و فسی قادر به شرکت در این کنفرانس نبیستند، پشتیبانی خود را از این اجتماع بزرگ ملی و تاریخی اسلام داشته اند.

ما سهم خود بازدیگر از همه شرودهای ملی و دیگرات دعوت می کنیم که با حفظ هویت سیاسی و با تکیه به آرمانهای ملی و دیگرات، برای نجات کشور و مستنده خدمت بردم ایران مخدادگام بردازند.

هیئت تدارک برای برگزاری کنفرانس ملی

۲۱ تیرماه ۱۳۷۴ برابر با ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۵

دکتر جعفر حدقیق، مهندس بهمن منشی، مهندس علی بکا شی، فروزان فیضی، علی ابلیسکی،
دکتر فرج الله اردلان، مهدی شریعتی اهری، حسن ماسالی

چند توضیح درباره کنفرانس‌های

پس از انتشار «فراخوان برگزاری کنفرانس ملی» در رساله حال خدمگاهی، برگزین از همراهان ما تفسیرهایی از مقدمه «کنفرانس محل» و «تکمیل سلطنت پژوهی ملی» («دستکار در تبعید») بعمل آورده اند و در این ارتباط بجز سوالات مطرح گردیده اند که خبربری میدانی برای روشن شدن اذهان عمومی و جلوگیری از هرگونه سوء تعبیری اتفاق کشید که انتخاب این عنوان بر اساس پیشنهاد ایشان بود که پس از تصریح نظر مطروح شده بودند:

۱- عذر ای تقدیم داشتند که نام چنین اجتماع برگزین میباشد را «کنفرانس ملی» بنامیم، چون با کراپیهای مختلف و برای تحقیق مدقنهای ملی و بهاظر ولا پایی ملی اجتماع میکنیم.

۲- پرخی ویکی پیشنهاد کرده بودند، برای همینکه چنین اجتماعی طاقت اصلی خود را با مفهوم و معنوی «جهانگاهی ملی» و «الحادهای عصر و آله شکرانی اشان دارد، آنرا « مجلس سیاسی پژوهی ملی - دستکار در تبعید» نامگذاری کنیم تا هر فرد یا فرآیند سیاسی، بدون واسطه تواند با مخلص غریب میانی خود و استقلال قریب و کروجی در آن شرکت کند و در موارد شخصی که ضروری تشخیص میباشد «اوطنانه یا همینکه حسکاری بعمل آوردد».

۳- پرخی پیشنهاد کرده بودند که مسئله وجود آیین «پارلمان» را تبر مورد مطالعه قرار دهیم، مسلطون که در فراخوان کنفرانس ملی (اول ازون ۱۹۵۰) تأکید شده است:

در این کنفرانس است که «چه باید کرد» و «چه باید کرد» تعوین میشود و پیشایش برname و مناسبات تشکیلاتی معنی تعلیمه اینها کردد.

از همه دعویت شدگان به کنفرانس و علاوه‌اللاند به سریوش ایران تقاضا داریم که خر طرح و نظری (ارزی یافطاً) منطقی و «مسکاریکی» در این کنفرانس مطرح سازند و با پیشآوریها خود را مشغول سازند. هیئت تدارکات کنفرانس تأکید میکند که برگزار کنندگان این کنفرانس غریب قصد آنرا ندارند که یه شیوه برگزین مصالح غیر دستکار، بدون داشتن نسبتیگی از سرمد ایران، «پارلمان» در تسعید شکل دهند. بنابراین عنوان « مجلس پژوهی ملی» دستکار در تبعید» که در فراخوان انتشار یافته است در رایطه با پیشنهاد (۱) بوده است و ما پرخی جلوگیری از سوء ففاهات و شایعه پیرازیها در مکابیات گینه خود تقاض از عنوان «کنفرانس ملی» استفاده خواهیم کرد.

۴- برای شرکت در کنفرانس از همه علاقمندان تقاضا میکنیم که کتاب معا را از تضمیم خود مطلع سازند و مصلح طوبات، عذا و عائلات مالی و امنیتی کنفرانس سازماندهی شود. یادآور میشیم که همه دعویت شدگان به کنفرانس و شاهرخین فقط با در دست داشتن کارت دعوت، میتوانند وارد مصلح کنفرانس شوند.

۵- درست عزیز ما آنکه کامیته کلام ملائم اطلاع داده اند که بدلت کرتاتریهای متعدد قادر نیستند در فعالیت‌های انسان گیری و روابط عمومی شرکت کنند، ولی ایشان از فکر برگزاری این کنفرانس پشتیبانی میکنند.

۶- پارسی از همراهان ملی و دستکار ایران که از امکانات مالی برخوردار هستند تقاضا میکنیم که ما را در ناسی محتاج اولیه برگزاری کنفرانس ملی، پایی رسانند.

با توجه به شرایط ایض پارسیم بر میهستان، و با توجه به خبربرت همکاری ایرانیان دستکار در مبارزه علیه زلیم «یکتاختی حاکم»، اکنون که مقامات برگزاری چنین اجتماع برگزین فراهم شده است، ما از جمله سازمانهای سیاسی و دستکار ایران میخواهیم که به هم خود افضا سازمان خود را تشریف به شرکت در این کنفرانس کنند و تقاض غالی در راه همکاری پژوهی ملی و دستکار ایضا تعاوند. از همه دعویت شدگان در کنفرانس انتظار داریم که با هشیاری و درایت سیاسی نقش تاریخی و اجتماعی خود را ایدا کنند.

(هیئت تدارک برای برگزاری کنفرانس ملی)

۱۲ خرداد ۷۹ برای ۱۲ ازون ۹۵

پیام

به کنفرانس علی ایرانیان

گردد همایی شما هموطنان مبارز و آزادی خواه در شهر اشتورتکارت آلمان، به قصد تبادل نظر و توافق بر نقاط نظر مشترک در راه پیکار برای رهایی ایران از بحران و خشم کنونی، مایه نهایت سرعت من است. باید این واقعیت را پذیرفت که استقرار حاکمیت مردم میهن ما، فقط استقلال و یکپارچگی ایران و برقراری مکومت قانون، مستلزم گسترش فضای تفاهم و تقویت پیووندهای همکاری میان همه نیروها و شخصیت های ملی و پیکارجوی ایرانی در سراسر جهان است.

رژیم جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی برای جلوگیری از ایجاد این فضا و خشنی کردن برناشده ایی که در جهت همبستگی نیروهای مترقبی و ضد استبداد در حال شکل گرفتن است فروگذار نمی کند. اما باید با تکیه بر آرمان های ملی و با استعانت از نیروی پیکران مردم ایران چنین تلاش های ملیوبحانه ای را بی اثر ساخت و با عزمی قوی برای انجام رسالت تاریخی و مقدسی که بر دوش یک یک ما قرار دارد به پیش رفت.

من، هیشه در هر گامی که شما هموطنان عزیزیم در راه نیل به تفاهم و همکاری پیشتر برداشته اید خود را در کنار شما دانسته ام و امروز نیز برایتان در ادامه این راه ملی و میهنه آرزوی پیروزی های بزرگ و روزانفون دارم و امیدوارم که با مشارکت هر چه پیشتر همه هموطنان مبارز و از خود گاشته صفت پیکار ضد استبداد هر روز گسترده تر و بخت آزادی و رهایی ملت هر روز نزدیک تر شود.

خداآوند نکهدار ایران باد
رضا پهلوی

ارتباط با فعالین و نهادهای مدافعان حقوق بشر

نگارنده ضمن ارتباط با شخصیت‌های سیاسی، جنبش دانشجویی و جنبش زنان در داخل کشور با عده‌ای از فعالین و نهادهای حقوق بشری در داخل و خارج از کشور نیز ارتباط برقرار کردم و کوشش به عمل آوردم که با افرادی نظری خانم شیرین عبادی، حسین باقرزاده و همسر مبارزشان بانو فتحیه زرکش ارتباط داشته باشم تا هماهنگی برای دفاع از مبانی حقوق بشر در داخل و خارج از کشور انسجام یابد.

لازم به یادآوری است که نگارنده به سهم خود کوشش به عمل آوردم که خانم شیرین عبادی بطور فرا گروهی و فرا مسلکی از مبانی حقوق بشر و از دردمدنانی که در اسارت رژیم هستند دفاع کند. متاسفانه ایشان نیز مثل آخوندها سیاست "خودی و ناخودی" را در پیش گرفتند. بر این باورم که ایشان شایستگی دریافت جایزه‌ی "صلح نوبل" نداشته و ندارند. در همین جا ضروری است یادآور شوم که دورادرور با عبدالفتاح سلطانی که یک حقوق‌دان و مدافعان حقوق بشر می‌باشد آشنا شدم و عقیده دارم که ایشان شخصیتی است که از فرهنگ دموکراسی خواهی و آزاداندیشی برخوردار است و چنین فردی به خاطر دفاع از مبانی حقوق بشر همچنان در اسارت به سر می‌برد.



Action for Democracy in Iran
Democracy for Iran - Peace for the World

Founding
Members

Hassan Ardebili, Ph.D.
Masoud Alami
Pheon Haaswinkel, J.D.
Mahmood Rajabi, Ph.D.
Mehdi Ghomsi
Mojtaba Manavi
Hossein Mousali, Ph.D.
Kamran Nezami
Ms. Afsoon Soroush
Shahrokh Yazdi, Ph.D.
Mr. Elie Wauters
Soraya Zammeh
Mehdi Zamani

پیش‌بهم ارتباطیت ۱۳۸۳ براین با منتظر خلاصه ۲۰۰۴

کوششند حقوق پسر و هم‌وطن از اندیشه : حلم شیرین علی‌ای

پاره‌وار

پیغمبود طرف‌پردازم در داخل و خارج از کشوره که در راه تحقیق حقیق پس، استقرار دسک اسرائیل می‌نماید، تکریت گو ای میانی و هدایت نهادن از حکومت مبارزه می‌کنند، از تنشیهای پیش‌بهم

شنا معمده فردانی و پیشنهادی حکم و ایجادی که مبارزات مردم و کوشش‌های متفرق ما مواجه

گردد که به اصول و مفهومی بدندست بایه و مصوّه‌سازان و مردان از اسلامی حقوق در ایران

برخوردار نمودن

اگاه شدیم که شما لاله‌نیستی مسندگی شایدی برای تفactual از حقوق پسر در ایران بعمل می‌آوردید و بهمن

بله نیز جایز سهل تصور شما داشت این اشخاص و مهافل دیگری نیز در ایران و خارج از کشور در

این سیاست علیت می‌کنند، اما این کوشش‌ها ناشایه شاهگران، بدون مشارک مستقیم مردم و بدون چشم

اندیزه‌زاده تعلیمات مینمودند. برای اینکه درینهون دیگر از زاده ای، میانی حقوق پدر و مادر می‌گذرد

خواهی پیامده مردمی پیاپی کند و مدعاهن حقوق پسر به نیروی اجتماعی قدرتندی تکمیل شود و نهایت

میانی حقوق پسرد میانی فیکتور زده ما "نیاینیه" نمود، پیشنهاد می‌گیریم:

شما با مشربت چند خودان دیگر، میانیان شنیدگار از اعانت خانواده زنده‌اند میانی و مانندگان

کوچه‌ها انتقام را فیصل می‌دانند و متشهون بازاریان و مقدمان طبل و افراد باطل دیگری

که خواستار تفactual از حقوق پسر و از این بدور قدر و شرط همه زنده‌اند میانی می‌شوند "جماعه مدعاهن

حقوق پسرد ایران" را پایه گذاری می‌کنند، بهم صحبت مزبور نکار و نشانی مانی برای تشبیه

علی مردم و مراعع و پلی مطالع حقوق پسر، این کن.

این صحبت مطالع از همه مردم، خصوصاً از خانواده‌های زنده‌اند سوابی : (خواهد که سواره پیاسان شدن

حقوق پسرد بر سر ایز و به این محبت املاع بهده، راجع این احلاجات و اسناد و مدارک و

با اینجا نگر همای کار در داخل و خارج از کشور، هر یار سلطنه خانی در مسیر کار و کارزار می‌گذرد این

ر تبعیت افزایی گردند و خصوصاً از این بدور قدر و شرط همه زنده‌اند میانی مانندگان شون

از همه مدعاهن حقوق پسر در داخل و خارج از کشور خواهند توکف مانندی خود را با نظر مرکزی

جمعیت بر این مهانگ می‌دانند و از نظر مالی نیز جایز و می‌گردند.

برای تحقق چنان طرحی، بجهد از حقوق‌کاران داخل کشور در قبول : نکار بهمن، نکار شاهزاده و

عدالت‌ناخ طلبان در تماش هست که اینجا در همکاری اند. اخراج ارا منشی خانواده زنده‌اند میانی و

ز و مشترکان داخل کشور و این ایجادی خواهد بود.

این جمعیت نهتواند به مازمان میانی و ایجادی از خانی رسانی را ایستاد.

بیار خوشحال خواهند که ق درگاه ای از دریا و تحقق این طرح سلطی نمود.

بکرود و احترام - نکار خدن مسائلی

Representative of Iran Democratic Front Abroad
www.irandfd.org Tel.(1)-201-792 3379
HM2ssali@gol.com alter-native@alter-native.ws
 P.O. Box 60735 Potomac, MD 20859, USA

۱۲ مرداد ۱۳۸۳ برابر با ۲۲ آگوست ۲۰۰۴

نامه سپرکشاده خطبه به حقوق انسان و سازمان حقوق پرور ایران

جعیت تاکه ای :

حاجم شورین علی‌دی ۴

اللیان: دکتر بهشت، دکتر ناصر طافری، دکتر احمد اسدی، دکتر قسم شعله سعدی، عبدالحق سلطانی

محمد رضا تقییان

پندروز فراون*

شما بعون حقوق دان و مدافع حقوق شریعت اعریش فرد ایرانی به خونکاری سنتگاه قشایش کشور اشتبانی درین رسماً بعنوان معلمین اسلامی پایه‌مال می‌باشید.

شما بعون مقولان میدانید که چون‌گونه تعداد کاربری از زبان‌گذاری می‌باشد می‌توان سوابی را یافتن برخورداری از این‌لائق ترین حقوق انسانی، ظاهراً و بدون معمول قانونی... الیا با تکیف در زندانها نگهداشت اند.

در شرایطی که ایران سیاست‌های مکرر را انجام می‌دهد و اینجاواهان مجاز را به این‌لائق کشیده کند، شما بعون حقوق‌دان رطوفدار حقوق پندروز ایران، پلیسیت سنتگاه بر سرمه دارید تا ای این حق طبله هرمن و مصلای از این‌لائق اعلان ایران را بگوییم. جملات پرینه‌دان و سایر از این گزینه که «اصحه ما بست سندین و فرمی‌گلیک به این‌لائق و زوال موقق نلاه نوش»

اینها از طرف عدایی ایختواره های زندانی‌سیاسی و از طرف عدایی از "سوته ۲لان" ایرانی از شما تاکه ای دارم که برای بدن دادن به ظلم و ستم و براو افرادی کنم زندانی‌سیاسی مفترکاً اقام کنید.

از شما تفکار دارم که مشترکاً از سه ایختواره های زندانی‌سیاسی و از فقه کوئلندگان و مارخواران حقوق پلر در داخل گلزار دعوت کنید تا در اشتست مشترکی شرکت کنند و تداوی‌ری خدا تولد که به پیامش عنوان حقوق شور ایران و به تأثیر ای های موجود در زندانها مرجع زیارت خانم ناد نمود.

به شاید شهادت می‌کنید که با مشارکت اصحاب حمله های زندانی‌سیاسی و کوئلندگان حقوق پرور، بهاد اجتماعی و ملتی همای از حقوق پرورد ایران را بگذرانی تکله کا جامعه ماده‌نهای از تراویط گفونی، لکه فربنا و براز

در ایجا صریح و دست بدو اورشوم که این‌لائق در هفته است که اکای مهدیش خشعت الله طبرزی و یغون اعتراف‌دهد و خوبکاری سنتگاه قشایش کارور و رفاقت مدعی اسلامی و ایالت اطلاعات و سایر نهادهای مرکوزگر را بهم دست یا متصیب غای‌آزاد و خان ایشان در سفر است.

می‌خیین مطلع ندهم که ایران: امور حسین حشمت مبارز، اصرت الله بیات، اسد شفاقی و سعید اسپهانی را که افسد برگز از تراویث رسانیده سلکر ۱۸ فری‌المدت، به بروزه مبارزی به زندانی‌های طولی‌الحد محکمه گردید اند. می‌خیین قاتل اورنگز موقعي کی از کوئلندگان سیاسی در ایران میداشت، مدعی از زندان شکمیه شده الله و از شرایط غیرجایی پرسی بود. و مطلع شده بیم که صدمان اغوا از زندانی‌سیاسی‌گانم در شرایط شتابیم بود.

ما از شما تراویث ایاریم که براي نجات ای ایشان مجزیور مخدعاً خدمام کنید که:

با تقدیم احترام - دکتر من مسالی
صادقی: کات، تکیلات بروترزی بجهه دمکر ایران

Representative of Iran Democratic Front Abroad
Hassan Massali, Ph.D Tel: (1) 301 702 3370
www.IranIDF.org E-mail: HMassali@aol.com
P.O. Box 60735 Potomac, MD 20850, USA

نکسه سرگشاده به:

سوم اکتوبر ۱۳۹۲ ایران ۲۲ مهر ۱۴۰۰

خالل شیرین عذری،
قائی دکتر پوپشن،
قائی دکتر ناصر ظاهری،
القائی دکتر نعمت حمیدی،
القائی عبدالرحمن سالمی،
رونوشت: جبهه مسکراتیک ایران، داشبورون تمکیم و محنت، کمیته های انجاع از زندانیان میلسی در داخل و خارج از کشور.

دوسن و موسیلان اراده‌نشی ایران
همانطور که آنها معتقد تنداد غافلی از ایران چوشه مسکراتیک ایران و پیغام از اندیشه اسلامی را خواهند و مدعی زندانیان میلسی و در زمانه نیکزان - منتظر است که بدون ترجی به مولی اعلی‌جهانی حقیقی شدن و پیوند و علیله حقوق اولیه انسانی، در زندانهای جمهوری اسلامی ایران بدمیراند. اینها این‌قدر از قحط و "حتم شرکت در انتخابات قریب‌ترینی"، تهداد بگیری از مردمان میلسی را میگویند اند از طرف ایران زاده‌ای خود که در درینجا غیر انسانی در فضای رسیده برآورده و از طرف خواره‌ای از این اتفاق ناشایستگی را میگذرانند که بطور مستحبه باشکنی یک "ایران مسئله مدعی حقوق شدن ایران" و "ایران‌خواران از موقوفات اسلامیت و مدعی حقوق شدن" بطور مستحبه باشکنی بروای نهاده اند زندانیان میلسی و مستقر اربعیان بکشند. بشما اطیوبان مدهم که همه افرادی از اندیشه و مسکرات در داخل و خارج از کشور که خواستاده‌اند از مسکرات و مستقر از مسکرات و معدود می‌باشند - بدهم توسل به خلوات - در ایران مستبدان این بسیز را کلامهای اسلامیستاله و مسکرات مبنیانه شما و پیشی از خواهد کرد.
سامیم خود ادعا می‌نمایم که تمام اطلاعات مربوط به زندانیان میلسی را در اختیار شما بگذاریم و همه امسکانات خود را در این مدت نگذاریم.
از شما انتظار داریم که با تین رابطین و اشخاصی‌های ارتباط‌کنی که ، تراویض فرام نکنید که همه ایرانیان از خصوصیات خود از زندانیان میلسی، بتوانند با شما ارتباط برقرار کنند.

با احترام - نکته حین مساله؛ همانگاه، کنده تکمیلات پرونگز نیز جبهه مسکراتیک ایران

Charter 2003 منتشر

۲۰۰۳ - ۱۳۸۱ - ۱۰ فوریه ۲۱

هم‌زمان با مالگرد انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، جمیع از روش‌نگران، متخصصان، فعالان سیاسی و حقوق پژوهی ایران سندی به نام «منتشر ۸۱» صادر کرده و آرمان‌های خود را برای استقرار نظامی دموکراتیک در ایران تبیین کرده‌اند.

منتشر ۸۱ در ۱۲ بند تنظیم شده، و اصولی مانند تهدیده کردن حقوق و اراده‌های «صرح در اعلامیه جهانی حقوق پسر در قانون اساسی ایران، جدایی دین از حکومت، دمکراسی توسعی، و نظری مطلق خشونت و اعدام، در آن تصریح شده است. درین اتفاق‌گذگان، شحصیت‌های ادیس، سیاسی، حقوق پژوهی و حقوق ای اسلامی دیده می‌شوند. متنشور ۸۱ همچنین از طرف شماری از پژوههای جوانی که در نوک مبارزه سیاسی در داخل ایران قرار دارند افصا شده است. هم‌زمان با صدور متنشور ۸۱، یک پایگاه اینترنتی مخصوص آن تیز برای دنبال کردن اهداف متنشور آغاز به کار کرده است.

دکتر حسین باقرزاده، از تویستگان متنشور ۸۱، هدف آن را بیجاد پلاتفرمی برای طرح و پیش‌برد اصول دمکراتیک و آرمان‌های حقوق پسری در فضای سیاسی ایران می‌داند و می‌گوید: «هدف این متنشور ایجاد یک حزب پا سازمان سیاسی جدید نیست. متنشور ۸۱ بر اساس مدل «منتشر ۷۷» چکوسوواکی (سابق) در سال ۱۹۷۷ و «منتشر ۸۸» بریتانیا در سال ۱۹۸۸ تنظیم شده است. در این متنشور ماد سعی کرده‌ایم اصول محتوایی یک نظام دموکراتیک در آینده ایران را مشخص کنیم. هدف این بود که ما پتوائم بد عنوان پخشی از جامعه روشنگری و سیاسی ایران، اصول و ارمان‌های ازادی‌بخواهان، دمکراتیک، صلح‌جویانه و حقوق پسری طلبد خود را روی کاغذ بپاوریم و آن را قراره مبارزات مردم ایران و سازمان‌های سیاسی قرار دهیم. آنکه خود اتفاق‌گذگان متنشور (و با پخشی از آن) نیز می‌تواند، اگر بخواهد، متنشور را به یک حزب سیاسی قدر دهند و احیاناً اهداف‌های تحقق اصول را مشخص کنند.

منتشر ۸۱ با امضای پیش از یک سد نفر منتشر شده و اکنون برای امضای سایر ایرانیان علاقمند بار شده است. علاقمندان می‌توانند با مراجعت به پایگاه اینترنتی www charter2003.org متنشور را اینستند و در صورت تمایل امضای خود را باید آن بگذارند. هم‌چنین با مراجعت به این پایگاه می‌توان در جریان فعالیت‌های بعدی متنشور فرال گرفت و یا اتفاق‌گذگان مرتبط به یعنی گیری اهداف متنشور و راهکارهای تحقق آن‌ها را دنبال کرد.

موفقیت جنبش اصلاحی را از دست داده‌اند. سیاست ماجراجویانه خارجی جمهوری اسلامی آن را در ازروای سیاسی فروبرده و اقتصاد و امنیت کشور ایران را به خطر انداخته است. پخش بزرگی از اصلاح طلبان و هواداران آنان نیز به این واقعیت‌ها رسیده‌اند و راهکارهای گشاینده را در خارج از حاکمیت با خارج از چهار چوب‌های تنگ جنبش اصلاحی حاکم می‌جویند.

در این شرایط، بر همه ایرانیان آزادی خواه دموکرات و وطن‌دوست در داخل و خارج کشور، و اصلاح طلبان معتقد به یک نظام مردم‌سالار عرفی، فرض است که دست به دست هم دهدند و با بسیج همه‌جانبه نیروهای اجتماعی مستقل از حاکمیت به کارزاری عمومی دست زنند، کشور و جامعه ایران را در مقابل خطرات سهمگینی که در کمین آن است باری کنند.

ما امضاکنندگان زیر، با نظرگاه‌های مستقل، برای ایجاد زمینه چنین حرکتی منشور زیر را فراهم کرده‌ایم و هدف‌ها و خواستهای خود را به این شرح اعلام می‌کنیم. ما هم‌چنین از همه ایرانیانی که از این نظرات پشتیبانی می‌کنند دعوت می‌کنیم که به صفت ما بپیوندد و در این اقدام با ما همراه شوند.

منشور ۸۱ - Charter 2003

۱- ما حقوق و آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تمامی می‌بذریم و خواهان نهادینه شدن آن‌ها در قانون اساسی ایران هستیم.

۲- ما معتقد به اصل انکارناپذیر حکومت مردم بر مردم از طریق آرای عمومی هستیم، و تنها نهادهایی را که منبعث از آرای آزاد مردم باشد به رسمیت می‌شناسیم.

۳- ما خواهان جدایی کامل نهاد دین از نهاد حکومت، و نهی سلطه روحانیت یا هرقشر و فرد دیگری که خارج از راهکارهای مردم‌سالارانه متحقق شود هستیم.

۴- ما آزادی عقیده و مذهب را به رسمیت می‌شناسیم، و هر گونه دخالت حکومت در مذهب را نفی می‌کنیم.

۵- ما به برآبری کامل ایرانیان، صرف نظر از جنسیت و نژاد و قومیت و زبان و عقیده و مذهب و خصوصیات شخصی افراد، اعتقاد داریم و هر گونه تبعیض و تابآبری می‌ستنی بر این تفاوت‌ها را نفی می‌کنیم، ما به خصوص بر برآبری حقوقی کامل زنان و مردان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأکید می‌کنیم.

۶- ما معتقد به ساختاری حکومتی با حداقل کنترل مرکزی و حد اکثر دموکراسی محلی و مناسب با تنوع قومی، زبانی و فرهنگی مردم ایران با حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور هستیم.

۷- ما معتقد به حق برابر مردم ایران در بهره‌گیری از ثروت ملی و منابع طبیعی کشور هستیم. ما

- هم چنین بر آئیم که حکومت باید یک حد اقل سطح زندگی را برای هر فرد ایرانی تضمین کند.
- ۸ - ما دخالت حکومت در حوزه زندگی شخصی و روابط خصوصی افراد را نفی می کنیم و تنها وظیفه حکومت در روابط بین افراد را جلوگیری از تجاوز شهروندان به حقوق یکدیگر می شناسیم.
- ۹ - ما مخالف جواز قانونی اعمال هر گونه خشونت از سوی حکومت هستیم، و کاربرد شکنجه و مجازات‌های خشن و نانسانی، از جمله اعدام، را در هر شرایطی نفی می کنیم.
- ۱۰ - ما از جنیش آزادی خواهانه مردم ایران و به خصوص زنان، جوانان، دانشجویان، نویسنده‌گان و هنرمندان، دانشگاهیان، فرهنگیان، متخصصان، کارمندان و کارگران که برای نفی استبداد مذهبی مبارزه می کنند حمایت می کنیم. در عین حال، ما معتقد به تحول مسالت‌آمیز جامعه به سوی مردم‌سالاری و تحقق آرمان‌های یاد شده در این منشور هستیم.
- ۱۱ - ما خواهان گسترش روابط بین‌المللی ایران با همه کشورهای جهان بر اساس صلح و احترام متقابل، منشور سازمان ملل، و استقلال و مصالح ملی ایران هستیم، و از بیمان‌های جهانی ناظر بر صلح، عدم تجاوز، حقوق بشر، توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، و حفظ محیط زیست حمایت می کنیم.
- ۱۲ - ما به حق مردم برای تعقیب و مجازات کسانی که در گذشته به حقوق مردم تجاوز کرده‌اند احترام قابل‌هم، در عین حال، معتقدیم که باید با رعایت اصل ۹ این منشور از طریق یک کمیسیون حقیقت‌یاب آشنا ملی و یا در دادگاه‌های صالح به صورت عادلانه به این اتهامات رسیدگی شود.

اسمی امضاكنندگان منشور به ترتیب الفبا:
(برای امضای منشور لطفاً به www charter2003 org مراجعه فرمایید)

دکتر بهار آزادفر، پژوهش، آلمان
دکتر شهریار آزادگان، محقق خلطوط مخابراتی و دیجیتال، آلمان
نعمت ازرم، شاعر، فرانسه
دکتر رامین احمدی، نویسنده و پژوهش، آمریکا
ایرج ارجمند راد، محقق فرهنگی، آلمان
دکتر فرج ازدلان، پژوهشگر سیاسی، آمریکا
مرتضی اعرابی، حسابرس، سوئد
رضاء‌الله اقبال آقا، کارشناس مدیریت و حسابداری، انگلیس
دکتر مسعود امید
دکتر علی اکبر امیدمهر، مشاور روابط بین‌الملل، دانمارک

اسد مذهبی، طنزنویس، کانادا
دکتر گلسراد مرادی، مدرس، مترجم و نویسنده، آلمان**
ناصر مصلحتی، شغل آزاد، آلمان
امیر منصور معصومی، محقق جامعه شناس، کانادا
امیر معنوی، ناشر، آمریکا
عباس معیری، استاد مینیاتور و نقاش، فرانسه
داود مقدوی، سوند
سعید منظفری، متخصص فتواری اطلاعات، آلمان
مهندس محمود موسی دوست، الکترونیک و فن اوری اطلاعات، آلمان
سعید مهاجری، تحلیلگر مسائل داخلی، ایران
بیژن مهر، فعال سیاسی، آمریکا
کاووه میناق، بازیگر و کارگردان تئاتر، آلمان
شاهین میر محمد حسینی، دانشجو، سوند - اتریش
اسماعیل میر ظفری، آمریکا
رامین ناصح، مدیر کل سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران، ایران
جواد والدان، مسئول سایت فرهنگی ایران آزاد، آلمان
رضه هیرو، شاعر، فرانسه
فرزانم یوسفی زاد، آلمان

جنبش وحدت ملی ایران (<http://vahiran.tk>)

سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران، ایران (<http://ettehad.persianblog.com/>)

* با ملاحظاتی در مورد ماده ۳، ۲ و ۶

** با ملاحظاتی در مورد ماده ۶

علاوه بر اسامی فوق، افراد زیر با نام مستعار امضا کرده‌اند و ۱۵ امضاکننده دیگر نیز خواسته‌اند
که امضا انان محفوظ بماند

البرز، مهندس راه و ساختمان، آمریکا
آزاده ایرانی، سویس
دکتر ایرانیان خراسانی، روشناسان، آمریکا
علی فلاخ، استرالیا
روزبه وین، اتریش (با ملاحظاتی در مورد ماده ۷ و ۱۰)

ادامه لیست امضاکنندگان منشور ۸۱

(فایل شماره ۲)

مسعود امینی، آمریکا	فیدون امیر ابراهیمی، انگلیس
دکتر مرتضی امیری، استاد دانشگاه، آمریکا	دکتر حسین پاقر زاده، فعال حقوق بشر، انگلیس
مهندس حسین اتور حقیقی، بریک و کامپیوتور، آرژانتین	حسین پاقر زاده، فعال حقوق بشر، انگلیس
لائیس کانادا	دکتر حسین پاقر زاده، فعال حقوق بشر، انگلیس
فعال حقوق بشر، شاعر،	پدرام معلمیان، خودبار آقام،
لائیس امریکا	جعید رض برهانی، بنده سیاستی
حقوقدان و روزنامه‌نگار، حقوق و علوم سیاسی	دکتر هرhab پهداد، استاد دانشگاه، آمریکا
کانادا	ابران پروش، نویزه‌دان، نویزه‌دان
لائیس ایران	محمد پیغمبر، متخصص فناوری اطلاعات، ایالات متحده پیغمبر
فعال حقوق بشر، مهندس ساختمان، ریاضی دان،	دکتر کوش پارسا، مهندس مخابرات، آمریکا
کانادا	اصغر عیدی، دکتر بامداد پاچق، دارا فرشیان
المان	دکتر حسن رضایی، عیسی بیزان، صاحب انتیاز و مدیر ماهنامه نیمه امیرحسین جواهی، پنهانه پورزنده، آمریکا
ایران	دaniel بهروز، حبیب تبریزیان، حسیدار - نکیسین (فنی)، نووج. سالاری، احمد تقی‌آبادی، آمریکا
استرالیا	دانشجوی علوم سیاسی، نکیسین آزمایشگاه، دانشجوی، کیاوش نوکلی
لائیس دانمارک	مهدیس اروند میرخسروی، دکتر صوچهر تابستان، پژوهش و فعال سیاسی، ایگ فردون صالحی، دکتر محمد جوادی، متخصص بیهوده‌شناسی، سوند
المان	نوشن حاتمی، استاد تاریخ، آمریکا
دانمارک	حسین فردوسی‌پور، حسین حبیب زاده، شغل ازاد، ایالات متحده سعید حسین زاده، عمران (اراده و ساختما، داریوش محمدی، دکتر اسامیل خوبی، شاعر، آمریکا
سوئد	مهدیس دهباشی، شغل ازاد، سویس
لائیس فرانسه	صمد ذبیان، مدیر شبکه‌های کامپیوتی، آلمان
سوئد	دکتر ابراهیم افهانی، محمد درخشان، سوند
آمریکا	امیر دها، مدیر شرکت اینترنتی، انگلیس
سوئد	مصطفی پهلوانی، محمود رفیع، دیر مامعه دفاع از حقوق بشر، برلن
کانادا	دکتر کاظم رنجبر، جامعه‌شناسی سیاسی، فرانسه
ایران	فولاد اراثی مکزیک
سوئد	امیر طاهری
آمریکا	مجید زهکار، پژوهش داروساز، استرالیا
سوئد	حسن زارع ازدی، سخنگوی جبهه متحد دان
کانادا	هانی نهیری
آریش	فتحیه زرکش بیزدی، فعال مسایل زنان، انگلیس
سوئد	دکتر حسید زنگنه، استاد اقتصاد، آمریکا
انگلیس	شاهین ارزلی
کانادا	هادی زمانی، انگلیس *
ایران	پوچنا خسروی‌بادی
سوئد	حمدی زواره، هنرمند نقاش، آمریکا
آمریکا	ابوچ اوجی گیوی
سوئد	علی ساکی، نروز
کانادا	مجید سانی
انگلیس	عباس عطروش



اطلاعیه مطبوعاتی

۲۱ بهمن ۱۳۸۱ - ۱۰ فوریه ۲۰۰۳

هم‌زمان با سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، جمعی از روشنگران، متخصصان، فعالان سیاسی و حقوق پژوهی ایران سندی به نام «منشور ۸۱» صادر کرده و آرمان‌های خود را برای استقرار نظامی دموکراتیک در ایران تبیین کرده‌اند.

منشور ۸۱ در ۱۲ بند تنظیم شده، و اصولی مانند نهادینه کردن حقوق و آزادی‌های مصروف در اعلامیه جهانی حقوق پسر در قانون اساسی ایران، جدایی دین از حکومت، دمکراسی توزعی، و نفی مطلق خشونت و اعدام، در آن تصریح شده است. در بین اضلاع اندگان، شخصیت‌های ادبی، سیاسی، حقوق پسری و حرفه‌ای متعددی دیده می‌شوند. منشور ۸۱ همچنین از طرف شماری از نیروهای جوانی که در نوک مبارزه سیاسی در داخل ایران قرار دارند امضا شده است.

هم‌زمان با صدور منشور ۸۱، یک پایگاه اینترنتی مخصوص آن نیز برای دنبال کردن اهداف منشور آغاز به کار کرده است.

حسین باقر زاده، از نویسنده‌گان منشور ۸۱، هدف آن را بیجاد پلاتفرمی برای طرح و پیشبرد اصول دمکراتیک و آرمان‌های حقوق پسری در فضای سیاسی ایران می‌داند و می‌گوید: «هدف این منشور ایجاد یک حزب یا سازمان سیاسی جدید نیست. این منشور بر اساس مدل «منشور ۷۷» چکولواکی (سابق) در سال ۱۹۷۷ و «منشور ۸۸» بریتانیا در سال ۱۹۸۸ تنظیم شده است. در این منشور ماسعی کردۀ ایام اصول محთجاوی یک نظام دموکراتیک در اینده ایران را مشخص کنیم. هدف این بود که مأتوائم به عنوان بخشی از جامعه روشنگری و سیاست ایران، اصول و آرمان‌های آزادیخواهان، دمکراتیک، صلح‌جویانه و حقوق پسری مطلوب خود را روی کاغذ بپاوریم و آن را فرازه مبارزات مردم ایران و سازمان‌های سیاسی قرار دهیم. البته خود امضاعکنده‌گان منشور (و یا بخشی از آن) نیز می‌توانند، اگر بخواهند، منشور را پایه یک حرکت سیاسی قرار دهند و انجانها و اهکارهای تحقق اصول را مشخص کنند.»

منشور ۸۱ با امضای بیش از یک سد نفر منتشر شده و اکنون برای امضای عموم باز شده است. علاقمندان می‌توانند با مراجعته به پایگاه اینترنتی www.charter2003.org و www.manshoor.org من منشور را ببینند و در صورت تمایل امضای خود را پایی انجذاب نمایند. هم‌چنین با مراجعته به این پایگاه می‌توان در جریان فعالیت‌های بعدی منشور قرار گرفت و یا گفتگوهای مربوط به پی‌گیری اهداف منشور و اهکارهای تحقق آن‌ها را دنبال کرد.

نیروهای تخریبگر در خارج از کشور

متاسفانه در چنین شرایطی علی شاکری به اتفاق دو- سه نفر از اعضای نهضت که مدت‌ها پشت نام و شخصیت بختیار آرمیده بودند، به جای اینکه با ابتکار عمل سیاسی درسطح ملی و بین‌المللی، کوشماشند، به سبک خیال‌پردازانه‌ای، خود را جانشین بختیار قلمداد می‌کردند. حتی هنگام برگزاری مراسم یادبود بر آرامگاه بختیار، درباره‌ی اینکه چه کسی جانشین وی شود، به طرز مبتدلى با همديگر درگير می‌شدند. اين افراد، به جای اينکه از کوشش‌ها و ابتکار عمل مبارزاتی ام در آن شرایط بحرانی حمایت کنند، از روی حسادت و خود خواهی، در صدد برآمدند که با اتهام زنى و لجن‌پراکنی، فعالیت‌های ما را درسطح ملی و بین‌المللی برباد دهند. اين شيوهی مخربانه، ابتدا در درون تشکيلات نهضت مقاومت ملی آغاز شد و سپس در جريان برگزاری موفقیت آميز "كنفرانس ملی" به اوج خود رسيد و نمود خارجي پيدا کرد. آن‌ها با وقاحت، در نشريه‌ی کيهان، چاپ لندن و در محافل ديگر، به اتهام زنى مشغول شدند.

اين سياست تخریب‌گرانه، زمينه را برای ساير عناصر تخریب‌گر درون اپوزيسيون و وابسته به رژيم فراهم ساخت که در اينجا اسناد مربوطه نشر مي‌يابد.



الحلقة

پاچالان صور میرسالم که طبق احکامات رسیده آلقی هسن ماسالی تقدیت عنوان برگزار کنند،
کنفرانس ملی در تابیعی با سرویس های خارجی و بین‌المللی از اعضا خواهاده، پهلوی به پدر رئیس
فالانشایی صند ملی و ضد نهضت مقاومت علی ایرون دست پذیرده است. این فعالانشایی با صلح نیز
مللی و نهضت های "سلامی" نامبرده، پیچیده با اطلاع قبلی اعضا این سازمان را بطوری ایلی با
تابیعی و تحویل شرایط ممکن آن تبوده است. بدینوسیله شجاعین اعلام سیکیم که با این شخص
مهمجهون از ارتباط سیاسی و تخصصی نداریم.

ایران هرگز خواهد بود

۱۰۰۰ - شاگردی - مصایب - شریعت

میرداد ۱۳۷۳ سالنامه ۵۶، ۱۹۷۴

۹۳ فوریه

کمیت احراش ناخه کشوری آلمان

رونوشت؛ هیا؛ ت احراشی بهشت معاوست ملی ایران
هرمزیان غریب

مشاهده شده است که انتخاب مختاری بدون آینده شفید تشکیلاتی بر عهد، بکسرت و بوا این سیاست رعای اساساً به سیاست بود را با اختیارات متفاوت ملی ایران خنثیم کنند، و با «سخوار العمل» های ارگانهای مشاور را با حراست آورده، درینکن از طبقات نهضت شرکت می کنند و با درحال قل خارج بنام بهشت مختاری اسلامی کنند و دسته اعمالی هیئت شد که ایگاهای نمایل اخلاق تعاونی، سیاست ملکی، مناساب تشکیلاتی بکجا نب نمیستند و هر قرود و سخنی باید نسبت سه ملسویتها و شعبهای خود در بیان تشکیلات نیز آنکه باشد وسما در عمل کنند.

است که با اتفاق مستولیین احراشی در مرکشور اقدام قاطعاتی عمل آید، لذا، پیشنهاد من کنم که تهرست دقیق اعضا، و هواداران شفعت، آدرس و شماره تلفن آنها در هر محل آماده گردد تا این گمیسون تشکیلات با اتفاق مار مسلویس هر واحد و مرکشور، ما افراد و محقق مختلف شناس خودروی و مکانیه ای سرقرا رکرده، بوا اس من معبارهای تشکیلاتی مشخص کنند که جه کمایت مبتعد و غیر من توانند باشند، و مج کسانی طرفدار پیشتبانی شفعت منته و به افرادی "غیر" تلقی نمیگردند.

بس از در اختیار گرفتن مشخصات فوق، اعضا گمیسون تشکیلات با اتفاق مار مسلویس، بونا مدیری مشخصی برای اساسه مخفشن این مناسبات سهلی عواید آورد و مشترکا با مردم راه هند آرده، زیرا، اتصاراً بین مناسبات افراد عاصمه و ولسویه نیست را دلسرد خواهد کرد، باید مقال ناد که افراد بی صلاحیت ویسی مسئول، تشکیلات را ملک افکار و اعمال ماجراجویانه خود گشته.

ایران هرگز خواهد بود

رونوشت برای اطلاع اعضا، گمیسون تشکیلات مسئول گمیسون تشکیلات - حسن عالی
اوحال می گردد.

هنگامی که جنیش سپاه پاسداران آمریکا (آمریکانی، آمریکان) در ایالت متحده آمریکا، بر علیه سیاست تبعیض گرانه بهاره، پرساختند بکی از کارشناسان ارجاعی در کالیفرنیا (که گویا استدانتگاه نیز بود)، به دولت مرکزی و حکومت ایالت کالیفرنیا در آن هنگام، روندانه ریگان، فرمادار کالیفرنیا بود) توصیه کرد، بود که: «با توجه هنی که شورش کرده اند، کاری نداشته باشید. لکه تدبیری بهائی شدید که رهبران آنها را بکشید (لبود کنید؛ آنگاه، جنیش که لذت رهبری پاشد، خاموش خواهد شد.» همین تئوری باعث شد که «مارتن لوئی کنید»، «ملکم ایکن»، و سیاری از رهبران «بلتکنید» را تحریر کرند، احتمالاً همن کارشناسان، به کارگردانی رژیم خمینی نیازمند بودند که در ایران نیز چنین سیاستی را باجراء بآورند، ترور انسان، شرکتندی، شهرو بکتیاب، برومدن، فرونه، قلل های زنجیره ای و کشتار رجندین هزار نفر از کادرهای سیاسی مبارز در زندانها را باجراء در آورند تا جنیش سکولار، نمکرات و برابر طلب ایران، فرو پاشند.

پیا زم مارس ۹۴

دوزت مرز همانون مصلحت، درود سوتو،
نامه "نمودارهای ویژه حقوقی موادی" بدارد و با ریوشنها بین بدست رسید.
با طلاع میرزا نم که پیش از میان دیدار رما ساخته اراده رفاه پیشوایی، داریوش همانیون بمحض آغاز
من در مدار روسو شلخه کرد، و در غیاب من بیسطم قرستاده بودگه درساو، پیاوه کردند و تنهضیم
بوا رحلات، انداده پیشوایی بسیل اوریم، استنساط من آنسوده که تعاوه "سلفی" مرا اول طویی
روابط داشت رضا پیشوای بدهشت آورده و پیشنهاد توضیه خود را پیشوایی این تعاوه را گرفت از است
جوان خود استاده کرد، این را در تلفنی که در چهارشنبه میلادی آزادم ماین پیشنهاد را کرده بود)
من روابط خود را برای مصلحته میتوانم محفوظ داشتم، این را در میان این این این این این این این این
الیان پیشوای بوده و برای مصلحته میتوانم محفوظ داشتم، این را در میان این این این این این این این
بن حربای خلصه اوریا رسیده و پیشنهاد توضیه خود را پیشوایی این تعاوه را داشتم و میتوانم
بعد را پیش با طلاع این رساندم و میتوانم این را کردم که تکریتیم را درستله، شواره، مادره این
پیشنهادهای این
در این ملاقات کشکا و بودم که "بیسطم میسی" "ماین ماین طبق ووال گذشت سایه این این این این
در این ملاقات متوجه شدم که پیش میتوانم میتوانم میتوانم میتوانم میتوانم میتوانم میتوانم
حکایتی تهیت را جزی از "مشروطه خواهان" ابرازم کرد، در این دخواست که ترا
جهات اخراجی است و من سنتکلیفت تداوم، گفت سل دارم سل آنها، تا کمی مانگتم، خواه
داده که اینان در بیان رسی هستند با خودشان شایسته بگیرند.
در اینجا این نکته را پیویسته است که موضع بدھم که با وجود وعایت برخی مانند این این این
که اینجا گرفت، این ملاقات را یک مسلط عادی شلیکی کنم، ذیل این این این این این این این
مکر، بود که گویا "بیان حدیث از طرف دختر رفاه پیشوای دارد" که خواستم بشنویم تا ملی
روان گذشته موضع مطرح شده را با طلاق شنکلایت برخواهم.
از همه پیشوایی کنم با وجود رفاقت و حمایت و اعتمادی که بین ما باید حکمفرماش،
پیروزت دارم که درگ خودمان را از ماستهای پیش از این
"احظای این
پیشنهادهای شنکلایت برای این
درخشن، حتا این نکته تاکنون روش بوده که من "حاج شنکلایت ویژه ای" براي خودم
با وستکووام، بلکه غریمیها و میتوانم را در احتجاج شنکلایت کلاس است،
مصلحته میتوانم که ساید موره توخه فراویگرد پیشنهاد: شناخته زومنر، و من غیوره از این این این
"بایان لشنسیس" "سیون آندهای وساید سا خودگاه، و همان شیوه، متنویل شدم،
پیشنهادهای کنم، اینکوشه سائل داریک بحث سایس سالم درون شنکلایت سایه هدیه
روشن کنتم تا اینجاد سوئنچه نکند، (از محله پیشنهاد، در جلسات شورا، کمیسیونها و...
قدرتی با این مسائل نیزه ایم، بخای اینکه...
و اینجی
ما روشن و تا دقیق، دریک شنکلایت زود خسته من شوم، خنوما اگرور، بن شنکلایت به آن مبتلا
ما شد،
با دروده روان - حسن ماسالی



هفتم مارس ۱۹۹۳

هیاء ت احوالاتی شیفت مقاومت ملی ایران،
کمیته، اجرایی شیفت مقاومت ملی ایران ناخوش آلمان،
ستولیون، واحد شیفت مقاومت ملی ایران در شهر هنر،
اعف، کمیسیون شکایات،

دولتان عزیز، طبق فوارقیلی، جلسه، مشترکی با خبر آفایان؛ ایلیمیگی، فهمی از کمیته،
احوالی شیفت، شاخه کشور آلمان (آتا می، شریعتی و احمدیور) (از واحد شیفت در شهر هنر)
شیعی (از واحد بیوفت در پیش از اینستیتیو) که درستله مورد اختلاف مطرح شده موضع کمیته
فعالی داشتند) و حسن مالی (ستوان ستوک کمیسیون شکایات)، دروزهای
شنه و پیشنه، ششم و هفتم مارس ۹۳، در شهر هنر تکمیل گردید.

همی دولتان حاضر در جلسه، ظریبا بودند و درباره مسئلله مورد اختلافه تفصیل
سیان گردند و مکاتباتی که میان اشخاص و نهادهای شکایاتی شیفت در ایضاوه انجام گرفته بود،
قرار گرفتندند.

بنابراین می‌دانم ملروخ و پژویی که در امرداد موجب برور این اختلافات گردیده بود،
مشترکا به این نتیجه رسیدم که:

۱- بس از هیات دوچرخه از ریفران طراز اول شیفت مقاومت ملی ایران (دکتر نابوسنها ر
و دکتر عیدالرضا برومند)، اجرا مرضق و فرم مدنی بخشند، بود میتوانند عددی
در تعداد ۱۰۰ نفره تا با توطئه گزین، شکایات شیفت مقاومت ملی ایران را زین برسند، مسای ری
او افراد مشکل دشیفت مقاومت ملی ایران، که با توجه به توابع شخصی نگران نگشند، ای که در
آرمان داران سرمی بروند، هر کدام به سینک و ملسلخ خود و بنا از طریق پیاده شکایاتی ارزیدند
بیان مده بودند تا شکایات شیفت مقاومت ملی ایران و حفظ گنند و ادا اقداماتی بعمل
می آورند...

۲- شرایط ذهنی و بحرا نی مربور، موجب گردیده بود که درباره میخواهد از
عقاید میانیت میورت شکایت، خصوصا در مکاتبات، از الفاظ و واژه های استناده شده بود
که ب دنباله مارشه شیوه شیوه، بلکه مردم اسلامی و سیاسی هدیگر را جرمیده دارساند و سوده.
۳- شرایط ذهنی ساسعه میورت محضی موجب گردیده بود که برخی از دولتان قدرت شغفی
و افع عیاتانه خود را درباره "خلالگران و توطئه اگرای" واقعی از دست دهنده ولذا در تا و سک
نم روی همه شکایت شکایت می گشتند.

۴- شرکت کمیکان در جلسه، ممن گفت و شنودی که میان مذاقت انجام دادند، تا کبدورزیدند که
شیفت به حسن صفت و عاقیلیتی همیگر درباره شیفت مقاومت ملی ایران نگیرند
و فقط شویه سخوردند تا میورت، لذا مشترکا آلام می کنند که درآینده، میں حسنه
گردن عمالیت های سیاسی و شکایاتی خود در شیفت، از نیمه سرخوره تا پسند گشته،
امتناب و رزند و حرمت انسانی همیگر داشتند و محترم شما واد.

۵- دربررسی مسائل روشی گردید که اولین نایه، که مالحن نایمی ارسال گردیده بود،
از طریق واحد هنر موده است، لذا اکثریت شکایتیون واحد هنر از ایکه لغزش
اشنایی در ایضاوه میورت گرفته است مصمیانه از خودهای انتقاد گردید.

ابویان هرگز خواهد بود
ستوان کمیسیون شکایات - حسن مالی

National Movement of Iranian Resistance (NAMIR)
Mouvement de la Résistance National Iranienne

Founded by Chavour Bakhtiar
Postfach 12.10.07, 80034 München, Germany

نهضت مقاومت ملی ایران

Hassan Massali
Secrétaire aux Relations
Internationales
P. O. Box 4
34514 Vöslau, Germany

۱۹۹۳ زوشه ۲۱
نادخانه کشوری نهضت مقاومت ملی ایران
دوستان بزرگ، درود بروشما.

برای اینکه فعالیت‌های دین اسلامی ملیق ملایمیتی هست و میتوانیست مقاومت طیع ایران را
پسازی شود و گسترشی پذیرد، اقدامات اولیه را بعمل آورده است:
۱- تشکیل کمیته‌های منظور انجام امورین اسلامی
۲- تداری انتشار سفری‌ای برای همای خارجی (اسکلپسی و مواسمه) ، امکان اینها را برای
بریان انسانی بین دو جان بروزی است.
با توجه به حجم کارها و داداشن امکانات مالی و فنی، ضروری است که درهرکشور راسی تخفیف
و پیشرفت شود. تا مصلحت‌ها باعضاً مور بین اسلامی ممکن باشد عمل ۲ ورثه.
همچنین ضروری است اشخاصی دیگر را که در مسائل روایت خارجی از کارداش و تجارب کاری
برخورد از هستند و امکاناتی در اختیار دارند که در فعالیت‌های بین اسلامی بیند من تواند
مقدمه واقع شود. آنها را بین معاصری کنید.
از واجههای واقعی نهضت شفاهه داریم:

۱- برآوردن شفی شرکت‌کردن بحقوق امنیت اسلامی. ما را بموقع آرایش‌های میهمانی و خارجی
ملکیت ملی و مطالبات غنیده‌گر را مستقیماً برای ما ارسال دارید. همچنین در بوزیع شفیوه،
درهرکشور مأرایا رسانیده.
۲- از درستیه شام و شب‌انی سپاهاند را، تهدیدی بابت نزوه و سانه خارجی و ماقنده به
خدمت ملی و دکترات ایران، ادامه لازم بعمل ۲ ورثه.
۳- آنرا که بحقوق سپاهاند درزیمیله و روابط خارجی با وعده‌ی داده‌ی مکفرد، هزار

ار و جوهر آنها سازد و پیش‌باده انتقام بندم. خود را بین اراده داشت.

با مردم - من ماسالی
مسئول امورین اسلامی

خوازش ملحوظات

الف - ملائات مآآفاتي زاربيوش فمايون

دور رو دوسته ۲۲ فورمه ۹۳ با تأثیر ماریوچ هایون (میرای اولین مار) درگوا شکوفه را ملاتخ کردم، این دیدار ماین ترتیب عورت کرفت که من از دیدارها و دیوان ماتعا رفراز و روا بیلودی انسان شناسی بگردند که روابط پسرانه بایان خاتمه نسبت فقط کنیم (برتراد کشم، این در مراحل سطوحی که مامایانه لوگ و امریکان مختلف احتمال خواهیم داشد، میرسی انسان را کشتن و از جمله کشتن که بیان شخصی کشاند و اصرار و دشکار شکورت اشان و استینم، در هر حال قرار افتخاری گذاشتند و دودیکسما اعانت ایشان و ادغوا شکورت دیده، اسرا را تختند که روابط را از حد پایانی غارم کرده اندام به هکاری را میگشند.

در جمله کلی آلتی و کوکوم که برای هستی ای پیش تر های هستند که باید اینجا درباره آنها دیالوگ داشت و مکالمات شنبه بیرون سال "شارپیو" نیشنند، بلکه درباره گیتکس کوشش دیده شدند و با دیدگاهی روزن شنود، گفتم قطبون موقت بار از گلکوف شناخت هستند و همکرد پیش تویوس مشترک خواره ماده ای را آزاده کرده اند، ولی ارثربندیک خالکش که با من محت می کنند می خواهند محتوا شنوند به شاهزاده، رفابیلودی، شاه طلاق که کنند ولذا معلمون میست ب کدام طبق اتفاق افتاده، آنها و مواتان ایشان را ذکر و می ساس گذشته دیگران موتوی هر چندی میگردند، هر چندی اینکه در میان اینها در چشم خانه نه از اینها و باید میان اینها دیگری نباشد، هر چندی اینکه در میان اینها در چشم خانه نه از اینها فدیوی امامه داشت، درباره نجوم نیرو دیسا لوگ شاشهزاده، میخواستند که چگونه حالت کنند، کنیم که ما اینرا در اینها دیگر ایشان قرار می دییم، دوچند غواص

درا شاهزاده آنچه اگر می‌خواهد فتوای ملکات گذاشت « درروزه پیشنهاد نهاد و ظهری »، مینماید
با این باقاعدگی همانند آموزشی بینت در آستانه عالیه حمل مقامات تند.
ایشان را که داشتند که حرب دمکرات هیجان خواستار اراده ایستاده و رسیدن به اینجا دفعه
و ایجاد ساخته میباشد و بینشند که کرد که اسکندر سا استھارا مالکانها ارسداشتن گایهای
کوچک تحقیق پذیردند، هنله برخواهات مفروض مسخونه ریشه مالکانها در خشم کشم و از شریشان
دو راهه این ملکات و مالکانی که مدون بررسی کردند که اینها دیده که اینها بودند
در خبرنا مدنکنند شود و رفته و رفته درین حکم که مالکانها مخفی کنند اینکه « عدم تصریح » بد دیگری
دارم و سایه که میگویند که بیوس حاکمیت ملک و مالک است ارضی همچو خوبی همچو خوبی
نگذید و تائید میکند، عقیده داشت جملات مشترکی شور معاذلایان که از
بیگانه و کوشش کنند مشترکاً به توانایی ای سایی و عملی بررسی، آنکه کوشی میگفت که او
نهور از طرف حرث احسان را نم دارد که می بینید راست سایه و نظریات خوب را مشکل کند.

— Ø 98 24 73

دهم ته ۹۴۳

دوسنست غریب آنلای همایین سینمایی

ساده « سهم نوای ایران و ادبیت دریافت گردید ». بسطت رشدی ای که در سدهم ایام دکور، جواہ آنرا پنهان میکول کرد و فقط در دو جمله نا « سخن خودم را از بخوده » فضایت نوی نسبت سخوم ایرازاداشم.

در اینجا غروری است پسند کشته را تنویر دهم؛
ای روزی من از دیگران سیاستی دریک گروه و سازمان، خموخه دریک همیشگی که دارای مستویه های ستم اجرائی هستند ایستاده و اقامه به همه مسائل بین‌دولتی و دانشگاهی امکان پذیر باشد، پیور خواره را پیش‌بینی گردد در عکس چهار و پانزده بیان شده.

دریک نشکنیات، آنها کی که سیمینگر اعتماده دارند، پایان سدون « خودمانی سیاستی » سایه ای

آنچه که اندیشه سیاستی، سیمینگر طرح نهادند.
من دهن نسلیانی که از دوست شروعه مخواهان داشتم، ساتوجه به خطا ای که ممکن است در

پیشنهاد ای اسن جریان (در صورت اتحاد گماش و گفت گفوت) متوجه جامعه حاضر شده ملوسو

پیشنهاد گردم که راه کشش و هدایت پسی آنرا در نظر گیرم لذا، چلیگمی از این

غیرات احتمالی را وابسته ملی محظوظ گردد بودم، نه اینکه شمارشان مهنا نیز گردد اند.

هر تواند این طرح « ماجراجویانه » نماید، مینتواند بیک گرجم « ساده‌لوحن » از زبان

خود... اما آنرا منی سایتی داشتا هم طور ممکن‌گردید.

این نیز باید از شعایر و خصوصیات خاصی که فکر را باغدا نمایم که

ای روزگار و سیاستی مشترکی که برعیشه گرفته‌ایم، سیمینگر اعتماده داریم و ماده خود را رأ

سانسور گشتم ؟

چندی پیش دوست غریب ما آنای بیوه خوازی فارغی منظری و سبد « بوده که دولت سوچت و ادار

ارض ای را بجهانی تشکیل دهم ... که همکی با منطق استدلال آنودیم که امکان پذیریست

و قویم خلافات هنکاری سارخا سبلوی را ساکنیتی کنونی خاطرستان را ماخته بودم ...

سایر این وابسته طرح مسائل ساراست و ملک طاری و خصمی گیری مشترک است.

من درگاه رسانی مصوّحه با احتمالی که قعالیت مشترک دارم آنقدر اعتماده داشته مام که

طیابه کفره سینم، دیدست اینجا سدهم « به نه جاه نا طلبشی برای چارچویی سروه »

صراحه در اندیشه و کلام و اعتماده متساصل است که سما انتگری، شناخت و نیرو می‌خشد از

سیاره، سایی و از خوانشها خسته شنوم و ما « بون تکویده ».

۶- من عمو هشتاد چواشی هست و بخط مسکویس که دارم « سیور-سکله ای که ذکر می‌گند که

ارض ای را به مرغوبیتی می‌نماید، ساید قتل هرچیز سایه‌سیوان اعماق هست

ای جراحتی ملکه کند شما بجای استنشا ای اسن بخوبه » کار، خیان تحقیرکردن و ایجاد زدن،

به تهدید نشکنی‌گاهی مسؤول فتد اید ... بای بسی نهادم ... گوشی کارمندان بکار

اداره هستیم .

من درگاه رسانی مسنه ای فکر کرده‌ام « طرح اراده داده‌ام، استثنا و اکتفا، نشان میدهید

که گویند سریکیه چرمی شده ».

شما این فناهت نکرده تا آنچه بیشتر قدرت داشت که نایم، چنین من مقصیده :

« شما ای اعتماده به خط چندی بیدن گردد ب توبیه من ایست که گلایه، مادرشی کنند ».

دوچیات سخواهی سین پیکوئید که بین مفاوک هستید و توشه من کنید که راه خود را

پذاکشم و بکلیف خودم را روشن کشم ...

که می‌باشد ای از تماشای را پیشیزی ، داریوش هم بون بده بروش فروخته زده‌اید و انتظار

۲۸

نتیجه گیری می کنند:

"اگر قرارشود همه مثل شما و فشار گمدد باید هر کدام آن خودشان را بپزند،" دوست عزیز، خلیل متا سفم که بمناور ما بن بروورد می کنند. من اگر میخواستم اسراى خودم آنی میزم "در زمان دویم نایار مؤقت آنها داشتم. در زمان دویم خیلی بسیار نایار شد که باخفر خوبی - اخوبی و اعزام و اسماهها هاتنم، کافی بود بربکجا "صلوات" بفرستم ودل آنها را منسته آرم.

موقعی نظر می داشتم مقاومت ملى ایران را وارد شدم که "کنیجه" مالی "دوره اردست داده بود و مذاقها نکنند پسندیده اند و مکنیسروند نبیر اردست رفته بودند و نشستهای شنیده در معروف اروپا شی فراز و تکفته سود.

نمی داشتم جوا سامن ماجنیشن اتفاقی ای سرخورد می کنند. شاند معاشرت با استان "تریبلی" روز آرا " . " خودروی " . " و ... نهضه علما دریاوار دریسان دیرینه شان بیرون خواسته اند، من فربوده سال از مازماهیان عووجودیها سکاره آگهی کردم، تحقیق و اذاین لحاظ انتخاب کردم که حداقل ماده خفر دوست تدبیری و قابل اعتماد مثل شما سوچکارخواهم داشتم، آیا یا این نایه میخواهید سین اعلام کنید که باید خط بلان ب اعتماد متعاقباً محدودیکو

مکشم آ

۴- دریسان میخواهم شکوه دیگری را بستان انتخاب زندگی میانی آم ناد آور شم :

۵- پنهانواره و اعدماوساس خودم را از طرفه بیهوده کم تکرده ام، بایکه مسما زرده و پیا بدایی نواخته شده من درس هوند ما در گذشته مرسوله می شود،

۶- مدت طولانی به شکل چلسه، غور باشی نهاده است، ندا اکثر احصار کنتم که از اعتماد و خرمت میانی در این شکلبلات برخوره را نهستم، در آن باقی خواهیم ماند،

دو شوشت چیت اذایع دوستان عزیز؛ مهدی خرازی روح منیمی : ناگش می شود ،

سادر زدرا و اوان حسن ماسالی



نهضت مقاومت علی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Cleopas Bakhtiar
P. O. Box 12 10 07, 80034 München, Germany

Hassan Massali
SECRETARY FOR
INTERNATIONAL AFFAIRS

P. O. Box 4
34514 Vöhl, Germany
Tel.: (49) 05635/642
Fax: (49) 05635/545

دست احمد تاریخ نهضت

۱۴۶

متوحه و مسروقان خریز مظلوم هستند که در جایزه قابل شورا
نمهمانی اعطا نگردید که نشوبه؟ قیام ایران "ماهانه
سطور مومن استناد و بایان مبنای این مظلوم، از این جن مقصی
و سعدی از این شکل امور نشوبه بودند،
در پیش از این شورا بطالی ماین مسئولیت بین واکدرا شده است.
نشوبه؟ قیام ایران در جنمهانه گذشت با همت کارنویسندگان ۷ و
در اثر مدیریت کوب سکولسون ۷، بیکور خوب استنادی داشت و اثرا نهیمه و مذهبی درین
اعنا، نهضت و مادر ایرانیان گذاشت، هم اکنون نیز، طبق همان قرار و مدارا
مقویات، بیکار خود را موقیم دارد.
شاید برجی از مذاکره، خبرها مطابقی که درین رسیمه من شوئد، طبق روال سایه
درین مذاکره اینجا خواهد گردید. ولی برا نکم کردن مخاطر و دوصد هستم که از مان
اعنا، نهضت، امکانات تابعیت گردید مطالب و مازاده‌ی کشم، در معرفت‌که به حاج
مشتی رسیدیم شمارا بحالم خواهیم شد،
از نویسندگان مذاکره‌ی خدا در این مطالعه خود را شاهد همراه برای من ارسان
دارند، در صفت‌یا، سایر این نامه، "درین پستی، خاکس و شکر من چاپ شده است که
من خواهیم از آنها استفاده کشید،
حتماً نویسندگان نشوبه؟ قیام ایران از ماحصل سازان سیاسی و اهل قلم هستند،
با خوده اجازه نشوبه‌ی در اینها و شخص پکدم، این بخدمت آزاده من دم چندستگتر را
به شما دوست از خوب شویمه کنم؛
۱- از آنجایی که اینها در ایران و نیمه‌ی ایرانی رئیسی همکنی داشته باشند و با توجه به اینکه
جیشی هی انتقامی درین من مردم و خصمه دوستی و دشمنی و نصرتکاران نصربه است که در نشوبه
نهضت خوبه، نیزه‌ی و رویدادهای داخل کشور مسدود.
که شاید اینها امکان نیزیست ایه، تشریح موافق نهضت پهلوی ازین
نشوبه؟ نیزه‌ی این سیسم، ایران هرگز نفواید مرد

مشهول نشوبه، قیام ایران - حسن ماسالی

National Movement of Iranian Resistance (NAMIR)
Mouvement de la Résistance National Iranienne
Founded by Chahour Rahbar
Postfach 12 10 07, 80034 München, Germany

نیخست مقاومت ملی ایران

Hassan Massali
Secrétaire aux Relations
Internationales

۱۹۹۴ زوشه ۲۱

امراه، هیئت اجرایی.
اما، هیئت رئیسه شورای اسلامی.
اما، کاربپستانگان شریعه، قیام ایران.
دستان و هموزمان عربی.

شماره ۳۵۱ شریعه، قیام ایران، اولین شماره‌ای است که ساقی‌الله استیوانی، استشار
باخته است.
تمدد و حارما بیکه مستوفیت ایسکوا روا بر عده‌ای دارد، به انتقادات اصلی موپو
به شریعه توجه شد و ساما هنگ کردن نظریات و ساکوش دستگاه محتوای شریعه و اغتنی کرده،
مخلوبیکه منعکس کننده، نظریات ضیوهای ملی - دیگران شایان گردید،
او اتفاق داشت که مربوطه کار و کنیت موده و سمن متنقل شده بود، غیر از پوئندار؛
در پژوهش، «طالب نازه و غلط و جوونشاده»، «فرنگ خواری ادبی را ققدان و هیجان
گشته، توجه نشسته خواست، ...، مفهای محدوده از پژوهی شد.
۱- اینها را ممکن‌بایی نیخدت ملای است ملی ایران و فرم داده کنور، منعکس شدی شد.
۲- نظریات میانی نیخدت ملای است ملی ایران و سایر ضیوهای ملی - دیگران - تخریب شدی گردید.
۳- اغلب نایبی زیاده از،
برخورد های انتقادی که بین او استشار شماره ۳۵۱، ملکه مستثیم و غیر مستثیم بین متنقل
شده اند، خواسته از،
"این شاید، قریو و نام شده است".
چهار رغبت می کنیده از این پرسیدگی کوئ لیس آخوند، شعن الدین امیر علائی، ...، در پژوهه با دکنیده
شخص، مده چانه کوشت سفلی آورده ام که برای استشار شریعه، قیام ایران، چند مسئلله و
مورد توجه پیشتر قرار دهم:
۱- ما آنها شیک ایکان داره از "مرشید خواهی" درباره، رهبران و تبدیل شریعه به، سوکا و سایه
هر چیز کیم، پیشتر به مهانی تکری و سایه رهبران خود پیردازیم و آنها را در ارشاد
با مسائل، میهم و وزیر، مطری مازم و پنسم کنم.
۲- آنها را در این مقاله مذکور شده، "پیشوون" و پیشتر منعکس کیم (سفری، و تصادراً اسن مسله) را
بسیاره آن اثارة خواهیم کرد.

۴- درسواره، روزهای ملی و تاریخی، مدفع نیازی انتشار دهن.

۵- درباره، روزهای هم سیاستی داخلی وینا لمللی، بیوگن تغیرات خود را منکر نمی‌زیم، از هر چیز شناسیم. بحث دیگر "ما شور" نگذشتم.

۶- "خودمرکزیس" شناسه و اگر طالب‌هایی باشند شرها ملی - ذکرات خستم، درستربه، خود، راه دنیاگردی می‌پنداشتم ما جنین بیرونها شاشه ساختم:

لک درسواه ضروری، محاذل و شرها ملی خدمتکار شک درمقوف "ابوزیبون" را نیز افتاد کشم

۷- پیلوو سخوت؛ فجاعین ا-

۸- درا بن سیر برقی از دوستان اهل فلم -، صیبا نه نیالیت و همکاری کرده‌اند و ای مذاقفات، تعداد گذشتی که ماحب شکر و تویسته، تشنده، قدری سرمه‌دانه‌اند.

۹- شارهای درستکلات با عالم است که "ما، دروغه" تشنده‌ای باعنای -، بحال و مازمانیای ملی (مقوم ملیون و "صدقیها") همکاری، اخلاق و اعتماد کنیم. دریا راهی مواد حق تحلیل واقع سیاست‌ای از خود و این مطایم ملیون، سخن حقیقی آوریم که مقصود ماجه کشانی هستند، از این راهی حقیقی با بر شرها ملی نخیبریم سرمه‌دانه‌ی کشم (درسیا خاک دیروزی و تسبیم) -، کوشیدهای حاسی {

دوستان و صور عان غیر

واعقبت استکه: اکنون رهوانستی چیه ملی که درجا مخدعنوان "رهوان ملی" و "مدانی" شناخته شده‌اند، درجه‌یان (نقاب گذشتگاری و این نلا درجه‌یانند)، مخواه از کشور تبر، امثال آنای می‌زیم و مکرتوپیها و زاده...، شرکت‌سیما ملکیون "را تکلیل داده‌اند.

ما، دربرخورد سیاسی، شنکانی و اشتراحتی خود شنایه دجاج بیداری "نمودری" بشویم، سکارهم نه، معاشریتی و دویاوه، مرجوزه ماجنین بدینه هاشی شنین و مشغون‌کنیم، می‌توانم به شرها، اخراجیت‌ها، شیون و قصاید ها را که مصلوی بیست محدودان به کمالی هستند، از "سرشت و سوادی" مذاقته، واژه‌ظرف دیگر خار نباشیم حتی نام آنها را نشنبویم:

چه: عقیده‌دارم، همه، دوستانی که احساس متفاوت را احساس دارند می‌کند، متفقاً در پیش آینده، شورا ملی، ناطح و پوشاک، چشم اندار روشنی شرکت کنند، چنین مسائلی را به حد بسیاریم، استوریله‌یه را شخص کنیم و برای بلا خصم سیاسی، اساسنده تشكیلات، سازمان‌دهی "ملکیون" و همکاری و اخلاق ملایم شرها ملکیات دیگران، بیدگاهی خوبه‌ان را روش کشم و سیوری بی از طرح و پرسنای خود در جلسات شورا بعالی معاشریتی و بیوهد و وقت لذت تکلیف، وکرنه حق انتقاد به جای رهیان منشی گذشتگاری خود را داشت، و اگر انتقاد کشم اشترخیخ بخواهد بود، ناچیزه سرمه‌دانه‌ی پیشنهاد ممکن:

- ۱- اخبار مربوط به داخل کشور، فعالیت اشخاص، محاذل، گروهها و تولد و موده مدون آنها
- ۲- پس از زیارتی سیحت، منکر گردید، سیون پذیرش و همیزی قزوین با چریان می‌سازی ساسی.
- ۳- دربرخورد با هرمان و شعبتی های "ملی" که گذشتگاری کرده بودند، چنین برخورده‌کشم که درموقت انتقاد او اعمال گذشت، خود، به آنها برخاش تکنیم و علیه آنها مطلع اشتباختند، این اشتباخته دو طبقه بینواهد مور پیکرو، الیت پیلوو رضاخیه و اکنی + ب - با دل ریغالیت، یعنی اینکه دربرخوردیم ولایت قبیه مسازه، آشتی تا زدن برخیره و با نصرهای ملی و دیگران را این طبقه دیگران این سوچو و گفته و همیزی مستحبتی دانستند.
- ۴- ما دربرخورد انتقادی خود ساید این و سمت نظر را داشته باشیم که قزوین با شارمان خلا کار، ناسی نخیج اعمال گذشته خود را داشته باشند، وکرنه روضی سکتا رسی خواهد شد،
- ۵- فریکا از هر زمان گذشتگاری و اشتباخته را متوجه می‌شوند، برخورده‌ها زنده بکنند و انتقادات خود را سخوند، به اینکه در جلوی مثل کنند، مسئول پذیریه - چن می‌سازی

نهضت مقاومت ملی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Chahrokh Bahrami
P. O. Box 12 10 07 , 80034 München , Germany

Bureau Massali
SECRETARY FOR
INTERNATIONAL AFFAIRS
P. O. Box 4
14514 Vöhl, Germany
Tel: (49) 5635/642
Fax: (49) 5635/845

۹۶ آوریل ۲۵

اعضاً محترم کادرشوسنیدگان "نیام ایران"
حضورمان عزیز

مرواری است برای جلوگیری از هر نوع مواد خارج شایع باشیم که ما از میان مقاله های رسانده، یک مقاله را بعنوان "سینماه" اختیار ساختیم و لذا نام نویسنده، مقاله و خلاصه مکالمه تا "سینماه" بعنوان نیکنامه عمومی و رسمی نشریه "نیام ایران" منتشر گردید.
اگر سایر مقصدم مخالف هستید، مارا مطلع مایه شناخته تا دیدگاه شماره در اصحاب مقاله و این سکوگاره در تظریه گذرباییم.
در ضمن باطلاع شما میزانیم، که مسئول متوجه و کادر فنی آن، شام گوش چودرا مکاری میگردند تا شفیره بخون بیه و منظر و سوق امتحان رساند، اما میتوانند همراه شماره اخیر (۱۶) شنبه "نیام ایران" را خوده ده روز قبل از مأمور شوروت اداری مکرر میگذارند و جایگزینیم تا قبیل از برگزاری مراسم، نیکنامه خواهدگان برسد اما، برای مریدهای خود را برجسته نمایند، شفیره را میتوانند از محل جایبه، گشور دیگری استغلال دهیم که شفیره سوق بخاست خواهدگان برسند.
سیم خود میخواهم از کادرشوسنیدگان تقدیر کنم که برویه ادھای داخل ایران میشنوند کشمکشی کشیده بخون شسب و مادران ادبیت، روند تحول سیاسی ایران و انتخابات کرده، آنها را که درست شنیده بدهیم از آن حایث کنیم و راه های اخراجی و خطا را شر بخواهند شان دفعه تا سیم خود گذشته به روید جاگست یعنی و انتشار دموکراسی و در ایران گرفته شنایم.

" ایران هرگز خواهد بود "

ما درود فردا و آن - حسن ماسالی ۱ مستول شنبه (

برپروردت هیئت اطلاع
امسایه هیئت ایران



نهضت مقاومت ملی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Chahour Baharier
P. O. Box 12 10 07 , 80034 München, Germany

Hassan Massali
SECRETARY FOR
INTERNATIONAL AFFAIRS
P. O. Box 4
14514 Töhl, Germany

۹۴ آوری ۲۵

اعلام مختارم کا درستگان "قیام ایران"
هرچند عذرخواهی

ضروری است برای جلوگیری از هر نوع سوء ظرفی از طلاق شما برسانید که ما از میان مقاله های رسیده، نک مقاله را بعنوان "سرقاشه" اختهایم و لذا نام شویسند، مقاله را خذت میکنیم تا "سرقاشه" بعنوان "بدگاه" معمولی و رسی شربه قیام ایران تلقی گردد.
اگر با این تضمیم ما مخالف هستیم، مارا مطلع سازید تا دیدگاه شما در انتخاب مقاله و این سبک کار در نظر بگیریم.
در ضمن با طلاق شما میرسانیم که مستول شریه ز کارهای آن، تمام کوشش خود را میکاریم تا تشبیه بدون عصب و نتفی و سوق انتشار از اینجا میگیرد. امامت این مقاله هسته شواهد پیشنهاد کرد ایندو ریم با وجود کسریه ایگاهات بر طرف کشید.
شماره آخر (۱۶) نشریه فیلم ایران را حدود ده روز قبل از سالگرد شرویت ایران دکتر خیصار چاپ کردیم تا قبل از سرگزاری مراسم، بیست خوانندگان رسیده ما، برای صرفه جویی در میان رعایت شد، شریه را می بایستی ارسل چاپ به کشور دیگری انتقال دهیم تا در آنجا توزیع شوند، مکملات فیلم و مازماندهی که در اینکار موجود نمی‌باشد، مرجح میگردد که شریه موقوع بدمت خوانندگان نرسید.
سهم خود مختارم از کادر شویسندگان، حقایقی کم که به رویدادهای داخل ایران سیاست توجه کنند و می‌کنند بدین معنی و با دوران تدبیری، روند تحول میان ایران را تحلیل کرده، آنچه را که درست تخلف میکنیم از این حالت کنیم و راههای اشخاص و خطاها شدن بطور متمدل شان دھنم تا سهم خود کمکی به رویداد حاکمیت ملی و استقرار مسکرانی داشته باشد، ایران کرده باشیم.

"ایران هرگز خدا هد نماید"

سازده نرا وان - من ماسالی (مستول شریه)

جمهوری اسلامی ایران

نشویه نیشت مقاومت ملی ایران

NAMIR - Postfach 121097 - 80034 München - GERMANY

ششم اکتبر ۹۴

همیلت ایرانی نیشت مذاقت منی ایران - شاهد کشوری آلمان
توسط همدم عذر آفای آیل سیمی

همانطورکه مطلع هستید شربه « قیام ایران » مشکلات مالی و هنری فرا ایمن اختصاری باشد.
سرای خوزیم آی سماکات فراوان بر دیگری روبرو هستند که طاکتیک شکلات نیشت در هیئت
ارسالی امکانات مالی و ضروری اسایی بارگزا به دوش کشیده است .
برای اینکه تقسیم کار عادلانه ای بعمل آید و غریبی از تکمیل نیشت فتنی ایران و مشکلات خا
و ازینه پیشود . نقصنم داریم که آفریز گذاشتم که دره کشور شربه « قیام ایران » را در راست
پیشنهاد ، در اینبار مسئولین شاغر نیشت در آنکه قرار دهم و به شعاع آی نیز نشیده
ستیغیما از محل جایی از سرای مسئولین مرسوله ایما برگرداد خودشان مشغولیت میخواهند .
و تا این مظاوم مالی آنرا برعیده نگیرند .

شماره : ۱۷۱ قیام ایران پیرای خواسته ، اطیبه ، دامغانی و هاشمی مسئولانی شکلات نیشت .
و لی ازماره آنده سپمیه « داخل آلمان مسئولانی سرای شکلات نیشت . شاهد آلمان ارسلان

خواهد شد که شرکت ایرانی (درسماکی برای آسیا شویه ای اسال عن گوشه) هریا
آقای مهندس رئیس هشت ایرانی (درسماکی برای آسیا شویه ای اسال عن گوشه) هریا
نتایم میگند و در احیان شاهد عای مخالف نیاز می دهند .
مسئلول شربه ، کادر فنی شربه « قیام ایران » شربه را بین از جایی به آدرسی ای تعین نده
هرچنانه . بینها ارسال می دارند و با کمک مشکلات هند ، توزیع مایل تغذیه جهان را اکنادا ، آروبا ،
آمریکا ، هند ، استرالیا ... برپمده خواهد گرفت .
بیمه سرای شرکت خواهد کرد .
ب محظی شرکت کننده خواهد کرد .
لیکن ، آدرس صحن و افراد مخفی را سوای توزیع شویه سرپی کنند که اعلام نبود . نه آدرس
شنا ارسال خواهد شد .

شا درود فراوان - صحن اسلامی

مسکون شربه ، قیام ایران

روشنیت چیت آلام :

- کادر فنی شربه قیام ایران

- شاهد نیشت در هلند

- هشت ایرانی کل اتفاق میمیشی

شا درود فراوان - صحن اسلامی

مسکون شربه ، قیام ایران

حساب بانکی قیام ایران

NMBT Deutsche Bank

P. O. Box 751
2000 AS Rotterdam

Konto-Nr. 35 35 127

B.Z. 700 700 16

شا درود فراوان - صحن اسلامی

مسکون شربه ، قیام ایران

حساب بانکی قیام ایران

NMBT Deutsche Bank

P. O. Box 751
2000 AS Rotterdam

Konto-Nr. 35 35 127

B.Z. 700 700 16

نیشنل ماؤونٹ ملی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Chahar Bakhshay
P. O. Box 2336 - 24913 Hengsburg - Germany

نیوشن مسماوت اسلامی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Chayoush Bakhtiar
P. O. Box 2336 - 24913 Flensburg - Germany

لهستان مقاومت ملی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Mehdian Bakhtiar
P. O. Box 2336 - 24913 Flensburg - Germany

در جدال‌های درون نهضت مقاومت ملی که چهار نفر دست به تخریب زده بودند اکثریت قریب به اتفاق مسئولین این تشکیلات از جمله آقای حسن نقیبی با وجود برخی اختلاف نظرها از حرمت انسانی هم دفاع کردند.

نهضت مقاومت ملی ایران
National Movement of the Iranian Resistance
NAMIR
Founded by Cleopour Bakhtiar
P. O. Box 12 10 07, 80034 München, Germany

Hassan Massali
SECRETARY FOR
INTERNATIONAL AFFAIRS

P. O. Box 4
34514 Vöhl, Germany
Tel. (49) 05635/642
Fax: (49) 05635/545

دستورالامور امور خارجی

۴۶ صد ۴

«وکای و پسرزبان عربی مظلوم صنعت که در جاسوسی قتل شورا
نمیباشد انتقام رسانیده که نشود»؛ قیام ایران «ما همانند
سطور جویست انتقام رسانیده براز این منظور، ۱۵ باز جنین تفسمی
و سعدی خواری سفول امور شفوبه بودند،
در پیش از این شورا بطالی مادر مسئولیت بین واگدا شده است.
شنبه، قیام ایران در جوشنده افتخار با همکاری ارتوسیدگان ۷ و
هزار شری مدیریت توب سکونی ۷، پیغامبر انتشار رسالت و تراویه بسیار پیشنهادی درینها
اعطا، نیفث و سامر ایرانیان گذاشت، هم اکنون نیز، طبق همان قرار و مذاہا
مقویات، پیکار خواهد داشت و اینموده داد.
شایعه برخی از مذاکره، صوصاً مطابقی که دریا ریس شیوه می شوند، پیش روی این مایه
درینها مجا، تمام خواهد گردید. ولی برای کم کردن مبارز و در عده هستم که ازینها
اعطا، نیفث، امکانات تأمین گردیده باشند چنانچه کشتم، در پیشنهادی که ازینها
مشتری رسیدم شواره میلیم خواهیم کرد.
از تویسیدگان مطابق توان امداد، مطالعه مطالبات خود را شاهد همراه برای من ارسال
دارم، درسته چیزی، سالی این ناده، ۷ درین پیش، فاکس و لینک من چاپ شده است که
من شرایط ایجادی استفاده کنید.
جمعه موئیسیدگان نیز قیام ایران، از حاصل شماری سیاسی و اهل قلم مستند، لذا
پیوسته اجازه نمیدهم درینها مخفی پیش کشیم، و این پیغام آزاده من دم پیشنهاد را
به شما دوستان عزیز توجه کنم؛
۱- از آنجایی که باید دو ایرانی ریاستهایی میگذرند انشده باشند و ما متوجه به اینگیری
چیزی هی انترا یعنی درینان مردم پوچمها درینها و داشتنکار و این بجزی استگاه در پیشنهاد
شنبه توبه، عیشیشی سه رویدادها در داخل کشور مسوند.
۲- سایه شکه ایکان پیشبر است، به شرحی میان غیر بحث پیشبر ازین
که راه «دیالوگ» و گفت و گفت و مکواشک پیشنهاد را اساساً نیزهای ایوریسیون، ای افریق
نشویه نیزه ای من میشم، ایران هرگز نخواهد بود.

ستوار شفوبه، قیام ایران - جنین تفسمی

Sept
27 (W)

تدعیهای آقای نزیه

ایرجیم شناسی از



三

اما، برميوجيه يانجه تلر لس و زينهم
که چونه دنگان آن که کجا به استدال میں
خطه هنگل رکھدند در این پیشنه
ترشیدند.
... اصول امنی روز را به عنوان

کربلائے شہری نامہ VI

پاسخ آقای ایرج پژشکزاد به آقای حسن نزیه درباره نقش تخریب‌گرانه ایشان درباره کنفرانس

سیکھ ۱۰ نومبر ۲۰۰۷ء

می محمد شرخنده چهارمی، یا نام مستعار "علی کشتگر" مجله "ایین" را در پاریس انتشار می‌داند.
«گنجفه افسوس، هله...»

باغ وحش (عملی)؟

ازدی قدرت و اخلاق

سلاطین

در مکانیزمی می‌باشد که این مکانیزم را مکانیزم انتشار می‌نامند. این مکانیزم را می‌توان به دو شرکت ایران و امریکا بر اساس تأثیراتی که آنها بر اقتصاد ایران دارند، در دو بخش مبتنی بر این تأثیرات تقسیم کرد. این دو بخش عبارتند از:

اد استعمالیل در آغاز تاریخیست هزار و نیم را نمی
تواند کهنه لین که میل از شنی اندیشید. از هم
گذشت اندیشید و لین خواسته برآمدادن دیوانه بازرسی
که در هر سرمه (پاکت) دو قصر و دیشیه
نمایند و مصلحت پاره اند.

شاهزاده خسرو پسر مرگ خود را می‌خواست و دیگران را که بیان و دیگران را کشت و دوس و دیگر را همچوین می‌کردند اینها را همچوین کردند و تیرید مرگ خود را که می‌خواست و کشید و دیگران را نیز کشیدند. درینجا مرگ خود را کشیدند که مری کامیل پسر او بود. مردی که شاهزاده خسرو را می‌خواست و دیگران را کشید و دوس و دیگر را همچوین می‌کردند اینها را همچوین کردند و تیرید مرگ خود را که می‌خواست و کشید و دیگران را نیز کشیدند. درینجا مرگ خود را کشیدند که مری کامیل پسر او بود.

154 of 154



مقاله تخریب‌گرانه محمدعلی فرخنده جهرمی معروف به «علی کشتگر»

to: Mr. DR. F. ARDALAN

ردم روشنی ۹۵

فرج عزیز - درود بر تو دستی از ماشین من خبردارم که نظریه ایران خبرگز
والتبه به عبور اسلام از لجن را کن و توطئه گزین را به اعلا درجه رسانید.
در این بخط دو خط نیز با محبوس اسلام بطور متفق و غیر متفق همکاری کردند:

۱ - طغیان اعلیٰ خلیفه زوج با محبوس اسلام که خاصمری از افراد حب سبق
و در طیف ملیون سبق هستند که سخاوهند تحت هنر ابراهیم نژاد
در سفره خوشین محبوس اسلام سیم روزه.

۲ - خاصمری که از بعده بعض همه خودخواهی خاصمری نهادها
"کسیلیس" را با آتش بکشد تکم ایران را به باجوری برآورد
نمایند در این هر قسم طبع مازده.

اسهای طاهر ملامات مرا با اتفاقات خوارست خواجه و پسر دیگر را هم کرد
در آمریکا را که خبر آن در نظریه خیام ایران خاک شده بدرجه
خلیفه از این تا اذهان عموم را علیه این تفروض و سمع من و خواه
بلطف احص برانگزید. کما هن شایعه می کشند که از طبق دکتر جیپ میز
از آنجی که اول گرفتار شده اند که بعنه های اتفاقیه نیاز را نامن
کنند... در حال بازی با این لجنهای معامله کرد و مقاومت فرزید.

حسین سرفراز، در زمان شاه، با حزب رستاخیز همکاری می کرد. سپس در جمهوری اسلامی به حزب الله پیوست و با حمایت مالی رژیم (گویا از طریق «بنیاد علوی») نشانه ای به نام «ایران خبر» را در واشنگتن انتشار می داد. هنگامی که کنفرانس ملی را سازماندهی می کردم در آمان کار می کردم و فقط در آنجا اقامت داشتم. اما نشریه «ایران خبر» برای مشووب کردن اذهان عمومی می نوشت: حسن ماسالی، اخیرا محترمانه وارد واشنگتن شده است تا با مقامات مختلف آمریکا گفتگو کند.¹¹¹

دیکشنری و مخفف

بـ حـرـبـ الـلهـ

سین سریواز

و مسوی او
 به حزب الله
 سین سیده ایل بو قاتله کارهای
 که تا قبول از اخبار سایه
 «حزب رسانه ایل» و روزنامه ایلکار
 «رسانه های ایل» و دیگر انتشارات
 حزب هکایی هایی دارد و پر
 انتشار، پنهانی هایی نیستند بلکه
 چند مال پیش در اینکنون افلا
 انتشار هنوز نداشتند اما این پیش، آن
 اخیراً با پایان مطابق نیز نشد
 «همیه»، ارگان سیاسی ایل ایلان
 دیگر را به میان سیاست شنید
 سین شیخ خیان های سیاسی
 اخراج هایی که تصور به عصر
 رعایت داده است که از پر رای این
 ایل شدید در میان کروزی ایلان
 نقد بیشتری کرده و پر تقدیر
 در میاست گلزاری های جیپ
 اسلامی انسجام نموده
 سین سیاست و پادشاهی ایل
 مطلب که در میانه ۲۴ شش
 «چیز»، به تاریخ ۴ شهریور ۱۳۸۷
 به پایی رسید، خلاصه به مس
 تدمیری معرفت این امریکی خواست
 میان این کارکنان شناخته شده ایلان ایل که

to MR. DR. F. ARDALAN

جعوم روئیه ۹۵

فریض غریز در دور روزنی ایران خبر را برای من فکر کردن
برای من حیاتی تعبیر نمود که این جماعت هنین کاری میکند.
لطفاً بجز کنید که آیا لذتظر حقوقی مستوانم آدمی
علیم این زمره داشت و اشتراکهای علن و پست برداشته است
عمل آورم؟ اسم مرانیز خوشکی مستوانم ذکر کنید.
در درور حسن ماسک

To: M.M. Dr. F. ARDALAN

دوم روشنیه

فرع غیر... درود بقدر دیگر از واسنگان من خواهار نمک نشسته باشد این خبر که
والشیه به چهاری اسلام است لجن را کن و توطئه گران را به اخراج در جهان نهاده است.
ایران را پنهان در خط نیز با چهاری اسلام بطور مستقیم و خوب مستقیم همکاری نکنند.

۱- طبقداران خطوط رشی با چهاری اسلام که عناصری از افراد حب سنت
و دل طیف میباشند سایق هستند که شوخاند تخت های ابراهیم زری
در سفر خوین چهاری اسلام سیم شود.

۲- عناصری که از مردم بغض خواهد خوردند عناصری نه تنها
"سرپلیس" را به آتش نکنند بلکه ایران را به ساجوری پر نه
ما خود را به هر قیمت مطلع نماییم.

اسیها ظاهراً ملات است مرا با مقامات خواهش خارج و برجی دیگر را به مارک
در آمریکا را که خبر آن در نظریه خیام ایران چاپ شده بود بجهان
حوله دارد این تا اذهان عموم را علیه این نظریه و سمع من و تو
بطور اخص برانگردید. کامن حق دفعه کنند که از طبق دکتر جیس بیت
از کنجی پول گرفتم (کامن گفتند که هنچ چهار قدر مبالغه را نمی
کنند...) در هر حال پایه بانی لجنها متعابه کرد و متعاقبت فرزید.

برای اینکه از حرمت انسانی و سیاسی خودم دفاع کنم و در برابر چنین عناصر تخریبگری، ایستادگی نمایم، دست به اقداماتی زدم. نگارنده از طریق راه کارهای تشکیلاتی و با تشکیل جلسه‌ی شورای عالی نهضت، به یاوه گویی‌های آنان پاسخ دادم. افزون بر آن یک حقوقدان آلمانی را به عنوان وکیل مدافع خود انتخاب کرده تا عناصر یاد شده را، به خاطر اتهامات ناروا و هتک حرمت سیاسی و انسانی ام، به دادگاه بکشانم. البته، در این ماجرا، محافل فرصت طلب بی‌شماری که محمد خاتمی را به رهبری خود پذیرفته بودند، از تنش درون نهضت مقاومت ملی خشنود شده و با بوق و کرنا در صدد برآمدند تا از شکل‌گیری یک جنبش سکولار- دموکرات -

برابری طلب، در برابر جمهوری جهالت - جنایت - اسلامی، جلوگیری کنند.

با تجارتی که طی پنجاه سال در جنبش سیاسی ایران به دست آورده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که برای حراست از فرهنگ دمکراسی خواهی و آزادی اندیشه، ضروری است که تعدادی از عناصر تخریب‌گر و ملپن را به دادگاه‌های واحد صلاحیت کشانده تا درگفتار، پندار و کردار خود با دقت بیاندیشند و با احساس مسئولیت اظهار نظر و ابراز وجود کنند.

ناگفته نماند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که موفق شده بود برخی از مبارزین سرشناس را در خارج از کشور ترور کند تا سیطره‌ی جهالت و جنایت خود را، حتی در خارج از کشورگسترش دهد، از برگزاری «کنفرانس ملی» غافلگیر شده بود. از این رو نه تنها مامورین ویژه و رسمی خود را بسیج کرده، بلکه برخی از پادوهای سابق رژیم جمهوری اسلامی نیز دوباره برای تخریب جنبش آزادیخواهانه‌ی مردم ایران، فعال شدند. همچنین، برخی از مدعیان آزادیخواهی که تنها با میراث خواری زندگی روزمره خود را سپری می‌کردند، از روی حسادت و تنگ نظری، دست به تخریب این حرکت ملی زدند.

نگارنده، آگاه گشتم که عناصر وزارت اطلاعات رژیم، در پاریس و آلمان مرا تحت پیگرد قرارداده تا محل اقامت و روابط سیاسی‌ام را شناسایی کنند تا برنامه‌ی ترور دیگری را به اجرا در آورند. فردی به نام «حسین بیده» وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، با اسمی مختلف و با گذرنامه‌های گوناگون به خارج سفر کرده و با افراد مختلف تماس می‌گرفت. از جمله با آقای م.ب از اهالی کرمانشاه که مقیم آلمان بود، تماس گرفته تا اطلاعات لازم را جمع آوری کند. همچنین مطلع گشتم که تحت پوشش خرید مواد دارویی و شیمیایی در شهرهای «کوبننس» و «دارمشتات» آلمان، پایگاهی برای فعالیت‌های خود ایجاد کرده بودند.

اطلاعات جمع آوری شده را در اختیار پلیس مخفی آلمان و برخی سیاستمداران آن کشور که با آنان دوستی داشتم، قراردادم تا عناصر مشکوک مرتبط با رژیم را

شناسایی کنند. با این وجود، با توصل به فنون مبارزه‌ی اجتماعی در شرایط ترور و اختناق، فعالیت‌های خود را به پیش بردم. متاسفانه، رفتار مخربانه‌ی برخی عناصر درون «نهضت مقاومت ملی ایران» نیز ادامه پیدا کرد. همان طور که پیش از این بیان داشتم، در صدد برآمدم که با توصل به یک وکیل مدافع و حقوقدان آلمانی، این عناصر را به خاطر لجن پراکنی و انها مانی که پخش می‌کردند، به دادگاه بکشانم.

این رویداد‌ها، به من ثابت کرد که بسیاری از مدعیان آزادی خواهی، درک درستی از فرهنگ دمکراسی خواهی نداشته و برای ارضای جاه طلبی و «خود مرکزبینی» خویش، هیچ ابایی از انجام رفتارهای غیر اخلاقی ندارند. به دیگر سخن، افراد یاده شده، با لجام گسیختگی حیثیت سیاسی و شرافت انسانی دگراندیشان را بدون در نظر گرفتن اصول انسانی پایمال می‌کردند.

تاریخ رویدادهای سیاسی ایران، حاکی آن است که بسیاری از روشنفکران و کوشندگان سیاسی، پس ازین که با مشکلات و ناکامی‌های مبارزاتی مواجه می‌شوند، قادر به نوآوری دراند یشه و عمل نیستند. این افراد هیچ گونه فعالیت سازنده‌ای نداشته و عملاً خانه نشین می‌شوند. اما آنچه مسلم است، تحت نام و اعتبار شخصیت‌های سیاسی، م داده و به افرادی که فعال هستند، از روی حسابات فحاشی می‌کنند. وقتی از این افراد بپرسید که چه می‌گوئید و چه می‌کنید؟ پاسخ می‌دهند: من آنم که مصدق بود پهلوان و یا بختار مرد شجاعی بود و من وارث او هستم.

چنین بینش و منشی دربرخی محافل موسوم به چپ نیز رواج دارد. بسیاری از این مدعیان که مثل استالین، خود را از «سرشت ویژه» می‌دانند؛ از دانش و فرهنگ سوسیالیستی بهره ای نبرده‌اند. متاسفانه این افراد با چند نقل و قول ناقص و بی مورد، از لینین، مائو و غیره، کوشش کرده که با روش‌های «ملپن منشانه»، دیگران را تحریب کنند. اگرچه همواره بی سوادی و بی خردی خود را به نمایش گذاشته‌اند.

این محافل به جای استفاده درست از تکنولوژی نوین چون «اینتر نت»، در متازل خود آرمیده و نه تنها فعالیت سازنده ای نمی کنند، بلکه به جای نقد سازنده، دست به تخریب دیگران می زنند. افزون بر آن نا خودآگاه و یا آگاهانه، به ابزار مخربی تبدیل شده، که فقط رژیم ارتجاعی، از عمل کرد آنان بهره می برد.

اگر نگاهی به مناسبات سیاسی چنین افرادی پس از هر شکست و ناکامی بیاندازیم، مشاهده می کنیم که روابط سیاسی و فرهنگی مبتذلی، درطیفها و گروههای سیاسی مختلفی از جریانهای موسوم به چپ تا محافظه کار، رواج دارد. به همین دلیل، بیش از سی سال از عمر رژیم جهالت، جنایت و فاشیستی جمهوری اسلامی می گذرد. به باور نگارنده، علاوه بر عوامل دیگر، یکی از دلایل مهمی که هنوز نتوانسته ایم یک اپوزیسیون باهویت، با شخصیت و قدرمند بوجود بیاوریم این است که بخش مهمی از اپوزیسیون کنونی ایران، خصلت «قمپوزیسیون» کسب کرده اند. با توجه به فرهنگ عقب مانده ای که هم اکنون در درون اپوزیسیون ناکام ایران حاکم می باشد، ضروری است که از این فرهنگ سیاسی، به عنوان یک فاجعه سیاسی - تاریخی نام برد.

رژیم خمینی، به خاطر خصلت جهالت- جنایت و فاشیستی اش یک فاجعه بود اما فاجعه بزرگ تر را کسانی مرتکب شده و می شوند که خود را لیبرال، دموکرات و یا چپ می نامند، ولی دنباله روی حوادث پیش رو هستند. تاسف بارتر این که زیر چتر منابع قدرت و شخصیت های تاریخی ابراز وجود کرده، شیوه میراث خواری را پیشه کرده اند.

برخی از همین عناصر و محافل موسوم به چپ، که سالها هیزم بیار سیاست آتش افروزانه خمینی بودند، و شعارمنی دادند: «پاسداران را با سلاحهای سنگین مجهز کنید»، هنوز پیش از گذشت سی و چند سال، به طورعلنی و پنهان، دنباله روی آخوندهای مرجع هستند. گاهی خمینی، گاهی خاتمی، گاهی کروبی و یا موسوی. اینها پیرو کسانی اند که سالها از اعمال جنایت کارانه خمینی حمایت کرده و

هنوز مرجع تقلید و الهام بخش مبارزات این عناصر و محافل فرصت طلب، شده‌اند

لازم به یادآوری است که پس ازبه قدرت رسیدن خمینی، ابتدا در کردستان ایران، مناسبات ناهنجار در درون شورای عالی مقاومت و مجاهدین را تجربه کردیم. افزون بر آن شاهد درگیری‌های خونین در درون جنبش کردستان و برخی از گروه‌های موسوم به چپ بودیم. از سال ۱۹۸۴ به بعد که فعالیت‌های سیاسی خود را در اروپا استمرار بخشیدم، دوباره با روابط ناسالم و فرهنگ تحریک‌گرانه و ملپن منشأهی بقایای همان گروه‌ها روبرو گشتم. اما این بار اسلحه‌ی آنها تفنگ نبوده، بلکه از رسانه‌ها از جمله اینترنت استفاده می‌کردند تا رقبای خود را ترور کنند.

از مناسبات فرصت طلبانه و رفتارهای اهانت آمیز افرادی که تظاهر به دوستی می‌کنند، اما از پشت به آدم خنجرمی زند، سخت ناراحت شده بودم، به طوریکه فشارهای شدید روحی، موجب گردید که به بیماری قلبی دچار شوم و برای عمل جراحی، به بیمارستانی در آلمان منتقل شدم. خوشبختانه از این خطر نیز نجات یافتم.

نگارنده هیچگاه از مبارزه علیه رژیم‌های مستبد احساس خستگی و ناامیدی نکرده‌ام، اما از افراد و گروه‌هایی که تنها هترشان تخریب مبارزین و دگراندیشان است، به ستوه آمده بودم. ازانجایی که تصمیم قاطع گرفته بودم که تا پایان عمرم برای برچیدن رژیم جهالت و جنایت، مبارزه کنم، لذا نمی‌توانستم آرام بنشینم و مثل برخی، فرصت طلبانه، نظاره گرحوادث باشم.

در اینجا برخی مکاتبات درون تشکیلاتی نهضت مقاومت ملی ایران را در ارتباط با روابط ناسالم و ناهنجاری‌های درون تشکیلاتی را برای انتقال تجربه انتشار می‌دهم.

عقاً محتوم شورا يحالى ،
وستان ميرزا ،

وی به مال است که دورا بخطه شایسته مکار و مت ملی ایران فعال است موکبم و شاگون در
چاهمه شورا بسیار که شنگیانه، هرگز کوداده، سارادی اعتماد شما شیرین به عصوبت
شکست اجوا شی اختبار شد، ام، میباشد این دو مسئولیتیانی مهم و همراهی سازمان قوهای کوچک داد،
اما، پس از مال است که گناوه ام، ساین خودم را در روابطه با سیاست ورق می دزم، ایکار
خودم نمیباشد، ای روح دیگر این خدمت و سنت اساتید حاکم این شکست سبز ایجادهای اموالی دارم.
نماین ایران، ای روح دیگر این خودم عنوان یک عفو نورا استفاده کردند، نظریهای خودم را
روای تما، ای دامنی دادند، ای شنگل، چله، شورا اذان مطلع مایند، کاید من درگاه شواری
روای آینده، چهار، ایدهایی گشیم،

ج مسائل :

نمایش ملی ایران در گنجینه کتابخانه ملی ایران، خود را بازی و سازی باشیدهی غایب و نا مالم
سرمی پیرد.

درینهای ایجاد شده باید مطابق با مکانات و ظرفیت های انتقالی باشند.

میتوانند این را درست و مسماً و زمانهای سیاسی ، حداقل بطور هوی این اصول را پذیرفته اند .
میتوانند آن فراز رسیده که این اصول ، غایب تشریح شود و طرح خواه از نظر ماهیت و کلی
ماده اولی خود را اما مختنان قویاً ایمنی بشان بدهند ، اگر هم اکبرون قادر نباشند به تشریح
من ساختار ، بیودازیم ، هدف تباش اتفاق و خود را سادگویان نمی خواهیم بشان کنیم ، ملکه و راه -
، اجتماعی و چشم انداز روشنی سوای آنندۀ تصریح توائمه ایجاد دهیم . تخصیص و چادرمه
تصصیص را اسلئر خواهیم کرد .

سده سال گذشته درسته ها و کفتها را خود باین شیوه اماده کردیم ولی جلسات شورا جملهای می باشد و سطحی سری شدند.

سنان شوده داشته باشد که هفتم از تیریم آن موارن، پیش‌ترین حادثه ایدکلوروزیک است. بلکه تا حدی به بنواییم بک برداشته. به عبارتی که خطاوبات چیز دمکرات نباشد کار کوکوتان را دربرگیرد، من نمی‌دانم.

ما غرفه در خوده کارخانه هستم؛ فعالیت سال گذشته ام نشان می دهد که بیش از یک هزار میلیون رایانه شده است و بحث در اینجا اینها را بررسی نمی کنیم. این رایانه ها در اینجا

دایم‌آن ده و روی کی دهد، ولی ما انتقام و "انتظار" یا تهابی نمی‌گیریم
درین سه سال این موتور دارم "کاغذ" روز بیل می‌کنم و گوشه‌ای از طبقه ایها رفته
که همان سه سال پیش خود را در آن موتور داشتم

۵- ممکن نیست که مهدویت پیش از آغاز تحریر این مقاله در این شرایط اتفاق بیفتد. همچنان که در مقدمه این مقاله مذکور شد، وقتی اسرائیل در این راه موفق شد که این مساحت را ایجاد کند، این مساحت را بیشتر فرمایش شریوهای مهدیگر بوده است تا مساحت موکاواها، ناگوای اگاه دراین باور بصر من مردم گه "کارهای مذهبی داریم اینجا و می دهیم".

غصه هارم ، شفقت مذاقت علی امران به تسبیحه کام عاجلی سوای تشریح موافم حساسی خودبوده از دلکه میباشد قدری به زغمود شکلیاتی دارد . زیرا :

از زمانیکه دودخو از دهیان طراز اول این تشكیلات بارخته، عناصر خلابنکاری بقتل رسیده شاکرین شیخی اساس در مسماها و مناسات تشكیلاتی روی خداه است . آیا این تشكیلات مسد فقط مستظر تحملات با زیست فرانسوی سواد روش شدن قبه ساخته ساخته است که اینکه استقدام انسان مسئولیت می کنیم که ما تکثیر کمبیزون ویژه ای ، هرج و مرج گذشته و عمارها و مناسات عالی طلوب گذاشت را از زبان کشم ظاهرکارناجه دیگری پلوكسری کنیم .

آیا این تشكیلات آنقدر اگاه و دوراً تدبیح هست که درآقا از ظرف درون سعادتمند ، مناسات شلی که منجر به بخت و مصل ایکانات مایی کردیده ، تشریح کند که درآینده با این سوابیت مشتری و غفار گشتم ،

هرز در این تشكیلات ، ووشن خده که پچه پرلاشی پرس تشكیلات نظامی شفقت آدم و جندادم سالم و میهن دوست در آن ساقی مانده بودند و رایله بیانها گفتند باید ساده .

هندور معلوم بیعت زندانیان که شفقت در بران داشته ، چه بخلاص برسانان آدمه و چرا برخاست دیگری منحنی سرای آجیها سهل شنی آید . این اشخاصی که از دوی اعتماد ملی چنان خودرا مایه گذاشتند ، حق دارند دوایسته ، مقداراً مکبریت و این موالها را مطری ساخت .

آیا می دانید که جزا درخوده کاری ، قرباً بروسا زی و درنداشتم کاری سرمی سرمی و سپاهن بیول ، وقت و انزوی خودرا سرماد من دهم و درخوده ره عصاش و سرخوده هی شویم ؟

برای استنکه :

ملیوم نیست ، شفقت میخواهد تبدیل به محل سیاسی دوستانه ای برای سرگرمی سیاسی در طاری بر از کثیر شود ؟ با

میخواهد تبدیل به جزئی یکجا وحده مانع خودی واحد و پرگزنت قدرشده رشود ؟ با

جمعیت کشتن گرا ، ما اندیشه ، ذوق و ملبه های گوتانگون ولی همان می باشد ؟

عرنک آراین جلال ، مناسات شکلیاتی ، مردانه سایی و مزارانه خودرا می ظلمد .

هرچند این مناسات را داروشن تکهده پرس ، شمرون خودرا بیشتر فرسوده می کشم و مه سلایی مناسات سایی و انسانی ما نیز لطمه خواهد زد .

شاید بروی از دوستان فکر کنندگ دارم بساده و بی می کنم و آنقدرهم مسلمه ای وجوددارد .

اگر در این سازده از خودتان سریعند که "لسکوی " "کشته گیری " "سیسترن ها " و "عدم سلک و عصایت ها " از همدیگر سرای جیست و جوا دارد گسترش می شاید .

ما مدعی هستیم که میخواهم نظام موجود را تغییر دهیم ، قادر جاگزین ما شم ، درسا زندانی چا مده : سازماندهی مردم نزدیکیم و سایر شروهای دمکراتیز همکاری و اشتغال کنیم .

اگر حسن است ، سرای این مسائل میاندستیم و قرم و سرناه اراک دهیم ، اگر ساگودمان را چندی تکشیم ، مردم و دیگران ناوا چندی خواهند گرفت .

خاور من او بک تشكیلات مدرن و میگیر اشگاه استنکه :

شود ایمانی آن ، هرچند ما شکلی پلمسا بدهد رضمن ایزیاسی سلطنه امور گذشت ، امور اجرایی اینده را تعین کند و رهبری کلی سدهه (مسیر حرکت و جاری خود کار را مشخص می زد) .

هیئت اجرایی آن ، پالخوده ب رهیووه ، امور مربوطه را پایا جرا درآورده و موسای استنکه امور پیشنهاد آده ، ساخته اعطا ، کمبیزون مرسووه ، امور مربوطه را پایا جرا درآورده و موسای استنکه امور پیشنهاد آده ،

با همدیگر همکنگ شود ، هوسا و میوبس خروروت تشكیل ، جلسه مدهند و با همدیگر متور کنند ، اوجده دریا و ره سائل و مواتی که پیشیش شنداهند تصاده ، بظاهر سهل ، آورده و پس از شعبن خط کلی کاری هریک دوباره مسئولیت امور خودرا سرعته بگیرد و استنکه بنشاند .

ولی شورا بعالي ساما گلوبيرگري وقت شلف ميگاهدشت اجرائي تبر سرتب نواكب همديگر و كه
سما دارند خلا كند، سر اي هرگز روي تصرعا بد، اما زده تابه توشن، اجازه ساقات، اجازه
ادبيشين، از همديگر كسب كشم، واقعيت ايشنکه ساخوداگاه، به عقل و شعور سما و كارهاي
همديگر شک و اريه، معلوم نيسن قسم سخاچهها و تقسيم كار و مشكله همچو شعورهاها روان
حست آنهاي ايشنکه كه يكفر و حسنه هفت، جراحي استخاب شود و جند شفه هم زبر دست او
فعاليت اداري كشند و دستور العمل ها موسسه فاکرس و طفلن اسلحه خودند.

سر اي و شفه شد مطلب، مثالي مي زنم: شورت سرسي سيلن مي آيد که سايک دوچر و سهوه سماي
موره نلوه روایت خودرا جسترش دهيم، مشهول بروانه مذوقت کلني و درگ عصمه از
قضيه، خود و آزوپيق اعلان، کميسون مربوطه تحقيقه مي دهد که نادمه اي معلم عالمته دولت
و حجز مخصوصه باش عمل، موره اتفاق اقراي مي گيرد كه پروا اشناه ۶ نامه سا مذوقت ساير اعضا
حست ابراشي سوهه، جراي ناگان نظام بالا راهنمائي گرفته شده، ملتفه و خفر من اشته
ایندما معلم با شفه و شفه اي باشد غزار گرد، خوست ما و وزنها هنگاري شروع شود و غممه،
عقده دارم، اين گونه سروخوردها، قومانه برو طاست و موب، رکوب گهرها روزه است.
هیئت ابراشي مایه هسته همراه، و استگا و سل داهن باشد و بطر سرورت عصوص و رکندههای كلی، بر اي
اختصاصم گيرده، هفته اجرائي كه داشتما سا معلم اجرائي و هملي موره كارها و، کافى است.
اگرهاي کارهاي سختگي ساسي نويش شک دارم، اروا برای آغاز انتقام مكتبه،
نكه به اين ستك كار و شفهه سارماندهي پيشههان مهست كه افراد اشته خواه هدفه، ولی
ترهن از اندماه دفتران، مارا نبايد به احاطه و لفقي بروشتن سوق دهد، تا جانش كه اين
نهود موحد آمد، سوچي نقلا كل هستند، و سريي نقلا گاشكان داره را سروکاره دارند،
اذا، اين ميشن بد آنها برويد که مرحي او رونسلگران جوا معطف ماده شفوي دموكراسي
او شاهي إيزابلار مي ساند، مخصوصدان از رئتا كشندگان شيز خودنامه هستند، اين افراد جيش
با حسن نيت، خيال هم گشته مخصوصاند سا "فرا من خبرخواهانه" و "دىكته گردن جمهور"
اذا ده و مکراري وا ستفن سارند، خهيانها به آنجا مي انجام ده که بيك "مرعنه" و "سوده هر ماسوده"
نمایي مي هاند،

از طریم این معلم ميخواهه نتیجه میگیرم:

۱- این شد منوجه شخی خاصی نیست، بلکه سندی به محض حاکم است که هرگدام اردا اجزا،
آنها مستکمل مي دهند، پیشنهاد متشوکا پیدار، لبرد از رفتار خودمان را موره اوزماي
مددقاها هم و میانسات توئیت سرقوا رما زنم،

۲- من بضم خود گوش خواه گردید، را در حل مشکلها چشم كشم و سپهرو رون خودم را بادارگران
ها هم سارم،

غایبند، دارم، تهافت مفهوم است ملى ايران در مابه سما سپههای مخصوص ايران،
دارای گا ذره هاع بادجرهه، مخصوص رکارهان بيشتر است، ولی شفه و اسلامدادها بطور
دوسيي سا زمان داده نشيده ندو مnasasat هوجده، از خاليتها ما گاسه است،

۳- در اينجا سخواهه کشنا و زرها اعلام كنم نا جاي تقصیر شکرهاي با تي مصادنه طرح اين معلم،
شورت عليه خودم "شيز مخصوص شود، من ميخواهه انسانی و آزاد، باقی نسایه زهرای
اين مخصوصه هم قاطعه درها هي کام بروند که به آن اعتماددارم؛

الف- ما معاوره هم گشيم که حق ببيان، قلم و اجتماعات را برای سودم جانبه نا من گشيم،
يک شنگاهات مهايسي، موسيي قادر به ضيق اين برينهه درجا مده، ي مانده گذاشتند آنرا
در دون مشكبات خود تحفظ بمحنه، مناسراين بر اي خوه و سایر اعضا، نهست اين حق را
فال هست که تقويات بخفي و با گروهي خودرا آزادانه مخصوص ما زند حتى اگر بادگرده،
رسمی تهافت مقاومت داشته باشد.

ب- بروای خود و دیگران در داخل شنید! این حق را قائل صنم که سعادتمند شووه، رعایان و محبیت مسامی و اجتماعی ورزایی تر را تقویه خودرا تشکیل هدنه رسماً مذاق خود

پطور مثال؛ صفحه عالالت اجتماعی، گسترشِ دموکراسی وغیره فعالیت کنند.

ج- خوبگزاری شور سازی و درایت اجتماعی هستم که بتوانم و این حق دیگران را پنهان شامنهای استفاده کنیم، مسئولین شکلیات من دوایست "دوشه" و "نظر" شورشی

خواه را به مریکار انتادرا انساد از ایشان بدست و لی حق داده اند اما، و از این

این حقوق محروم مازنده.

در خاتمه با آوار بی شوی که شنا جلسه آشده شور اسغالی، مسئولیت‌هاشی که بین را گذار شد،

دروخته اند که خود اجزا خواه کروه، در آینده موکتی قبول مطابقت خواه کرد که:

- خد منی امور مربوطه و چارچوب کلی آن روش شده باشد.

- از گان اجرایی انسانه؛ بدون شرکت لیستهای ای ای همایشگاه، با مستلزمات های مشخص و

کارگمی‌سوزی اینمی (پیشنهاد شود).

- در پوشکه حقوق دیگران را بینهای مکری درون شهمت- از جب دیگران شنا محافظه کار

دهکرات- که در درون تهرت مشکل هستند، او نظر درونی و آنکه می‌بریم، همچو

دیگرانشکی تضمین نشود، درباره آدمه، مفهیم خود در شیفت مقامت ملی ایران، تهدید

نظر خواه کرد.

ایران هرگز نخواهد بوده



Digitized by srujanika@gmail.com

سایت دانشجویی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

بودجهت

بررسیت بکمال بود که آقای علی شاکری بطور شناختی و کنشی در فردان بهشت ممتاز ملی ایران
مشهود بودند و مخصوصاً در رسانه‌ها «رهوان» سایر گروههای سیاسی — که انسخال و غوغای محروم بینشیده‌اند
اصحالت آنست. همه امداد و خواستشان باشدست زد تا آنها پنهان شوند و حیثیت سیاستی خود خفته‌دار
باشد و آنها متصور می‌زند بازدهی دارند.

من ۲۷ تا که در چهاری شنجه خودرو جرگله شورا می‌الی نایا کام شدته، هم اکنون با عنصر تغیرات
گردشی دلخواه بسیار بیشتر از پیش از همه داشتند تا با ویدیو از فضای سه‌بعدی آپوزیسون
برای این کشور درسته بودند، اگر که درینجا "گالان" بودند، بتوانند بعدها برقیوس پرسند.
برکت من درمیان روزه سیاسی و با عویضه در داده مثل شفقت مذاق مثلی، ساختار ازما نهایی سیاست
سی باشد و حیثیت و اختیار سیاسی ام نبزد با عویضه در این زمان سیاسی ۲۷ از شنده است که ستون
جهانی اصلیه همین اتفاق بودند. اما اینجا شکنجه ایشانه سیاست ها اذهن روش افزایش
نموده و از خراب می‌گردند و خوب شوده به نام هفتاد و ۲۷ تاکی ایمنی خطاب به من که امروز دریافت
آمدی را، خوبی می‌دانم و بینهایت خوب مطلب به دست اینهاست ۴۵-۲۷ و قدم:

ایست که تشكیلات سیاسی "خانه" است - میرا محمدستگی انسان است - مینیت سیاسی، خانه جرس
انسان است و بمعنای روحانی های می تفکل برای ما شادی می توجه به گفتار و گردانی آنها بر
علی شاکری - همچوین مشهد و همراه شیر، نمیدانند شکوهی که می داشتند این
تشکیلات را قنی می نامند - زاده اینکه پنین مناسیاتی بین اماکن است من نیستم این
آذایان را - رفیق - "هرمز" - با - دوست - خود غطای کتم می شناسی این پیشنهاد بیکنم
که شیرا بیانی شنید - بله ای امکار و عوق ایجاد نمودند اینکه بای گروگونه میتواند آزاده باشد -
دهدو مشکل گردید که چرا غصوت میگیرد که این غصوت میگیرد و میتواند آزاده باشد -
من هارخ نیستم من اخراجی نمیگیرم و گنبد تویی را راهم را تحمل میگیرم و میرا اینکه میگیرم
این سیاست ام از آن ده هم اخراجی نیستم وقت و اخراجی نیستم و را بخوبی همچوین سیاست میگیرم
به آذایان علی شاکری و مجهشت نیز توصیه بیکنم که بچار کنید تویی و دشمنی با من، شیره و
استعدا همچوین مرف میباشد علمی بصوری اسلامی و مشمن این مردم ایران گشته.
که بودستان حاذق و بایران داغ خل علی هفتاد که نگران مناسیات حال و پذیرده نهفت اما و مت می هستند
نیز توصیه بیکنم که دربردار این شایعه سازی های و شوشه کشی را به طبق و مبنی خود رجوم گشته
و دریا راهه ایگنبدیه که موبه بزوز شیخ زاده ای این شایعه بسیار خوبی همچوین تحلیل میگیرم از دنی و مجهشن
بنایش که با "منه طلبی" و "هرور" گذنیدب نامه "قادیر بودن" خود را خواهیم شد از سخنان و گردان
نشاشت دیگران بلطفه بسته سلط - ورمی ما اگر امورو دردا خل یک تشكیلات سیاسی قدر داشتیم
از این تشكیلات سیاسی و اساسی اینها باید خود دفعای کنیم - مشمن با یکم که فرد اینتر قدر
نموده خود شایعه شد از شفاف مردم و مجهشن خود دفعای گشته است که گویا با فرد اینا مطلوب

دهم آگوست ۱۹۹۶

روشنی های اجتماعی
هیئت رئیسه شورا اسلامی شهرستان ملایر ایران
دوستان عربستان

استالین فساد ایجاد کننده خالق اعدام کننده بیلوری مادرگانه سروپ سکون را
مشکل نمود، ما نیز به سعادتمندی ایجاد ایمان تقدیر، پیشنهاد، تربیت و بهداشت آن از
آقای اسدی درین نت کنونم، خروج بهتری خودرا از مشکلات نیافتند ملت ایران "ا"
اعلام سعادتمند، مطیع شدند که آنکه استالین امروز رشد، همه، درسی ای پیشنهاد می‌خواسته
گزینه انتخابات انتخاب شورا جامی از نظرسنجی و انسانی من امروز مقدمه دست گرفتند و فرا
تفویقی به مدتی در این مشکلات بگذشتند، ضمن اعتماد به این دوستان، آنها را مبتدا به دستاران
در تقاضای ناچاری به همکاری سراسر خودا دادند، همین دست از درگیری‌های مردم را عاصی‌خواهی
و "دوران سازشی" معرفه کردند.

مقدم ستمدیده مدن شناختن داده است که این شیوه کار به نفع هیچ‌کجا از طرفین و خصوصاً نفع
دوستان عزیز، نافتشن باشد و در این معرفت، نافتشن باشد و در این معرفت، هسته‌نشوزی نسبت به هدایت،
همستکی علی و انسانی دروس اسرائیل حاکم گردید.

چنان‌شون از "مسایرات گشتوشی این مشکلات" به عنوان چندی‌گی آزمایش‌های و انسانی ساخته شدند
مود سلکه "پارک‌گردان پوشش ای است که مانع رشد و حرکت مسمومیتی مانند شد".
استمام "جهانی" که از نظر روحی و انسانی بین وارد شده است، نسبت به هیچ‌کجا و
آفراد تا سیزده "گیشه‌ورزی" ناخواهم گردید،

۱) بران مرگر خواهد بود
مقدم ایران پیروز خواهد شد

با احترام - حسن یارانی

بعد از تخریب:

۱- آزاد نجاتیکه از این تاویخ بسیار غیر مشکلات نیافتند ملت ملی نیست، اعلان پیشمر که
سلام میدانند، با طلح افتخار، رسی می‌زمانن بزماید و ملت تکلیفی را من در این نکد از
آ- گروچه مذهب ایستگاه از هیبت سلطنت ظلیلی ای اقبالی، مجاہدین خلیه، پیغمبر اعلی و ویتنگستکنیتسا می‌باشند
مشکلات محركات مخالفت برای ایهام دهن و می‌خواهی شلیه من مررت گرفته است و گزینه کرام
که به امام تحریکات ایشان نیافریدند، اما مانعی که اخیراً بطور خوبی مرای مددی ها نیز می‌باشد
می‌تویند... با وجود حملهای غیر انسانی پیشماری که در این راه دارم، نهی، با پیشنهاد سلطان خود
درسته را می‌خشم و از این لغزش سلامی - قوه‌های پیشمند هستند و هستند این دارم در آینه دستور
صری و مقاومت و مذاقت عورتاً پیش احتکام نخشم این انتقامات بخود، بیشترهم خلا می‌بینند که ای
علی ما گزینی، صابون می‌مینش، بهدی خاصی با هیچ‌کسی و... نیست.

حسن یارانی

ایران هرگز تفاوتد می‌شود
نیکوسته مقاومت ملی ایران
بین‌المللی و دیگر کشورها برای ایران

National Movement of the Iranian Resistance (NAMIR)
Founded by Chahour Bakhtiar
Post-Rescue, 1006 Lausanne 14, Switzerland

۲۵ مهر، ماه ۱۳۷۶

حضور محترم اعضا شورای تشییع مقاومت ملی ایران.

اجلاس عادی شورای ملی مقاومت ملی در روزهای ۲۲ و ۲۳ شهریور ۱۳۷۶ برگزار با ۱۲ و ۱۴ ماه سیستانبر ۱۳۷۶ با حضور ۱۰ تن از اعضاء تشکیل شد و پس از اعلام رسمنیت کویست رئیس شورا کار خود را آغاز نمود. تن از اخراج سخنان بینش از استقور، شبورا به تبادل نظر در مورد اوضاع ایران در رابطه با انتخابات اخیر در کشور پرداخت و طبق معمول پیشنهادی در این مورد مقنعته خواهد شد، میتوان شورا را در مسائل شیکارگاهی شد و توصیهای زیر را به انتقاد

آراء تجوییب نمود:

۱- اعضا شورای تشییع مقاومت ملی ایران مختارند که بمقابلیت های سیاسی بورد قبیل و مبنی بر اصول نهضت مقاومت ملی ایران و پنهان شکن خودشان تعالیت کنند. اعضا شورا که مسئولیت های اجرائی و فانوس در تشییع مقاومت ملی دارند از شرسی این توصیه مستثنی هستند و فعالیتی ای ایمان پایستی منحصر از

داخل مازمان تشییع مقاومت ملی باشند.

۲- چون در اصلیه ۱۳۷۶ آن روز (خاتم تربیا، اقایان بهرام تربیا، همایون مهمنظر و علی شاکری) با اعلام مشروط شوری مختارند خود در جلسات آتش شورا (شوریه به قبیل و نیمس شورا) جلسه را برگزارند و در جلسات بعد شوراهم شرک نکرند، شورای تشییع مقاومت ملی ایران این مقرر را یکاره گیری خواهد

اقایان از شورا تلقن می کند.

در پایان شورای تشییع مقاومت ملی به انتخاب هیئت‌های اجرائیه رئیسه نوره ایشده پرداخت و تنبیه شده است این رای از این رئیس است اقای مسندی خواری و هیئت رئیسه به ریاست اقای حمید نوالنور، به اتفاق آراء، انتخاب شدند.

ایران هرگز تفاوتد می‌شود
هیئت و نیمس شورای تشییع مقاومت ملی

اطلس پرسی مهر زرمه
۱۳۷۶

اطلاعیه

Hosseini in Arabic .

پس از اینکه ۲۷ کارهای دارای بود اینکار داده کنترلی از صادرات و شخصیت های ملی روکنرا که
برای دو سال ماهیگیر درست شد و گفت و شدید بودند؛ "کنفرانس ملی" فراخواهد شد،
هر یک از صادرات و شخصیت های ملی روکنرا که این شرکت خود را برای شرکت در
این کنفرانس ملی شخصیت برای فعالیتی تدارکاتی مشخص کردند طوری که هنگام مددون
این اطلاعیه، ترسیم با نصانه برای شرکت مرکزی این ملی پیشنهاد شده است.
نکل کنیتی هستند که برای برگزاری کنفرانس ملی سیر درخواست مفادی دو راهنمایی جایی از
اینکار نبود، بلکه این است که از قاعده کنفرانس ملی دو راهنمایی داشتند که هر کدام
صلقی با مالکان، کنکری و سایر عازم خواهند شدند و پیشنهاده شودند، سایر افراد
نکوکتند، باید اتفاقی بیشتر نداشتند، امور تنها مکنیکی و تدارکاتی هستند و انتساب افراد
به فعالیت های خود امکان نداشتند، اما در این مکنیکی و تدارکاتی هستند باید این مددون
موارد با کارکنندگان مطابق باشد و اینها را می بینیم موقعاً مغلول رسانند،
با این اتفاقی که از احتمال جمهوری اسلامی اسرائیل و نظام ولایت فقهیه داریم، برای ماتجهب آور نیست که
با این شرکت های تبروکتی این نظام موافع شویم، با این اتفاقی که ادعای
آزادیخواهی و دمکراتی بودن را می کنند، چهار غیر این کنفرانس ملی که می خواهد
و شرکت های از تصریف شخصیت " خا سیم شدند و ششان دادند که هنوز موافق نشده است خود را از
نظم مکنیکی استندادی گذشتند و محظوظ نهادند.
به عقیده ما، هر کدام از این عنصر و محاصل مالکیت، خاص از همانگی و اتحادیه شرکت
ملی و دمکراتی و حکمت دارند و دلایلی می کنند که موافق برای برگزاری کنفرانس ملی که می خواهد
سروگاز یکی خریط ملی - دمکرات و همانند دریا ایل رژیم استندادی و برای دعوهای میان
ساختند، این ابتدا کنند.
با موشی ایم که با طلاع همه، هموطنان موده دل و آزادی دینی، محل وجا را از کشور سوسائیتی
"کنفرانس ملی" دروت و بین اعلام شده باشگاه کنفرانس از صادرات و شخصیت های بقیم کاشاد،
اما این معتقد آشنا، اثناشتا، فوایند این اسلامی، اسلامی، اسلامی، اسلامی، اسلامی، اسلامی،
تصادم کنیتی از موسیان مکنوات و ملی خیانت خواج ای رکنی که بسلت مملکات با اینی و ملی و اینی کا در
به شرکت در این کنفرانس نیستند، پیشنهادی خود را اذاین اجتماع مزدگ ملی و تاریخی اسلام
دانندند.
ما همین خود با دمکتر ارجمند شرکت های ملی روکنرا دعوهایی کنیم که با سلطه همیشگی و با
تکیه به آنها های ملی و دمکراتیک برای تجارت تکثیر و مسلطه خدمت نموده ایم از متداد آنها
مزده رند.

هیئت مدیره برای برگزاری کنفرانس ملی

۱۵ دسامبر ۱۴۰۵ سال
دکتر حضرت مطیع، مینیسیون مینیستری، مینیسیون مکانی تبریز قبیضی، علی ایلسکی،
دکتر فرج الدین ازدیان، مینیسیون شریعتی افروز، حسن ماسالی



در تاریخ سوم سپتامبر ۱۹۹۳ هیئت نمایندگی نهضت مقاومت ملی ایران، حسن ماسالی مسئول امور بین المللی و علی بکایی با «آریستید» رئیس جمهور هائیتی دیدار و گفتگو به عمل آوردند.

فصلٍ هشتم

تلاش دوباره برای سازماندهی مبارزه در داخل کشور

حمایت از مبارزات دانشجویان و زنان ایران در داخل کشور

پس از اینکه محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهوری ایران برگزیده شد، با توصل به نیرنگ‌های آخوندی، مشغول روضه خوانی دربارهٔ دموکراسی اسلامی، جامعهٔ مدنی و گفتگوی تمدن‌ها گشت. او کوشش به عمل آورد که عده‌ای از مردم ایران و محافل بین‌المللی را بفریبد. متعاقب آن، عده‌ای از دانشجویان با خوش باوری پا به میدان مبارزه نهادند. در این دوره، حوادثی چون ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در کوی دانشگاه روی داد که عده‌ای نیز توسط دژخیمان رژیم کشته، زخمی و آواره شدند. قتل‌های زنجیره‌ای اتفاق افتاد، امیرانتظام را در بیمارستان به قفل و زنجیرکشیدند، داریوش فروهر و همسر مبارزش پروانه را به طرز فجیعی به قتل رساندند. خوب در چنین شرایطی، هرگز نمی‌توانستم نظاره‌گری بی‌تفاوت نسبت به حوادث داخل کشور باشم. در این ارتباط با تشکلهای سیاسی - صنفی - مدنی ارتباط برقرار کردم.

ارتباط با "جبهه دموکراتیک ایران" و جنبش دانشجویی در داخل کشور

با توجه به تجربیات تلخی که در میان برخی محافل خارج از کشور به دست آورده بودم، در صدد برآمدم که فعالیت‌های خود را بیشتر در ارتباط با مبارزات داخل کشور متمرکز کنم. براین اساس، ابتدا با جوانان مبارز داخل کشور، به خصوص جنبش زنان و جنبش دانشجویی، ارتباط مستقیم برقرار کردم.

در این ارتباط، آقای حشمت‌الله طبرزی، امیرحشمت‌سaran، و چند نفر از فعالین دانشجویی مثل عباس خرسندي، کیانوش سنجري، کوروش صحبي، منوچهر محمدی، مهاجری‌نژاد، سعید کلانکي، على سرمدي و حسن زارع‌زاده اردشير با من در ارتباط بودند. همچنین از سازمان زنان «تارا» بانوي مبارز و آزاداندیش «ش-آ» و دیگران با من ارتباط، برقرار کردند.

آقای حشمت‌الله طبرزی که هنوز در زندان به سر می‌برد تقاضا کرد که مسئولیت (دفتر برومندزی جبهه دموکراتیک ایران) را بر عهده بگیرم. من پیشنهاد ایشان را بدون آگاهی از ساختار تشکیلاتي و مناسبات افراد درون آن گروه پذیرفتم. اما در عمل با روابط ناسالم تشکیلاتي و عملکردهای ناهنجار سیاسی و تخریب‌گرانه برخی از افراد درون آن مثل حسن زارع‌زاده اردشir مواجه شدم. به طور مثال آقای حسن زارع‌زاده اردشir در شرایطی که حشمت‌الله طبرزی هنوز در زندان به سر می‌برد در غیاب ایشان تمام امور را قبضه کرده بود و در نامه‌نگاری‌ها و یا صدور اطلاعیه‌ها خودش را گاهی مسئول تشکیلات، مسئول امور دانشجویی، مسئول امور حقوق بشر، مسئول امور مالی و... معرفی می‌کرد و مانع از آن شد که جبهه دموکراتیک ایران، ساختار دموکراتیک با رهبری دست‌جمعی کسب کند. اسناد و مدارک آن دوران نشان می‌دهند این مناسبات ناهنجار و ضد دموکراتیک موجب شده بود که افراد به تخریب هم‌دیگر مشغول شوند. در وزارت اطلاعات نیز از چنین مناسباتی بهره‌برداری می‌کرد. پس از قبول مسئولیت برومندزی جبهه دموکراتیک ایران، شبکه‌های تشکیلاتي، سیاسی، مبارزاتي و جمع‌آوری کمک مالی برای خانواده‌های زندانیان سیاسی را سازماندهی کردم و رابطینی نیز در سطح اروپا، امریکا و کانادا معرفی کردم، اما رفتار تخریب‌گرانه و ضد تشکیلاتي آقای حسن زارع‌زاده اردشir به خارج از کشور نیز کشانده شد و ایشان بدون مشورت با تشکیلات برومندزی با محافل مختلف وارد زد و بند می‌شد و نقش تخریب‌گرانه ایشان موجب شد تشکیلات برومندزی منحل اعلام شود و از جبهه دموکراتیک ایران جز یک تابلو چیزی باقی نماند. برای من تعجب آور بود که آقای طبرزی در برابر

این همه ناهنجاری‌ها سکوت اختیار می‌کرد. مکاتبات مربوط به آن دوران وجود دارند که در اینجا نمونه‌هایی از آن انتشار می‌یابد.

همچنین لازم به یادآوری است که با برخی جوانان مبارز آن دوران که از نزدیک با آنان در ارتباط بودم مثل اکبر محمدی و امیر حشمت ساران در راه مبارزه جان باختند و برخی دیگر مثل کوروش صحتی، کیانوش سنجیری، علی‌اصغر سرمدی، سعید کلانکی، منوچهر محمدی و... پس از تحمل ناملایمات گوناگون، اکنون در خارج از کشور به سر می‌برند.

جهجهه دمکراتیک ایران (IDF)

دریچه: ۲ شهریور ۱۳۸۳

بنام خداوند جان و خرد

جانب افایی دکتر حسن ماسالی، رئیس دفتر بروزمرزی ایران

پاره‌دهای کرم،

پاترچه به ترتیب مزبور بدن خوبون مرز و بزپش گرفتین بیوانت مدت آفون از سری رقیم قاتون شکن
جمهوری اسلامی، ازم امت جایجالی ده خواران هشتن: نید کار، ضمن کاروم میار زده، امور جمهه دمکراتیک
ایران را اقیز می‌رسانند هدف.

شایان ذکر است در شوابعلی صدر من بدم که چند از این نسبت به انتساب غازد، خلوکه
های زنداقیان سیاهی در زندان های لندنی و زیم زیو شمارهای شدید اقرار گرفته اند علی بر ازت ملامعت
شمن تهدید و نیز ای اعضا ای جمهه دمکراتیک ایران از آنها خواسته است در مرورد انتساب غازد ما و
ذلتوله های زنداقیان عزیزی ازد و اطلاع رسالت نکنند.
برداشت من از شرابای افایی این است که میازده بای و زیم به نقطه حدسی رسانیده است. اگر مصالحه کنیم
همه رخصات گفتگوه به هدف خواهد رفت. اما اگر مقاومت هدی از راد انتساب، خصم و تبعیمه سالست اسیز
شایر پایه مربج، دلگرسی مردم و شکل گیری هسته، یعنی ملکت تا دیروزی خواهد شد.
کارایی از این اتفاقات به اراده‌دهنده، مبارزین و همینکی ای سانگی خواهد داشت.
مهنین را امدادان باز نیگر کارکم و ناتوجه ایوزپسون جمهوریخواه، مشروطه خواه تصدیم
میگیرند با وجودت و همانی به حملت فی مبارزین در دورون مرز و خیزد ملت ایران کار خواهد برد با کنکن
هزیزه به مراسته لسلی خواهی بخوبی بروگزیز و فرام ارادی تقدیر رئیم نسبت باد.

پشت مکان ماسالی

میکن ایت به فر طلیل از جمله شعبت مفرط بر قدر خواهی تندن احتساب: عذا اریبلد من بایزیرین از زندان
تلخ شود انتقام ریخته کارام مبارزه، تا پردازی محور همه تلاشیان مبارزان یافت کول مدهم تقطیع خزانه
ما به تشییع جانه رئیم خسرو شود.

لندن بیازدی، برقزر یاد دمکراتی، گیسته یاد زیور استیدا

مشتمل افقیزدی، بیرون کل ججهه دمک ایک ایران

ایران - پهان، زندان ایزن

- پذیرفتن از همه شاید تحریفت میگم که موافی نیز رایه اپرا در (روید).
- ۱- هر سازمان و اجتن مدلات (طور نموده) اینون زبان را، بجهه متد داشته باشند. سازمان خوب دوست، بجهه خوب است، بجهه مادرانه این اوضاعی را در سازمان دستگاه دیگری که تنبله دارد نزد ارجمند، نبایه مسکو ایلک، ایران آتش داده و میزرات، مساس نزد را مساهنگ میزد، ضروریست که اینا پادشاهی است اعتمادی خود را مسئله ای برداشته مولی و مادرات شکلاتی خواهی اخراج کند و مسؤولین تشغیلات مسافت خود را مشخص نمایند و بعده را بصران میلاده از شریعته برای شرکت در شور ای و خبری بجهه مسکو ایلک ایران معرفی نمایند.
 - ۲- اراده ای شکلاتی جبهه مسکو ایلک، ایران در تهران ر شهربستانها نیز هر کدام پیکار را بخوبی میباشد رس.
 - تصویر ۱- هر واحد شکلاتی بجهه مسکو ایلک ایران به دلایل دارای سه خضری باشد تا به عنوان " واحد شکلاتی " معتبر گردد.
 - تصویر ۲- هر واحد شکلاتی که حداقل دارای هفت نفر خبری پیکار میباشد و پیکار میباشد به شور ای و خبری جبهه سفر ایلک ایران سرفی کند تا در مسلط رسی ای شرکت اماید.
 - ۳- گروهی و هری جبهه مسکو ایلک ایران در لوین راجه رسی خود که حداقل با مدارک دو سوم اعضا ای شکلات شرعاً شد، مستقیمی شدرو و دیور شکلاتی همچه مسکو ایلک ایران را انداخته خواهد کرد.
 - ۴- مستقیمی شدرو و هر شکلاتی همچه مسکو ایلک ایران بظاهر خواهد داشت که باعده از اینی که سایقاً با جبهه مسکو ایلک ایران مسکو ایلک میگردند و میتوان در از اتفاقات اهل فا و راجش های شخصی کلاره گیری کرد و اند تکان برقرار کند و این را در چارچوب احالف مسکو ایلک خواهی بدانند و متندرک چاپ اماید.
 - ۵- مستقیمی شدرو و هر شکلاتی که بعثت به خبر را اعتمان میتوان خودمی تعبون میباشد قادر و مخارج جبهه مسکو ایلک ایران را بطور شمارگ ملزم مکن و مظاهر است.
 - ۶- مستقیمی شدرو و دیور شکلاتی را بطبیت خواهی ایران " اشکل گرد و گلها و یهی میباشد تا هرچه زیستن " بجهه مسکو ایلک ایران را بطور موقت خواهد بود تا پس از ازدی اذای موسی طهر زدی بینکل جبهه و اند حمل با بایر بیرون های اینسته شود.
 - ۷- این سوتیها و تسبیه کار خا بطور موقت خواهد بود تا پس از ازدی اذای موسی طهر زدی بینکل جبهه سفار ایلک ایران و سراسر میان (دایان)، کنگر جبهه مسکو ایلک ایران فراغه اند، خود و طرح اسلامیه و شوریجهه مسکو ایلک ایران به تسبیه برند تا سوتیون و ازگلهای جبهه بیرون اسلامنه قدران گردند.
 - ۸- مستقیمی شدرو و بزمزی جبهه مسکو ایلک ایران بر تمهیه های سیاسی، میزراتی، ایلانی، مالی را مساهنگ خواهند کرد.
- از هرچهارین نیز انتظار دارم که بر این شرایط حتماً من منتظر خلاص از همین مسکو اس خواهی ایفا کنند اینا کند و از نگر انتیش مسکرات و امهه داشته باشیم، بلکه احتمال مگر اندیشل یعنی شوه دینه دین مدنی ایس میباشد.

پاروز و احترام به صه همراهان - دفتر حین مصالی

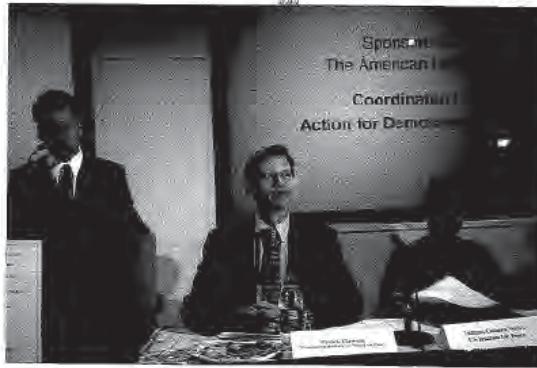
نامه سرچشیده حشمت اللہ طبرزی یہ حسن مسائلی اور زندگی نویس

دکتر حسن ماهدی
قائم مقام دیر کل و رئیس

دفتر بروتومرزی جبهه دمکراتیک ایران
دکتر حسن ماسالی
Representative of Iran Democratic Front Abroad
www.IranOmid.org Hassan Massali, Ph.D.
Tel: (1)-301-792 3370
E-mail:HMassali@aol.com & alter-native@alter-native.ws
P.O. Box 60735 Petomac, MD 20859, USA

اطلاعه مطبوعاتی ۲۰۰۳

در تاریخ هیجدهم تکنر ۲۰۰۳ برایر با ۲۶ مهر ۱۳۸۲، کنفرانس، فمکر اسی در ایران - با هکلر؛
از ذکر نشسانید. برگزار میگردید. American University، طرفداران حقوق بشر ایرانی و آزادگانی دعوت رییس آدمه است
که اطربات خارجی، سریکا از نمایه ای برای شرکت در کنفرانس در کاخهای ایران نیز کاکه و به بحث پذیرند از طرف
وزارت خارجی، سریکا از نمایه ای برای شرکت در کنفرانس در چهارچهار هجدهمین خواهد شد. سازمان امنیت ایران
و گروپی اکوشنگان سفارت ای و حقوق شورای اسلامی که از تبریز و موزر، جبهه دمکراتیک ایران همکاری
میگذارد برآمده باشد، اند و داشتگاه بزرگ از از این و لامه خدمات بدمان آورد و میان داشتگار و ایران برگزاری
کنفرانس در اخبار افراز داده است.
کلزم به بذل اولی ارادت ۴۵ همه کارشناسان ایرانی شرکت گفته در این کنفرانس، افراد دمکرات استقلی هستند
و به اشتراکات میگذارند. این اشتراکات مخصوص خاص و اینکه از این
ز اینجا که راهکارها، تحقیق، تحقیق اسی در قوانین و اتفاق کنید که نعلم اینه کشور میتواند در مانیش مطلعه
و همان اینجا از اهمیت و لذت ای برخوردار شنیده ای اکن میخس طبیعتی تپور کل جبهه دمکراتیک ایران
که هنوز در زبان نسیم بیرون نشانه کردم که دیگاههای جبهه دمکراتیک ایران را در زبانه دایین کنفرانس
مطرب میزند. بدان همراه موقت شدن یافم این را که با انتظاوی و مصائب و محنونان گفتنه شده از زندان
به ما در سیستان که در تقویت ادکن موسوی و رسالت های خیری قرار دیگر. همین، مسئول مفتر برویزی
جهه دمکراتیک ایران به اینکه ایرانی مرکزی و دریگل جبهه دمکراتیک ایران این تمام تحول دمکراتیک و بدن
طرح پیشنهادی جبهه دمکراتیک ایران و مخفی دمکراسی خواهی ای ای این تمام تحول دمکراتیک و بدن
نویس به خواندن را این کنفرانس مدارج میگذار که من اگلیس ان طرح ایز در اتفاقی ادکن موسوی قرار
میگیرد.



برگزاری کنفرانس گذار به دمکراسی توسط حسن ماسالی در دانشگاه آمریکائی در واشنگتن.



برگزاری کنفرانس گذار به دمکراسی توسط حسن ماسالی در دانشگاه آمریکائی در واشنگتن.

کزارش منحصری از امور نظر بروئیری

هر زمان عزیز، از موجی که سنتیت نظر بروئیری جبهه نگاریک ایران را پذیرفته، او پیکار می‌پیخت
و اختریکان و ملی بیان مقاله‌های ندرو از طرف دیگر به سازمانی بر یار گویی می‌برد از این‌جهت می‌گفت که تابعی
از سلطنتها نگاشته و بود که موج سنجگردی ها شروع شد و از جمله ایلان ارزاده مامنیتی ملک‌زاده رجیس-

تیز از نظر بروئیری نگاشته شد.

آخر بروئیری را ممکن بطور انسانی به نوشته خوده قسمی بنمایی گردید.
الله باید توجه داشت که حجم امور مربوطه بسیار زیاد و گسترده می‌باشد از این به تسلیم و ملک‌زاده در چند

فایلی.
خرنده‌نشسته بیان می‌نمایی مثلاً در کشورهای مختلف دارم که در ای تجاوی و داشت هست و نکت این افراد از

و اینکات و بیان می‌نمایند این متنی خوب است و بیزار آن بودند اما هم اکنون با اشخاص امده می‌گذرد.
تکلیف:

۱- کوشش بعمل آورده فیم همت اغتصب غرسی طلب و سه استفاده از و انتقام از طوری نظر بروئیری از جهت
خارج روزنامه‌ای که از تباطع خود را از طوری نظر بروئیری می‌گذرد. گوتاهه کلیه ای این افراد می‌گذرد.

۲- در اریاز امریکا و کالادا را بیشتر داریم که بخطی نگفتواند و بزیر نظر بروئیری از این افراد می‌گذرد.
همکاری می‌گذرد.

۳- موقع ششم با وجود تقریب و چند منځک و داشتندی از عوامل پشتیبانی از جنگ، نگرانیه این گروهها و محظوظ می‌گذرد، همه
گروهها را شوین که به عوامل پشتیبانی از جنگ نگرانیش ای این گروهها و عوامل پشتیبانی از جنگ
نمی‌گذرد اینها و سازمانی‌دانشجویی را در این قدر هم از تکلیف می‌گذارند، در این بروکار بزرگ‌ترین این اجراء
زیرا این نظر بروئیری می‌گذرد و بحسب موقیت و لب لطف که ظاهراً برای کل این افراد می‌گذرد و در این اجراء
مشت محکم بود که به دهن بنادر مخفیت کوچیده شد که بین این شخص می‌گذرد و در این امر داشتند می‌گذرد.

آخر بروئیری که از این دسته این افراد می‌گذرد، خیمه نماینگی و اینکه بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرد

روی سند تهائی مخصوص در روابط اقتصادی می‌گذرد و بروئیری که اکن اخلاقی شدند از این افراد
تکلیف هست مثلاً بعد از مرض عاهی در باز مرخص یا مغلوب شدند از این افراد و موقیعاً مساجده را بروئیری و ملک‌زاده در

نظر از دوستان جمع ورز امور مال را بر عینه دارند اما مطهور این دست و پوکار ما بین می‌گذرد و می‌گذرد می‌گذرد

در موعد سور می‌دریزند و این افراد می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرد و این افراد می‌گذرند

صیغه‌ی در گلگو هستند که بمقابل مومنان مطهور کنند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

۴- این حکم از قدری هستند که بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند
۵- ما احدهای از فرمیت هستند که "کمیته هیئتیگان" را بروکار این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند
تشکیل نموده و بینه ای از هیئتیگان این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

۶- بیکاری و هزار در این احتمال متفقینه این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

آن گروه کار در این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله پیش بود که بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

بله این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند و بروئیری که این افراد را بروئیری می‌گذرند

در اینجا آنست یک اوری کلم که به شاعری تأثیرگذار و ارس المکر و تیگن ما روزانه از بیت سه هزار بیت از اوری و درین از جمله طنزهای جمیع روزی اسلامی، از داخل و خارج ارسال مخصوص که کار مازاچی کنند. اما از

ازدیاد را خواهند بود.
در جایگزینی از مدل انتقالی بزرگ و پیوستی در انتقالات همکمل از سیاست‌گذاران معمم، «انتشکاف‌گران» و «انتشکاف‌گذار» باعث این کافرلاری در محرومیت خواهد شد. موظفون چنین می‌گفتند: «مسکونی در ایران» و «تغول بر سرمه» مانع بودن انتقال اموال این کافرلاری نبود. مذکور است که مسکونی در ایران می‌گفتند: «مسکونی در ایران» و «تغول

نماینده مجلس ایلک گلزاران « میلاندی » پس از این کاره شرکت گفتگویان پیمانه که ها درباره ایران ، خلیج فارس و روابط جهانی چه نظر میکنند ، مطالبی در اینجا آورده سه نظر اینکاری باشد که اینکاری باز این اسلام گردید ، لذا در اینجا در میان اینکاریها اینکاری است که در اینجا برای این ایجاد گردانش اینکاری است.

۱۰- تاکنون بر حسب اولانی شناسی خودمن برای مخارج لور رایه گذشتند این در اینجا نزد جمهوریه در شما میلاران حافظ خواهند کرد و سایر افراد موقتی از تخلیج کار سازدهی و کمالی ۴۵ زمین

اووچه می بینم پیشست سیخ کیم کیم کیم
۱۱- بازان سلار گوشن کیم کیم کیم کیم
بر اساس اعلانی هر دوست از پیمان مسلمان هستند، پیرزیزی تسبیح شما و موده این روند است
خر روز تضادگیری با روحی افراد و سلطان در خارج از شهر گلیخ مسلسل است. لطفاً با این شورت کنید، چون
این روزها می خواهیم از این شورت برخورد نکنیم. این روزها می خواهیم از این شورت برخورد نکنیم.

از راست ده باید را پوشی می کنند. سفیدی که از ماده ای که انتشار می دهد، مستور نموده باشند

برخانه میتواند این را میتواند

جیلیل مکاریم عوام ایران برای پرچم این نظم قرار خواهد داد و میتواند باشید که این ادعای از هیچی

دایم و ده احق و زلزال آفی هنگ میکنم، هر کاری بیکم به روی اختیار نیست که سلطان صحراء
من این معنوی گذشت، پوست مسلمین پذیرید که این رژیم را برقیت است، بودیم در ۱۶ آذر، پیروز باشید حجت
۲۹ آیت الله ۲۰۰۸

منزه خیر جان، آقای مهندس مطریزی پایه‌گران،
منزه پیغم شاراز طبری، آقای حامی خوارزی مدحیل گوین،
منزه استاد نوائی و مهندس مطریزی پایه‌گران،

نکته خود و نوشتار پر از این اختلافات میباشد به کسان خواهی و بطریق اسلامیان گفته باشد، حقوق پسر اختلاط دارد، مثل گذشته وظیفه خود مذاقیم که از حقوق بیکار و انسان سما و سار

۲- شوربادل از افراد دخان گذاشتند.
مازیر اعتمادیان را که مبلغ اقلیم زیرخاک و افرادی نظری پیشان بر اساس سهولت خود مذکور کردند.

هزار و پانصد و هشتاد و هشت سالگی در ایران از زمانی که میرزا حسین سرداری را در آزادی خواهان ایران ایجاد نموده باید اینست که این سرداری از این زمان روزگاری شروع شده باشد. بنابراین میتوان این روزگار را میان سالهای ۷۹ تا ۸۴ میلادی در ایران معرفی کرد.

۴- میتوانند این را در انتظار موصلگیری قرار دهند، مثلاً وظایف و فرماندهی شما مستلزم نظر شوخت چشم کارکردن باشد. تا پس از آنکه بپرسید سایر افراد را مراکز و پهلوانان در زندان از این اتفاق بگشایند.

۵- مخطلی کار و روش پاسخگویی که ممکن است در اینجا مذکور شود، مشکل اینست که در وزارت اسلامات حاضر شاهزاده ایلی و پسرش

۵- پیشنهاد میکنیم که این مقاله در مورد تأثیرات اقتصادی بر عرصه های اقتصادی ایران در آینده از اینجا آغاز شود. این مقاله در اینجا معرفی نموده شد و در آینده این مقاله در اینجا معرفی نموده شد.

سکونتگاه تعمیم پذیرد، مثلاً برای مانعهای خود من تعمیم یافته از اخدا خواهید بود و می‌گذرد این نظریات خود را اصطلاح تبرو-های متعرک این خواهیور ساخته‌اند
با اندوهای مهاری جویانه و با تزویج پیروزی غیر آشنا - حسن مسائل

۱۸ نوامبر ۲۰۰۴ برگزاري ۲۸ آبان ۱۳۸۳

به نام خاوند جان و خرد

تشکل های عضو جبهه نمکاریک ایران

با درود قراؤن

در جهت گشته شد و این اندیشه، جمیعه دمکراتک ایران برای نسل به اصول و اهداف کارهای مشترک جمهوری - عضوان دیگر کلی حرف و شهروای رهبری جایگزین آن خواهد شد. پس از همه تشکل های عضوی جمهوری در دروی و بیرون مرد که دست کم فر کنام ذرازی ۱۵ عضو قفال می باشد دعوه بسی کم تواند خود برای صوبت خود شهروای رهبری موافق را معرفی کند. شایل نوجه است که شهروای رهبری موافت و طبقه دارد اساساً جمهوری و بحوزه تعمید مستقیمات ها را در میان حدود ۶ ماهه بسی از تشکل. نهاد و به صحبت کلیه اعضاً تشکل ها از طریق تشکیل گنجه با مجمع عمومی بررساند. آن تشکل شهروای موافت رهبری من و افای دکتر حسن ماسالی و آفای حسن راجع را از این دستور به ازبیت در مسئولیت دیر کل فاقم مختار دیر کل و این تشکلات احمد وظفه خواهیم کرد. همچنین من خود این قوم بعیت تشکیل شهروای رهبری موافت را پیگیری کرده و با تشکل شهروای کله آمور را به دست آنها خواهیم سپید.

با سپاس
حشمت الله طربوی
دیگر کل جمهوری دمکراتک ایران
ایران تهران، رسانه اولیه، بعد ۳۵۰
۱۳۸۳ آبان

چهاردهم آبان ۱۳۸۳ برای یا چهارم نوامبر ۲۰۰۴

نامه درون تشکلات
دوست ملیز جناب افی مهدمنش حشمت الله طربوی دیگر کل جمهوری دمکراتک ایران
باشند از اول ، نامه پذیرم آبان ۱۳۸۱ شما خطاب به انتکل های بجهه نمکاریک ایران را دریافت کردیدن.
خوچال حسنه که مسدادید را راه ایزاسی تشکلات، ایمه، رفری سلسیه و نمکاریک، گردان مخالفت
مدیسان - تشکلات کامپاریزدید اما از تعاقیدی :
۱- اهتمام ریاضی به پرسنی از افراد ممتاز درون تشکلات بجهه نمکاریک و از دیگر میانه و این امر بسرورت
عمل چرکیه در اینه وضع از حرکت سنتی و ایجاد صد و صیغه دید در میان مبارزین شده است . سرورت
که با خاطر جنگیان یک میلت ۳ تا ۵ نفره از میان افراد پیش از مبارزین شده است . سرورت
تفقیق " ایمه و کلوات و خلاکاری ما تشکل شدتا امور مربوطه را دیسیگن کرده ، گزاری از اینه امدادی
دروی تشکلات از آنها دید و شرطی افراد شود که توپنی ، سلاح و همینکی در درون تشکلات مسلم گردد .
۲- افی حسن زرع زاده از شیخی مهدمنش این مهیا در امور سراسی و تشکلاتی خانه برومنزی بمالک میکد و
مادر و دوچنین پروردید خارج از کشور مغلوب تسلط کری میکند و اک ایگوئه مالکیت شامل و مختاری
امکار از بیانکه ، غنیه ، داریم که باشند سلوک و تشکلات پرمنزی بجهه نمکاریک ایران مغلوب شدند .
بله این ۲ تهمه بطران خصوصی بیانکاره ، دیرک اینه دمکار تقدیم و پهله ندانده شده این تشکلات بموهاره
که طعن املایه ای که بتوانه انتقال خارجی پیدا کند ، اعلام نمائید که میانت شما برای حل این مصائب (۱) (۲)

چشم ؟
اصطهوارکه در نلهه درون تشکلات و خصوصی که در تاریخ ۱۱ آبان ۸۳ خطاب به شما نوشته بودم اک جانبه
در این موارد الامات اسلامی صورت نکرد ، به امام مساقیه و ملائیکه در با این تشکلات خانه خواهیم
داد . باید بکل اور شرم که در درون تشکلات بجهه نمکاریک ایران و مسلمانهای پیوشه به آن ، با افراد و یکیان .
خصوصیه خارج زیانی اشنازد . ایم که برای انان فرزش و احترام ریاضی قاتل سنتی و مفسدگی اسلامی و
ملار ای خود را با ایلان حفظ خواهیم کرد . و به مدارزه خود علیه حکومت بجهه و دیگر اموری و عله خانسر
تفصیلیگر در چه جوip بجهه نمکاریک خواهی ایران ادامه خواهیم داشت .

در اقتدار پیغ و اقام قاطعه شما صفتی ، با درود و لختنم - حسن ماسالی

(ستون) موقت دفتر رومنزی بجهه نمکاریک ایران)

* در تاریخ ۲۸ خرداد ۸۳ بیان ۱۷ آذن ۲۰۰۴ از طرف جهیه نماینده ایلک ایران به شانی داد مخفف که حد
کل ۱۳ اصل، داخل و خارج شگفتگانی اهل رویت میباشد به غرب و سازمانها و پیشگاری ها ارسال می شود.

که در آن چنین توضیح داد :

«کلیاتی پیش با تندیگیری اعصابی جهیه نماینده ایلک ایران در پردازش مقاله مدنی ملک در تهران و در عرض آنها
قایق گوریوش صفحه به پیوشه حالت تعجب پیوند از ایران خارج شدند که متفاوت با احتمال شدید و پس تقدیم اذون
شده است. به آگاهی امور مطابق عبارت می رسانیم که اینها از پنهان گشته اند از عملیات در جهیه دکتر ایلک، ایران
سرپردازی و حضور چشمی نماینده ایلک ایران و جمهوری متحده اند ناشی از معمولیت در جهیه دکتر ایلک، ایران
و هادهگران شگفتگانی بود است. از این رو اعلام مباریم اینها بیوچگونه مسوغیتی از سوی این چنین در خارج
از کشور ندارند »

* در تاریخ ۸۳/۲/۴ اعلام میکند که بر پایه تحلیلات ، توجه قضیین چنین پذیرفته زاده و گذشتگانی ایرانی
امروز چنین نمکار ایلک حساب باز کرده است. رس از مطلع ایلک چنانچه اعلام میکند که از اسلام و عالم این
امروز ایلک باز است.

* پیوند اصلاح سبلول امور پرورمرزی بهیه نماینده ایلک با افاض مزاد معلم میگیرد که پول پیس اوری که
ریاست حسن اعلام اشغالی بلیشن گویند که بدین خواسته توکل را از طریق شگفتگانی با سازمان
نفت پرورمرزی مطلع می‌داند.

* ایلک پیوند پرورمرزی بهیه نمکار شگفتگانی که توکل ملکه در پیوشه در پردازش مطالعه
ظاهرانه نمایند، پیمانه را پوچش در پیوشه اعصابی خوارقه مادری و شایعه سازی نمایند، لارج زاده پرورد مطالعه
فرار گرفته بودند. خودشان گفته کرد: میانزی زبان کاره گیری استقبال کردند و اعلام شگفتگانی ایلک
پرورمرزی از این اتفاق اتفاق نداشت. که به رفاقت های غیر شگفتگانی لارج زاده و بیان زند پیش از این
بیرون این موقوفه را مددگر تئیین میکند که بازین پور، ایلک نیس (در اصلان) و بیان سفال میگیرد در
خارج از کشور شگفتگانی از اتفاق پرورمرزی بهیه نمکار شگفتگانی از اتفاق تائیکات و پرورمرزی را اعضاً فکر کنند.

* بدون اصلاح اتفاق پرورمرزی بهیه، با حصال مطالعه ملکت ملکت ملکه وارد و پند مطالعه ناپاسخ مطالعه «شوران
انتکاف» بوده پیوشه. جایل توجه است که ایلک زار زاده درون پیوشه با اتفاق پرورمرزی
هر زمانی اقامه به چون کاری میکند که تمام رساله مایه و پیشه به سلطنت ملکه و سرمهادران و پیاو مای اقان
با وجود تسلیها و تابهه دگاری ها حاضر امیں شدند از اعصاب شگفتگانی و ریندانیان میباشند جهیه نمکار ایلک ،
پیوند اصلاح از خبرزدی شگفتگانی کهیں و شایعه مای ایلک چنگکار در انتقام این اتفاق میگیرد.

اسوابی را بگوییدند.

* شگفتگانی پیوند پرور مرزی امور مالی بیو و سیس کا اقان مراد معلم این وظیله را تامیل بر عده داشتند.
گزارش دادند، چنین هزار دلار بیان ایلک زار زاده ایلک داشته اند، اما اینها هزار ملکه هستند ایلکه

امروز ملکی غیر از ایلک داشتند. ایلک بدهد.

* ایلک زار زاده و بیان دلار، لذت چشمی داشتند خاصیت پاره ایلک، تمام کوششها هد را بایکل بسته بودند که
اعشار که کامل سایت ایران بدهد و خدگار ایلک جهیه نمکار ایلک ایران که وا هزینه خوبی و با اصیان سرمهادران
و با همکاری سازمانی دوستانه باشند و دوامزد بر اهدافشان بودند، پیش بگردند که با مطالعه ملکه به این پیوشه
ما از طریق این ایلک گذشتگانی کوشش بعمل آورده ایم که از جهیه نمکار ایلک و سازمانی مرکزیت به این پیوشه

اچس و همینین از چشمی نمکار ایلک خواهی طیور های شگفتگانی کلید، این دویت از صندوق پرورد که این تقویت و
ذیل شمومی سازند و با شگفتگانی میباشد. شگفتگانی خودشان این اغیر مسازد، ایلک زار زاده با افزایان شگفتگانی
که این میتوانند از افراز موکبد و دگانگان احتیاج دارند از این میتوانند تا در علیه سفلون نظر پرورمرزی کوکله
کند اینکه این شگفتگانی خودشان از این بودند که این افراد از خصوصیات امنیتی، نمکار ایلک و شگفتگانی

پرورمرزی داشتند و از توطیه گزین خواهند شد.

* بعد از این از شگفتگان جهیه متحده شگفتگانی که از شگفتگانی دند نمکار ایلک و رفاقت های خوبساز این افراد
عایس شده بودند تا میگردند که طبق طرز اسلامیه ایلک ایلک را باز سایه کلند و شگفتگانی خود را رایی شورای برگزاري جهیه

نمکار ایلک میرانی داشتند اذ در تاریخ ۸۳/۲/۳۰ تضمیم پیوشه که پطرور محظیان از حمله پیوشه را از
ایلک خواهی خود را در تاریخ میانی از این شگفتگانی خودند. اما عناصری ری وزارت اطلاعات غیر مدد کان این
خط پرگز را شود.

حلب‌اللهی دکتر حسن مازلی
پاسخ و مساعیون

از باید همچو درست پهلوانی اندیشه از استادانی عصیون، مخلکت ایشانی بود و تظری از «موی تما»
سیمه‌نامه می‌گذارند.
متلطکه اتفاقه از «صفحه کفرنشی» مذکوری داشت که، به دلیل فیلتر گذاری مر اوران، برآور من «عده غیر ممکن»
کنند این:
از هرورد روزنامه داشت قدر از شفایه طول حملات از انجات مسنه‌نامه می‌باشد، گلزاری می‌باشد و این
مشترکاً بازخوده شدن برخی از مسکلکه، آنکه کار آن همچو شود.
لهمه‌ای حرفه ای از روزنامه داشت "را شخصاً معاً کرد ام که یکی از زوستان داشتگاهی قصد ماره آن
روی صورت خود روزنامه داشت".
ساخت خوبی روزنامه با لالا اندیشه و بیکار نوشتند به سی‌اجمل رسیده است شایه دلیل اغراق می‌
تمسکی ای ششگاهها اعلیه این موافق با گرگ‌تلارهای عرضی روزی‌رثه و به این ارتباط کار اورانی بر
عده خود است. اما پیش از این نیز که، آن‌اوران مذکور این این این خود همچو همان مغلظت خوبی
از کشف آنها بود «من خواهم اند بعد خلاصه ۱۵ آن اوران».
آش‌خوبی می‌دانید که ظلم نسبت به اخلاقی و اخلاقی همچو روزنامه داشت‌ایم و از این جیزه، این بیرون
دو نهاد به چنان‌گونه اتفاقی علیم از نامویی همچو برمی‌گذرد که این خطر بود که یکی از این‌دو نهاد
اینچنانی از این می‌دانند، به سمت بازیون در کار روزنامه داشت‌ایم و این دفعه در تداخل و تکرار شده،
آقام سی و پنجم، تندیک‌گفاین "اکایه" برای توسلی، همچو شما درست بود، از این باید عذر من خواهیم.

اما در مورد موضوع مذکور شایعه اتفاقیات، بروزه نسکار ایلک، این نکره چند تاکه را مذکوری می‌دانم.
وی از تلاش اینجاگان در اینجا مسگر این تلاشی را بخواهد که مخفیان در زبانه بهمراه سکار ایلک، این و
لشکل موجع عصری بهجهه مذکور شناختی توسط ۱۵ عضو جلد و قلم این در بازی ایلک و این‌دو نهاد
امیدهای جدیدی و از این یک تلاش عمل پرانتگاهه و وزارت اتفاقات از اینها بخواهیم و تلاش ایلک ایلک
و جمله ای خوبی ای را بگفته.

چنان‌گونه سرمه‌گیری متفق برخی از نویزان، بالدقت کفر ای این سکار ایلک این می‌گذشت اول در پی
نکره مذکور ایلک و در پی این نکره مذکور ایلک همچو این موافق این پذیرفتگان ۱۵۰۹ وزارت اتفاقات
نگذشت.

این‌وقت وظایف ایجاد، ایجاد داده نیست به ساخت و ایجاد اتفاقات ای این ای
امری کامل مطابق بوده است. این ۱۵ این سلطه داده تاکه از تکاه که داشت و سده لوحه‌ای در روابط
شناختی مفصله گرفته شود این مکله خانه عمل می‌باری ای این‌سلطه هار متفق های این‌شناختی این‌شناختی بوده
این.

الله می‌دانم که این ایلک و دار تسلیمان، برخی هایه این دلگ و یعنی این‌جذبی پیروان‌گذشت‌که سکوت، یافع
رکود ای جماعت اتفاق ایلک ایلک.

اما به هر حال رخنه ایلکی در این شاخه‌ای شناختیکات یافع گردید که "حسن‌علی سرمه" چنان "حسکار ایلک ایلک"
گرم را کفره و ایلک‌گی ایلک را از هم بور سازد. آنکه بگذیری از وضعیت برخی از نویزان که با مساحت
وزارت ایلک" به گذب و گزیده‌گاه و ای ایلکه مود ایور شدند و این بمری نیست ۱۵ تواند ای ایلک ایلک
برشیده باشد.

شایان فایل چیزهایی داشت اما جون مادی برای سکوریت اتفاقات سکوت می‌داند حتی عاذلی چون‌هی
سته می‌داند اما به دلیل اختصار افکار و ای ایلک ایلک می‌تواند پیشنهاد می‌کند. هریا های جزئی ای
لشکل ای ایلک دارند ای ایلک می‌داند. عده ای ایلک کار نیست.

پیدا کردن نشانه های ابتیاب رویی می تشدکارانی از آنسته خوبی است که زبان را به سلیمانی
چندان در سکوت و ایاق بسیاری اگر

ذالقون سده لبیش بوده و ممیت به روابط تشکیلاتی (آنکه برخورد کرده این و همین امر را است گردید) است ناظمه طایی بزرگ آنکه «الملاعنه» از آن جمع ایجاد شد. به عوذه مغلی پیوکردنی از آن مواد خود
در بازجویی های وزارت مملکت برخواسته که پیش از آن «القیه» به آن نکت ناشی، اما اینکه که به یقین
مبنی گردید، بین مکونه می توانیم بر مرجع این خود را دست و این برای مرگ را بالتفتت بین اقویون بر
مقفل نکنده ایست و (نه) اعتراض کنیم فایلای ایجاده از این دیگر نکرد.

اگر از این امر برگیریم، که گذشت بر مختاره خواهد بود.

اما بازسازی تشکیلات که به قول شاعر اثر نکوی هایون است، پیاپند تجذیب طره های اسلانی بر این
گفروز و مرگ هایی ای؟ (هرگز هایی میلی، تشکیلات و ناک های دلخواهند) او همگز این دلیل هایی
مغقول بر سر ڈفت فن روشته و گذشت است.

این دست کم بر چهل و پنج هزار روپه و یا به اول استادیت از طوبی داشتیج به پایی گرفته، من شوکت به
آنکه هم پیر مسالی از خدمه و ملکات در میانزی، به شاهی خواهد توسلت به پیاوی ای این کشور صنی
حصار، پایه ای ای سر، شماره، بدبندگانه، چل و ناک ملیم که این برشی های من غیرتیست سی سو های از آنها به
علیان حصله مبارزی اذی سوچست. اگر از آنها بپرسید (مکاری بیانی) چه می گویند؛ در جوا

قارع از آن، تشکیل و هری نعمتی جسمی مورد اثرا، شما نیازمند اینست که سرمه های مقول شکلات ۵۰
قسط خلیف کاری را داراده اینها مسیکر را قول نکنیده باشد و روایه اختمام بر ملیه دیگر را از
برادران.

فراغتی کادر حق خالص نشانه می شود و همه مشخصی هایی که میتوانند را قول دارند، به شکلی که
بدون توجه به اکثر تشکیلاتی و نکات اگری، من کدام باید، خود را مستثنی می کنند، من این خود را انتقام ای
شکل از دشمن خود را می برد و وظیفت بدینکه بدل در این گیرنده و ایشانی شود و راه را کم می نکند و
همیز و دوستی کار خواهند.

نمیگنایی این مصلحت را خود و به همین طبع سعی در ادامه بازداشت افراد ریش سیستمی
همیزون «طروری» ناتله استتا همگز ای درین نیروهای مخلصه دیگر و ای.

حال چگونه می قبول این تصرف را به امثال تشکیلاتی می بندیم و می دانم را این دارم

با سترام
کتابخانه ملی ایران
2604 / 18 / 17

محرمانه

شنبه، ۲۷ اکتوبر ۱۴۰۳

نویسنده: علیرضا

به پوست این بیان، کتاب آخر مهندس طیزی برای تما ارسان می شود. هنوز جد صنعته ای از این کتاب بر نسبت و پر اشاره است و ما هنوز مستلزم تا مهندس این صفات را هر چه زیدور بدستان پرسنل دیپلم در مورد انتشارات ادام کنیم. خواهش دکتر ماسالی این است که تا ان زمان از شغل دادن این کتاب به افراد دیگر آنها خودداری کنیم.

تا زمان انتشار، همچنانکه قرار نمودن این کتاب را بیند. اتفاقات غیر قابل پیش بینی باعث شده که دکتر ماسالی در این مورد تجدید نظر نکند، که در این بدل از اشاره خواهد گردید. کتاب از این نظر که شرح برخی مفیدین طیزی از جمهوری اسلامی و از همین مورد اطمینانداش، خاصه ای را به ساختگی و با لمسگاهی جذابی بینی می کند از اهمیت زیادی برخوردار است، طبوريه انتشار آن می تواند به مسیاری از شایعات در مورد مشکل بودن شخص طیزی خانمه دهد.

از تما شما تا بحال و قابع نرون ششکلات، جیوه نمک اتک ایران را ادبی کرده اند. دکتر ماسالی از من خواسته تا نکات زیر را به اشاره شما در سایه و مطری که ایشان برای سروسامان مختین به تشکیلات پنهان در مدد پنده کردن آن مستند، اگاهی شناسنیت به این مسائل و تحول ایشان از واقعیت نرون سازسازی بیوه اهمیت بسیار دارد.

۱ - حضرت شده است که جیوه نمک اتک ایران فاقد حداقل تشکیلاتی است که نستکم مادر خارج کننده از آن توقع ناشیم ایشور که از برخوردها و کشش و داکتش های افراد در داخل بر من ایند، جلین چیزی نیست و این مع صرفا از افرادی تشکل شده است که در قابلیت های روزانه نگاری و داشتن چیزی که هر راه میلندن بودند اند و عده ای که بعد به ایشان پرسنست. افرادی که اکثر تحریره کار میانس - ششکلاتی مبتلی ندارند. ایشور که بر من ایند، میانس طیزی در فربای ۱۸۷۳-۱۳۷۸ این ابلهور قبی البداهه و دون نفشه قلی و با تکف اسراف از چیز را بدون اسناده و این نامه ای مرسوم جیوه نمک اتک را بوجود اورد. اصولاً در آن زمان با هجرم و خشندیه عوامل رژیم به جامات سفرنامه مهندس طیزی دیگر، وقت سلسن دادن به تشکیلات بود. همانطور که برخوردها و مادر های شخصی افراد در پی مواده گذشته شنان داده است، جیوه نمک اتکی که ما امروز می شنلیم چیزی نیست بجز یکنکه و اطلاع کنند، تین ایرانی که از پکنگ شناسایی کافی ندانند و نسبت به قابلیت ها ترازه، امکانات و اگاهی های پرکنگ مکل سیگله ند.

۲ - از اینها که این جمیع از اینها اند اساسنامه و این نامه های مختلف انصبابی و تشکیلاتی بوده است، و خود مهندس طیزی هر تا سال ۱۳۷۲ اذر قابلیت های کاملاً علی بوده است، و در میان دستگذشت اصحاب پاکنگه تشکیلاتی تبعه مفعليه تبرده اند افراد بطور افرادی و محتوا ناکنون دست به تعاملی می زده اند. این امر اگر در اینجا کل مشکل عnde ای را بینی نماید

لشروع ما رشدی که ججهه پیدا نکرده است، پاعث ایجاد گر هایی در شاهراههای اصلی تشكیلات شده است.

۳ - مشاهد شده است که اینها و آنها افراد چه مللی توائمه اند با سو، استفاده از ذم طیور زدن و نز غیب او است به ایجاد ارتباطاتی (چه در داخل و چه در خارج) بینند و جلاگان، های محکمی در هرم سلسه منابع برای خود بوجود آورده، و میعنی با استفاده از اهم های غیر اصولی تشكیلاتی هر صنایع مختلفی را مسکوب تعلق دهن این اولان توائمه اند با کار زدن تروهات مخلص سرخ های تشكیلاتی را بست گرفته و برای خود و به قمع خود روابط را ایجاد کند، این امر در سواری از اعصاب که انسان می کند مردان کامل رفته حکم العمل های شبدی را موجب شده است، ملیق گزارشیان تأثیر نشود را بین رسمی، هم اکتوت افراد جبهه و ایجاد دسته بندی های طبق اصولی اقام کردند و بدشت به بکارگر حمله می کنند، و هیچگونه حد و مرزی را این دارد اورین تو هن و اهالی های رشت و لوهیش به یکمیگر را علیت نمی کنند، طور خلاصه هو صفتی و هفتیک نامالی میں اعصاب ججهه امروز حاکم است، با در نظر گرفتن شرایط خاصه در این لولن روز اختصاص خلای تماشگان مخصوص مخلص، خو بوجود آمده از نثار گزاری ججهه بر روز حركت های اجتماعی پطور مخصوصی گذشت، است، هم اکتون یکی از اعصاب ارشد و نسلی ججهه مسئول پخت برگ های رای برای رفاقت اندوم درون شکلیاتی است.

۴ - همه ما اینگونه روابط را چه در بروی بروی و چه در خارج از تکثیر بازها بدهی، این اصولاً فقادن استنامه با اسلامه های ضعیف، به العريف، کنیه شدن مخرب های اصولی تشكیلات، شفات تبریز روابط رون سازمانی پطور گلی، و عدم ارتباط از کاریک پایه های مزکرات نصیم گیوند، هریه سنجنی را بر ازمانهای ایوریسیون تکثیر و اور ساخته است، در مورد ججهه، امکن ملالي به این نتیجه وسیده است که اسلاماً مزکرین وجود ندارد، و چند نفر مستند که بدرن در نثار گرفت بر ورکل های مصروف خوشان را ضمن مزکریت معوق گردید و از بیگان نظر حریف شدی نارند، افراد سایق و پراکند، شده تازه، قهقهه، اند که امیر اطهور یکمی به این ندارد، و نست به تشورش برداشته اند، دکتر مالالی می خواهد این وضعیت را تغیر نماید، وی می خواهد با توشن دستور العمل های این نده ها و یک اسلامنده تدقیق و مطین بر اصول دعکر سی جلوی از هم پاشیدگی ججهه را گرفته و از پر اندکی این تبرویها جلوگیری کند.

۵ - دکتر مالالی در نگاریش و تدوین اسلامنامه و مرطبه و سلیمانی مساز مانی که شنیده بوره بیاز است از همه شما انتظار گذاشت، دارد وظیفه توشن این نامه، مطلع کردن شما را به گردن من اداخته است، اینها بود که ارسال کتاب شست مبارزه زن به شما افوان و ایچ باشند که توسعیه من این بود که تا مکن مالالی پیش توی این اسد ای اسد، می کند، و این دکتر مالالی کتاب طیور زدن را بخوانند تا اولاً با تاریخچه مخلصه ججهه نمکر ایک اشنا قوون بایان، از نیما که این کتاب بر قی عرضی خوبی از کار نظر و اگاهی های شخص حسابت طیور زدن را بست می دهد، نوستان اشنانی پیشتری با این مرد پیدا کنند تا معالجه این در جهت شاق بخدمت به ججهه نمکر ایک می خواهند باشند.

۶ - در بک مقطعي در اینه، نزدیک، وقئی که بپیش توین اسد مور، نظر دکتر مالالی امده شد و همه ما فرمیست ای را باقیم که نظر اشان را در بار، این اسد ای ای ای که، شاید بخواهیم

نسله هایی به طبقه کوتاه و پوچیده و بخسرانی برای ایشان از تجارت شخصی خودنمایی در برین از ایندوگوئی ها سازمان های کنکاف سنتی گویند که هر حال خواهند این نکات در راستای پارسیان به مختار اسلامی در پردازی بزرگی که بر عده فرقه است پیشوای خوبی است.

رونوشت به اقلیل:

الذ میر، سیتی خرازی، بروگل هفت، حسین هفت، جهان

1383

دانشگاه آزاد اسلامی
 واحد تهرانغرب

دروود اسکریپت - حسن مفسطی

26 سر 1385 قرار با 17 اکتوبر 2004

معرفه عزیز آقای مهندس حاتم اکبریزی: پذیره فرلوان

درین از اوقات خود می‌گذرد. که شکایت‌کاران داخل تکنور را مردم و مسلمان بهم برای این متعارف دویجه‌جنون
شکایت‌کاران را برای همه فولاده که در چارچوب جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه برای اقتصاد ایران از
اردو، اندیل و اسکندر متمدن است، بر آن می‌دانند. همان‌طور که تا پیوں باقی نداشتند و تهدید می‌نمودند، چندیه‌گاهی
را به شکایت‌کاران ایرانی هر چند که مغلوب شده باشند، می‌گفتند: «اینکه اینها می‌خواهند را که سرانجام می‌خواهند
با شکایت‌کاران ایرانی همراه باشند!» اینکه اینها می‌خواهند را که سرانجام می‌خواهند باشند! می‌خواهند
با شکایت‌کاران ایرانی همراه باشند! اینکه اینها می‌خواهند را که سرانجام می‌خواهند باشند! می‌خواهند
با این شکایت‌کاران ایرانی همراه باشند! اینکه اینها می‌خواهند را که سرانجام می‌خواهند باشند! می‌خواهند
با این شکایت‌کاران ایرانی همراه باشند! اینکه اینها می‌خواهند را که سرانجام می‌خواهند باشند! می‌خواهند
با این شکایت‌کاران ایرانی همراه باشند! اینکه اینها می‌خواهند را که سرانجام می‌خواهند باشند!

Representative of Iran Democratic Front & National Alliance Front
 Hassan Massali, Ph.D. Tel. (1) - 301-792 3370
www.IranOmid.Org HMassali@aol.com
alter-native@alter-native.ws & utchadeneelli@aol.com

پیزدجم اکتبر 2004 برگردان 23 مهر 1383

اطلاعیه شماره 23 - اطلاعیه مطبوعاتی

هوطنان حزب، تیوق های مبارز و نهادهای ایران.

همانگونه که قبل از اطلاعیه ای برپا میباشند رخنه اگرچه و تکنیکی تیوق های رفتوخانه زنگ همچنان دارد برایم، باطل اینست که حکومت رفتوخانه مهدویم استانی ریشه های گشته ای برای سرگرد و هنرمندان گران جوانیها را میباشد و همچنان رخنه اگرچه کنور تدارک دیده است تا توسل به سیاست های مشکلش پیش نمکاری خواهی ایران را بروز و سازمانهای مبارز را تجویز و انتقام رسانیدن کند و همچنان داشتند از این اندیشه و اندیشه و متروی سازان کاریم و خردی برای ایران / اخلاقی و بین المللی بجای مسکن و مستقیماً برای پیشوایان این راهنمایی را ایجاد کردند و همچنان رفتوخانه میباشد که برای عکس و سخنوار که برای این میباشند داخل و خارج از مشکل ایله که اند تهدید و دوزن میکنند.

جههه نمکاری ایلان برای این اندیشه های توطئه ایگانه ریشم رفتوخانه حکوم ایران و برای استقرار پیشینه میباشد و زمینه میباشد که همچنان کلکنو و اندیشه حمل این تیوق های نهاده را در داخل و خارج از

کشور اسلامیه دیدار.

۱- اقدام به بر سر و تحلیل بازمیانه های جمهه نمکاری ایلان در داخل عکس غیره به استخدام

پیشینه میباشد ممکن است یک و بیکه در مستقیمی اشتکایت را برای مطلبی با توجهه اگرچه های و فکرهای

تابیان یافتن رویت برای اینست این مبارزه ای طولانی است دربرابر تیوق های اینست اندیشه ایله

(ظاهراً حکمت آن افرادی) او خود مرافت میباشد همچنان شکایت هایه در فریوت برای این میباشد

مسانی (نیام جهیه نمکاریک ایلان اتفاق نظر ندارد و این را به با سایر تیوق های سیاسی تصور کنیم) نهاده

مسانی ایلان پیشنهادهای مفکل های جمهه نمکاریک را برای این اندیشه ایله ای این میباشد برای این دیدار

۲- به برای مهمندین شیوه مفکل های ریشم ایلان اینجا همچنان راهنمایی برای این دیدار

گشته های مبارزه در داخل و خارج از کشور برای نمکاری ریشم میباشد این امر هم با اشتباه میباشد

و لـ وندنهای داشت دیده ما توجهه اگرچه ایشان از قدری برویت برای این تیوق های معمولی میباشد

نمکاری رسیده دلیم که با اندیشه میباشد باز و شکاف دیده ایلان این اندیشه هایه به دلیل مطابق

اصول نمکاری معمولی و نهاده های ایلان ایلان این اندیشه هایه به دلیل میباشد

کلم بردازیم و شایطون که با های پیشنهادی و رسیدن از ایلان و نهاده های در طوابقت کرده به این اندیشه های

برای این اندیشه های و نهاده های رسیدن از ایلان و نهاده های در طوابقت کرد

اتحاد - مبارزه - پیروزی - نایاب - بد استعداد - برگزار بد ریشم دین سالاری

نهاده های کنده شکایت درون و بروتیزی جمهه نمکاریک ایلان - نکثر حسن ماسانی

حشمت الله طبرزدی که سابقاً دراثر اعتقادات مذهبی با رژیم همکاری داشت ولی به طور قاطع از آنها جدا شده بود از دیگر کسانی است که با او در ارتباط بودم. او به صورت شفاف و علني، مبارزه علیه‌ي نظام ولایت فقیه را در پیش گرفته که متأسفانه دستگیر و راهی زندان گشت. طبرزدی از زندان با من تماس گرفت تا نمایندگی سیاسی- تشکیلاتی- مبارزاتی تشکیلات «جبهه دموکراتیک ایران» را درخارج ازکشور بر عهده گیرم.

در این ارتباط با جوانان مبارز و آزاد اندیش مختلفی آشنا شدم، اما در ارتباط با جنبش داخل کشور، با دو مشکل اساسی رو برو گشتم که عبارت اند از:

۱- استمرار حکومت ترور و اختناق در ایران و فرهنگ واپسگرایانه ای که در جامعه‌ی ایران رواج پیدا کرده بود، موانع بزرگی در راه مبارزات آزادیخواهانه و گسترش دموکراسی ایجاد می‌کردند، به طوری که مبارزین جوان و کم تجربه و تشکلهای نوپا که از «فنون مبارزه در شرایط ترور و اختناق» اطلاع نداشتند، به طور ناخواسته به دام مامورین دولتی افتاده و قادر به مقابله با نیرنگ‌های رژیم نبودند.

۲- از طرف دیگر، تشکلهای صنفی و سیاسی که از ساختار تشکیلاتی دموکراتیک و رهبری جمعی برخوردار نبودند، زمینه‌های مساعدی برای بهره‌برداری رژیم ایجاد می‌کردند. چنین رویکردی موجب می‌شد که افراد مبارز و جوان، به همدیگر سوء ظن پیدا کنند و رژیم نیاز این مناسبات ناهنجار، استفاده می‌کرد.

بر این باورم که جوانان مبارز داخل کشور که در شرایط ترور و اختناق زندگی و فعالیت می‌کنند، باید به فنون مبارزه‌ی اجتماعی و سازماندهی در شرایط ترور و اختناق بیشتر آشنا شوند و آن را پیشاپیش بیاموزند. به عبارت دیگر، فنون سازماندهی و مبارزه‌ی اجتماعی را باید به عنوان دانش سیاسی به طور علمی آموخت. مبارزه‌ی سیاسی برای استقرار دموکراسی را نمی‌توان با مناسبات قبیله‌ای یا با زد و بند تحقق بخشید. برای این که جوانان داخل کشور، از مبانی و اصول مذکور مطلع

شوند، ضروری است که یک کanal تلویزیونی مستقل با همکاری شخصیت‌های سیاسی و کارشناسان فرهنگی سازماندهی شود تا جنبش سکولار- دموکرات خارج ازکشور، بتواند به طورهای مانند «جهانی» از ساختار دموکراتیکی برخوردار

متاسفانه، تشکیلات «جبهه دموکراتیک ایران» از ساختار دموکراتیکی برخوردار نبود و روابط شخصی جایگزین مناسبات تشکیلاتی شده بود. به همین دلیل، دستگاه سرکوب رژیم به آسانی از این مناسبات ناهمجارت بهره برداری می‌کرد و فعالیت‌های جوان را برعلیه‌ی همدمیگر بر می‌انگیخت.

در خارج کشور نیز، برخی مخالف فرست طلب و تلویزیون‌های مبتذل، به جای حمایت از مبارزات دموکراسی خواهانه‌ی جوانان داخل کشور، به لجن پراکنی مشغول بودند. در این ارتباط، به طورمثال، شخصی به نام «بهروز صوراسرافیل» برعلیه‌ی بانوی آزاداندیش و مبارز «ش-آ»، برنامه‌های اهانت آمیزی پخش می‌کرد. از این رو، نگارنده به ایشان پشنhad دادم که به من وکالت داده تا از طریق راه کارهای حقوقی- قانونی برعلیه‌ی این عناصر اقدام کرده و از حرمت انسانی ایشان دفاع کنم.

به سهم خود کوشش کردم که در زمینه‌های مختلف مالی- سیاسی- تشکیلاتی- تبلیغاتی- روابط بین المللی، به یاران و مبارزین داخل کشور یاری برسانم. به طورمثال: کنفرانس «کوشش برای دموکراسی خواهی» را به تاریخ هجده اکتبر ۲۰۰۳ دردانشگاه «آمریکایی» در واشنگتن سازماندهی کردم که به وسیله‌ی کانال‌های ماهواره‌ای برای مردم ایران پخش شد. در این کنفرانس، یکی از مسئولین دانشگاه و برخی پژوهش گران خارجی، و همچنین یکی از مسئولین وزارت خارجه آمریکا (بخش ایران)، شرکت کرد و همیستگی خودش را با مبارزات دموکراسی خواهانه‌ی دانشجویان و جوانان ایرانی، ابراز داشت.

در آن زمان، شبکه‌های تشکیلاتی و تبلیغاتی در خارج از کشور، برای حمایت از جنبش زنان و جنبش دانشجویی بوجود آوردم و به رابطین تشکیلات مذکور نوشتند که در داخل کشور نیز ساختار تشکیلاتی دمو کراتیک، با رهبری جمعی بوجود آورند و مناسبات سیاسی- انسانی- دموکراتیک برقرارسازند. تقاضا کردم که کمک‌های مالی را به وقت در میان خانواده‌های دردمند، براساس نیازمندی هایشان تقسیم کنند، اما چنین نکردند. برای نمونه با همکاری دوستان علاقمند که در شبکه‌های تشکیلاتی خارج از کشور با من همکاری می‌کردند، یک بار قریب پنج هزار دلار جمع آوری کردیم و از طریق شبکه‌ها و رابطین مخفی برای «رابط جبهه دموکراتیک ایران» در داخل کشور فرستادیم که در اختیار خانواده‌های زندانیان سیاسی بگذارد. پس از مدتها مطلع شدم که این پول به دست خانواده‌های زندانیان سیاسی نرسیده است. پرسیدم چه شده؟ رابط مذکور جواب داد: «پول درجیبم بود که بازداشت شدم و مامور وزارت اطلاعات تصاحب کرد!»



آقای طبرزی به جای اینکه به پیشنهادات و انتقاداتم توجه کند، طی نامه‌ای من را به عنوان «جانشین دبیرکل» معرفی کرده بود! تا به اصطلاح مرا ساكت کند.

از آنجایی که قادر به کنترل مناسبات ناهنجار نبودم، تصمیم گرفتم که از این مسئولیت کناره گیری کنم. بنابراین اعلام کردم که درآینده، قصد دارم به طورفراغوهی و فرامسلکی به فعالیت‌های خود ادامه دهم.

اطلاعیه سیلسی - مطبوعاتی
ریار، اتحاد تشكیلات پروتکولی و چیزهای نعمت‌الله ایران

باید خارجی و درست از آزادی و پیچه ای احتمال داشته و نارم که پایه برخاست جنیش سکوت اسی خواهد
بر من مردم که بر پیگیری و بروزیت پنهان و ملکیت و قدر را سفده است از اقبال شدن هر گونه قدر دیده تا
شایستگی اتفاق نمایند و نکره ندکند و نه بینی خود را اینجا می خواهند دستکار خواهند، میخواهند و
ترکیبواهی مردم که از اتفاقات مistrustful شکران و به سنت اینجا نهادهند بیرون شوند و حقیقی باشد.
آن تکوین شوند که اگر که تئاتر مستحب و ضعیفه نمایند، میتوانند تأثیب شوند از فرقی یک تئاترکیت با
جهان میگردند و میگذرد سکوت است.

وچهارم، میگویند که اگر شکایات بجهه نهادکل ایوان در بحیران و بلا تکلیف پیش می‌برد و اقای هنرمند زید داد
نهادکل ملکی استوار یا قله ایشان نگهداشت است، اما اختیار و اطلاعاتی که نهادکل داشت با رسیده است.

از اندیشه‌دهنده و مان راهنمای حکم اعلیٰ جذیل این مقرر می‌شود که شاهد ندادست، مسکو کارکرد اسلامی را برای تحقیق در ایران، خانه اسلامیه را برای محکومان عدالتی با ماختال فرموده و مسکو کارکرد اسلامی را برای این موقوفات بروز می‌نماید و این موقوفات از تغزییه مسکو کارکرد اسلامی را برای این اقدام مگیراند.

برای تغییر از حواله که با میهمان قاب دارد مهارل و مقاومت میکند ارزوی موافق میباشد و آن را مطمئن سازی کرده باشد که در پیشنهادها علیش نگرانی خواهد بود. سردم ایران متوجه خواهد شد.

در اینجا اسناد مربوط به ارتباطات و فعالیت‌های "جمهوری دموکراتیک

یران” را که با آن درگیر بودم، همچنین مشکلات یاد شده را بدون پرده پوشید را ختیار افکار عمومی قرار می‌دهم تا نسل‌های آینده کشور، به طور واقع بینانه با همه ابعاد مشکلات ایرانی آشنا شوند. افزون بر آن با اتخاذ تدبیر تشکیلاتی انتخاب سیاست و فهنه‌نگ سیاسی، ترقی، خواهانه، دادگاهی، نهند، ادائیه دهنده.

برخی از کوشندگان سیاسی منزه طلب، به من ایراد می‌گرفتند که چرا از حشمت الله طبرزدی و یا از دکتر شاپور بختیار حمایت کردم؟

دربارهٔ طبرزدی می‌گفتند که ایشان قبل از طرفدار رژیم خمینی بوده و با خامنه‌ای ارتباط نزدیک داشته است. من در جواب آنها می‌گفتم، هر فرد و محفلی، ناخودآگاه و یا به خاطر اعتقادات مذهبی، با این رژیم همکاری می‌کرده است و سپس تشخیص داده که به خطأ رفته و می‌خواهد ضمن مشارکت در مبارزه، خطاهای گذشته خود را جبران کند، بنابراین باید به او یاری رساند. حشمت الله طبرزدی، به طور باز و آشکار با رژیم مخالفت می‌کرد و چندین سال از عمر خود را در زندان و اسارت گذراند. بنابراین، حمایت از حقوق سیاسی و انسانی او، امر درستی بوده است. اعتقاد دارم، در مبارزه سیاسی، نمی‌توانیم «تنگ نظر و منزه طلب» باشیم. افزون بر آن ضمن پایبندی و پاپشاری بر اصول اعتقاداتی خود، باید کوشش کنیم که به دیگران نیز یاری برسانیم تا از چنگال اهربیمن رها گردد. البته ضروری است تاکید کم که با شیوه کار و مناسباتی که آقای طبرزدی برقرار کرده بود انتقاد داشتم. در مورد حمایت از دکتر بختیار، افراد و محافلی به من خرد می‌گرفتند که خود تا خرخه، درس‌سپرده‌گی و نوکرمنشی برای آخوندها شهرت داشتند!

بنابراین، مبارزه سیاسی، در مسیر دموکراسی خواهی-سکولاریسم- برابری طلبی، کارآسانی نیست. باید سرخたنه مقاومت کرد؛ همچنین به سازمان یافته‌گی قدرتمند نیروهای اجتماعی و امکانات تبلیغی روشنگرانه برای اعلای فرهنگ سیاسی، نیاز داریم.

در حالی که حوادث خشونت بار به طور روزمره در ایران روی می‌داد، ناگهان در سپتامبر ۱۹۹۹ به من خبر رسید که آقای سپهر زنگنه که از مسئولین سازمان جوانان حزب ملت ایران بود و در ارتباط با داریوش فروهر فعالیت می‌کرد، در اثراصات گلوله زخمی شده و برای اینکه دستگیر نشود، با چنین حالتی، خودش را به کردستان عراق رسانده است. بلاfacile، با رهبران حزب سوسیال دموکرات که قدرت سیاسی

را در آلمان در اختیار داشتند، وارد مذاکره شدم تا شرایط انتقال ایشان را برای معالجه و مداوا به آن کشور فراهم کنم. او ابتدا به ترکیه انتقال و پس از دریافت ویزا، به بیمارستان ارتش آلمان در شهر «کوبلنتس» منتقل گردید. نامبرده، از طریق یک وکیل، به عنوان پناهنده سیاسی در آلمان پذیرفته شد. پس از مدتی درخواست کرد که برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا برود. با همکاری برخی از دوستان، از جمله آقای دکتر فرج اردلان، شرایط انتقال پناهنده‌ی ایشان را به آمریکا فراهم کردیم و او توانست در دانشگاه‌های آمریکا به تحصیلات خود ادامه دهد و مشغول کار شود.

همچنین به من اطلاع دادند که آقایان منوچهر محمدی و غلامرضا مهاجری نژاد به ترکیه رفته و تقاضای انتقال به اروپا نموده‌اند. نگارنده با قبول خطر، وارد ترکیه شده و شرایط انتقال آنان را از طریق دوستانی که مرتبط به «حزب سبزهای آلمان» بودند، فراهم کردم.

- شما بقولان: «فیکت مومن چهاره تحدید ملی» با خودم و دیگران معلم برقرار کردید. ممکن است عصو مومن نست پندید که این اتفاقی را در میان افرادی که باید از این طبقه باشند نداشتند همروزی بود. لیکن از هر مشکلگیری تووصیه نداشتند. از این اهدافی به ما نیز درین مورد نداخوار املاهه تدویر و اگرچنان یعنی را تکلیف ندادند. درین انتساب کس که باعوهون یا پیغامدهون در صدد ستد از آن راهی.

حریزی داشت و این را با خود بگیرید و مخصوصاً در نسخه های قدیمی از کتاب فارسی میتوانید در آن بخوانید.

سازمان تحقیقات امنیت ملی در پیشگیری از این اتفاقات از این دستورالعمل برخوردار است:

و در این میان، نیزه‌هایی که در آن میان می‌گردند، بسیار روزانه برای خود و زیستگاه‌شان مضر می‌نمایند. این نیزه‌ها ممکن است از جمله نیزه‌هایی باشند که خفتگی در بین زمین و زیرزمین را ایجاد می‌کنند. این نیزه‌ها ممکن است از جمله نیزه‌هایی باشند که خفتگی در بین زمین و زیرزمین را ایجاد می‌کنند. این نیزه‌ها ممکن است از جمله نیزه‌هایی باشند که خفتگی در بین زمین و زیرزمین را ایجاد می‌کنند. این نیزه‌ها ممکن است از جمله نیزه‌هایی باشند که خفتگی در بین زمین و زیرزمین را ایجاد می‌کنند. این نیزه‌ها ممکن است از جمله نیزه‌هایی باشند که خفتگی در بین زمین و زیرزمین را ایجاد می‌کنند.

- خوبی تحریرهای سیاستی و رایج‌ترین مقالات فنی و تحقیقی در این زمینه هستند و با پایان تحریری و پردازش آن روایت و سنت ایجاد شده ای مفهومیت فنی و تحقیقی خود را تأمین می‌کنند. - چنان‌چهار جزو این مقالات فنی و تحقیقی عبارتند از: مقدمه، معرفت بازنگشی، تئوری و تحقیق و نتیجه.

نهضه العربيه اسلامیه استددا از امراض به ادرت پرس و علایعها گذشت. راه در سکوب بخیر البشان جیران گذشت. همچنان به برآمد. ملک شریفی گوئنگون و بینل آذن.

هر چهار چهل سالی از روی داده اگر کس، فرسنگی و دی راضگی سولیست «سید و لانتشار» یاد نماید

میتوانند در سازمانهای خود فرمودن این مکانات را در تزویر «جهه ملی» و «جهه ستر» و «جهه مردم» داشته باشند. همچنانکه فرمودن سالها در تزویر «جهه ملی» و «جهه ستر» و «جهه مردم» میتواند از اینجا آغاز شود. این مکانات باید حفظ و انتقال میراث اسلامی و ایرانی را بتوانند. این مکانات باید میراث اسلامی و ایرانی را در کشور ایران و خارج از کشور ایران نیز حفظ و انتقال نمایند.

میوه هایی که در امریکا است) مشترک اپنے ریزی کرده دن پاسیلینج خوشان" (جهش دانشجوی صد لاری) یا میوه هایی که در این ایجاد آین باوراند که میوه اند چون اول کشور را غیر ایرانی کرد و بقیه ساخته های این کشور را نیز تغییر می داشتند. مثلاً میوه هایی که در این ایجاد آین می شوند میوه هایی هستند که در این ایجاد آین می شوند.

شیوه شناختی است. این نوع کتاب هایی می توانند در مکان هایی که ممکن است از آنها برای مطالعه و پژوهش استفاده نمایند. اما اگر بخواهد اینها را برای آموزش و تدریس همچنان که مذکور شدند، باید اینها را با توجه به محتوا و ساختار آنها در نظر گرفت.

لأنه مفترض
آنکه پیغام برخوش شما وسیله تجویزه محتال می سازد اگر در داخل و خارج زمانات که دستور کشیده باشد
در محتال واقع بینتله ای از طور گذاران که متعاقبت فکری و سیاسی مخفیانه بازند و یا وارد به دنیاگردی و حقوق
برخاسته، میتوان جوهره مسکونی خواهی و اخلاق عالم را پیرزی کنند و میتوانند در اینجا میزبانی را اخذ نمایند.

به نام آفریدکار آزادی

جواب اتفاقی نکثر حسن ماسالی

دانشجو و احترام

از انسانی که بجهه اتحاد ملی در چهت گسترش روایت شنیدکاری و میلسی خود با سازمانها و
نهادهای این املای و ایورسیون خارج از کشور تا پس نمایندگی های جدیه اتحاد ملی در بردن
مرز را لازم و ضروری می داند.

و با توجه به اینکه هدف این جنبه در داشتن گامی مشترک در مسیر جنبش مسکراتی خواهی در
داخل و خارج از کشور می باشد.

و پذیر شنیدگی های جنباعمالی در امر مبارزه وصم شناخت کافی از شما در خصوص سیاست
شنیدگاری و میلسی، خواهشمند است در صورت تمایل قول زحمت فرموده، مسئولیت شاهدگر
و تایپی نمایندگی های بریون مرزی جهه اتحاد ملی و مدیریت این نمایندگی ها را در امن مسائل
میلسی و شنیدگاری ایجاد نماید.

خلفاً در خصوص قول و عدم قول این پیشنهاد نظر خود را کهنه اعلام فرماید.

با احترام؛ دیر کل جهه اتحاد ملی - امیر سازان

در زدهم مهر ۱۳۸۳ در ایران نادم اکثار ۲۰۰۴

جهه اتحاد ملی

هر زیر عزیز آقی امیر سازان دیر کل جهه اتحاد ملی

پذیر و پذیر از این داشته ای سیاستهای سیاستگاری میگیرم
از اجتماعیه حلقه ای و باران نگاری که در جهه اتحاد ملی مشکل شده اور در مسیر جنبش شنیدگاری
مبارزه میگردید و شناختی که از شما دیر پیش از همراهان شناختگوی بسته این مسیرهای کوتاه شده که از
راهن طبق مردم این اتحاد و نخست کشور و در راه اتحاد نیز های مذکور کار برداشته
از اتحادیه متفاوت باران میگردید و از اندیشه تلاش میگیرد که اندیشه وین غروهای مذکور را در داخل و خارج از
کشور هر چه زمانی تحقق باید و شاید شکل گذره ایکتیواری و مظلومیت هم فراموش شود و
از اتحادیه متفاوت که معاشر میگیرم تا نه کنیا زیرین این اتحادیه ایکتیواری و مظلومیت هم فراموش شود و
مسکراتی و میلسی، حقیقت پذیر در ایران نهادهای ایکتیواری و ایجاد میگشانی میتوانیم در زاده توسعه ایکتیواری
پیش قت اتحادیه ایکتیواری و میلسی

همچنین در اتحادیه هر چهار میلسی و میگزاری جهه ایکتیواری ایران و جهه اتحاد ملی در مسیر وحدت ایکتیواری
ذاری ایکتیواری خویش ایکتیواری و پذیرش ایکتیواری جهه ایکتیواری ایران و جهه اتحاد ملی در پژوهش ایکتیواری ایکتیواری
شما و سلوک ایکتیواری ایکتیواری در داخل و خارج از کشور پیویتم ایکتیواری مردم را بیوی ایکتیواری خلخ و
از میلهای آن ایکتیواری ایکتیواری عدالت مالویه خود را تحقق بیویم.

با اینکه به شما و همه همراهان جهه اتحاد ملی - نکثر حسن ماسالی

هشتم مارس ۲۰۰۹

چرا تو امنندی خود را از دست داده ایم؟ (سخنی با ایراندوستان؛ په "بهایه" مرگ امیر حشمت ساران)

قیرو، هشت سال پیش که امیر حشمت ساران را در ازیزی و اکوئیتی‌هاش که در راه پاتریوتی جلیلی همی و مسکرایی خواهی ایران صورت می‌گرفت من شنیدم، از اینکه امور حشمت ساران را کنایه در میان ایلان ایلان تبلیغ "مراسی عزیزان" در پاکستان،

ما هر روز از جنایت، مردگی و شرارت مردم مجهون خود مطلع می‌شویم،

مسکرایی خواهی در ایران پاکستانی شویم،

اما مشاهده میکنم که بدشیز از ایرانیان یا سکوت و بین خانی خواه، نسبت به آنچه که بر مردم ایران روا

پیش میگذرد از ایرانیان که ابره وطن "مارانه" در داخل و خارج از مشور، شدن مقاومت و میزبان

پرداخته، هنوز تکوشتهای تخریب و بختیرات را زیم تقدیم کرده است.

من سال است که از استقرار حکومت جنایتکاران میگذرد، پای خود را بتواند از ایرانیان

دربرابر رویدادهای اینهود "پی تقویت" شده‌اند؟ و چرا ما ایرانیان تو امنندی خود را برای مقابله سنتجمی

بسیارور بر چشم این ظالم را دست داده‌ایم؟

۱- مدتی مکاتب شیوه‌پردازی پژوه مکاؤند و میازده را درست کرده، پرد و امید پیرفت که بتواند "ایدزیسم"

شاسته خواه و پردازند را بازسازی کند و ساختگان سلاطه در آذربایجان پیش زرگان از قاعده و محفل

سپاه ایران در داخل و خارج از مشور هنوز "ملتلن" نمی‌آمده‌اند و هیچکس حاضر نبوده را در

را برای شکل گیری یک اندام وسیع فراخواهی و فرا میانگین تحصل کنند، علی‌رغم اینکه پهلوان بدبخت زدیدهان

چهارمین اسلامی ملتی رسید و فوتنهای خارجی و مراجع بین الملل نیز "گفتگو" و داد و داشتند و توانند

پاچوند هر را به حقوق پسر و مسکرایی خواهی از تربیت دادند و همان شکننده رهبران چنایتکار چهارمین

اسلامی را مستثمر و در دامگاههای خانی بین المللی بساخته بگذشتند.

۲- در تاریخ هشتم مرداد ۱۳۷۴ (۲۸) تا ۳۰ تیر (۱۹۹۵) با همین از ازهایهای ملی و مسکرایی خواهی دفتر

مسعد و دفتر شاهراه‌پردازی با سکاری عده از اینهازین یا آنهازینی افکار، درصد اینهمه که درایران

"اسمه نیزهها" را بطریق‌گزینی و فراموشی کردند، از اینکه از اینهازینی افکار، درصد اینهمه که درایران

سیاسی - از طبق چپ تا مشروطه خواه - را به فراموش در نهضت ملتهازینی نهادند، تقدار فدامن

ملتهازینی (اصل) شکوی غیرهم از اینکه ملتهازینی ویست نظر از علاوه‌قشان نیز که بدایل گونه گون سایی و شفافی

حقوق شهده بودند در نهضت ملتهازینی تکند، با این نهاده در پیام هایی که در پیگاتش استله شهادت انسان ملی

امیر ازهایهای خانی بین المللی و همایش اینهود و شنی مردم ایران هنوز از انسجام شکنی پرخواهی از قوه و داده اسن

شیوه‌الست و لایحه مظلوبی برسد.

۳- در همه ملکهای، جنایت‌خواه، چویش مردم از عجیبت و غریب است هاد سیاسی، اقتصادی و سیاستی مردم ایران

نگلور یافت و از طریق بخشی از روشنکاران، زدن، دلخیزیان و شرکران ایران بطور پیگاتله و سازمان

- ۲- بطور نسبتی ممکرات ، حقوق و حضور " مقراندیشان " را در جامعه پیشبریم تا " همستانی ملی "، و " کاتگر کاری میپاس " در جامعه لذکل گیری و مکاریس " نهادنیه " قویه .
- ۳- برای حفظ ملایق مردم ، ثبات میهن و توسعه اکثری و ابوجلا تحول و تکامل اجتماعی ، باید رایله ای باز و شفاف با سایر اقویه ها داشته باشیم . کوشش کلیم که " اشتراک نظر و اشتراک ملت " خود را با ذکر اینها تنظیم و مشکلمن کنیم ، از سیاستهای " سکانیتی و الحصار گرانه " دور و کلیم ۴۵ به منافق مردم و به فرهنگ ممکراتی خواهی اطمینه میزند .
- ۴- عناصر چاه طلب ، عناصر فرمست طلب ، " عوامل تقویتی رژیم " و همچنین " لات-روت " ها از درون رشکیلات سپاهی و از درون غفیض ملی و ممکراتی خواهی ایران طرد کنیم .
- ۵- " فرهنگ لذکلگیری " و رازیزی های سپاهی را برای جهشجوی راهکارهای نوین سیاسی ، تشکیلاتی و پردازه حمل مبارزاتی در مسکو کار خود فرار بدیم .
- ۶- مشکل کاتالیتی عمل اقیمه که " رئاسه های تلخیزیوی مشترک و مستقل " مسلمانهای کلیم که در خدمت " فرهنگ ممکراتی خواهی و ایده همستانی ملی افرادیان " باشد .
- هموطنان عزیز ، دوستان گرامی :
- کلمه هرگز تکوچی تلخیم ، تکیت سپاهی و فرهنگی که توسط آقویلهای در جامعه ما حاکم شده باشد را
نمتنجهی خویشان باز نهادیم .
بیانده همه اندیشه ها ، تقدیم و امکانات خود را مشترک با کاراندیش تا از بحران کنونی رهانی و با همکاری و با کوشش
نمتنجهی ، توانندی مطلوب سپاهی و همارانی خود را کسب کنیم . با هفت ملی و نمسار اس خواهی بمراهم ر
میهن خود خدمت کنیم .



امیر حشمت ساران در زندان کرج به دست مزدوران رژیم به قتل رسید . در این تصویر بابک

فرزند او به اتفاق دوستش بر مزارش نشسته اند .

برگزاری کنفرانس درباره ایران به ابتکار نازنین افشین جم

خانم نازنین افشین جم که مدتها خود را به عنوان فعال حقوق بشر در مجتمع ایرانی معرفی کرده بود از من و عده‌ای از فعالین سیاسی در خارج از کشور دعوت به عمل آورد که در یک کنفرانس برای مقابله با رژیم و مشکلات حاکم بر ایران شرکت کنیم.

پس از یک نشست عمومی و چند ملاقات به این نتیجه رسیدم که برگزارکنندگان این کنفرانس و دیدارها با دخالت برخی مقامات محافظه‌کار فرانسه و کانادا سازماندهی شده است که حتی عناصر نفوذی رژیم ایران از برنامه‌های آن مطلع هستند. لذا با صراحة نظریات خود را به اطلاع همه شرکتکنندگان رساندم و از ادامه شرکت در چنین برنامه‌های مشکوک و بحث‌انگیز امتناع ورزیدم. در اینجا اسناد مربوطه انتشار می‌یابد.



Château de Villette

April 29 - May 1, 2011



در این ولای مجمل در حومه پاریس کنفرانس مربوط به ایران سازماندهی شده بود



ملاقات با خانم نازین افشن جم در کنفرانسی در حومه پاریس

اسناد و مطالبی که در زیر می‌آید (تا صفحه ۱۹۰) توسط عناصر نفوذی رژیم، در رسانه‌های اینترنتی آنها انتشار یافته بود.

کلیت نظام بازی خورد تا بازی بعدی (کنفرانس پاریس)

تقسیم کار جهانی انجمن مخفی و فعال نمودن تمام عیار حکومت مخفی برای فروپاشی نظام و ایران در پشتی نظام و پروژه تمام عیار برای فروپاشی ساختار حکومت و بسترسازی برای تجزیه ایران با آغاز موج دوم بحران در کشور و کنفرانس پاریس با ارزیابی مجدد نتایج بدست امده از پروژه انتخابات توسط انجمن مخفی؛ فاز دوم عملیات با کنفرانس پاریس کلید خورد. در ادامه طرح پیاده سازی طرح خاورمیانه بزرگ انجمن مخفی کلیه حلقه‌های جهانی فراماسونی خود را در کلیه حوزه‌ها؛ خانواده‌های سلطنتی - سیاسیون - روحانیت - اقلیت‌های قومی و مذهبی - اطاق‌های بازرگانی - سیستم بانکی و پولی - حمل و نقل - فرهنگی و اقتصادی را در خصوص بسترساری جهت فروپاشی و تجزیه ایران را در طرح راهبردی خود بکار گرفته و فعال نموده است.

"پوشش طرح تشکیل یک جایگزین مکراتیک با سازماندهی و مهندسی هم افزائی اپوزاسیون خارج نشین و داخل کشور است".

جان کری و بایدن بنمایندگی از انجمن مخفی؛ مسئولیت اقتصادی و دیپلماتیک این پروژه در غالب طرح تحریم را بعده طراح تحریم‌های آمریکا علیه ایران استورات لوى، معاون وزیر خزانه داری آمریکا قرار داده اند.



سفیر جدید انگلیس سایمون لورانس گاس سفیر جدید انگلیس مسئول سابق میز ایران در سرویس اطلاعات و امنیت خارجی؛ بعنوان فرماندهی میدان مستقیماً در پوشش سفیر در ایران مستقر شد.



سفیر فرانسه برنار پولتی (سفیر فرانسه در ایران) بعنوان فرماندهی حوزه فرهنگی و اجتماعی در فرانسه توجیه شد و اکنون سفارت فرانسه با کادر های مجرب و ورزیده علوم اجتماعی و فرهنگی سرویس اطلاعات خارجی فرانسه در کشور آغاز بکار نمودند.



سرویس امنیت اروپا وابسته به ام آی ۶ عملیات تاسیس جایگزین دمکراتیک را به سرویس اطلاعات خارجی فرانسه به ریاست « اراد کوربین د منگوکس واگذار نمود.



سازماندهی اپوزاسیون ایرانی به ریاست سازمان اطلاعات خارجی فرانسه واگذار گردیده است. پس خوب انجمن مخفی یعنی سارکوزی اسپانسر انتخاباتی ایرانی خود را که کسی نیست جز امیر حسین جهانشاهی بعنوان مسئول هماهنگی و سازماندهی اپوزاسیون خارج از کشور به سازمان اطلاعات خارجی فرانسه معرفی نمود و به ایشان ماموریت سازماندهی اپوزاسیون بر طبق طرح و فرماندهی سازمان اطلاعات خارجی فرانسه داده شد.



امیر حسین جهانشاهی کیست؟ امیر حسین جهانشاهی فرزند غلام حسین جهانشاهی و جمیله مافی که پدر ایشان دارای اصیلیت آذربایجانی و اجداد آنها میرسد به جهانشاه قرقوزلو؛ که دارای پنج خواهر و برادر بنام های محمد جهانشاهی (بزرگتر) و عبدالعلی جهانشاهی (کوچکتر) و دو خواهر بزرگتر و یک خواهر کوچکتر که خواهر ها در تهران و کانادا زندگی میکنند. یکی از تجار و میلیونرهاییست که در فرانسه زندگی میکند و از حامیان و اسپانسرهای سارکوزی نخست وزیر فرانسه است.



غلامحسین جهانشاهی در سال ۱۲۹۹ شمسی به دنیا آمد. پس از اتمام دوره متوسطه به دانشگاه تهران رفت و در رشته اقتصاد موفق به اخذ لیسانس شد. سپس به

فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس درجه دکترا گرفت. در کابینه حسین علا به عنوان مدیر کل دفتر وزیر دارایی انتخاب شد و در دوره نوزدهم و بیستم مجلس شورای ملی به عنوان نماینده تهران به مجلس رفت. در کابینه اسدالله علم به عنوان وزیر بازرگانی معرفی گردید. و سرانجام به معاونت بنیاد پهلوی منصوب گردید. شاید بتوان گفت ژن سیاسی در این خانواده جد عمومی آنها مصدق جهانشاهی میرسد.

امیر جهانشاهی با کتاب جمهوری دوم خود و پشتیبانی شخص سارکوزی بنمایندگی از انجمن مخفی پای را به سیاست گذاشت. با موفقیت در اجرای مرحله اول بحران و شکل گیری موج سبز؛ مرحله دوم پروژه که انتقال رهبری موج سبز و سازماندهی و مهندسی اپوزاسیون داخلی و خارجی بود کلید خورد.

اما مقدمات این پروژه با نامه ای پلمپ شده از سارکوزی و بدست نماینده ویژه سارکوزی و همراه با هیئت ایرانی از پاریس با جت شخصی امیر حسین جهانشاهی اسپانسر ایرانی نخست وزیر به اسرائیل اعزام گردیدند؛ و پس از بازگشت از اسرائیل کنفرانس مطبوعاتی در لندن به اجرا در آمد؛ چرا اسرائیل؟

نقش لجستیک و پشتیبانی سازمان اطلاعات و امنیت سعودی را در پشت این ماجرا داریم. که با سفر آقایان و دیدار محرمانه با مقامات اطلاعاتی و امنیتی سعودی متابع مالی این پروژه تامین گردید. بودجه اولیه با دریافت مبلغ ۱۰۰ میلیون یورویی (تا سقف ۶۰۰ میلیون یورو)؛ برای یاری به مهندسی اپوزاسیون منتخب ... و فعال نمودن عناصر حکومت مخفی در کشور استراتژی محوری در پروژه ضد ایرانی پاریس هدایت اپوزاسیون به مسیر آشوب و شورش و جنگ داخلی با استفاده از بخش عمدۀ ای از بچه های جنگ و مجاهدین خلق با دو ماموریت جداگانه و تشدید اختلافات اقلیت های قومی و مذهبی است.

پرداخت حقوق و مقری بخشی از نیروهای حذف شده از سپاه و حفاظت اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات و نیروهای جنگ و هزینه اعتصابات آینده از یک سوی؛ و

سازماندهی مجدد مجاهدین خلق از سوی دیگر از وظایف این انجمن مخفی است
؛ که سازمان امنیت فرانسه از آن پشتیبانی میکند.

اطاق مرکزی فرماندهی و عملیات در پاریس مستقر است و دفترهای این اطاق در لندن
و آمریکا و کشورهای دیگر و بین سفارتخانه های عربی و اروپایی نیز تقسیم کاری
دقیق انجام پذیرفته است. کنفرانس مطبوعاتی در پاریس در مورد ایران



سخنرانی فیلسوف فرانسوی پس از انتخابات ریاست جمهوری - ژوئن ۲۰۰۹
در پاریس با فراخوان «برنارد هانری لوی»، فیلسوف سرشناس فرانسوی، روز جمعه
یازدهم ماه ژوئن، یک کنفرانس مطبوعاتی و توضیحی درباره اوضاع امروز ایران
برگزار شد.



نشست مشترک در پاریس.

<http://greenwaveiran.com/>

بیش از بیست واحد در سازمان اطلاعات خارجی فرانسه بعنوان میز ایران؛ فعالیت
مینمایند؛ تولید دائم بحران تا زمان فروپاشی
مرحله اول فروپاشی سیاسی +
مرحله دوم فروپاشی فرهنگی +
مرحله سوم فروپاشی اقتصادی +
مرحله چهارم فروپاشی نظامی و امنیتی +

مرحله نهایی = حمله خارجی و فروپاشی کشور و نظام و تجزیه
برنامه ها و طرح های از پیش تعیین شده به مسئول کمیته ها ابلاغ میگردد و
مسئول کمیته ها صرفاً مجری فرامین هستند و از واقعیت عقبه این پروژه ها چیزی
نمی دانند.

۱- کمیته مشترک (مهندسی) هم افزائی اپوزاسیون

واحد های تنظیم تعاملات و روابط بین اپوزاسیون

۱- با آغاز موج اول؛ و موفقیت در فریب کلیت نظام و حصول به اهداف از پیش

تعیین شده؛ مرحله نخست بپایان رسید؛ در چهار محور ۱- عدم مشروعیت نظام

۲- انشقاق در حاکمیت و رهبری ۳- ناکارآمدی ۴- انشقاق در انسجام ملی- در

یک کلام فروپاشی سیاسی در ادامه فروپاشی فرهنگی و اقتصادی و در نهایت

فروپاشی کشور (ادامه مجموعه اقدامات قضائی؛ پلیسی؛ امنیتی در حوزه های

فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی) تشدید اعدام ها - تشدید اختلافات بین جریانات

سیاسی کشور - فلح نمودن سپاه و بسیج - آلوده نمودن سپاه و بسیج با سرکوب

مردم - تئوریزه نمودن و توجیه نمودن خشونت- و.....) زمینه سازی برای مجموعه

اقدامات بعدی یا موج دوم؛ خرابکاری در صنایع مادر و استراتژیک توسط نیروهای

حذف شده سپاه پاسداران و اطلاعات و آغاز اعتصابات - جنگ داخلی - و در نهایت

حمله خارجی و فروپاشی

- مهندسی تولید و هم افزائی اپوزاسیون فعال داخلی و خارجی

- فعال کردن نفوذی های متعصب و دو آتشیه توسط حکومت مخفی در قلب نظام

و هدایت مسئولین در تصمیم سازی مانند پروژه هولاکاست و پروژه کهریزک و

قائله ۱۸ تیر و قتل زهرا کاظمی و قتل های زنجیره ای و.....

- پیاده سازی استراتژی پینگ (پاس کاری نفوذی های درون حکومت با عوامل

سازمان های جاسوسی خارج از کشور)

- احساسی کردن فضا و غیر منطقی کردن آن

- تحریک دائم اجتماعی و افزایش حساسیت های اجتماعی

۲- کمیته نظامی و امنیتی

مسئولیت این کمیته در اختیار یکی از سرداران سپاه است با کدهایی که از داخل

در خصوص تأیید این سردار به سرویس خارجی فرانسه و عربستان سعودی داده

شده است؛ سال ۸۶ این سردار بصورت سری و محترمانه با هماهنگی قبلی به

سفارت آمریکا جهت همکاری برای کودتا در کشور خود را معرفی میکند و فلاخیان دقیقاً از کیفیت ماجرا مطلع است؛ اما برای رد گم کردن آنرا در راستای پروژه خارجی سرویس اطلاعاتی و امنیتی کشور توجیه مینمایند.

۱- دارای دفاتر و پایگاه فعال در بانکوک و پایگاه در ریاض و ایستگاه در دبی برای ارتباط با نیروها ای انتظامی - نظامی - امنیتی و مستقیماً زیر نظر مسئول سرویس امنیتی فرانسه

۲- پرداخت مستمری و حقوق نیروهای اخراج شده از وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و سازماندهی آنان برای جنگ داخلی

۳- نفوذ نیروها و جمع آوری اطلاعات (جاسوسی)

۴- تسليح و مسلح کردن نیروها

۵- مهندسی شبکه

۶- کمیته اطلاع رسانی و رسانه ای

۷- کمیته اعتصابات و پرداخت دستمزد اعتصاب کنندگان (اکنون در حال تکمیل شبکه مالی آن هستند)

۸- کمیته دانشجویی و دانش آموزی

۹- کمیته زنان

۱۰- کمیته روحانیت

۱۱- مهندسی چهره سازی؛ رهبران اپوزاسیون خارج از کشور بخارط بار سنگین خیانت و جاسوسی؛ پل های پشت سر خویش را ویران میبینند و از طرفی شهرت و آبرویی که با فریب و حقه بازی دست پا نموده و چهره شده اند را میخواهند حفظ کنند از اینروی مهره های مرغوبی در دست سرویس های اطلاعاتی و امنیتی اند و آنها را در هر مسیری که بخواهند اداره میکنند.

۱۲- کمیته دیپلماسی عمومی

اگر کدهایی از داخل داده نمیشد ننتها آن سردار مورد تائید قرار نمیگرفت بلکه به اپوزاسیون منتخب هم دستور توقف روابط را میدادند. انجمن مخفی پس از

استفاده از عناصر حکومت مخفی در فروپاشی کشور؛ نسبت به خذف این مهره های سوخته اقدام خواهند نمود.

ایستگاه و سرپل لندن (ایستگاه عربستان سعودی) کدھایی که بخاطر بسپارید!

شرح وظایف ایستگاه و سرپل عربستان سعودی در لندن

۱- مکان و ساختمان و هزینه های جاری و ثابت و مجوز ماهنامه این ایستگاه متعلق به سازمان اطلاعات و امنیت دولت عربستان سعودی است.

۲- ماهنامه و مرکز مطالعات پوششی برای فعالیت های جاسوسی و پایگاه شکار افراد برای معرفی به سرویس های غربی و بویژه عربستان سعودی است.

۳- اخذ پشتیبانی مالی از سرویس اطلاعاتی و امنیتی عربستان سعودی برای پروژه های براندازی در کشور که در زمان مناسب لیست افرادی که توسط این ایستگاه به سازمان اطلاعات و امنیت عربستان سعودی مرتبط شده و منابع مالی دریافت نموده اند خواهد آمد.

۴- تماس تلفنی آقای حداد عادل با مسئول این ایستگاه در سفر اخیر ایشان به لندن (البته بنا بود ترتیب ملاقات توسط دکتر ... واسطه ای در لندن داده شود که به گفتگو تلفنی اکتفا شد)

۵- تماس تلفنی آقای واحدی از دفتر ایستگاه با آقای کروبی در حضور مسئول ایستگاه و رئیس حزب کوموله و سلام رسانده آقای کروبی به مسئول ایستگاه با نام (سید) و برادر کردش

۶- پیغام آقای حداد عادل که توسط آقای مهدوی دامغانی در کویت تحويل مسئول ایستگاه شد.

۴- سرپل اتصال افراد و گروهها به سازمان اطلاعات و امنیت عربستان سعودی جهت پشتیبانی مالی و همکاری ریگی - مهتدی - محقق داماد - مهدی هاشمی - موسویان- بختیار - محقق داماد - سرداران سپاه - محمد خاتمی - معاون سابق حزب الله لبنان و

۵- تماس مکررآقای صادقی از اعضاء هیات ایرانی به ریاست محسن رضائی در

سفر به ترکیه با مسئول این ایستگاه و اعلام ارادت حاج محسن رضائی نسبت به
مسئول ایستگاه

۶- نشست آقای گلپایگانی مسئول محترم دفتر رهبری در سفر به لندن با مسئول
ایستگاه

۷- آقای محمد خاتمی (از بنیان گذاران سپاه و سپاه لبنان) مستقر در دبی انتقال
اطلاعات به ایستگاه لندن بعنوان مثال ملاقات محمد خاتمی با حاج قاسم سلیمانی
و....در خصوص ریگی و ...

و بسیاری دیگر که از حوصله این بحث خارج است. فقط آرزو و دعا میکنم که
خداآوند مسئول ایستگاه لندن را تا بروز سروسامانی ایران عمر طولانی بدهد تا
اسرار بسیاری از خیانت ها و جنایاتی که توسط این ایستگاه سالهای مديدة بر
مودم ایران رفته روشن شود.

مشکل اساسی در کشور کجاست و راه حل آن چیست؟

سپاه پاسداران قربانی، ملک و ملت بازیچه و قربانی حکومت مخفی، حافظ ۲۰۰
سال منافع امپراطوری بریتانیا در ایران
دانستن کیفیت مکانیسم حکومت مخفی انگلستان بر ایران را میتوان به شرح ذیل
عنوان بندی نمود:

۱- ساختار تشکیلاتی مرکز فرماندهی MI6 بخش ایران؟

۲- فرماندار مخفی انگلستان در ایران کیست؟

۳- سیاستگذاریهای حکومت مخفی در مرکز فرماندهی MI6 در حوزه های
فرهنگی؛ اقتصادی؛ اجتماعی؛ سیاسی؛ نظامی و امنیتی چیست؟

۴- ساختار تشکیلاتی حکومت مخفی در ایران و حلقه های حکومت مخفی در
حوزه های ششگانه اداره کشور؟

عدم آگاهی و اشراف به چهار سوال فوق؛ باعث سردگمی سیاستگذاران و مسئولین
و قوای سگانه و آشفتگی در اداره کشور و بحران کنترل شده و دائمی در کشور

خواهد بود.

هنگامیکه سیستم هوشمند و مغز سیستم حیاطی کشور قدرت تشخیص حلقه های حکومت مخفی در ایران را ندارد و از سطحی هر اتاب پائین تر برخوردار است بدیهی است با عدم برخورداری از تشخیص ساختار و نحوه عملکرد حکومت مخفی؛ کلیه تدابیر و تصمیم سازی ها در کشور در محیط و شرایط تعیین شده و فرآیند تعریف شده توسط حکومت مخفی صورت میپذیرد.

و یا باصطلاح سطح تدبیر و تصمیم سازی در اطاق فکر نظام قهرا و تبعا تحت کنترل و اداره حکومت مخفی و بطبع آن در کنترل مرکز فرماندهی MI6 خواهد بود.

دولت مردان و سیاستمداران و در یک کلام نخبگان غالب کشور در ۱۵۰ سال گذشته در نهایت قربانی این حکومت مخفی امپراطوری انگلستان شدند؛ مرکز استراتژی سپاه و نخبگان کنونی کشور باید به یک هوشیاری ساختاری در شناخت و اشراف به این سیستم اختباپستی حکومت مخفی در حوزه امپراطوری MI6 دست پیدا نمایند.

عقبه اداره کنندگان این دو جریان اصولگرا و اصلاح طلب انجمن مخفی غربی و توسط حکومت مخفی صورت میپذیرد و پدر خوانده های هر دو جریان وابستگی حیاتی به این خانواده ها دارند؛ بدون اینکه فعالین دو جریان از سطح و نوع بازی مطلع باشند و این دو جریان با دو ماموریت جداگانه از یک مرکز واحد اداره میشود.

مشخصه بارز این حکومت مخفی در بخش ایران MI6؛ از بین بردن نسل ها؛ جنایات تاریخی و نهایت بی رحیمی در حفظ منافع مادی تشکیلات فراماسونی و انجمن های مخفی است؛ نخبگان غالب و مسئولین کنونی کشور بخاطر داشته باشید قربانیان بعدی شماید. انقراض حکومت ها و سرنوشت شوم قهری نخبگان و دولتمردان این آب و خاک از قاجار تا رضا شاه؛ مصدق؛ کاشانی؛ محمد رضا شاه؛ حاج احمد آقا؛ سعید امامی و اکنون هاشمی رفسنجانی؛ کروبی؛ موسوی و...

وسرنوشت فردای شما و ناموس و خانوادهای شما؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

بارها ذکر نموده ام سپاه پاسداران از سادگی ذاتی رنج میبرد!

در پایان توصیه ای ویژه به برادران سپاهی ام دارم؛ میتوان جریانات در سپاه را به

پنج و یا شش جریان اصلی تقسیم کرد:

۱- جریان محسن رضائی - ۲- جریان رحیم صفوی - ۳- جریان مرتضی رضائی - ۴-

جریان عزیز جعفری - ۵- جریان اسکوئی - ۶- جریان دکتر فاطمی



بازماندگان دانشگاه اخلاق و ایثار و جهاد و شهادت دوران جنگ، خود را دریابید . به سوی اتحاد تاریخی یادپاران سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ ایران و عراق: محسن رضایی - سید یحیی صفوی - حسن باقری (غلام حسین افشدی) - حسین علایی - محمد باقر بختیار - مصطفی ایزدی - عزیز جعفری - احمد غلامپور - مرتضی قربانی - یوسف کلاهدوز - شهید مجید بقایی فرمانده قرارگاه کربلا - دکتر مصطفی چمران - ایرج کرمپور - مهدی باکری - غلامعلی رشید

-احمد کاظمی-محمد ابراهیم همت-حسین خرازی-حاج احمد متولیان-محمد بروجردی-جعفر اسدی-کریم آزاد گردان اخلاص-اطلاعات و عملیات تیپ ۲۱ امام رضا(ع)-لشگر ۵ نصر خراسان(سپاه امام رضا)-قاسم سلیمانی-علی فدوی-علی فضلی-نبی الله رودکی- محمد کوثری-حسن باقری-امین شریعتی(امین شریعت محسنی)جانشین مهدی باکری در لشگر عاشورا-صدرالله فنی - اسماعیل دقایقی-یدالله کلهر-محمد جهان آرا-ناصر کاظمی-حمید باکری - محمد باقر قالیاف-محمد باقری-محمد رضا کارور - منوچهر سدری - سید منصور لطیفی - عبدالله میثمی-حبیب الله افتخاریان (ابوعمار) - منصور حاج امینی-علی جزمانی - علی موحد دوست - سعید کریمی - بهرام منجم جانشین مهدی باکری در لشگر عاشورا-جواد سرائیان-فریدون بختیاری-محمد پاکپور-محمد رضا زاهدی - فتح الله جعفری-محمد هادی بشیری - محمد صادق دهقانی - محمد رضا مدحتی-احمد تقیان - محمد حسین صالحی و.....

راه حل آن چیست؟

اولین توصیه : امضاء پروتکل اتحاد استراتژیک تاریخی جریان های موجود در سپاه پاسداران و خانواده شهدا؛ بر مبنای اصول کلی و بدون پرداختن به علایق فردی و گروهی و یا عقبه روحانیت در هر جریان ؛ مطمئنا با ثمرات پی در پی آن ؛ کار ملک و مملکت به سامان خواهد رساند ؛ البته اگر حکومت مخفی بگذارد.

پیش از پرداختن به توصیه دوم ؛ به دلائل و ضرورت توصیه دوم میپردازم ؛ برنامه اصلی انجمان مخفی ؛ خذف حکومت مخفی کنونی در پروژه انتخابات و جایگزینی ؛ حکومت مخفی دیگری که از قبل تشکیل داده است. تشکیل اطاق فکر ویژه و القاء تئوری مهدویت و تئوریزه نمودن آن توسط یکی از تئوریسین های نظام گام بعدی بود. این تئوری در غالب کتاب "مهدوی نامه" نوشته یحیی مهدوی و توسط فرد ویژه به ساختار رهبری نظام تزریق شد (از نام ها پرهیز میکنم) و نسخه ای از آن نیز به مقام اول کشور هدیه شد.

با تایید و تأکید به اعتقاد سنتی نسبت به مهدی (عج) فاطمه (س)؛ پروژه مهدویت؛ تئوری نو و پروژه ایست برای جانمایی و فروپاشی اعتقاد شیعه؛ که در مقاله ای مستدل به آن خواهیم پرداخت. در حوزه براخورد با علوم انسانی نیز با تأکید بر اینکه شاه کلید ماجراهی دولت مخفی در این حوزه است؛ اما خطری جدی را باید گوشزد کرد؛ نخبگان غالب در علوم انسانی وظایف بسیار طرفی را برای اداره جامعه توسط "حکومت مخفی" انجمن های مخفی در کشور بازی میکنند و لی با دغدغه خاطری که در حذف کادرها و نیروی انسانی حکومت مخفی در این حوزه است؛ جریان دومی از نخبگان علوم انسانی در راستای اهداف حکومت مخفی خود را آماده جایگزینی نموده اند؛ از اوردن نام موسسه خود داری میکنم. امام های جماعت این جریان با سابقه کار در مساجد آمریکای شمالی کادر های حکومت مخفی آینده را در کشور بازی خواهند کرد. بعنوان مثال مسئول و امامت سابق جمعه و اداره مؤسسه اسلامی نیویورک که اکنون دغدغه کلید خوردن تصرف حوزه علوم انسانی (تاریخ - هنر - سینما - رسانه و....) در کشور را دارد. و ریشه آن به مجلس اعلی و در نهایت به حکومت مخفی در انگلستان میرسد.

راه حل چیست؟

برای سپری شدن این دور باطل و بسیار جدی و ضامن قربانی نشدن نسل های آینده به توصیه دوم میپردازم:

دومین توصیه: امضاء پروتکل اتحاد استراتژیک و تشکیل اطاق فکری بین تمامی خانواده های انقلاب و جنگ؛ بدون گرایشات قومی- مذهبی - اعتقادی برای گام اول اداره کشور و گام دوم با قابلیت جهانی شدن با مهندسی معکوس انجمن مخفی شما پی خواهید برد که نظام چه ساده لوحانه بازیچه جریان سازی حکومت مخفی در تخریب و اغتشاش سیستمی با فروپاشی سیاسی از یک سوی و با فروپاشی اقتصادی از سوی دیگر روبرو شد.

راه حل آن چیست؟

سومین توصیه: امضاء یک پروتکل تعیین یک سیستم رهبری با قابلیت جهانی

شدن؛ همانند ملکه انگلستان بدون دخالت آشکار در ساختار اداره کشور و تعیین درجات برای ارتقاء افراد با نگاهی به ساختار فراماسونی) از انگلستان الگو بگیرید) و ساختار MI6 برای تضمین بقای امپراطوری بصیرت بی عمق یا بصیرت باعماق و سادگی ذاتی بچه های سپاه پاسداران - موضوع اینست و سادگی ذاتی بچه های خاکریزی سپاه و حرامزادگی بازیگران باعث پرداخت هزینه های سنگین و جبران ناپذیر در طول این سه دهه و بویژه در طول انتخابات گردید؛ سپاه اگر مایل است بازی نخورد هر کسی باید در چهارچوب و دایره اختیارات عمل کند.

بصیرت وجود دارد کجاست عمق بصیرت، جریان اداره دولت در دستان حکومت مخفی و انجمن مخفی است. اصلاً انگلیس تنها کفتار پیر نیست بلکه یک اختاپوست باهوش؛ عقبه اداره کنندگان این دو جریان اصولگرا و اصلاح طلب انجمن مخفی غربی و توسط «حکومت مخفی» صورت میپذیرد و پدر خوانده ها و عناصر هر دو جریان وابستگی حیاتی به این خانواده ها دارند؛ بدون اینکه فعالین دو جریان از سطح و نوع بازی مطلع باشند در حال اجرای فرامینند و این دو جریان با دو ماموریت جداگانه از یک مرکز واحد اداره میشود.

فرمول های نحوه فروپاشی اجتماعی را کاملاً در حال پیاده نمودن هستند؛ سطح فعالین سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و... تاکتیکی است با مدیریت و سیاستگذاری های صحیح و طراحی ساختار حکومتی؛ حوزه دولت - ملت که یک سطح تاکتیکی است را به فعالین سیاسی واگذار کنید و با با در اختیار گرفتن منابع و ایجاد سازو کارهای اجتماعی و فرهنگی، بصورت نامحسوس مجال دخالت در سطح استراتژی طبیعتاً از سیاسیون گرفته خواهد شد؛ صرفاً موظف به تامین آب و نان مردم خواهند بود. مشکل حیاطی نظام:

- ۱- خلاء طراحی ساختار جدید حکومت که به سه پروتکل جامع بین خانواده ها ی انقلاب و جنگ و ارکان نظام نیاز مند است.
- ۲- استراژیست های کشور تصویر و برداشت بسیار سطحی از توری بازی ها و

ساختار پیاده سازی و سازکار عملیاتی آن داردند.

مسیر جهانی شدن طبیعت حرکت بشراست و استیلا به منابع و ثروت حرف اول و آخر را برای خانواده های جهان وطنی در طراحی استراتژیک و تئوری پردازی ها میزند . مقیاس و سطح بازی جهانی که به استعمار نوین مصلح شده یعنی مکانیسم ها و فرمول های جدید برای دستیابی به منابع ثروت ؛ بعنوان مثال فرار مغزها و منابع کشور نتیجه پیاده سازی فرمول های پیچیده در ایجاد بحران های اجتماعی و فرهنگی است.

مثالی دیگر ؛ بعد از اجرای پروژه یازده سپتامبر و قبل از آغاز بحران مالی در جهان هشتصد میلیارد دلار در غالب پروژه های ”منحصر به فرد“ در دبی اجرا شد. یعنی هشت مگا پروژه در منطقه ای کوچک صرفا برای شستن پول توسط خانواده های جهان وطن و از طریق پروکسی ها و شبکه با انک آنها اجرا شد. آیا میدانید پروژه ها چرا منحصر به فرد بودند؟

صرف برای سند سازی ؛ چون هیچیک از این پروژه ها سابقه قبلی در نقاط دیگر جهان نداشتند مانند جزیره نخل ؛ و از طرفی مبالغ عظیم را نتوان با پروژه های کوچک شست. لذا برای پروژه ۱۰ میلیارد دلاری ؛ یکصد میلیارد دلار سند سازی کردند و با وارد عمل کردن بانک ها و فاینانسرها این حجم از پول را شستند ؛ اما برای شستن این حجم پول نیاز به خریدار املاک بود که آنرا نیز با ایجاد بحران های مختلف در کشور توسط نفوذی ها و حکومت مخفی باجراء گذاشتند. که به پروژه ثروت های باد آورده میتوان اشاره کرده باعث فرار سرمایه از ایران شد.

اصلا بحث اومانیستی (انسانگرایی) و خداگرایی در جهان حاکم نیست ؛ این بحث ها انحرافی و فربیکارانه است و نشانگر بازی خوردن مطرح کننده آنست. صرفا در پی استیلای قدرت و ثروت هستند. در ساختار انجمن های مخفی ؛ از همه گونه مذاهب و اقلیت های دینی و مذهبی و قومی دیده میشود.

تنظيم روابط با روسیه نیز یکی از دلائل عدم آشنایی استراتژیست ها با عمق تئوری بازی هاست یادآوری آنکه اشتباهی که امروزه در تحلیل مسائل مربوط به روسیه

در ایران متدال است تحلیل وقایع روسیه و روابط روسیه با ایران با تکیه بر تاریخ روابط روسیه تزاری و ایران است. در آن زمان روسیه تزاری تا حدی رقیب بریتانیا در ایران تلقی میشد ولی امروزه اگریگوییم روسیه بریتانیایی بیراه نگفته ایم. اگرچه صفت «جهان وطنی» برای خاندان های زرساسار و نفت سالار حاکم بر دنیا نگاهی عملی تر برای تحلیل مسایل سیاسی در اختیار قرار میدهد که به موقع به آن خواهم پرداخت.

حکومت مخفی با فرمولهای اجتماعی و نفوذی های بظاهر متعصب و دلسوز دو آتیشه با هنر عملیاتی و القاع تئوری ها و سیاستگذاری تعیین شده و قراردادن تصمیم سازان نظام در مسیر فروپاشی؛ قدم به قدم فاژهای عملیاتی خود را پیاده مینمایند.

۱- با کمی بررسی تاریخ سوابق جنگ های سخت توسط غرب و ناتو بویژه در سه دهه گذشته؛ ماشین جنگی غرب هیچگاه در مقابل یک ارتش آماده به جنگ؛ نجنگیده است و صرفا قدرت مائی آنها در مقابل ارتش های ناتوان و از کار افتاده بوده است که در ابتدا توسط جنگ نرم از هم پاشیده است.

۲- سپاه پاسداران بدليل قرار گرفتن کشور در یک وضعیت حیاتی باید به اطاق فکر نظام مشکوک شود؛ سرچشممه سیاستگذاری ها و برنامه های که برای ایجاد تفرقه و نارضایتی عمومی اعمال میگردد توسط چه جریانی تزریق میشود.

۳- طرح موضوعات و القاء دستور جلسات و برنامه ها جهت تصویب و حرف کشیدن از رهبری بخشی از پروژه است.

۴- بررسی استراتژی پینگ پنگی که بین نفوذی های متعصب و دو آتیشه درون نظام با دشمنان خارجی نظام در رادیکال کردن اوضاع کشور برقرار است. مصدق کهربیزک و زهرا کاظمی - هجدہ تیر و... از زوایای بخشی از بازی کیف بررسی و عقبه آن شناسایی و ریشه کن شود. مصدق نفوذی ها در جنگ نرم « ارباب جمعی « خط مرتضوی دادستان و شریعتمداری در روزنامه کیهان و پروفسور مولانا و محمد علی رامین و پشتیبانان آن است که آشنا به «در عقب نظام و کنترل

و خط دهی اطاق فکر، در دستان حلقه های بالاتر از آنهاست».

۵- خارج کردن نظام از وضعیت اضطرار و امنیتی

برخورد های امنیتی و دستگیری ها و برخوردهای قضائی حکایت از پذیرش سپاه در بازی خوردن توسط بازیگران جهانی و سرویس امنیتی آنهاست؛ چون ترکیب و سطح نیروهای بازداشتی حکایت از فریب خوردن سپاه دارد؛ سطح کل افراد دستگیر شده حتی شامل خاتمی و موسوی و کروبی هم بشود اولاً سطح تاکتیکی است زیرا فعالین سیاسی اند و ثالثاً اساساً آدرس غلط دادن توسط هدایتگران حکومت مخفی در جارحوب بروژه فویاشر است. معنوان مثال:

نسبت سطح راهبردی برنامه ها و مدیریت در یک حوزه فرمانداری؛ در حوزه استانداری سطح تکنیکی محسوب میشود و همین مقیاس نسبت سطح راهبردی برنامه ها و مدیریت در استانداری ها با حوزه دولت مرکزی و نسبت دولت های مرکزی با خانواده های جهان وطن و انجمن های مخفی نیز به همین منوال است. مراکز استراتژیک کشور و تصمیم ساز در چهارچوب کشوری به تهیه برنامه های راهبردی میپردازند که این سطح در مقایسه با مراکز استراتژی خانواده های جهان وطن یک سطح تکنیکی است؛ اما سپاه پاسداران توانست سطح مرکز استراتژی خود را تا سطح تاکتیکی به صورت غیر متوازن ارتقاء بخشد. و اگر این سطح به سطح استراتژیک جهانی ارتقا بیدا خاید؛ سپاه دچار این آشفتگی و این همه آسیب نمیشود.

یک خاطره از نهادن خواندن محمد علی رامین

چند وقت پیش با یکی از دوستان صحبت میکردم درمورد قضایای احمدی نژاد و جریانش . خاطره ای را گفت که گفتم انرا برای شما نقل کنم گویا این دوستمان روزی پست سر اقای رامین نهار میخواند!! میگوید خلاصه به وقت قنوت که رسید دیدم اه!! شروع کرد به فارسی قنوتراخواندن فکر میکند چی خواند؟ براتان میاورم ((خداؤندا این حضرت ایت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی را محفوظ بدار و عمرش را مدام بگردان و سایه اش را بر مسلمین مستدام بدار! حکومت این سید اولاد بیامر را تا حضور امام زمان مستدام بدار))؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

است این آقا!!!

راه حل:

۱- منطقی کردن فضای کشور؛ با آغاز هر بحرانی سریعاً به علل و ریشه‌های تئوریک آن پردازید تا بتوانید نفوذی‌های نظام را دریابید.

۲- خارج کردن نظام از وضعیت اضطرار و امنیتی آشکار در غالب پروتکل‌ها پیش از این گفته شده

۳- امضاء پروتکل بین گروهها (پروتکل جامع) واگذاری سطح تاکتیکی به حوزه فعالیت سیاسیون و در اختیار گرفتن سطح استراتژیک در حوزه رهبری { سادگی ذاتی بچه‌های خاکریزی سپاه و حرامزادگی بازیگران باعث پرداخت هزینه‌های سنگین و جبران ناپذیر گردیده است؛ سپاه اگر مایل است بازی نخورد هر کسی باید در چهارچوب و دایره اختیارات عمل کند}

فرمول فروپاشی ایران همانند فرمول فروپاشی شوروی سابق است؛ وصف حال حکومت مخفی با حکومت رسمی

دو دست او همه در پیچه اش (چادر) بود-- دو دست بنده در ماهیچه اش بود
بدو گفتم تو صورت را نکو گیر-- که من صورت دهم کار خود از زیر
اصلاً انگلیس تنها کفتار پیر نیست بلکه یک اختاپوست باهوش
از آنجائیکه برو بچه‌های استراتژیست سپاه به تازگی به اصطلاح سینمای استراتژیک پس برده و محو تجزیه و تحلیل فیلم و سریالها و کارتون‌ها قرارگرفته اند؛ باید یاداوری نمود ساختار جامعه غربی یک جامعه تمام قواره استراتژیک و پرداختن به امور در کلیه حوزه‌ها؛ استراتژیک است. اگر به خطأ در پرداختن به امور برای هر حوزه از فعالیت پسوند استراتژیک بگذارید در آینده به نام‌های ذیل خواهد رسید:
حوزه علمیه استراتژیک - حمل و نقل استراتژیک - ورزش استراتژیک و... از این قبیل
کلمات خود ساخته که التقااطی و عوام زدگی در آن بچشم میخورد.



نفوذی ها؛ چریکهای دشمن هستند که اختفا و کمین که دو اصل اساسی در عملیات چریکی است را بخوبی میدانند و علاوه برایجاد مسیر به در پشت نظام تصمیم گیری کشور نیز تسلط کامل دارند و خط تصمیمات اقتصادی-سیاسی - نظامی - فرهنگی و امنیتی از طریق نفوذی ها به اطاق های فکری نظام تزریق میشود. (تصمیم سازان)

هشدار من به سپاه اینست به منابع تولید ایده و تئوری مشکوک باشد؛ پروژه جنگ موزائیکی یکی از استراتژیهای است پیش مقدمه برای تجزیه و فروپاشی شوروی سابق بود. ممکن است این پروژه در ساختار عملیاتی جنگی بسیار کارساز باشد اما در مهندسی فروپاشی غربی؛ پیش مقدمه ایست برای تجزیه و بنای این طرح برای فروپاشی شوروی توسط برژننسکی؛ استراتژیست آمریکائی مهندسی گردیده است. ملاحظات تخریب سیستمی را در نظر داشته باشد ناگهان غافل گیر نگردید و مانند شوروی سابق علی اف - نیازوف - نظر بایوف - گرباچوف و.... که همگی از اعضای کاگ بودند بر بخش های مختلف کشور مسلط شوند.

در مهندسی فروپاشی و تجزیه مانند شوروی بر اساس جمیع اقدامات فرهنگی - سیاسی - اقتصادی - نظامی و امنیتی ذیل عملیات صورت پذیرفت: با مثالی به پایان میرسانم:

- در حوزه تئوری: تئوری مشکوک مهدویت (کتاب مهدوی نامه- آقای حداد عادل میفرمایند که کتابی چاپ شد به نام «مهدوی نامه» و مجموعه مقالاتی بود

که به استاد ما دکتر یحیی مهدوی تقدیم شده بود. به جهت علاوه‌ای که من به دکتر مهدوی داشتم، یک نسخه از این کتاب را بردم و به آقا تقدیم کردم. خودم هم در این کتاب دو تا مقاله داشتم. یکی در معرفی شخصیت مهدوی و یکی هم یک مقاله‌ی علمی در فلسفه‌ی لایب‌نیتس. بقیه‌ی مقالات آن مجموعه هم بیشتر پیرامون فلسفه‌ی غربی بود. پیشنهاد این کتاب هم از خود من بود که بعداً استادان و برخی دوستان دیگر دنبال کرده بودند و بعد از چند سال این کتاب حدوداً پانصد صفحه‌ای منتشر شده بود).

وصف حال حکومت مخفی با حکومت رسمی

دو دست بندۀ در ماهیچه اش بود	دو دست او همه در پیچه اش (چادر) بود
که من صورت دهم کار خود از زیر	بدو گفتم تو صورت رانکو گیر

حسن ماسالی

hmassali@aol.com

ششم ژوئن ۲۰۱۱

دostan عزیز : خانم نازنین افشن جم ، آقای فابین بوسارت

دostan شرکت کننده در نشست پاریس ،

همانطور که اطلاع دارید ، یکی از تارنگار (وب سایت) های وابسته به رژیم ،

پیشاپیش در باره نشست پاریس اطلاعاتی انتشار داده بود .

در اینباره دوست عزیز ، خانم نازنین افشن جم ، با متنات توضیحاتی درباره مطالب

مندرج شده در « وب سایت» مذبور نوشتند. اما از آنجائی که مسئله «امنیت سیاسی

و جانی » شرکت کنندگان در چنین نشستی حائز اهمیت میباشد و هرگونه برنامه

ریزی مبارزاتی و یارگیری سیاسی - تشکیلاتی در آینده ، باید با معیار های مشخص

و احساس مسئولیت صورت بگیرد، پیشنهاد میکنم:

۱- خانم نازنین افشن جم و آقای « فا بین » تحقیق همه جانبه ای بعمل آورند که

آیا هنگام تماسگیری های اولیه با اشخاص مختلف ، « با افراد غیر قابل اعتمادی »

تماس گرفته شده است؟

۲- اگر به این نتیجه گیری برسیم که در تماسگیری های اولیه، معیار های سیاسی

و امنیتی به درستی رعایت نشده اند، چه تدبیری برای رفع این کمبود در آینده

اتخاذ خواهد شد؟

۳- معیار سیاسی ما برای جلب افراد و دعوت آنان به نشست های آینده چیست؟

۴- شیوه ها و معیار های سازماندهی (ایجاد تشکیلات) در داخل و خارج از کشور

چیست ؟

۵- آیا « گروههای صنفی و سندیکائی » و « گروههای مدافعان حقوق بشر »، تشكل

های مستقل خود را خواهند داشت و سپس با براساس معیار و ارزش های تعیین

شده با « گروههای سیاسی » همکاری خواهند کرد؛ یا اینکه از همان ابتدا، هیچگونه

مرزبندی وجود نخواهد داشت؟

روشن شدن این مسائل ، موجب خواهد شد که در آینده در نشست ها ای آینده
شرکت کنم و دوستان خود را نیز تشویق به همکاری کنم .

با احترام- حسن ماسالی

سیم اواسط 2011

حاضر به پذیرش روابط سیاسی تاروشن و روابط انسانی اهانت آمیز نیستم

دوستان عزیز شرکت کننده در "میز گرد" (شاپو ویل)،

رونوشت چه اطلاع خاتم نازنین افشن جم و اکای "قابلین پوسارت".

۱- همانطور که آگاهی دارید، از همان ابتداء در امر تسامگیری با الفاید و برنامه ریزی میواسی ۵۶
توسط ختم نازنین افشن جم و اکای "قابلین پوسارت" ، هدایت من شدند، تاروشنی ها و اختشامی
به چشم میخورد . و این امر موجب گردیده بودند که وزارت اطلاعات رژیم در ایران، پیشنهاد از
خدمات آنلاین با خوبی بود، و همانطور که اطلاع دارید ، خاتم فاطمه حقیقت بجهت خبر مندرج در "تارنگار" را باطلخواهی میداند و خودم نیز در تاریخ ششم زویان 2011 تهاده ای دوسته برای همگی
و از جمله برای خاتم نازنین افشن جم و اکای "قابلین پوسارت" ارسال داشتم که در آینده با آینده
نگری و با احسان مسئولیت پیشگیری کنم بودارند.

اما تجربیات شخصی چند بین ماه گذشته یعنی ششان داده است که اکای "قابلین پوسارت" و خاتم نازنین
افشن جم هنوز مشخص نمیکنند : الف - از ما چه میخواهند و چرا به طرح و برنامه هایی که
تلقنون از آن داده ایم ، نظر خود را بطور باز و شفاف بیان نمیکنند؛ بد و باره شرایط ایران چه طرح
و برنامه دارند؛ ج- اگر طرح و برنامه ای دارند، چرا مقاصد خودشان را از ما مخفی نگهدا شده اند !!!

بسهم خودم ، تلقنون چندین طرح میانمی - تشکیلاتی- مبارزاتی و برنامه عملی برای داخل و خارج از
ایران از آن داده ام و پارها تقاضا کرده ام که نظر خودشان را درباره این طرح و برنامه ارائه شده ، بمن
بنویسید و با اگر خودشان فکر و برنامه ای دارند سایر از آن مطلع سازند. این تلاش ها تلقنون بین نظر
مالده است.

امر دیگری که بیانگر رفتار نا هنجار و توہین آمیز " خاتم نازنین افشن جم و اکای "قابلین
پوسارت " میباشد ، اینستکه : پس از دوبار مستحبه که در "شاپو ویل" "داستنی ، اکای "قابلین
پوسارت" از من خواستند که بدوایه در پارس با ایشان ملاقات کنم تا باهمدیگر بیان نظر کنیم
راهنماei کردن که به کدام هتل بروم و پنیر قفلند که خودشان با هتل مزبور شویه حساب نکنند.

لذا به امریکا رفتم . اما مدیر هتل، در ظرف چند ماه ، چندین نامه اخطبوط برایم ارسال داشت که چرا
تلقنون خارج اقسام را نمی بودازم؟ اکای "قابلین پوسارت" چندین بار بیام فرستادند که
خودشان شویه حساب میکنند، اما اینکار را نکردند. از خاتم نازنین افشن جم و اکای "قابلین"
تقاضا کردم که اگر تمهیخا هند اقدام کنند ، لااقل بمن خبر بدهند تا خودم بروزگشت کنم و میدر هتل خیال
نکند که پا آم کلامبرداری سرو کار دارد !!!

بالآخره پس از چندین ماه خویم مخارج هتل را براو مدیر هتل ارسیل داشتم تا از پذیرفته مسابیات افتخارت امیر رفایی یابم و مواجهه با بیه خوش نشوم.

حاله دیگر ای نیز همزمان با جریان هتل در پارسون - یون داد و آن اینکه: آقای قلینین پرسید: "بعد پیشنهاد کردند که قصد دارند پالائی خانم نازنین افشنین چم، در اوایل زیوان ۲۰۱۱، در موئنترال - مکتباً بان مسابقات شدند، من هم با خوش باری، پذیرفته و از طریق "لترات" بلطف رفاقت و برگشت خود را در مسابقات شدند، نزد فروندگان موئنترال، هتل رزرو کردند، در آخرین لحظات پس اطلاع داشند که خانم نازنین افشنین چم قادر نبیست شرکت نکرد و لذا ملاقات ملحق میشود،

بنظر رفاقت و برگشت و اشتغال - موئنترال را تکواستم "لتو" کنم. اما مدیر هتل پول یک شب را گرفت و حاضر شد پول دو شب را پس بفرمائند.

در این مورد این، آقای "قلینین" تو شدند که مخارج را جبران میکنند که تاکتیک خبری نشده است،

برای ایشان بوقایی مطابقیهای خوبمان را در ارتباط با مسائل حقوق پسر و مبارزات میباشیم یا زاده و اتنا که خویهمان ادامه بدیم، چندین نفر از هنرمندان [موسیقی] آوار - رقص] سرشناس از ارتباط پرقرار کردند که در وندنی شهیر پاریس اروپا، امریکا، آسیا، پرانامه های غیری لجه کنند، و از افشنین "فوند ریزینگ" بود و همک مالی چشم اوری کیم، به خانم نازنین افشنین چه پیشنهاد کردند که "واسطه" پیغوله و مقداری پول پس فرش پدیده کنند تا پتوائم کارهای تکارکاری - تبلیغاتی - و سازماندهی از نویه ای امور هزیبور را الجام دهم و نوشتم که حاضرم کتابت متعهد شدم که در قدر سه ماد پول (قرض) هزیبور را پس ندهم، اما این پیشنهاد نیز با مخالفت خانم نازنین افشنین چم ریزی شد.

پرانامه ریزی کردم که یک تکلیرانس بین المللی دریارد، مسال حقوق پسر، هنرمندان در اروپا و امریکا پرقرار کنیم و پیشنهاد کرم که خانم نازنین افشنین چم که شهرت بخوبی از این، با سبقت ای خود، چنان تکلفاتی را انتقام نکند، این پیشنهاد نیز با مخالفت ایشان ریزی شد، اما خویم با آن رض از نوستان ذرا عتمد دیگر و با تحمل هزینه زیاد، کلنا افسر حقوق پسر و پرانامه استیوال هنری را در ایجاد کوچکتری، و او اوضاع ماه اکبر ۲۰۱۱ در شهر ماریس، آلمان به اجرا در آوردند، در این پرانامه ها نیز حاضر پوکاری نشدند.

دیگر این، با توجه به تصریحتی که از تاخته‌جاري های معا می در ایوان و در جهان بدست اورده ایم، دیگر حاضر نیستم چنین مسابقات تاروش، مقابله و امتحان امیری را تصل کلام، و اگر این افراد حاضر نباشند دریاره مسابقات تاروش و رکن اهانت امیری خود خواهی کنند، روایت خوب را با آن خاصه شده ناقی میکنم.

به خانم نازنین افشنین چم را او شده ام که پیشتر ر آقای "قلینین"، بخطه رعایت مسائل (یعنی اجزاء تکارنده بدون موافقه، طرح ها و پیشنهادات مریوطه امور تدا رکانی- میزبانه) و مبارزاتی که از ایله داده بودم، در اختیار دیگران قرار دهند.

تمام مکاتبات و ایعلی هایی را ویدن شده را در اختیار دارم و در صورت آزمیم میتوانم در لختیار شما قرار دهم.

امیدوارم در مدیر فکر انسی خواهیم، سکولاریسم و رفع توجهش در این پیروز شویم.

حسن ماسالی

جنبیش چپ ایران و عوامل بحران و ناکامی‌های آن در ایران

مدت‌ها در چارچوب جبهه ملی ایران، در مسیر سکولاریسم، دموکراسی خواهی و برابری طلبی مبارزه کرده و چنین نگرشی را سال‌ها در ارتباط با جنبش داخل و خارج از کشورهای مچنان ادامه داده و در پیش گرفته است. با این وجود، پس از آشنایی و تماس با جنبش‌های انقلابی جهان و مطالعه‌ی آثار متفسکرین و صاحب نظرانی نظیر کارل مارکس، فردیک انگلیس، روزا لوگرامبورگ، لینین، تروتسکی، مائوتسه دون، هوشی مین، آنتونیو گرامشی، روی مودوف، چه گوارا، و دهان نظریه پرداز دیگر، به این نتیجه رسیده بود که باید در درون یک جبهه و در ارتباط با یک جنبش ائتلافی، نیرویی پیشاهنگ بوجود آوریم. نیرویی که بتواند به عنوان ستون فقرات جنبش، نقش پیشتاز را در مبارزه اجتماعی ایفا کند.

به همین دلیل، به اتفاق برخی از یاران سیاسی آن دوران، ابتدا ساختار تشکیلاتی- سیاسی- مبارزاتی جبهه‌ی آزادی‌بخش الجزایر را مورد مطالعه قراردادیم. سپس جنبش‌های انقلابی کوبا، ویتنام، شوروی و چین را بررسی کردیم. براین اساس، به سهم خود کوشش کردم که مبانی مارکسیسم و سوسیالیسم علمی را مورد مطالعه قرار دهم. بعد از مطالعه و پژوهش‌های زیاد در باره‌ی مارکسیسم و سوسیالیسم، آن را به عنوان دانش علمی، و یک جهان‌بینی، و راهنمای عمل پذیرفتم. اما می‌توانم ادعا کنم که در این راستا، هیچ‌گاه دیدگاه انتقادی خود را نسبت به تئوری‌های مذکور و یا خطاهایی که برخی از رهبران جنبش‌های سوسیالیستی جهان، نظری لینین، مائو، استالین وغیره مرتکب گشتند، از دست ندادم.

علاوه‌مند بودم که از نظریات انتقادی صاحب نظران و تئوری‌سین‌ها در باره‌ی «استالینیسم»، «لینینیسم»، و «مائوئیسم» مطلع شوم. همچنین ضمن مطالعه و سفر به کشورهای مختلف نظریاروپای شرقی، روسیه، مغولستان، یمن جنوبی ... با سیاست‌ها و مناسبات ناهنجار وغیر سوسیالیستی روبرو شدم و در صدد برآمدم که دلایل مناسبات ناهنجار و«غیر سوسیالیستی» حاکم در این کشورها را دریابم. ناگفته

نمایند که بسیاری از این کشورها خود را به غلط «سوسیالیستی» قلمداد می‌کردند. همچنین بسیاری از محافل موسوم به چپ، با تعصب ویژه مانند دینکاران مذهبی، کشورهای عقب مانده ای نظیر آلبانی را سوسیالیستی می‌نامیدند و مناسبات مافیائی این کشورها را، دربست قبول داشتند.

من و بسیاری از یارانم که در «سازمان وحدت کمونیستی» فعالیت می‌کردیم، نظریات و برخی از روش‌های کاری «اتحاد مبارزان کمونیست» (به رهبری منصور حکمت) را می‌پسندیدیم. اما متأسفانه، سیاست ائتلافی که برای تشکیل «حزب کمونیست ایران» در کردستان ایران اتخاذ کردند، نادرست بود. زیرا محافل گوناگونی از جریان‌های موسوم به چپ، با انگیزه‌های مختلف و با دانش و فرهنگ و پیشینه‌ی سیاسی گوناگون، در آن اتحاد و ائتلاف شرکت کرده، وهمین تقاطع تئوریک و فرهنگ سیاسی غیر سوسیالیستی، بعدها موجب انشعابات مختلف شد.

براساس نگرش انتقادی که به رویدادهای سیاسی داشتم، براین باور بوده و هستم که انقلاباتی که تاکنون در دنیا روی داده‌اند، هیچ کدام خصلت سوسیالیستی نداشته‌اند. در برخی کشورها، مثل شوروی سابق، برخی محافل تلاش به عمل آورده‌اند که در راه سوسیالیسم گام بردارند. اما صادقانه بگوییم، تاکنون در هیچ کجای دنیا، مناسبات سوسیالیستی حاکم نشده است. دلایل آن را نیز می‌توان از طریق تئوری‌های مارکس و انگلس و با ارزیابی نقادانه علمی به حوالثی که در شوروی، چین و سایر کشورها روی داده، درک کرد. در این کشورها، نیروهای اصلی شرکت کننده در انقلاب را دهقانان و خرده بورژوازی شهری، تشکیل می‌دادند. لینین برای این که دهقانان آسیای مرکزی و قفقاز را به شرکت در انقلاب ترغیب کند، تئوری غلط و انحرافی: «رهبری کارگران و دهقانان» (رهبری دو طبقه) را مطرح کرده که با مبانی مارکسیسم درتضاد بود. حتی در صورت جلسات (پروتوكل) «انتربالیونال سوم» می‌خوانیم که در ارتباط با «حزب بلشویک روسیه»، گروهی به نام «حزب مسلمانان کمونیست» شرکت داشت که موجب تعجب و حیرت مایندگان احزاب

کمونیست اروپا شده بود.

روزا لوکزامبورگ، ضمن جدل تئوریک با لین، به مبانی تئوری وی دربارهی حزب پیشاهنگ، انتقاد کرده و می نویسد که حزب بلشویک روسیه یک حزب برخاسته از طبقه‌ی کارگریست، بلکه متشکل از روش‌نگران نخبه گرایی می باشد که جایگاه ممتازی در حزب و در بالای طبقه‌ی کارگر کسب کرده‌اند. انحرافات تئوریک و سیاسی موجب می‌شوند که حزب بلشویک به دیکتاتوری فردی (استالینیسم) و به بوروکراسی و فساد (رویزیونیسم) سوق داده شود.

آنچه که در ایران به نام جنبش چپ، نامیده می‌شود، خصلت‌های خاص خود را دارد. نگارنده، طی یک ارزیابی از شیوه‌ی تفکر، ساختار تشکیلاتی، عملکرد مبارزاتی و مناسبات سیاسی - فرهنگی - اجتماعی "جنبش چپ ایران"، ازانقلاب مشروطه تاکنون (۲۰۱۳ میلادی) به نتایج قابل توجه ای دست یافته است. به دیگر سخن، خصلت‌ها و خصایص ویژه‌ی مختص به جریان چپ ایران را می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

۱- عناصر و محافلی که از دانش سوسیالیستی و غنای فرهنگ سوسیالیستی برخوردار هستند. این افراد و محافل بسیاراند که بوده و برخی از آن‌ها، به خاطر شرایط و مناسبات ناهنجاری که در درون سازمان‌های موسوم به چپ، حاکم است، از این سازمان‌ها کناره گیری کرده‌اند. اغلب آن‌ها به طور فردی به فعالیت اجتماعی و پژوهشی خود ادامه داده و یا با ایجاد شبکه‌های فکری از طریق اینترنت فعالیت می‌کنند.

۲- عناصر و گروه‌های موسوم به چپ که تحت تاثیر آموزش و پرورش خانوادگی و فرهنگ رایج در جامعه، وهم‌چنین به علت فقردانش سوسیالیستی، التقااطی می‌اندیشند و فرهنگ اسلامی، بخش مهمی از مبانی فکری و منش اجتماعی آنان را تشکیل می‌دهد. متاسفانه این گونه افراد، ناخود آگاه، اعمالی مرتكب می‌شوند که غیرعلمی و غیرسوسیالیستی است.

چنین افرادی و محافل وابسته به آنان را می‌توانیم «مارکسیست‌های اسلامی» بنامیم. به دیگر سخن با الفاظ مارکسیستی شعار داده، اما با فرهنگ اسلامی عمل می‌کنند. از خصوصیات برجسته‌ی این افراد این است که مارکسیسم یا سوسيالیسم را نه به عنوان یک جهان‌بینی علمی، بلکه به عنوان ایدئولوژی (شعورکاذب) و به صورت یک مذهب جدید می‌پذیرند. در این باره رجوع کنید به دفاعیات خسرو گلسرخی در دادگاه نظامی شاه که امام علی و امام حسین را الهام بخش مبارزات خود تلقی می‌کند. همچنین، نگاهی به مواضع سیاسی و عملکرد برخی جریان‌های موسوم به چپ (فادیان اکثریت- حزب رنجبران...) که خمینی را به عنوان رهبر ضد امپریالیست خود می‌پذیرند و حتی در این مسیر مرتکب جنایت می‌شوند. این افراد سال‌ها، دنباله روی آخوندها و جنایتکارانی نظیر محمد خاقانی، کروبی و موسوی می‌شوند.

چنین محافلی، رهبران انقلابی مثل لنین، مائو را مثل رهبران مذهبی پذیرفته و همان‌گونه که مذهبیون از سخنان محمد، علی.. الهام می‌گیرند، آن‌ها نیز با همان شیوه، امثال لنین و مائو را می‌پرسند و برای اثبات دیدگاه‌های مورد تردید خود، سخنان آنان را نقل می‌کنند.

این افراد و محافل، در ظاهر درباره‌ی تساوی حقوق زنان و رفع تبعیض از آنان سخن گفته، اما در منزل و در خفا، مثل آخوندها رفتار می‌کنند.

۳- پس از استقرار رژیم خمینی، نه تنها «فرهنگ ملپنیسم» در جامعه ترویج یافته، بلکه در درون «جنبش چپ» نیز ریشه دوانده است. به طوریکه افراد و محافلی یافت می‌شوند که خود را چپ نامیده، اما از داشش و فرهنگ سوسيالیستی بهره ای نبرده و خصلت «ملپنی» دارند. در برخی از سازمان‌های موسوم به چپ، حتی عامدانه از این افراد برای «تخرب نیروهای رقیب» استفاده می‌کنند. ترویج فرهنگ «ملپنی» و استفاده از چنین ابزاری، می‌تواند مناسبات اجتماعی مبتنی بر فرهنگ فاشیستی را ترویج دهد. گسترش فرهنگ ملپنی، موجب شده است که اکثر جریان‌های

موسوم به چپ قادر نباشند با همدیگر گفت و شنود تئوریک- سیاسی- مبارزاتی داشته باشند و در مسیر مشترکی گام بردارند.

به علت مشارکت فعالی که در جنبش دانشجویی و سیاسی ایران در پنجاه سال گذشته داشتم، می‌توانم ادعا کنم که اکثریت قریب به اتفاق افراد و گروه‌های موسوم به چپ را می‌شناسم. در ظرف پنجاه سال گذشته، حوادث ناگواری در درون جنبش چپ ایران روی داده است که بخشی از آن را به صورت یک کارپیوهشی، در دانشگاه فرانکفورت (آلمان)، به عنوان "تز دکترا"، ارائه داده‌ام که به آمانی و فارسی انتشار یافته‌اند.

افزون بر آن به علت آشنایی نزدیکی که با اکثرهبران و کادرهای این گروه‌ها داشتم، از جمله‌ها، انشعابات، مناسبات ناهنجار و حتی از تصفیه‌های فیزیکی آنان در درون این سازمان‌ها باخبرمی‌شم.

جالب توجه است که گاهگاهی، برخی از افراد و گروه‌ها، برای این که حقانیت خود و یا جناح بندی‌های مورد علاقه خویش را به اثبات برسانند، جزوای داخلى مربوط به نزاع‌های درون گروهی را در اختیارم می‌گذاشتند. بسیاری از این اسناد را که بیانگر فاجعه‌ای هولناک در درون جنبش چپ می‌باشد، در اختیار داشته و قصد دارم همراه با سایر اسناد مربوط به جنبش سیاسی ایران، در اختیار یک دانشگاه معتبر قرار دهم. افزون بر آن در صدم تا تاریخی (وب سایت عمومی)، سازماندهی کرده و آن‌ها انتشار دهم تا همه مبارزین و پژوهشگران بتوانند از این اسناد استفاده‌ی بھینه، نمایند. قطعاً عربت و پند آموختن از این وقایع، می‌تواند جلوی فجایع اینچنینی را در آینده، بگیرد.

برای بالندگی نطفه های جنبش نوین چپ مستقل ایران بکوشیم

رفقای آزاداندیش و انقلابی چپ ایران

آنچه که در شرایط کنونی میهن انکارناشدنی است عدم حضور فعال نیروهای چپ مارکسیستی از نظر فکری و پرایتیک انقلابی در مبارزات کنونی ایران است.

غالب ما نیز به ریشه های این رکود و رخوت پی برده ایم. ولی باید هشیار باشیم که استمرار چنین خلابی چه در زمینه تئوریک- سیاسی و چه در پنهانه ای پراکتیک اجتماعی تنها موجب تضعیف کمی و کیفی جنبش انقلابی ایران در حال حاضر نیست و فقط زمینه ی غلبه نیروهای دست راست و نهایتاً شرایط شکست جنبش دموکراتیک- انقلابی ایران را فراهم نمی سازد بلکه عدم چاره اندیشی عاجل از سوی نیروهای چپ آزاد اندیش و انقلابی ایران برای حضور فکری و سیاسی در جنبش انقلابی کنونی وضعی را بوجود خواهد آورد که حتی در آینده نیز این نیروها نتوانند در فرایند مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران نقش موثری ایفا کنند.

بنابراین ما ضمن اینکه حق نداریم نظام فکری و اسلوب عمل انحرافی و ضد دموکراتیک بسیاری از سازمانهای موسوم به چپ کنونی ایران را تجدید تولید کیم این حق را نیز نداریم که مایوس و سرگردان و پراکنده دست روی دست بگذاریم و شاهد بی تفاوت بیان اندیشه ها و اعمال اپورتونیستی راست و (چپ) در روند مبارزات انقلابی جامعه خود باشیم.

ما باید از نظر بنیادهای فکری منش اجتماعی اسلوب سازماندهی و فن مبارزه اجتماعی تحول بزرگی در خود بوجود آوریم. زمان بریدن از شیوه ها و اسلوب های فکری و عملی گذشته که نتایج خسروان بار آن اکنون دیگر بر کسی پوشیده نمانده است فرارسیده است. بی تفاوتی نسبت به اهمیت تیوریک و عملی این گستستگی تاریخی براستی نتیجه ای جز ادامه ی همان راه نخواهد داشت.

ما پیش از اینکه شتابان به دنبال ایجاد سازمان های به اصطلاح مارکسیستی-

لینیستی باشیم و آوا سر دهیم باید شعور علمی و منش انقلابی خود را پرورش دهیم و آنرا در پراکتیک سیاسی- اجتماعی صیقل دهیم. بدین منظور پیشنهاد میشود که فعالیتهای نوین خود را در دو سطح آغاز کنیم و به آن سامان بخشم:

۱- فعالیتهای تحقیقی علمی تئوریک هماهنگ به منظور تهیه و تدوین تئوری های انقلابی ترویج و تبلیغ فرهنگ سوسیالیسم علمی و انقلابی و مبارزه با انحرافات فکری و منش ارتقایی و ضد انقلابی که بمقابله ارثیه ای فکری و عملی جنبش (کمونیستی) ایران و جهان بر فعالیت همگان سایه شوم افکنده است.

۲. شرکت فعال و همسوی گروهها گرایش‌های چپ نوین در مبارزات عام دموکراتیک- انقلابی ایران. برای اینکه فعالیتهای مزبور از نظر فکری (تئوریک) و مبارزاتی (پراکتیک) به نتایج انقلابی مشخصی برسند و بیماریها ضعف‌ها و کمبودهای گذشته تجدید تولید و تکرار نشوند ضروری است:

الف- همه عناصر و محاذل چپ آزاداندیش و انقلابی ایران، بطور انفرادی، یا بصورت گرایش‌های نظری در این جنبش فکری و در مبارزات دموکراتیک، شرکت کنند.

ب- از ایجاد سازمان با مفاهیم و اسلوب عمل متداول گذشته اجتناب گردد.

ج- روابط بین عناصر و محاذل و جریان‌های مارکسیستی، و فعالیتهای علمی- تئوریک آنان حتی الامکان از طریق تشکیل شوراهای، کمیته‌ها، و یا کمیسیون‌هایی که مورد توافق دست‌جمعی باشد در کشورهای مختلف تنظیم و هماهنگ شوند.

د- برای دامن زدن به فعالیتهای علمی و تحقیقی، و مباحثت تئوریک، با توجه به تنوع نظریات مجله‌ای که شکل ارگان نداشته باشد، با همکاری دست‌جمعی منتشر نمود.

۵- سمینارها و کنفرانس‌های متعددی درباره مسائل علمی، تحقیقی و مباحثات تئوریک و به منظور یافتن رهنمودهای مبارزاتی، در نقاط مختلف، و از جمله در

کردستان ایران برگزار شوند و عناصر و محافل و گرایش‌های چپ مستقل، برای اعتلای جنبش دموکراتیک- انقلابی ایران، دوشادوش عناصر و محافل دموکرات و انقلابی در جنبش دموکراتیک واحدی بدون داشتن هرگونه ادعای (سروری) و (هزمونی) خواهی شرکت کنند.

ز- نشریه‌ای هفتگی یا ماهانه که حاصل کار جمعی باشد با همکاری عناصر و محافل دموکراتیک و با کاربست شیوه‌ها و مکانیسم‌های دموکراتیک برای انعکاس نظرات دموکراتیک ایجاد شود تا بهتابه وسیله‌ای در خدمت ایجاد مناسبات دموکراتیک و تفاهم انقلابی در بین نیروهای مترقی و انقلابی و همچنین در خدمت مبارزات دموکراتیک- انقلابی مردم ایران باشد.

رفقای مبارز

تا کنون تلاش‌های پراکنده‌ای در این زمینه از طرف عناصر و محافل چپ آزاداندیش و مستقل ایران بعمل آمده است. ولی برای اینکه نظریات خود را بطور همه‌جانبه و پایه‌ای در میان علاقمندان چپ آزاداندیش و مستقل ایران مطرح کرده باشیم و حرکت نوین خود را بطور اصولی آغاز کنیم ضروری است که همه عناصر و محافل مورد نظر در خارج از کشور نظریات خود را مطرح سازند و در صورت امکان آدرسهایی برای تماس گیری در اختیار همیگر قرار دهیم تا افکار خود را مادیت بخشیم و زمینه‌های اجرایی اهداف مورد نظر با تبادل نظر و همکاری دسته جمعی فراهم شوند.

با درودهای رفیقانه و مبارزه جویانه

حسن ماسالی

۱۹۸۳ بهمن ۱۳۶۱ برابر یا فوریه

کوشش برای انتشار نشریه مستقل که در خدمت جنبش دموکراسی باشد

در کار سایر فعالیت‌ها به اتفاق چند نفر از فرهیختگان ایرانی منوچهر محجوبی، علی میرفطروس و رضا مرزبان در صدد برآمدم که نشریه‌ای مستقل به نام «آزادی» به منظور نشر افکار آزادیخواهان در خارج از کشور انتشار دهم. اما این کوشش نیز به خاطر روابط تخریب‌گرانه رضا مرزبان به نتیجه مطلوبی نرسید که استناد آن در اینجا می‌آید:

آزادی

در خدمت ارتقاء کا هی و احیای آزادی و دموکراسی در ایران

۱۹۸۶ - ۷۴۶

چهارم شهریور ۱۴۶۵

اطلاعیه

بنابر سرتا مدبی که تدوین کرده بودیم، انتشار آزادی باید دردههٔ اول سیاست میر آغاز می‌شد، اما بربابهٔ مشکلات مالی که امری است دامنگیر، اجرای سرتا مه با ماتسع روپرتو شده است.

ما برای انتشار آزادی همت هزار مشترک ثابت پکساله را اساس قرار داده بودیم و ناکنون از این شدیده هنوز بسیار دور هستیم، با این وصف نمی‌توانیم استقبال غافل از شاء بید نکان دهند؛ و که از جانب اشوه ایرانیان خارج از کشور از نشر آزادی شده است ناید سکنیم و از آن سیاکار شناخیم.

موسیان آزادی، تضمیم گرفتند تمام کمک‌ها و وجه اشتراک‌های دریافتی را طی سیکناره مشترکان باز گردانند. و در عین حال اعلام می‌کنند اتحادیه ترکیب‌کننده، نافی قابلیت مطبوعاتی مستقل با مشترک‌با رهی از اعماق موئی در آینده نخواهد بود.

موسیان آزادی:

رضا مرزبان - علی میرفطروس - حسن ماسالی - منوچهر محجوبی

۲۰ نوامبر ۱۹۸۶

دوست گرامی کاک دکتر قاسملو؛

با درودهای فراوان، مدتی بود که میخواستم این نامه را برای شما ارسال دارم، ولی سفرم به آلمان موجب تاخیر شد. همانطور که اطلاع دارید برای انتشار نشریه‌ی «آزادی» آقایان علی میرفطروس، منوچهر محجوبی، رضا مرزبان و من، پس از توافق درباره‌ی خط مشی آن (یعنی عدم وابستگی مالی، ایدئولوژیک، تشکیلاتی و سیاسی به جریانها) و اتفاق نظر درباره شیوه کار دستجمعی، برای سازماندهی توزیع و فروش و اشتراک آن تلاش زیادی کردیم و با استقبال بی‌نظیری روبرو شد ولی امکانات مالی هنوز به اندازه‌ای نبود که قاطعانه درباره انتشار آن در تاریخ اعلام شده تصمیم بگیریم.

آقای میرفطروس و من پیشنهاد کردیم که به تلاشهای خودمان تا چند ماه دیگر ادامه بدهیم ولی از مدت‌ها قبل با تعجب مشاهده می‌کردیم که آقای مرزبان علاقه‌ای بادامه اینکار دستجمعی ندارند. ایشان اصرار می‌کردند که ما اختیار تام به ایشان بدهیم و حتی اعتبار سیاسی و شخصی خودمان را در خدمت ایشان بگذاریم تا ایشان به تنهایی نشریه را انتشار بدهند.

یکی از دوستان قدیمی من نوشته بود که آقای مرزبان طرحی دارند که با حمایت حزب دمکرات نشریه‌ای انتشار بدهند. من در جواب نوشته بودم که این طرح شاید مربوط به گذشته باشد ولی حالا که کار دستجمعی و برنامه‌ما اعلام شده فکر نمی‌کنم که مرزبان پیمان شکنی کنند و حزب دمکرات نیز کار دستجمعی ما را بهم برمی‌زد. پس از اینکه حزب شما حاضر شد قریب صد نسخه از نشریه را برای تشکیلات خودتان بپذیرد، فکر کردم که قضیه برنامه فردی با مرزبان دیگر منتفی شده است. ما هم برای اینکه «تعادل» مالی برقرار کنیم تکیه کار را به روی سازماندهی اشتراک در میان مردم و توزیع و فروش در سراسر اروپا و امریکا قرار داده بودیم و برخی از جریانهای سیاسی دیگر نیز آماده‌ی همکاری شدند و شرط

عدم وابستگی نشریه را پذیرفتند. ما تصمیم جدی داشتیم که این نشریه، فرهنگ نوکرپروری و تکمین در برابر زر و زور را از میان بردارد و در خدمت سوته دلان و آوارگان و ستم دیدگان و جمهوریخواهان باشد. افسوس که عادت دهها ساله‌ی آقای مرزبان به روزی نامه‌نویسی و تمکین در برابر پول و زور به او مجال نداد که در این سنگر با ما باقی بماند.

او بطور ضمنی و گاهی بطور آشکار به ما حالی کرد که میخواهد با امکانات حزب دمکرات به تنهایی باصطلاح نشریه‌ای مستقل و ... انتشار دهد.

اعلامیه‌هائی که باتفاق همکار سابق خود محبوبی و یا به تنهایی امضا کرده و توزیع کرده برای شما ارسال می‌دارم. برای اینکه برای بار چندم مردم فریبی کند در نشریه آهنگر اعلام کرده بود که در سفری که بزودی به نیویورک و... دارد و جوابی که از آنها دریافت می‌کند... برای انتشار برای آزادی نقش تعیین کننده خواهد داشت. البته بدانید که در ارتباط با نشریه‌ی آزادی دوستان مشترک ما از ایشان و آقای میرفطروس دعوت کرده بودند که به آمریکا سفر کنند ولی موقعی که مشاهده کردنده که همکاری دستجمعی ما منتفی شده دعوت مزبور نیز منتفی شد و ایشان نتوانستند سفری به امریکا بکنند. حال مردم فریب خورده از خمینی که هم اکنون خیلی هشیار هستند و امثال آقای مرزبان و امکانات او را نیز خوب می‌شناسند، آیا نخواهند گفت که این نشریه باصطلاح برای آزادی از کجا تامین می‌شود؟ آیا چنین اشخاصی قادر خواهند بود برای آزادی قلم بزنند؟ یا همان نان فرصت طلبی خودشان را می‌خورند؟

برای اینکه به امکانات مستقل این آقایان توجه کنید، نظری به آه و ناله‌ی نشریه آهنگر بیاندازید. در خاقه میخواستم ضمن گله دوستانه از این بی تدبیری شما در شرایط کنونی، از شما دعوت کنم که بعنوان یک سیاستمدار با سابقه ایرانی و کرد، نه تنها با فرهنگ نوکر صفتان و فرصت طلبان مبارزه کنید بلکه مثل آقایان مسعود رجوی خمینی شاه و... نوکر پروری نیز نکنید.

نامه‌ای که در اثر اختلاف نظر و جدال با آقای مرزبان به ایشان نوشته بودم و در این ارتباط نام حزب دمکرات نیز ذکر شده بود، جهت اطلاع شما می‌فرستم تا مباداً نقل قول دروغی از جانب من بشما انتقال داده باشند.

به امید دیدار مجدد و تبادل نظر حضوری بیشتر

دوستدار- حسن ماسالی

۱۹۸۶-۳۶
۱۳۶۵، چهارم شهریور

خطه‌گشته

بنامه‌ای که شورای کارهای بروی، رئیس آذاری باید در همه اول سپتامبر
اعلامی شود، اما برای این مکاتب ملی که از پیش را اسکریپت ایرانی برخواهد باشد
آن روزه روزه است.
برای اثمار آذاری، بسته‌گشته کتابخانه را رسیده‌اند
دانشگاهی نیز تهدید نموده‌اند بردهشیم، با این حوصله نیز نام آذاری
علیه رئیس شورای کارهای ایجاد رفته است. این بر این اساس خواجه زکریا زندگانی
نموده است نایاب است و لذا آن سیکار نیست.
رئیس آذاری، هم‌گرفته مالک صادقی است آنچه این رئیسی انجام
نموده کارگردان است و دوستی کافی نموده است اکنون سرکوبی کرنی نماند.
حالیت بطریق مسیح یائمه که برده از اینها رئیس ریاست کراحته بود
رئیس آذاری

رضه‌گشته - علی مرغطوس - حسن ماسالی - مشاور کجوری



حمایت از زلزله‌زدگان خراسان، پرونده‌سازی علیه افراد نیکوکار

دو سال قبل از فروپاشی رژیم شاه، در کنفراسیون انشعابات متعددی روی داده بود و عملاً این تشکیلات دموکراتیک، فروپاشیده بود. این در حالی بود که در سال ۱۹۶۸، از طرف کنفراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، به منظور حمایت از زلزله‌زدگان خراسان، حساب بانکی ویژه‌ای بازشده بود. کنفراسیون بر آن بود تا افراد و مخالف ایرانی و آلمانی، از آسیب زدگان حمایت به عمل آورند.

پس از فروپاشی رژیم شاه، همه فعالین کنفراسیون به ایران رفته و عده‌ای نیز دوباره به خارج برگشتند. از این رو هیچکس خبرنداشت که در حساب بانکی که به نام کنفراسیون اعلام شده بود، چه اتفاقی روی داده است. این در حالی بود که صندوق پستی کنفراسیون در فرانکفورت به اسم ما ثبت شده بود و آخرین رابطین کنفراسیون نیاز از دوستان ما بودند. هنگامی دوباره به آلمان برگشتم، از طریق پست و بانک مطلع گشتم که مبلغی قریب ۶۵۲۹۵ مارک، برای حمایت از زلزله زدگان، به حساب مذکور، واریز شده است. پس از طی مراحل قانونی، وجود مذبور را از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ در حساب پس‌انداز مخصوصی در ارتباط با حمایت از زلزله‌زدگان گذاشتم که در این مدت قریب ۱۲۰۰۰ مارک به آن اضافه شد و پس از پرداخت مخارج دادگستری و وکیل مدافع، مجموعه وجود مذبور را به ایران ارسال داشتم که اسناد مجموعه مربوطه ضمیمه می‌باشد.

از آنجایی که در هنگام تاسیس فدراسیون آلمان و کنفراسیون، به اتفاق تنی چند از دوستانم، این تشکیلات را در دادگستری شهر «کیل» به ثبت رسانده بودیم، بلاfaciale پس از تماس با یارانی چون دکتر مجلسی و زرین کفش و نیز ارتباط با دیگر مسئولین کنفراسیون، مقدمات روشن گشتن این موضوع را فراهم آوردیم. با انتخاب یک حقوقدان، با دادگستری کیل و بانک، ارتباط برقرار کردم تا پول‌های جمع آوری شده را به طور رسمی و قانونی، برای امور زلزله زدگان هزینه کیم. پس از تماس با چند تن از اشخاص مورد اعتماد که به نیکوکاری شهرت داشتند، وجود

جمع‌آوری شده را به طور رسمی به ایران فرستادیم تا در مناطق زلزله زده‌ی خراسان، مدرسه بسازند.

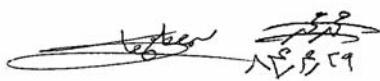
این اشخاص نیکوکار، حتی با اجازه‌ی رسمی و کتبی مقامات حکومت این کار را به پایان رساندند، اما ناگهان برخی از آخوندهای جنایتکار و مزدوران رژیم در صدد برآمدند که برعلیه این افراد نیکوکار پرونده سازی کنند. دستگاه تبلیغاتی رژیم، با وجودیکه از همه حقایق مطلع بود، نوشتند که این افراد از حسن ماسالی پول و اسلحه دریافت کده‌ی تا رژیم را براندازند! مدت‌ها، این افراد شریف در زندان بوده و مورد اذیت و آزار قرارگرفته‌اند. در اینجا تمام اسناد مذکور را انتشار داده تا همه مردم ایران و جهان به ماهیت جنون آمیز جنایتکاران حاکم بر ایران، بیشتر آشنا شوند.



تاریخ: ۸۴/۴/۲۹

بسمه تعالیٰ

در نشستی که در تاریخ ۸۴/۴/۲۹ برابر با ۲۰ ژولای ۲۰۰۵ برای تصفیه‌ی مبلغ ۳۵۸,۰۷۰,۰۰۰ ریال ارسالی کنفرانسیون دانشجویان و محصلین ایرانی خارج از کشور در سال ۱۹۶۸ میلادی برای کمک به زلزله‌زدگان خراسان که در سال ۱۳۷۹ مبلغ ۲۶۲,۶۳۲,۱۰۰ ریال آن جهت ساخت دو واحد مدرسه‌ی کلاسی دخترانه و پسرانه به نام زنده‌یاد دکتر محمد مصدق در روستای چنانان شهرستان بجنورد که تحويل مقامات محلی و اولیای آموزش و پرورش بجنورد گردیده است و گزارش آن قبل‌آدده شده است، با توجه به این که در مدت ۴ سال برای ساخت مدرسه‌ی سوم هیچ گونه همکاری توسط مدرسه‌سازان بجنورد نگردیده و حضرت آیة‌الله حسین علی منتظری اجازه فرمودند که تشهی آن در شهرستان زلزله‌زدی دیگری خرج گردد، و از آن‌جا که آقای حسین شاه‌حسینی در این راستا در شهرستان زلزله‌زدی به برای حفر چاه شرب اهالی مقدم می‌باشند، مقرر شد مبلغ باقی‌مانده‌ی آن که ۹۵,۴۳۷,۹۰۰ ریال می‌باشد به اضافه‌ی کمک شخصی آقای محمد محمدی اردکانی به مبلغ ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال که جمعاً ۱۱۰,۴۳۷,۹۰۰ ریال می‌شود، تدریجاً در اختیار گروه خیرین گذاشته شود تا به مقدمات حفر چاه شرب اقدام نمایند. توضیح این که مبلغ ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال طی یک فقره چک بانک تجارت به شماره ۲۷۷۹۳۸۰ مورخ ۸۴/۴/۲۹ از حساب جاری ۸۹۲۲۷۶ تحویل آقای شاه‌حسینی گردید.




سلام لطف‌خواهید بگلمون را تبریز، تفاهم است به خوبی

۷۹/۷/۱۰

بسمه تعالیٰ

ریاست‌محترم جمهوری اسلامی جناب آقای سید محمد خاتمی

محترماً اینجانب با همیاری هموطنان مقیم آلمان در ۲۵ کیاوا متری، شهرستان بجنورد در ده محروم چنان‌ان، که حدود ۷۰۰ خانوار زندگی می‌کنند و فاقد مدرسه راهنمایی بودند به طوریکه شاگردان دختر و پسر به صورت مختلف در کانکس‌های چوبی و فلزی مشغول درس بودند و آنطور که رئیس مدرسه آنجا گزارش داده خانوارهای هایی مشغول درس بودند و پسران آنها بطور مستقل در یک کلاس کوچک می‌باشند درس بخوانند اجازه تحمیل؛ فرزندان خود نمیدادند (توضیح آنکه مدرسه آنها به خاطر زلزله سالهای گذشته از بین رفته بود)، پس لز کسب اجازه از اداره کل فوتسازی مدارس خراسان و دریافت نشانه و اجازه نام گذاری روی مدرسه به طور شباهه روز در مدت کمتر از ۵ ماه اقدام به تأسیس دو واحد مدرسه راهنمایی به مساحت حدود ۵۵۰ متر مربع نمودم. لازم به توضیح است که در اثر سیل های ویرانگری که در همین ۶ ماه اخیر در منطقه جاری شده است هر کامیون که به محل مدرسه وارد می‌شد به هیچ وجه برای بار دوم به خاطر خرابی راه با ما همکاری نمیکرد. جناب آقای خاتمی با تلاش شباهه روزی اینجانب و همکارانم که به معجزه بیشتر شیشه بود مدرسه‌های فوق را برای اول مهر آماده کرده و تحویل وزارت آموزش و پرورش دادیم و آنها امسال تو انتستد شاگردان خود را ثبت نام کنندو مدرسه‌ها در تاریخ ۷/۷/۷۹ با حضور زیاد آموزش و پرورش بجنورد افتتاح گردید. توضیح دوم آنکه این مدارس به مناسبت چهل و نهمین سال خلع ید از شرکت نفت سابق انگلیس به نام قهرمان خلع ید دکتر محمد مصدق نامگذاری گردید. جناب آقای خاتمی با توجه به نطق جنابعالی در سازمان ملل متعدد در باره دکتر محمد مصدق و با توجه به اینکه هم اکنون لایحه جلب سرمایه و سرمایه‌گذاری ایرانیان دور از وطن در مجلس شورای اسلامی در حال تصویب می‌باشد آیا اشکالی دارد در یک منطقه محروم نام مدرسه‌ای به نام قهرمان مبارزه با استعمار نامگذاری گردد؟

بله پس از ۵ ماه بر تابه ریزی و ۵ ماه نژمات شبانه روزی مدارس فوق به نام دکتر محمد مصدق نامگذاری گردید ولیکن با اطلاعاتی که اینجانب بدست آورده ام افرادی از گروه فشار با اقدام ناپذیرانه خود شبانه کتبی و سنگ توشتہ دکتر محمد مصدق را در مدرسه های فوق تخریب و به ساختمان خسارت زیادی وارد کرده اند.

آیا تاریک اندیشان چگونه علیرغم اینکه تمام معلمین و دانش آموزان و اهالی محترم ده چنان را و شورای اسلامی چنان را و مقامات وزارت آموزش و پرورش چنین بگرمی از نام دکتر محمد مصدق استقبال نمودند و تقدیر نامه برای اینجانب چه حضوری و چه کتبی صادر نموده به خود اجازه میدهند نام پر برکت دکتر محمد مصدق محظوظ کنند؟

آیا اینجانب و ایرانیان دور از وطن و اکثریت ملت ایران حق ندارند نام مشاهیر بزرگ ایران را روی مدارسی که خود ساخته اند بگذارند؟

آقای رئیس جمهور این چه صیغه ایست وقتی سنگ توشتہ ای از رهایی از استعمار انگلیس سخن می گوید کسانی بخود اجازه میدهند به نام دین دوران مبارزه با تسلط استعمار گر پیر را از دید مردم محظوظ نمایند؟

آیا این رفتار تجاوزگرانه به نام این درس را نمی دهد که هنوز در ایران افرادی هستند که خواب تسلط انگلیس را می بینند؟ آمید است چنین نباشد.

به هر صورت با توجه به اینکه اینجانب بیقی قرار دادی به نام خیرین مدرسه ساز با اداره کل نوسازی مدارس خراسان اضمام نموده ام که کم آن به پیوست نامه می باشد و با توجه به اینکه قرار است با ایرانیان دور از وطن مذاکراتی برای ساخت بیش از ۱۰۰ واحد مدرسه انجام گیرد از جانب عالی که یک شخصیت فرهیخته می باشید قاطعانه خواستاریم تا دستور دیده موافع نام گذاری مدارس فوق به نام دکتر محمد مصدق بر طرف گردیده که ان شاء الله اینجانب هم بتواند به تعهد خود برای ساخت مدارس دیگر اقدام نمایم.

با تقدیم احترام
محمد محمدی اردبیالی

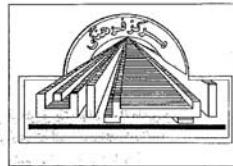
IRANISCHES KULTURZENTRUM e.V.

IRANIEN CULTURAL CENTER (I.C.C.)

CENTRE CULTUREL IRANIEN

Iranisches Kulturzentrum e.V. * P.O.Box 160414 * 60067 Frankfurt/M. * Germany

Iranisches Kulturzentrum e.V. * P.O.Box 4145 * 65031 Wiesbaden * Germany



استند ۱۳۷۸ برایر با فوریه ۲۰۰۰

جهت اطلاع اعضا و فعالین ساقی کنفراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

فراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آستان قمری و زلین عربی

برای اطلاع علاقمندان و دوستداران مردم ایران

اپریان شرائمه

درسال ۱۹۷۶ میلادی، با همث اعضا و فعالین کنفراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی،

مبلغ نشت و پنج هزار و دویست و دو و پنج مارک و هفتاد فرانک بینوان «تمک به زلنه زدگان

ایران » جمع اوری و در حساب شماره ۱۰۰۴۵۰ در بانک امان شبه شهر مایس ریخته

شد. بود

پس از گذشت سالها و موقوف شدن فعالیت‌های فراسیون و کنفراسیون، همه‌چنین حوادث پس از

انقلاب و پراکندگی و مهاجرت مستولین ساقی سازمانهای مذکور وجود جمع اوری شده در بانک

امان راک ماند و به صرف واقعی خود نرسید. تایپیه پس از سیری شن حدود ۵۰ سال، بطور

تصادیقی، یکی از دیرین ساقی کنفراسیون و اینستادیاران فراسیون ایمان از این امر مطلع

بیگردید اینسان طی نامه‌ای در تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۹۳ به بعداد تبری از مستولین ساقی جنبش

دانشجویی مراجح بکند و تقاضا می‌کند که راه حل قانونی و درصروف امکان سنجیمی جستجو

شود تا این پول به صرف واقعی خود در مناطق زلنه زده ایران برسد. باوجود واتش‌های منطق

برخی افراد، نهایتاً سه نفر از دیرین ساقی کنفراسیون و اینستادیاران فراسیون آلمان که دره لبت

رساندن این سازمان دردادگستری شهر کل نفع فعال داشتند، به دادگستری شهرکل و پخش

حقوقی بانک آلمان رجوع کردند و همه‌چنین با استفاده یک وکیل دعوی، راه قانونی دریافت

وارسال پول به ایران را طرح نمودند.

اوین گام قانونی این بود که وجه مزبور در حساب پس انداز و پیزه ای بنام کنفراسیون و در همان

بانک ریخته شد که اینه بهره به آن تعقیل نگیرد.

گام بعدی این بود که پول مزبور بانتظارت وتوافق دادگستری، پخش حقوقی بانک و بالوچه به

مقررات اداره مالیات، بیست افراد معتمد مردم در ایران برسد تا صرف ساختن مدرسه یا درماتگاه

و... در مناطق زلنه زده ایران بشود.

در اینباره تماسهای مختلف نیز با شخص مورد اعتماد مردم در ایران برقرار شد و نهایتاً سه نفر از

هفقطوان مرحوم هندرس کالتم هسپی که قلا در باری رساندن مردم مناطق زلنه زده و به اجرا

درآوردن امور خبریه پیشگام و کوشای بودند، آمادگی خود را برای اجرای این طرح اعلام کردند.

افراد معتمد در ایران، پس از مسافت و ازیابی در مناطق محروم و زلنه زده، تصمیم گرفتند که سه

باب مدرسه در استان خراسان احداث کنند که تفاهم نامه و قرارداد های اجرایی آنرا نیز به امضا

رسانده اند.

طبق دستورالعمل کتبی اداره دادگستری، پول مزبور می‌باشد از طریق یک نهاد غیرانتفاعی و رسمی (به بیت رسیده) به ایران ارسال می‌شود. لذا با تواافق افرادی که امور مربوطه را پیگیری میکردند، همچنین با موافقت مقامات دیپلمات آلمانی و مقامات ایران «مرکز فرهنگی ایران» که بنوان یک نهاد قانونی و غیرانتفاعی در آلمان به ثبت رسیده است، امر انتقال پول «کمک به زلزله زدگان ایران» را به داخل کشور بر عهده گرفت. در اسناد مبادله شده در آلمان و در ایران بصراحت ذکر گردیده اند که جمع آوری این کمک بوسیله کنفراسیون جهانی مصلحین و دانشجویان ایرانی و هزاران نفر از اعضا و فعالین آن در آلمان تحقق یافته بودند.

باد آور می‌شویم که هنگام بسته شدن حساب مزبور در سال ۱۹۹۹ و ارسال آن به ایران موجودی حساب مزبور به هشتاد و هفت هزار و پانصد و یک مارک و هشت فنیگ رسیده بود. یعنی از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ که در حساب ویژه ای تنهایی میشد، قریب دوازده هزار مارک به مبلغ اصلی اضافه گردید. از این حساب، مبلغ چهارصد مارک بابت مخارج اداری به دادگستری شهرکیل پرداخت شد و هزار و سی و پنج مارک وسی فنیگ نیز به وکیل دعاوی پرداخت گردیده است که اساساً رسماً آنها موجود هستند.

افراد معتقد در ایران اطلاع داده اند که طرح اجرای ساختمان مدارس را آغاز کرده اند و پیش این میکنند که برای پاتنم رساندن ساختمان سه مدرسه در مناطق دور افراحت استان خراسان، چند میلیون تومن کسر بودجه خواهند داشت و در صورتی که کمک های دیگری از طرف افراد خیر جمع آوری نشود، خودشان در ایران قبیه مخارج آنرا بر عهده خواهند گرفت.

افراد معتقد در ایران همچنین اطلاع داده اند که پس از پیان رساندن طرح ساختمان مدارس و اجرای کامل آن، صورتحساب همه ی مخارج آنرا همراه باستان و مدارک دیگر تنظیم کرده در اختیار افکار عمومی و هموطنان شرائمهند قرار خواهد داد.

با احترام - مرکز فرهنگی ایران

پس از بازگشت دویاره به اروپا در سال ۱۹۸۴، از طریق پست و باتک، مطلع شدم که مبلغ هنگفتی مارک آلمانی برای "کمک به زلزله زدگان ایران" جمع آوری شده است. این امر را باطلع دبیران سابق فدراسیون و کنفراسیون که به آنها دسترسی داشتم، رسالتمن، از آنجاییکه سایپا بعنوان دبیر کنفراسیون و دبیر فدراسیون مصلحین و دانشجویان ایرانی در آلمان فرانل و برلین غربی، این نهاد دانشجویی را در دادگستری شهرکیل (آلمان) به بیت رسانده بودم، با انتخاب یک وکیل دعاوی، و ارائه مدارک مختلف که حفظ کرده بودم، موفق شدم، پول مزبور را بطور قیمتی دریافت کنم. و پس از مشورت با تعدادی از مسئولین سابق فدراسیون و کنفراسیون، تمام وجهه جمع آوری شده را از طریق یک نهاد غیرانتفاعی به ایران ارسال داشتم. واز چند نفر افراد خیرخواه که سایپا همکاری با کنفراسیون داشتند: تقاضا کردم که وجهه مزبور را در مناطق دوردست و عقب مانده خراسان بمصرف مردم درمددن برسانند. آنها با موافقت رسمی مقامات حکومت ایران در خراسان، دو مدرسه در منطقه زلزله زدگان خراسان درست کردند. اما از آنجاییکه این مدارس به اسم "دکتر محمد مصدق" نامگذاری شده بود، فاشیستها اسلامی، در زمان حکومت خاتمی، افراد نیکوکار را مستگیر و زندانی کردند و ادعا کردند که "از حسن مسلسلی پول برای براندازی" دریافت کرده اند.

.....

به گزارش مرکز استناد انقلاب اسلامی، ماسالی به همراه همسرش در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی از ایران خارج و رویارویی با انقلاب اسلامی را پی کرفت. او سالها پیشتر ادعا کرده بود «رزیم جمهوری اسلامی در کوتاه مدت رفتی است».

او به همراه «بومن نیرومند»، (متوجه اکبر گنجی در مصاحبه با نشریه آلمانی تاگس اشپیکل سایتوگ) و «مهدی سردانی طارمی»، «مسعود رجوی» و ... شورای به اصطلاح مقاومت ملی را تشکیل دادند؛ اما پس از استقرار گوههک منافقین در عراق و افزایش اختلافات درون گروهی از این شورا جدا شد.

حسن ماسالی در حاشیه کنفرانس برلین با برخی از ایرانیان سفر کرده به این سمینار از جمله چنگیز یهلوان، مهرانگیز کار، حسن یوسفی اشکوری و عزت الله سحابی دیدار و گفت و گو داشته است.

همچنین او به همراه «بومن نیرومند»، (متوجه اکبر گنجی در مصاحبه با نشریه آلمانی تاگس اشپیکل)، «مهدی سردانی طارمی»، «مسعود رجوی» و ... شورای به اصطلاح مقاومت ملی منافقین را تشکیل دادند؛ اما پس از استقرار گوههک منافقین در عراق و افزایش اختلافات درون گروهی از این شورا جدا شد.

MASALI به همراه طیف های برانداز دیگر از سال 68 به بعد وارد فارج دیده مبارزه فرهنگی سیاسی با انقلاب اسلامی شدند و حرکت جدیدی را با هدایت سیا و سازمانهای اطلاعاتی غربی آغاز کردند؛ به طوری که در سال 73 «حسن موسوی»، از رادیو لس آنجلس و همکار سیا، با ترتیب دادن یک میزگرد با حضور «حسن ماسالی»، «منوچهر گنجی»، «علی راسی»، «بروز دستمالچی»، «مهدی حائزی» و ... که عناصر شاخص طیبهای مختلف ایوبیسیون بودند، درباره یک «انقلاب تاکتیکی» برای اجرای پروژه «استحالة از درون» بحث کردند. در این میزگرد، حائزی تصویر کرده بود که «در اثر ضعف و عدم همبستگی ایوبیسیون، جمهوری اسلامی توانسته 15 سال حکومت کند! راسخ نیز اعتراف کرده بود که «ما فرهنگ انقلاب نداریم».

حسن ماسالی در سال 74 در کفت و گو با نشریه سلطنت طبلان چاپ لندن نیز در پاسخ به این پرسش که اگر دولاره انقلابی به وجود بیاید به عنوان یک عصر مبارزه چگونه عمل می کنید؟ کتفه بود: «تنها تا مرحله براندازی با تغییر حکومت فکر نمی کنم بلکه برای کسب قدرت سیاسی و ... فکر و برنامه می ریزم».

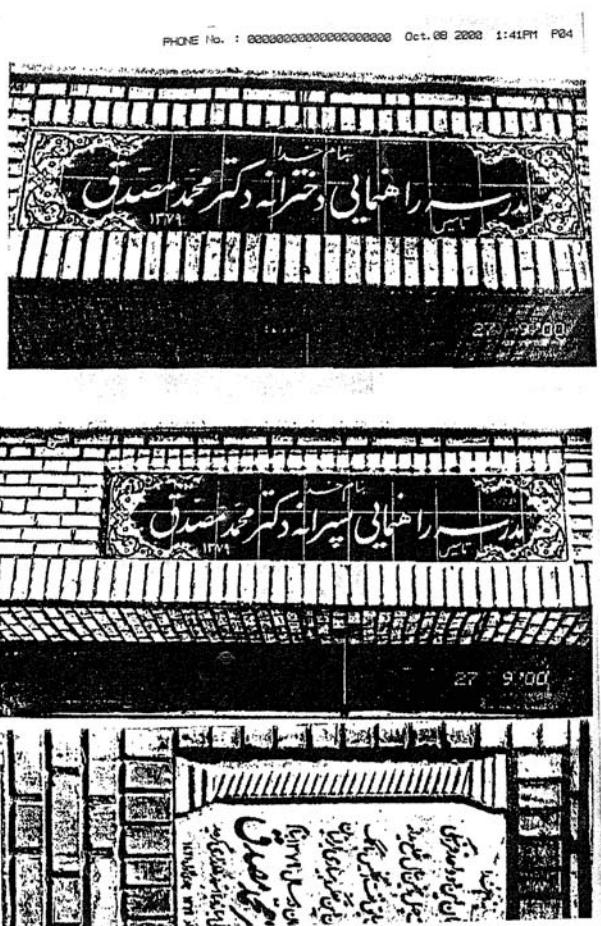
در همین اثنا بود که در راستای سناریوی جدید دشمن برای براندازی خاموش، «منوچهر گنجی»، «عضو سیا و از ضدانقلابیون فاری تاکید کرده بود: «مبارزه فرهنگی- سیاسی، مبارزه ساکت و غیرمستقیم نیست بلکه علني و آشکار صورت می گیرد». «هوشمنگ انصاری» نیز گفته بود «باید عوامل خود را به من قدرت رزم نفوذ دهیم».

این در حالی بود که «حسن ماسالی»، مسئول امور ایران در حزب سیزها و طراح پشت برده کنفرانس برلین در سال 75 به نشریه ضدانقلابی نمرو گفته بود: «برای حفظ نظام ولایت فقهی اگر به شیوه سنتی برخورد کنیم، باید بگویند سرنگونی نظام ولایت فقهی با شیوه مبارزه مسلحانه و با ایجاد جمهه واحد ضدیکاتوری به رهبری یک سازمان پیشاپاهنگ. اما تحریه گذشته به ما آموخته است که برای تغییر یک نظام و ... ضروری است درباره همه ابعاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آن و مبارزه با آن به دقت بیندیشیم».

«MASALI» در جریان دادگاه مقتض مکونوس به همراه «بنی صدر فاری» تدارک آن را بر عهده داشت.

همچنین وی عامل دعوت از «منوچهر محمدی و مهاجری نزاد»، دو تن از عوامل اصلی اشتباهی خیابانی تبر ماه 78 تهران به نمایندگی از بنیاد هاینریش بل برای سفر به آلمان بوده است.

در این سفر، «منوچهر محمدی»، «مهاجری نزاد» جلساتی را با سرویس امنیتی آلمان برگزار کردند.



Ausfertigung
سند ثبت فدراسیون مهندسین و دانشجویان ایرانی در دادگستری شهر کیل
B e s c h l uß

In der Vereinsregistersache

Förderation der iranischen Studenten in der
Bundesrepublik Deutschland und Westberlin
Sitz: Kiel

- ehemals eingetragen im Vereinsregister des Amtsgerichts Kiel unter Nummer
VR 2242 -

werden auf Antrag der Herren

Hassan Massali, Niederwaldstr. 39, 65197 Wiesbaden;
Keywan Zarrinkafsch, Schenefelder Landstraße 160, 22589 Hamburg;
Dr. Farrokh Majlessi, Qualenbrink 5, 59555 Lippstadt,
vom 04.05.1998

die Herren

Hassan Massali, Niederwaldstr. 39, 65197 Wiesbaden; und
Keywan Zarrinkafsch, Schenefelder Landstr. 160, 22589 Hamburg

zu gemeinsam vertretungsberechtigten Nachtragsliquidatoren des vorerwähnten
Vereins bestellt.

Ihr Aufgabengebiet umfaßt:

die Auflösung des Bankkontos bei der Deutschen Bank und Auskehrung des
Guthabens an den Anfallberechtigten lt. Satzung oder - falls dieser nicht
mehr feststellbar ist - an eine gemeinnützige Organisation mit der Zweck-
bestimmung "Erdbebenhilfe Iran".

Einer Eintragung in das Vereinsregister über die Liquidation und die Be-
stellung der Nachtragsliquidatoren bedarf es nicht, da die Bestellung nur
für die Vornahme bestimmter Rechtshandlungen erfolgt.

Kiel, 21. August 1998
Amtsgericht Kiel, Abt. 5
Hildebrand
Rechtsanwältin



Deutsche Bank
Aktiengesellschaft



Filiale Mainz
Privat- und Geschäftskunden
Postfach 1740
55007 Mainz

Herrn
Hassan Massali
Postfach 4145

65031 Wiesbaden

Ludwigsstr. 8-10
55116 Mainz

Corinna Weyer
Telefon (06131) 203-228
Telefax (06131) 203-518

19. November 1997
wyr

Konto Nr. 0149500 00/ 30
Conföderation Iranischer Studenten (Nationalunion) und
die Föderation Iranischer Studenten in der Bundesrepublik
Deutschland und West-Berlin e.V.

Sehr geehrter Herr Massali,

bereits in den Jahren 1993/94 und 1995 haben wir zwecks Klärung
o.g. Kundenverbindung mit Ihnen Kontakt aufgenommen.

Da wir bis heute diese Kundenverbindung nicht ordnen konnten
bitten wir Sie nochmals, uns behilflich zu sein.
Wir wissen nicht, ob dieser Verein noch besteht und wer
weisungsberechtigt ist.
Sollten Sie auch keine nähere Auskünfte haben, wären wir aber
trotzdem sehr dankbar, wenn Sie sich mit uns kurz in Verbindung
setzen würden.

Für Ihre Hilfe bedanken wir uns vorab und verbleiben

mit freundlichen Grüßen

Corinna Weyer

نامه بانک درباره پول جمع آوری شده برای زلزله زدگان

کنفرانس برلین و ماجراجویی‌های رژیم

چند نفر از روش‌شنفکران ایرانی در خارج از کشور، با حمایت "بنیاد هایزنیش بل" که متعلق به حزب سبزهای آمان است، در صدد برآمدند که با مشارکت برخی از کوشندگان سیاسی داخل و خارج از کشور، یک کنفرانس سیاسی به منظور گفتگو و تبادل نظر، برگزار کنند که به "کنفرانس برلین" شهرت یافت. من از ابتدا با شیوه‌ی کار و مناسباتی که در داخل و خارج از کشور اتخاذ کرده بودند، مخالف بودم و در کنفرانس نیز شرکت نداشتیم. اما، رژیم جنایتکار ایران، بار دیگر در صدد برآمد که برای شرکت کنندگان "کنفرانس برلین"، پرونده سازی کند.

این بار نیز، به همه شرکت کنندگان کنفرانس، اتهام زده بودند که با من در ارتباط هستند و حتی به طور محترمانه اسلحه و پول از نگارنده، دریافت کرده‌اند!

بسیار شنیده بودم و در زندگی سیاسی ام نیز در پاره ای موارد تجربه کرده بودم که «اکثریت قریب به اتفاق آخوندها، وقیح ترین موجودات جهان هستند». اما تا این درجه، از وقاحت، جهالت و جنایت پیشه گی آنان اطلاع نداشتیم. در اینجا، اسناد مذکور را انتشار می‌دهم تا نسل‌های آینده‌ی ایران را از نزدیک شدن به جماعت آخوند و هم پیمانان ریاکار آنان، برحذردارم. لازم به یاد آوری است به خاطر بی احترامی و ستمی که نسبت به شرکت کنندگان در کنفرانس روا می‌داشتند، بسیار ناراحت بودم، اما کاری از دستم ساخته نبود، جز اینکه چنین اتهاماتی را تکذیب کنم.

بسیاری از افراد و محافل تعجب می‌کردند که چرا رژیم به چنین شیوه و ابزاری متولّ می‌شود؟ علل آن را می‌توانم چنین توضیح بدهم: پس از استقرار رژیم خمینی تاکنون، خواستار برچیدن تمام عیار آن بوده‌ام و این پدیده را لکه‌ی ننگی در تاریخ ایران تلقی می‌کنم. به همین علت، همه جناح‌های رژیم کوشش می‌کنند که مرا به اصطلاح در میان نیروهای سیاسی ایران منزوی کنند، غافل از آن که نگارنده، ضمن احترام به دگراندیشان دموکرات، یاران سیاسی خود را فقط در میان آزاداندیشان

وعناصر با فرهنگ و انسان‌های صادق به منافع مردم، جستجو می‌کند.

**THE FOUNDATION for PEACE, SOCIAL JUSTICE and
DEMOCRACY in THE MIDDLE EAST**
P.O.Box 60735 POTOMAC, MD 20859, USA E-mail: HMassali@AOL.COM
Tel.: 1-301-838 9257 Fax: 1-301-838 9256

پیشاد صلح و دمکراسی و عدالت اجتماعی پرای خاورمیانه

ناتوانی سیاسی گردانندگان کنفرانس برلین
و توطئه گماشتنگان وزارت اطلاعات

نشریه کیهان که بوسیله گماشتنگان وزارت اطلاعات در تهران منتشر می‌باید، در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۶ برای رسانید هم ماه سپتامبر ۲۰۰۰ مطبوعی تحقیق عنوان "پشت صحنه گماشتنگان ضد اقلیاتی برلین چه کسی بود؟" منتشر داده است که پیانتر خصلت تزویری و توطئه گرانه‌ی تحقیق فتاوی و جواهات گماشتنگان آنست. توطئه گران نظام برای اینکه پوعلیه شرکت گمندگان کنفرانس برلین پرونده سازی کنند، با شوه آخوندی - ماقبلی مطالب خلاف حقیقت و متضادی را علیه شخص من منتشر داده اند و به دروغ مد می‌شده اند که در برگزاری کنفرانس برلین نقش داشته، در آن شرکت کرده و با خرافت مخفیانه که از ایران آمده بودند بطور سری ملاقات داشته ام. همچنین مدعی شده اند که طرفدار "استحاله" هستند و در این از بساط بالا را و مبالغی هستگاری می‌کنند. پرای روشن شدن اتفاقات عمومی، ضروری میدانم که مطالعین را بشرح زیر پاگاهی عموم پرسام:

۱- من همچنین واسطگی به حزب سبزهای نداشته و هیچ نشی در "بنیاد هایبرنیش بل" نداوم و حتی گردانندگان آنرا از نزدیک نمی‌شناسم و با برگزاری کنفرانس با این شکل و محتوا، از اینها مخالف بودم و نظیر را بیکی از افراد ایرانی تبار که برای تدارک آن فعالیت می‌کردند، چنان ماه قابل از برگزاری کنفرانس گفته بودم. اگر تغایرات را صورت نوجه قرار میدادند کنفرانس مزبور با این ابتدا برگزار نمیشد.

الحاد حزب سبزهای و گردانندگان "بنیاد هایبرنیش بل" از آرایی نیروهای سیاسی ایران در داخل و خارج از کشور شناخت کافی نداشتند ولذا آنکه بیننندند از یکنظر خود را نماینده حزب سبزهای و از گردانندگان آن بنیاد معرفی کرد و از طرف دیگر "قیم" نیروهای سیاسی ایرانی در خارج از کشور شد و مانع از آن گردید که عناصر صاحب نظر و دمکرات خارج از کشور، با حقوق مساوی و احترام متقابل در گفتگو و تبادل نظرهای مزبور بطریح دمکراتیکی شرکت کنند، ایشان، موقعیت حسن سیاسی کشور را تشخیص نداد و عاملانه عنصر و مصالح صاحب نظر و دمکرات ایرانی مقیم خارج از کشور را حذف کرد. پرای اینکه ادعای دمکراسی و دمکرات منشی کند، الفراد زیادی را بطور صوری و بعنوان تعماشاجی در کنفرانس راه دادند که این شوه کار، اهانت به افراد و خلاف فرهنگ دمکراسی بود ولذا پرای با مثبتات آن اعتراض کردند و دون شخصیت خود میدانستند که در چنین مناسباتی قرار نگیرند، پرای نیز بعنوان عکس العمل، جنجحال آفریدند. این کنفرانس که میتوانست نقش مهمی برای گفتگو و ایجاد تفاهم بین نیروهای دمکرات ایرانی و آلمانی و نیروهای دمکرات داخل و خارج از کشور ایضاً کند، از صیر اصلی خود منحرف شد و به ضد هدف های خود عمل کرد. نادانی در امر سازماندهی و عدم توجه به معیارهای انسانی و دمکراسی تا حدی بود که حتی میهمانانی را که از ایران دعوت کرده بودند، پرای (اسلام هست هارا) باهوابیا در داخل آلمان حمل و نقل شدند و برای هر کدام از آنها دو تا سه نفر محافظه گذاشته بودند و در جلسات کناری و پزه‌ای نیز شرکت میدادند و در هتل های پیش از دیگران از آنها پایه‌برابری میکردند. در حایله میهمانان "سکولار" محافظه نداشند و میباشند حتی بول آن آشاییدنی خود را هم پرداختند. پرای به "خدی" و "غیر خودی" و به انسانهای در جه پک و درجه دولتیم شده

بودند (این عسائل را برجی ازمهانان شرکت کننده بنوان اعتراف مطرح کرده بودند که از طریق منابع مختلف تأثیر گذاشته است).

۲- هشتماً برگزاری کنفرانس برلین در آمریکا بودم و از آنجا مطیع نامه‌ی سرگشاده‌ای خطاب به همه‌ی ازمهانان شرکت کننده، پیشنهاد کردم که با حقوق مساوی و با احترام متفاوت در گذشتو و نشست مشترکی با ابروهای دمکرات مفہوم خارج از کشور که به طور بنیادی مخالف رژیم دین سالاری در ایران هستند، شرکت کنند، اسم، شماره‌ی تلفن و دورنگار خودم در آمریکا را نیز نوشته بودم اما، خبری دریافت نکنم.

۳- برخلاف ایده‌ای گماشتگان وزارت اطلاعات که در کیهان تهران لجن برآکنی و توظیه‌گری میکنند، نهایاً در برگزاری کنفرانس برلین نقش نداشت، بلکه به شووه از برگزاری آن معرض بودم. علاوه بر آن، با هیچ‌کدام ازمهانان شرکت کننده دیدار نداشتم و حرف "سری" و "پشت برد" نیز با هیچ‌کدام ندارم. موافع سیاست خودم را طرح‌ها باصرحت و بطرور باز مطرح کرده‌ام که: با رژیم دین سالاری - تزوییتی، باید مشغول بنیادی مسازه کرد و همه‌ی ایجاد سیاسی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و سیاستیهای دیوان سالاری آنرا ریشه کن ساخت؛ بنابراین، طرفدار "استحاله" نبوده و نیست و بکار از امکنات سیاسی - فرهنگی تبروهای مخالف رژیم، همن روش نظرکار نهاده‌ای آخوند میکند که با نوسل به تئوری "استحاله"، عمر رژیم را طولانی تر و مبارزات مردم را نیز از مسیر اصلی خود منحرف کرده‌اند. رفاقت‌ها و جناح‌بندی‌های درون رژیم حاکم، نیز، نهایاً در خدمت هنای نظام و انحراف مبارزات دمکراتیک ملی برم میباشد.

۴- همیشه براین باور بوده‌ام که نهایاً برای برکناری دیکتاتورها، ملکه برای جلوگیری از بازگشت و بازسازی حکومنهای استبدادی، همچنین برای سازندگی و شکوفائی جامعه باید طرح و برنامه درازمدت و جشم انداز روشی داشته باشیم. علاوه بر آن، برای نهادی کردن آزادی و دمکراسی و یکپارچگی و همبستگی ملی، ضروری است که در راه "الاتفاق ملی" گام بزرگ و صمیمانه در این راه لاذم کنیم. براین اساس بود که در ایستادن ۱۹۶۵ نقض فعالی در برگزاری "کنفرانس ملی" در شهر اشتوتگارت (آلمان) داشتم؛ بنابراین، گماشتگان نادان و بیساد وزارت اطلاعات، سخنرانی‌ها دریکی از اجتماعات شهر اسپوگ، بنوان کنفرانس مزبور نام‌میبرند. باز همه‌ی همتر تاکنون هیچگاه با آقای عزت الله سحابی (قبل از انقلاب، در حیران انقلاب و با پس از انقلاب) دیدار نداشته‌ام و با وجوده به اینکه ایشان خود را وفادار به نظام دین سالاری و قانون اساسی آن معرفی میکنند، نخست قدری باهمدیگر ندارم.

۵- نزیر وزارت اطلاعات نام برخی افراد را باصطلاح بنوان همکاران سیاسی‌ام درج کرده است که هیچ‌کدام از آنها در مسیر فکری و سیاسی من قرار ندازند و باوجوده به بنیادهای فکری و سیاسی ام که سخت به آنها بایدند هستم قادر به همکاری با آنها نیستم (وین مسئله برهانگان آشکار است، بجز عناصر بیساد حاکم در ایران که در جهل عرک بسر میبرند).

۶- از افرادی هستم که بدون پرده بوضی خواستار برقراری مناسبات دیپلomatic با تمام کشورهای جهان، از جمله ایالات متحده آمریکا و اسرائیل هستم و عقیده دارم که جمهوری اسلامی را باید مجدوپ کرد. به تزوییم و خوشبختگی خود در سطح بین المللی نیز خالمه بدد. مایه‌ای ریشه کن کردن نظام دین سالاری و استبداد در ایران، باید به نیروی اسازمان یافته مردم داخل کشور و همیستگی ایرانیان خارج از کشور متولی شویم، نه اینکه متنکی به خصم خارجی و با درانتظار همچه آنان بششم.

از همه‌ی گروههای خبری که به آزادی اندیشه و بیان اعتقاد دارند، انتظار میبرود که بالانتشار این اخلاقیه تولنه گری جمهوری اسلامی را علیه آزاد اندیشان داخل و خارج از کشور برملا‌سازند و به همه‌ی عناصر و نیروهای طرفدار دمکراسی و "ستولولریسم" نیشنهاد میکنم که ضمن احترام به باورهای مذهبی مردم بنوان یک امر خصوصی شهروندان، قاطعانه در راه فرویاشی نظام دین سالاری در ایران مبارزه کنیم.

بازگشت به صفحه اول

الخبراء روز

ملت باور نمی کند!

اعتراض دانشجویان و

خانواده های زندانیان سیاسی به "هویت ۲"
 گروهی مختلف دانشجویی آماده می شوند تا در ملاقات با
 خانواده علی اشاره به مصاحبه های اجباری اعتراض کنند
نامه خانواده های زندانیان سیاسی

خطاب به ملت ایران

قسمت های مستخدم و بردی منتشر از سخنرانی این عزیزان پیش از
 دستگیری در همان وقت و با همان زمان مساوی مصاحبه آنان نیز در
 صدا و سیما پخش شود تا مردم سریف ایران خود به قضاوت عادله
 پوشیدند

جمعه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰ - ۱۸:۰۰

پخش مصاحبه اجباری علی اشاره مضمون شورای مرکزی دفتر تحقیک وحدت با واکنش
 تند دانشجویان و خانواده های زندانیان سیاسی روپرتو شد و این مصاحبه اجباری
 پیش از سوی آنها حکوم شد.

پیگاراش خبرنامه امیرکبیر، صبح روز گذشته تعدادی از اعضای انجمن دانشگاه
 امیرکبیر با خانواده علی اشاره دیدار کردند. دانشجویان با نخنام خانوادن این روش های
 برای تحریف افکار عمومی برای خانواده ایشان آرزوی صبر کردند. خبرهای دیگر حاکی
 است گروهی مختلف دانشجویی آماده می شوند تا به ملاقات خانواده افشاری بروند و
 با ابراز همدردی با این خانواده اعتراض خود را به شیوه های ضد انسانی و ضد اخلاقی
 مصاحبه های اجباری اعلام دارند.

همچنین گروه بزرگی از خانواده های زندانیان سیاسی بیانیه ای منتشر کردند و
 خاطرنشان نمودند: ما اعلام می داریم که گفتگوها و تحلیلهای این عزیزان تا هنگامی که
 در بازار آشنازی به سر می برند و پس از مدت های اقامات در سلوک های انفرادی و بی خبری
 نقاد هرگونه اعتبار است و بر جرم و اتهام هیچ کس دلالت ندارد.

متن این نامه را در زیر می خوانید:

بیانام خداوند پخششده مهریان

ملت شریف ایران

سر انجام پس از شایعه های بسیار پیرامون پخش اعتراضات و افراط های اشاره گرانه
 چاره اشتشگان اخیر و سخنانی که آقای ملیزه در جمیع عاشریان ایران کرده است*

شاهد پخش اولین بخش از اجرای این برنامه در سیمای جمهوری اسلامی بودیم.
 مصاحبه در شایعه های مورث گرفت که مصاحبه کننده بطور مرتب تکرار می نمود که این

مصاحبه بدور خواست و دخواه مصاحبه شونده انجام گرفته است.

شایان توجه است که از زمان حادثه و مشتبه امله او باش به کوی دانشگاه (که حدود ۲
 سال از آن می گذرد) "دانشجویان" دستاندکاران و صاحب نظران بارها و بارها خواستار
 مصاحبه گشت و گو و مناظره در صدا و سیما شده اند و این تاکنون هیچ اعتنایی به
 درخواست شخصی که ۵ ناده در انفرادی و قریطه خبری زندانی بوده و فرست ملکاتی
 بدین مراجعت و در شایط عادی با خانواده خود نیز نداشته است، مصاحبه های صورت
 می گیرد، آن هم در حالی که مصاحبه کننده بطور مرتب حرف اور اقطع و با پرسش های
 مکرر پاسخ های او را به سمتی خاص که پیش از این "کیهان نشیان" و "رسالت" سواران
 خیر آن را داده اند! هدایت می کند.

ملت مسلمان و بزرگوار

آیا پخش سخنان بزیده بزیده یک زندانی و یا نقل قول‌های تحریف شده از کسانی که فرست هیچ دفاعی به آنان داده نشده است و ما هم این خبر را از وضعیت آنان در دست نیست، همه‌ون خودن گوشت مرده نمی‌باشد؟

ما خانواده‌های زندان سیاسی ضمن غیرعادلانه و غیرمنصفانه شمردن چندین شیوه‌هایی، اقدام به پخش چنین تماشی‌هایی که جز فرو ریختن اخلاق در جامعه و نسل جوان نتیجه‌های ندارد، به شدت محکوم می‌نماییم و به مسئولان دلشور هشدار می‌دهیم، ما اعلام می‌داریم که گفته‌ها و تحلیلهای این عزیزان تاهنگاهی که در بازداشت به سر می‌برند و پس از مدت‌ها اقامات در سلول‌های انفرادی و بی‌خبری، فاقد هرگونه اعتبار است و بر جرم و اتهام هیچ کس دلالت ندارد.

ما خواستار آن هستیم تا در این رسانه ملی که همه مردم ایران تعاق دارد قسمت‌های مستجم و بزیده‌های از سخنرانی این عزیزان پیش از دستگیری در همان وقت و با همان زمان مساوی مصاحبه آنان نیز در صدا و سیما پخش شود تا مردم شریف ایران خود به قضاوت عادله و بنشینند.

مکروا و مکر الله و الله و خير الماكرين
خانواده بازداشت‌شگان:

طاهر احمدزاده، محمد ارتضی، مرتضی اشراقی، ابوالفضل بازرگان، محمد سنتنگار، محمدحسین بنی‌اسدی، مسعود پدرام، حبیب‌الله پیمان، محمد توسلی حجتی، امیر خرم، علیرضا رجایی، تقی رحمنی، احد رضایی، حسین رفیعی، رضا رئیسی‌طوسی، عزت‌الله سحابی، علی‌اکبر سرجمعی، هدی صابر، علی‌رضا علیجانی، محمد عمراهی، علی‌اصغر غروف، غفار فرزی، مرتضی کاظمیان، محمد حمیدی اردہالی، سعید مدنی، مصطفی مسکین، رضا مسومی، محمد ملکی، چمشید منصوریان، خسرو منصوریان، محمود نعیمپور، حسن یوسفی اشکوری.

۱۹ فروردین ۷۹ برابر با هفتم آوریل ۴۰۰۰

نامه سرگشاده خطاب به :

مبارزان سپاس و روشنگران طرفدار آزادی و اصلاحات درون کشور که در "کنفرانس ایران" در برلین شرکت میکنند،
هموطنان عزیز،

در تر مقاومت و مبارزات مردم سراسر ایران، منفذی ب Yaz شده است که شما دارندگان اثیشهای گوناون بتوانید در این
کنفرانس که بوسیله نیروهای دمکرات آئمان تدارک دیده شده است، شرکت کنید و نظریات خود را مطرح کنید. جای پس
خوشوقت است که پس از سالها ترور و اختناق، آزادی نسبی بدست آورده اید تا در چنین همایشی برای گفتگو شرکت داشته
باشید.

شخصاً با تفاوت تعناد کثیری از مبارزان ایران‌دوست و آزادانشی بر این باوریم که ضمن احترام به باورهای مذهبی مردم، باید به
مبارزه و مقاومت خود ادامه دهیم تا نظام دین سالاری در ایران بر جایده شود. اما، میتوانیم که بدون توسل به خشونت و
خونریزی، جایگاه قدرت سیاسی صورت پذیرد. و برای این منظور باید اصلاح طلبان واقعی کشور، صفوپ خود را از
طرفداران زنگاریک "نظام دین سالاری" در ایران جدا سازند تا به این عقب ماندگی کافری - سیاسی - فرهنگی که حداقل از زمان
انقلاب مشروطیت ناکون به آن مبتلا هستیم، خاتمه داده شود.

مبارزان باوریم که اصلاح طلبان واقعی ایران (صرف نظر از اینکه مسلمان هستند یا باور مذهبی و فکری دیگری دارند) نمیتوانند
از یکنفرهف "از تمام" به نظام دین سالاری داشته باشند و خود شان را در سامانه ای ایندیلوژیکن "سیاسی و نهادهای و ایسکرایانه" ای
آن جیس کنند و از طرف دیگر انتظار تحقق "اصلاحات و تحول و پیشرفت" داشته باشند. اینکار اگر فرصت طلبی نیست،
توهیض بیش نمیتواند باشد. و در اینجا آور میشویم که آنچه ناکون در راه آزادی بدست آمده است، حاصل مبارزات خود جوش
مردم میباشد و سازمانهای سیاسی و شخصیت "های بر مدعی، تعیی این مبارزا ت و دنباله ر و مردم بودند.
با چنین مقدمه ای روشن است که شخصاً و باران سیاسی ام، بارزیم حاکم در ایران بطور بنیادی مختلف هستیم، لذا از شما دعوت
میکنیم که با ما در یک نشست دوستانه، با حقوق مساوی و احترام متقابل، شرکت کنید تا راه خروج از این بن بست تاریخی -
اجتماعی را مشترکاً ارزیابی و راه پابن کنیم.

این نشست میتواند در آلمان یا در یک کشور دیگر اروپائی، و در صورت امکان در آمریکا یا حاضر رسانه های خبری و ناطرین
برگزار شود. در صورتیکه تمایل به شرکت داشته باشید میتوانید با شماره های تلفن و دورنگار زیر تفاس برقرار کنید

بادرود و احترام - حسن ماسالی

Tel : 001-301- 838 9257

Fax : 001-301- 838 9256

Hassan Massali Ph.D**دکتر حسن ماسالی**

P.O. Box 59 310 , Potomac 20859 , USA
 Tel:(1-301) 838 9257 Fax: (1-301) 838 9256
 E-mail: HMassali @ aol.com

خرداد ۱۳۸۰ برابر با ژوئن ۲۰۰۱

اطلاعیه

سرکردگان رژیم فناهتی در ایران، همچنان با وقارت مشغول پرونده سازی علیه تعداد کثیری از هموطنان ما میباشندتا چند شبیخ خودرا از باطلاق سقوط و مرگ نجات دهنند. ساختارایین رژیم تا آنجا به مخاطره افتد که متى به بانیان نظام دین سالاری و به وفادا ران نظام ولایت فقیه و به افراد کهنه سال و فرسوده نیز اعتماد نمیکنند. آخوندها چهالت را بجانی رسانده اند که در اواخر اردیبهشت ۱۳۸۰ از طریق "دادگاه انقلاب" و رسان های خبری مزدور خود، مدعی شده اندکه "حسن ماسالی": مقادیر زیادی مارک آلمان به حساب سه تن از بازداشت شدگان ملی - منعی و اوربز کرده است، همچنین مدعی شده اند که با علی انشاری از طهران جنبش دانشجویی نیز برای اجرای طرح براندازی ارتباط و همکاری داشته ام.

برای اینکه مردم کشور ما با کردار ریاکارانه و گفتار ابله‌انه آخوندهای حاکم پیشتر آشنا شوند، شروعی میدام که به چند نکته اشاره کنم:

۱. از نظر اندیشه سیاسی، آئین مبارزاتی و شیوه مبارزه، هیچگونه قرابی با متممین مزبورندارم و آذربایجانیک خواستار برجیدن نظام دین سالاری بطور پنیادی در ایران مستهمبا عناصر و معاقلي که به نظام دین سالاری اعتماد دارند و همچنین با عناصر و معاقلي که در داخل کشورها توهمند بطور علني فعالیت میکنند، ارتباط سیاسی برقرارنیمکن و همکاری سیاسی با آنان را برای جامعه غیرت تشخیص نمیدهم.
۲. سردمداران رژیم و مزدوران چاهل سملک آنان مثل "حسن شریعتمداری" بارها مدعی شده اندکه با "سیا" رابطه دار؛ برگزارکننده کنفرانس برلین هستم؛ بینانگذار رابیوازادی "هستم" برای طرح براندازی بین فعالین سیاسی بول پخش میکنم، و حتی برخی از زدوان بی مواجب آشناکه مقام خارج ازشور هستندمدعی شده اند که بارها با رهبران حکومت آمریکا ملاقات داشته ام و در عقد پیمان نظامی بین اسرائیل و ترکیه نقش کلیدی اینکارده ام!!! باید چنین نتیجه گیری کرد که از چنان نفوذی برخوردار هست که قدرت های جهانی با اشاره من سیاست خودشان را تنظیم میکنند. اما، آخوندهای نادان و ریاکارو هم پیمانان توطنه گرآنان باید باین سوال پاسخ دهنده اکراز چنین نفوذسیاسی و قدرت مالی برخوردا هستم، چهاردهم "آخوندهای ایران حکومت میکنند؟
۳. به پیوست این اطلاعیه، استناد مربوط به پولی که توسط دانشجویان ایرانی مقام آلمان ، درسال ۱۹۶۸ برای کنک به نازله زدگان ایران جمع آوری شده بود و توسط یک نهاد غیر انتفاعی به ایران ارسال گردید و توسط من تن از معتقدان مردم ، مدارس دختران و پسرانه درمناطق دوراندانه خراسان لیجاد شدکه حتی تحويل اداره آموزش و پرورش همین رژیم داده اند، انتشار می پایند تا مردم و همه آزاداندیشان درباره بلاهت آخوندها پیخدندو برای وضع اسفبار "پوزیسیون" داخل و خارج از کشور گردی کنند!!!

دکتر حسن ماسالی

وحدت بخشیدن زندگی شخصی با زندگی مبارزاتی

وحدت بخشیدن زندگی شخصی با زندگی مبارزاتی، مهمترین و مشکل ترین مسئله هرانسان مبارز سیاسی است. باید توجه داشت که فعالیت سیاسی درکشورهای آزاد و دموکرات، با فعالیت سیاسی درکشورهایی که درآنجا ترور و اختناق حاکم است، تفاوت اساسی دارد. درکشورهایی همچون ایران که همواره، حکومت‌های دیکتاتوری حاکم بوده، یک فرد سیاسی، با انواع و اقسام توطئه‌ها و زشتی‌ها رو برو می‌گردد. برای این که منظوم را به درستی بیان کرده باشم، نمونه‌هایی درباره زندگی شخصی خود، یاد آور می‌شون.

در زمان شاه، پدرم از رژیم شاه اطاعت می‌کرد و در مخالفت با آن قدمی برنمی‌داشت، اما از آنجایی که من به عنوان فرزند او، با شاه مخالفت می‌کردم، وی را مرتب تحت فشار قرارمی‌دادند و حتی به او دستور داده بودند که نام خانوادگی اش را تغیردهد و نسبت به فرزندش ابراز ارزش‌گزار کند. افزون بر آن هنگامی که ساواک برنامه ریزی کرده بود که مرا با همکاری پلیس آلان برپاید، به پدرم امر کرده بودند که نامه‌ای نوشته و به دست یک مامور ساواک دهد. از او خواسته بودند که مامور اعزامی را به عنوان دوست و همکلاسی برادرم، معرفی کند. ایشان از روی اجبار، تن به این کار داده، اما پس از اینکه با خبر می‌شود که رژیم برنامه‌ی ریبون و کشتن مرا دارد، از شدت ناراحتی سکته و به بیمارستان انتقال می‌یابد. افزون بر آن به وی امر کرده که کمک مالی به من را پایان داده و حتی مرا از ازارت محروم کند.

بنابراین، هنگامی که با چنین مشکلاتی از نظر انسانی و مسائل عاطفی، مواجه می‌شوم و در تگنای مالی قرارمی‌گیرم، چه باید بکنم؟ آیا باید فعالیت سیاسی را رها کنم؟ آیا می‌بایستی به خاطر امکانات مالی و یا حفظ روابط عاطفی و انسانی نسبت به پدرم، با دیکتاتوری سازش کنم؟ پاسخ به این مسائل کار آسانی نیست و به راحتی نمی‌شود درباره همه این مسائل تصمیم قاطع گرفت. عقیده دارم که انسان‌ها براساس میزان دانش و اعتقادات خود، به ابتکاراتی متولّ می‌شوند تا از یک طرف تمام رشته‌های عاطفی، انسانی و دوستی‌ها نپاشند و از سوی دیگر، با کوشش و با اتکا به نیروی کار و دانش

خویش، مشکلات و موانع پیش رو را، برطرف سازند.

ابتکار عمل من این بود: اعلام کردم که ازکمکهای مالی پدر و از ارث و وراثت صرف نظر می‌کنم اما حاضر به تسلیم و یا سازش نیستم.

در زمان رژیم خمینی، این مناسبات، وحشیانه تر و خشن ترگشتند. به طور مثال: خمینی محترمانه دستور داده بود که مرا به قتل برسانند. به علت دوستی که با آیت الله لاهوتی داشتم، به موقع از توطئه، باخبر شدم و نجات یافتم. اما این رژیم جنایتکار و فاشیستی، تعداد زیادی از مردم تالش را که در جریان انتخابات از من حمایت کرده بودند، زندانی کرد. سپس چندین نفر از خویشاوندان و دوستان مرا به گروگان گرفت و حلق آویزکرد و یا در زیرشکنجه، بقتل رساند.

بنابراین، استمرار بخشیدن مبارزه در کشورهایی نظیر ایران، آسان نیست. و این پرسش

بارها مطرح شده است که چه باید کرد؟

بر این باورم، کسانی که شرکت فعال در مبارزه داشته و یا از مناسبات سیاسی و اجتماعی شناخت کافی دارند، می‌توانند به کارنامه‌ی مبارزات سیاسی همدیگر به طور انتقادی بنگرند تا خود و دیگران، از تجارب گذشته، درس بیاموزند. سوربختانه، برخی عناصر و محافل که دستی از دور برآتش دارند، تنها انرژی منفی از خود رها کرده و عملأً «قضاؤت» آنان ارزش عملی و مبارزاتی ندارد.

در زمان شاه، به خاطر موانع و مشکلات گوناگونی که با آن مواجه بودم، ازدواج نکردم. پس از فروپاشی رژیم شاه، در زمانی که هنوز رژیم خمینی کاملاً مستقر نشده بود و فضای سیاسی به طور نسبی آزاد بود، در تهران ازدواج کردم. متاسفانه به خاطر شرکت در انتخابات مجلس و انتقاد از جریان‌های ارتقایی - اسلامی، ابتدا مرا دستگیر کرده و سپس برای قتل من، بر نامه ریزی کردند. از آنجایی که مخفیانه به کردستان رفت و به من دسترسی نداشتند، برخی از خویشاوندان و دوستانم را زندانی کرده و به قتل رساندند. همچنین در صدد برآمده بودند که همسرم را نیز گروگان بگیرند. ایشان مجبور شد که با

قبول خطرات زیاد، به طور قاچاق به پاکستان فرار و از آنجا به اروپا انتقال یابد. به دیگر سخن به خاطر شرایط زندگی سیاسی ام، همسرم نیز مجبور شد که ناملایمات بیشماری را متحمل شود. بنابراین، هماهنگی و همگونی زندگی شخصی با زندگی مبارزاتی، کار آسانی نیست. از آنجایی که همسرم موفق شد کوله باری از ناملایمات زندگی مرا تحمل کند، برایش ارزش و احترام فوق العاده ای قائل هستم.

خوشبختانه، در پنجاه سال گذشته، دوستان ارزشمندی داشته و دارم که صرف نظر از اختلاف نظرهای سیاسی و یا سلیقه ای، روابط صادقانه ای انسانی- سیاسی خود را به طور پایدار با همیگر حفظ کرده ایم. از نگاه من چنین مناسباتی، بیش از هر چیز، ارزشمند هستند.

حمایت از حقوق بشر، زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان و پناهجویان

از سال ۱۹۸۴ که دوباره در اروپا و آمریکا مستقر شدم، به سهم خود کوشش دارم که نه تنها در راه سازماندهی مبارزات سیاسی کوشباشم، بلکه در راه دفاع از مبانی حقوق بشر نیز گام‌های موثری بردارم. به سهم خود کوشش کرده‌ام که از حقوق زنان، زندانیان سیاسی و پناهجویان، صرف نظر از وابستگی گروهی و سیاسی، دفاع کنم. در این مسیر، با گروه‌های مدافع حقوق بشر و همچنین با گروه‌های سیاسی دیگر نیز همکاری کرده و خواهم کرد.

طبق اسناد و مدارکی که در اختیار دارم، تاکنون به قریب هفت‌صد نفر از پناهجویان ایرانی، از نظر مالی، حقوقی و سیاسی، یاری رسانده ام. نگارنده ضمن قMAS با مقامات سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر، شرایطی را فراهم کرده‌ام که پناهجویان مورد اشاره، بتوانند به کشورهای استرالیا، کانادا، اروپا و ایالات متحده آمریکا انتقال یابند.

اگرچه در این زمینه نیز، تجربیات تلخی به دست آورده ام. متاسفانه برخی عناصر

ناباب و ریاکار در میان پناهجویان و آوارگان دردمند، رخنه کرده و با شیوه‌ی کلاهبرداری، از منابع مختلف، کمک مالی دریافت می‌کنند. من شخصاً چندین نمونه را تجربه کرده و متوجه شده‌ام که برخی افراد، با توسل به دروغ و ریاکاری، هم زمان از ده منبع مختلف کمک مالی دریافت می‌کرند (به طور مثال به «ظ.ن.» یک دانشجوی فراری چندین سال کمک مالی کرد، او به بلغارستان رفت و از آنجا مخارج انتقال او را به طور قاچاق به انگلستان فراهم کرد و به طور تصادفی متوجه شدم که با توسل به دروغ و شیوه‌های ریاکارانه از منابع مختلف کمک مالی دریافت کرده بود).

با این وجود، چنین مسائلی نباید موجب سرخوردگی شده و ما کوشندگان سیاسی را از وظایف مهم سیاسی- انسانی که در قبال مردم جامعه‌ی خود برعهده داریم، دور گرداند. ناگفته نماند، این رویدادها و مناسبات ناهنجار، ارتباط مستقیم با فروپاشی فرهنگی جامعه دارد.

بنابراین، مبارزین سیاسی و مدافعان حقوق بشر، درکشورهایی نظریایران، وظایف خطیر و بزرگی برعهده دارند که با پراکنده کاری و بدون داشتن طرح و برنامه‌ی هدفمند، قادر به حل معضلات موجود، نخواهیم شد.

پیشنهاد می‌کنم که سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف مدافع حقوق بشر، ضمن حفظ استقلال تشکیلاتی خود، راهکارهای مشترکی جستجو کرده و امور مربوط به دفاع از مبانی حقوق بشر را هماهنگ سازند. این نهادها باید مشترکاً، امکاناتی فراهم کنند که بتوان به عنوان یک تشکیلات قدرتمند، کوشش‌های پژوهشی، تبلیغاتی، دفاعی، انتشاراتی و روابط بین املالی خود را گسترش دهند. در این ارتباط، ضروری است که فعالیین و گروه‌های سیاسی، از سیطره جویی (هرثمنی طلبی) در درون تشکل‌های مدافع حقوق بشر، اجتناب ورزند تا نهادهای حقوق بشری، بتوانند به طور فراگروهی و فرامسلکی عمل کرده و نقش اجتماعی خود را ایفا نمایند.

فصلٍ نهم

بایدھا و نبایدھا

جمع بندی از رویدادها و تجارب سیاسی؛ چه نباید کرد و چه باید کرد؟

صادقانه، ادعا می‌کنم که هیچگاه یک فرد سیاسی تمامیت خواه نبوده‌ام و ضمن تکیه بر آرمان‌های سیاسی خود، کوشش کرده‌ام که در شرایط اضطراری، با دگراندیشان سلوک کم و مخرج مشترکی برای تحقق خواسته‌های مردم بیابم.

هنگامی که رژیم شاه با بحران مرگباری روبرو شده بود، با قبول خطرات مختلف، مخفیانه وارد ایران شدم و به سهم خود کوشش کردم تا به راهکارنوینی برای برچیدن نظام استبدادی شاه و استقراریک نظام نوین، دست یابم. شوربختانه با این واقعیت تلح روبرو شدم که نیروهای ترقیخواه ایرانی، از سازمان یافتگی و قدرت اجتماعی کافی برخوردار نبودند. افزون بر آن استمرار نظام دیکتاتوری در ایران، اکثریت مردم را از انسجام و رهبری سیاسی خردمندانه، بی‌بهره ساخته بود. نیروهای موسوم به ملی گرا- لیبرال - دموکرات، به رهبری جبهه ملی ایران نیز از سازمان یافتگی خوبی برخوردار نبودند. اگرچه اکثر رهبران آن، انسان‌های شریف و ایراندوستی بودند، اما فاقد طرح و برنامه و چشم‌اند از سیاسی درازمدت بودند و از درایت و قاطعیت کافی برای تصمیم‌گیری در شرایط اضطراری، بی‌بهره، بودند.

برای مثال در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بحران سراسرکشور را فراگرفته بود. آمریکایی‌ها مطلع شده که شاه به بیماری سلطان مبتلا است. از این رو، در صدد برآمدند که برای تضمین منافع خود «جانشین شاه» را مشخص کنند. در واقع، دخالت مستقیم آمریکا در امور داخلی ایران، سرگردانی، پریشان حالی، بی‌ارادگی و نوکرمنشی شخص شاه،

موجب گسترش بحران سیاسی در ایران شده بود. همه این عوامل موجب شدن دکتر خمینی در «شرایط بحرانی» به طرز مدرانه‌ای تصمیم گیری کند و در راه شکل گیری یک آلتنتیو (قدرت جایگزین)، از نیروهای سکولار - دموکرات، گام برداشت.

در چنین شرایطی، خمینی به پاریس انتقال یافته و عده‌ای در صدد برآمده بودند که از آدم بی‌سود، مرتاجع و عقب مانده ای چون او یک رهبر بسازند.

در چنین شرایطی شخص شاه که خمینی را شخص ابله و مرتاجع نامیده بود در نشریات وابسته به حاکمیت، از او به عنوان حضرت آیت الله العظمی و مرجع عالی قدر شیعیان نام برد و نظریات وی را انتشار می‌دادند. افزون بر آن بسیاری از سران حکومت و افسران عالی رتبه ارتش را که وفادار به نظام شاهنشاهی بودند دستگیر و زمینه ورود خمینی را فراهم می‌کند. به این ترتیب یاران سابقش را به دست جلادانی چون خلخالی می‌سپارد.

(رجوع شود به اخبار و تصاویر صفحات اصلی روزنامه‌های یومیه آن دوران (کیهان و اطلاعات). نشریات داخل ایران، در باره‌ی انتقال خمینی از عراق به پاریس تسلیم گشتن شاه در باره‌ی تغیر سیاست خارجی آمریکا و متحداش).

سوسیال دموکرات‌های جهان نیز هم زمان در صدد برآمدند که نشستی در کانادا سازماندهی کنند. آن‌ها از دکتر کریم سنجابی به عنوان رهبر جبهه ملی ایران که در ضمن رهبری حزب ایران را بر عهده داشت (و ظاهرًا به سوسیال دموکراسی گرایش داشت) دعوت کرده تا در نشست سوسیال دموکرات‌های جهان شرکت کند. دکتر سنجابی، پس از ورود به پاریس، بنا بر توصیه‌ی آقای احمد سلامتیان، با خمینی ملاقات کرده و بدون عاقبت‌اندیشی، توافقنامه پشتیبانی از خمینی را امضا می‌کند. به این ترتیب، سنجابی به اعتبار و پیشینه‌ی تاریخی جبهه ملی خانم داده، و آن را به ابزاری برای به قدرت رسیدن خمینی تبدیل می‌نماید. عاقبت خود و بسیاری از مبارزین جبهه ملی، قربانی این سیاست انحرافی می‌شوند. در چنین شرایطی، دکتر شاپور بختیار جسوارانه پا به میدان گذاشت، اما دیگر بسیار دیر شده بود.

همچنین، برخی از سازمان‌های موسوم به چپ که واپسگرا و برخاسته از فرهنگ اسلامی بودند، دنباله رو حرکت کورکرانه‌ی توده‌ی مردم شده و خمینی را به عنوان رهبر مبارزات ضد امپریالیستی پذیرفته و در شکل گیری و گسترش این فاجعه‌ی تاریخی، نقش فاجعه‌ی آمیزی ایفا می‌کنند. به این ترتیب، پس از به قدرت رسیدن خمینی، رژیم جهالت- جنایت - فاشیستی - اسلامی در ایران شکل می‌گیرد.

(استناد همکاری چپ‌ها... فدایی، توده ای‌ها ... و رنجبران

متعاقب آن، حاشیه نشینان و تهیستان شهرهای بزرگ که از داشن و فرهنگ دموکراسی خواهی بهره ای نبرده بودند، با تکیه بر ملپنیزم و با شعار الله اکبر مسلح شده و به اتفاق آخوندها، قدرت سیاسی را تصاحب می‌کنند.

همه جریان‌های ملی گرا، لیبرال و چپ که فکرمنی کردند، دارند «تاکتیک» می‌زنند و زرنگ تراز آخوندها هستند، پس از به قدرت رسیدن خمینی، به طور «استراتژیک» قربانی شدند. البته برخی از محافل از جمله برخی جریان‌های موسوم به چپ، به خاطر اینکه پرورش یافته‌ی فرهنگ اسلامی بودند، آگاهانه دنباله روی خمینی شدند. این دنباله روی و نوکرمنشی فرهنگی و سیاسی، تحت پوشش‌های دیگر، تا به امروز همچنان توسط برخی از این محافل ادامه دارد.

تاریخ تحولات سیاسی ایران نشان داده است که آخوندها (به غیرازچند استثناء انگشت شمار)، عناصری دروغگو، حیله گر، واپسگرا، و جنایتکاره‌ستند.

آخوندها کوشش می‌کنند که از طریق نهادهای دینی و با برگزاری مراسم روضه خوانی، سینه زنی، قمه زنی... وغیره، مردم را تحمیق کرده و فرهنگ و مناسبات جامعه را به زوال و فروپاشی بکشانند.

آن‌ها، مروج تبعیض و جنایت در جامعه هستند و برای این که افکار پلید خود را تحقیق بخشنند، با لباس تزویر و ریا (عبا و عمامه) ظاهر شده تا با عوام‌فریبی به آمال پست خود برسند.

(اسناد و عکس‌ها از کتاب اسناد یک و بخش‌هایی از اسناد شماره ۵ و اسناد (حسن ماسالی). درباره شکل گیری نهادهای قدرت ارتقای و نفوذ آنها در مطبوعات. دستگاه قضائی. باندهای ترور و ختناق. قتل فروهر و همسرش. استعفای سنجابی، قتل‌های زنجیره‌ای، جنگ ایران و عراق ...)

هم اکنون بیش از سی واندی سال از استقرار رژیم جهالت- جنایت- فاشیستی در ایران می‌گذرد. جامعه ایران به طور کامل سقوط کرده و مناسبات انسانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، فروپاشیده است.

فرهنگ اجتماعی در ایران به حدی سقوط کرده که پس از گذشت چند دهه از استقرار رژیم جنایتکاران در ایران، هنوز عده‌ای از روشنفکرها، کوشش می‌کنند که در چارچوب این رژیم، مناسبات فرصت طلبانه و زندگی انگلی خود را توجیه کنند.

در چنین جامعه‌ای، قبل از هر چیز، ضروری است که حکومت جهل- جنایت- فاشیستی - اسلامی، به طور بنیادی بر چیده شود.

ناگفته نماند که تنها با برچیدن این حکومت، موانع و مشکلات برطرف نمی‌شوند، بلکه ضروری است که پیش‌اپیش، قدرت سیاسی- اجتماعی سازمان یافته ای که دارای طرح و برنامه‌های کوتاه مدت و درازمدت، برای سازندگی و تکامل اجتماعی باشد، به عنوان قدرت جایگزین (آلترناتیو) سازماندهی کنیم.

نیروهای سیاسی و اجتماعی که در این مسیر گام برمی‌دارند، ضروری است که دارای خصلت‌های سکولاریستی (جدایی دین از حکومت)، دموکراسی خواهی و برابری طلبی (رفع تبعیض)، باشند.

در حکومت آینده‌ی ایران، ضروری است که دستگاه سیاسی- اداری - نظامی کشور دارای ساختار دموکراتیک باشد.

پس از بر چیدن نظام جهالت- جنایت- فاشیستی در ایران، لازم است که نظام

آموزش و پرورش به طور بنیادی تغییر کرده و نهادهای فرهنگی و اجتماعی نوین و ترقیخواه، درسراسر کشور شکل گیرند و نهادهای واپسگرایانه و ارجاعی برچیده شوند. قمام قوانین و مقررات ارجاعی باطل اعلام شده و راهکارها، قوانین و مقررات نوین و ترقیخواهانه و برابری طلبانه، وضع گردند.

باید نظام سیاسی و مناسبات اجتماعی آینده‌ی ایران براساس کثرت گرایی (پلورالیسم سیاسی) شکل گیرد و دموکراسی پارلمانی، و جمهوری منتخب مردم به طور ادواری حکمفرما شود.

قطعاً در چنین جامعه‌ای، نیروهای سیاسی از طیف چپ تا محافظه کار، براساس سکولاریسم- دموکراسی خواهی و برابری طلبی، درساختار سیاسی حضور خواهند داشت و با همدیگر به طرز دموکراتیک رقابت خواهند کرد. به خاطر موقعیت استراتژیکی ایران و شرایط حساس بین املالی، ضروری است که نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور، با تدبیر و ابتکار عمل سازمان یافته بکوشند، دموکراسی را در جامعه گسترش دهند، و از نظام سیاسی منتخب مردم، در مقابل توطنه‌های گوناگون نیروهای ارجاعی خارجی - داخلی، حفاظت به عمل آورند.

در پنجاه سال گذشته، بر اساس رویدادهای سیاسی و تجربیاتی که به دست آورده ام، نقطه نظرات خود را به صورت مقاله‌های مختلف انتشار داده ام، که بیانگر برخورد مشخص با مسائل و رویدادهای خاص دره ردوره ای می‌باشد. بنابراین، ضروری است که مسائل مطروحه را با توجه به شرایط تاریخی - اجتماعی - سیاسی مشخص هر زمان، مورد ارزیابی قرار دهیم.

در آخر منتخبی از نوشه‌های یاد شده را، به عنوان اسناد تاریخی، دوباره انتشار می‌دهم.

حسن ماسالی / بیست و هفتم مه ۲۰۱۱

کوشش برای همبستگی ملی ایرانیان و گسترش دمکراسی در ایران و مبارزه با نظریات ارتجاعی و دروغین

ستم ملت فارس علیه ملل دیگر

از ویژگی های ارزشمند جامعه ایران اینستکه صرفنظر از استبداد حکومت های مرکزی و فتنه گریهای نیروهای ارتجاعی خارجی، مردم با تعلقات مذهبی و قومی گوناگون قرنهای در کنار همدیگر بطرز مساملت آمیز زندگی کرده اند و طی چند هزار سال تاریخ مشترک « هویت مشترک ایرانی » را بوجود آورده اند.

ایران کشوری بوده است که بعلت بافت اجتماعی و ساختار اقتصادیش و همچنین بعلت موقعیت استراتژیکی اش همه قدرت سیاسی - اداری در حکومت مرکزی، و گاهی بدست یک فرد متمرکز می شده است.^(۱*)

این شیوه « استبداد حکومت مرکزی » موجب می شده است که انواع « تبعیض » در جامعه شکل بگیرد وخصوصاً مردم شهرستانها و نقاط دور از مرکز، از مزایای اجتماعی و فرهنگی و دخالت از امور خویش محروم می شدند.

بررسی های تاریخی و اجتماعی نیز نشان میدهند که تشکیل دهندگان و حامیان « حکومت مرکزی » نیز افراد قدرتمند و رهبران عشاير و قبایل نقاط مختلف، با تعلقات قومی و ملی گوناگون بودند.

نگاه کنید « حامیان شاه و حکومت مرکزی سابق « چه کسانی بودند؟ عکس ها و اسناد و مدارک فراوانی در اختیار دارم که افراد متنفذ کرد، لر، بختیاری، بلوج، آذری، خراسانی، گیلانی و مازندرانی؛ از شمال تا جنوب، در این « تقسیم حلوا » شرکت داشتند. بیاد دارم که در نقاط مختلف کشور، سران همین عشاير و قبایل با همکاری وزارت کشور و نمایندگان دولت در استانداری ها و فرمانداری ها و حتی

گاهی با حمایت ارتش، اشخاصی را بعنوان «نماینده مادام العمر» تعین میکردند و انجام «انتخابات»، صحنه سازی های عوام‌فربیانه ای بیش نبود.

برای اداره امور هر محل و منطقه نیز، از همین «جان ثاران» و فرصت طلبان مرتاجع، تعین می شدند.

اکنون در جمهوری اسلامی نیز، هر «آخوند» شارلاتان و هر «پاسدار» سرکوبگر مردم، تحت نام اسلام، حکومت فاشیستی - دین‌سالاری در سراسر ایران حکم‌فرما ساخته اند.

در چنین شرایطی، عده ای در لندن و واشنگتن گروهی تشکیل داده اند که خود را «کنگره ملیت های ایران» می نامند و در نوشتارها و گفتارهای تبلیغاتی خود، مشکل اساسی جامعه ایران را «ستم ملت فارس علیه ملل دیگر» قلمداد میکنند.

خودم برای آشنائی بیشتر از مبانی فکری، سیاسی و عملکرد این گروه، در چند جلسه و از جمله در یک گفتگوی عمومی «پالتاک» آنان شرکت کردم. متوجه شدم که اکثر قریب باتفاق این افراد، اصولاً از آنچه که درباره «ستم ملت فارس علیه ملل دیگر» بیان میکنند، آگاهی ندارند. اکثر قریب باتفاق تشکیل دهنگان این «جمعیت» از یک «تئوری دروغین» برای تماسگیری های بین المللی استفاده میکنند، بدون اینکه درباره نتایج فاجعه بارسیاسی - اجتماعی آن بدرستی بیان دیشند.

چندی قبل، جلسه ای که در درون نیروهای ترقیخواه اپوزیسیون درباره دفاع از مبانی حقوق بشر و آزادی زندانیان سیاسی برگزار شد، فردی که خود را «آذری» می نامید، حاضر نبود که «فارسی» صحبت کند و فارسی صحبت کردن را «ستم» می نامید !!!

این شخص و افرادی نظیر او، متوجه نیستند که در یک کشور با زبان «لالی» ارتباط برقرار نمیکنند و نیاز به یک زبان مشترک میباشد. بعلاوه این افراد آگاهی

ندارند، که «زبان فارسی» کنونی ایران ، ترکیبی از واژه ها و لغات زبانهای گوناگون در ایران میباشد. وزبان کنونی «فارسی» که تکلم میکیم، بیشتر «عربی» است.

ازهمه مهمتر، این افراد متوجه نیستند، که در عصر «جهانی شدن مناسبات» (گلوبالیزاسیون)، چنین شیوه ای برخور迪، «شوینیستی» است و میتواند به استقرار مناسبات «فاشیستی» در جامعه کمک کند.

در یکی از گفتگوهای عمومی در «پالتاک» متوجه شدم که برخی از این محافل حتی از «جندالله» و رهبر گروه مزبور بنام «ریگی» که در بلوچستان در ارتباط با جریانهای ارتقاضی پاکستان و افغانستان فعالیت میکرد، و در ترور و آدم کشی شرکت داشت، حمایت میکردند!!!

در آن جلسه، از حامیان «جندالله» پرسیدم که تفاوت «جندالله» با «حزب الله» چیست؟ آیا تشکیل دهنده یک جریان ارتقاضی و فاشیستی، اگر «بلوچ» باشد، برای شما قابل پذیرش میباشد؟

بسیاری از این افراد از تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی ایران خبر ندارند و از بیانش و منش «برابری طلبانه» و شیوه های تحقق آن بی اطلاع هستند.

ویژگی های تاریخی ایران از جمله اینستکه اقوام ایرانی و حتی غیر ایرانی که حکومت مرکزی را تصاحب میکردند، برای اینکه همبستگی سراسری ایرانیان و یکپارچگی کشور را حفظ کنند، کوشش بعمل می آوردند که با «هویت ایرانی» حکومت کنند زیرا آگاه بودند که در آمیختگی قومی، پالایش فرهنگی و آداب و رسوم مشترک ایرانیان، آنچنان قدرتمند است که از طریق تسلط قدرت نظامی و سیاسی- اداری و حتی با ایجاد حکومت ترور و اختناق و ایجاد مرزهای مصنوعی نمیتوانند همبستگی ایرانیان را از میان بردارند.. در اینباره نگاه کنید به سرنوشت حکمرانانی نظیر اسکندر مقدونی، سرداران یونان، مغول، و اعراب همچنین استعمارگران پرتغال، روس، انگلیس، آلمان، و آمریکا در ایران که با قمam قدرتشان

مجبور شدند با فرهنگ ، تاریخ و هویت مشترک ایرانیان مداراکنند.

پس از پیدایش بلشویسم در روسیه، لینین و استالین برای سلب حاکمیت از تزار روسیه، تئوری « ستم ملی » را بعنوان یک تاکتیک برای کسب قدرت سیاسی خود مطرح کردند، بدون اینکه به برابری حقوق اقوام و ملیتها توجه داشته باشند. زیرا همانطورکه اسناد تاریخی نشان میدهند و مشاهده کردیم، حزب بلشویک بربری استالین بصورت یک باند مافیائی جایگزین حکومت تزار شد و جنایات بیشماری مرتکب شد . شیوه کار استالین عاقبت موجب شد که امروز نیز باند مافیائی سرمایداری از درون همان حزب بلشویک و سازمان پلیسی «ک.ج.ب» شکل بگیرد که نه تنها در روسیه و اروپای شرقی ، بلکه در اروپای غربی نیز دست «مافیائی ایتالیائی نسب «را از پشت بسته اند.

در ایران « چپ سنتی » بربری حزب توده که مهمترین خصلتش بیسوادی و کپی برداری از « مراجع تقلید » نظیر لینین و استالین بود، مدت‌ها نظریه عاریتی « ستم ملت فارس علیه ملل دیگر » را طوطی وارمطروح میکرد بدون اینکه توجه داشته باشد که جامعه ایران با شرایط حکومت تزار روسیه و سیطره جوئی آنان در آسیای مرکزی و قفقاز، تفاوت دارد.

برخی از عناصر ساده اندیش و قدرت طلب وابسته به اقوام درون ایران نیز بدون اینکه شناخت واقع بینانه ای از ساختار قدرت سیاسی، نظامی و اداری ایران داشته باشند، محرومیتهای اقتصادی ، مشکلات سیاسی و فرهنگی قومی وهمچنین مناسبات ضد دمکراتیک سیاسی- اداری کشور را به گردن یک موجود موهوم بنام «ملت فارس» می اندازند.

از این نظریه پردازان می پرسیم که در ایران چند صد سال اعراب ، مغول، صفویه ؟ زندیه، افشاریه ، قاجاریه حکومت کردند ، آیا آنها «فارس » بودند؟

به تاریخ معاصر رجوع میکنیم: آیا در زمان محمد رضا شاه اکثر قریب باتفاق

سران ایلات و عشاير بلوچستان، کردهستان، گیلان، مازندران خراسان، آذربایجان و .. هم پیمان شاه نبودند؟) در این مورد تمام اسامی سران اقوام و عشاير ایران و عکسهاي آنان را كه وفاداري خود را نسبت به رژيم درمحافل مختلف ابرازمیداشتند دراختيار دارم).

ازين محافل كه درباره « ستم ملت فارس» يقه دراني ميكنند مى پرسيم : اين «ملت فارس» و لشگريان ستمگرش

كجا مستقر هستند؟ آيا آنهائي هستند كه در تهران حکومت ميكنند؟ اين حکومتگران که با ايدئوژي ، رسومات و فرهنگ عربي بر ما حکومت ميكنند و تركيبي از اقوام و مليتهاي مختلف هستند که در اين اسارت ايدئولوژيك - سياسي نقش دارند.. سپاهيان و جنایتكاران اين رژيم نيز بنام اسلام و استقرار فرهنگ عربي و قرون وسطائي در ترور و اختناق همه ايرانيان شركت ميكنند.

آيا» ملت فارس « آنهائي هستند که اقتصاد کشور را در دست دارند و از طريق اقتصادي «ستم ملى » روا ميدارند؟

تا آنجائي که پژوهشگران بيعرض داخلی و بين المللی ابراز ميدارند، آذربایجانی هاي کوشما و با استعداد نبض اقتصادي ايران را دردست دارند. و آنچه که به فساد و غارت اموال عمومي مربوط ميشود، کارگرداران و حاميان اصلی حکومت مرکزي در گذشته و حال ثروت ملى و حقوق مردم محروم جامعه را تصاحب کرده، يا برباد ميدهند.

آيا « ملت فارس » در استان فارس مستقر هستند و از آنجا سپاهيان خود را برای ستم ساير ملل اعزام ميدارد؟

در استان فارس که بطور عمدہ بقایای ترکان مغول (قشقائی ها)، اقوام لر (بختياری) ، وعرب زندگی ميكنند و اکثر آنان مثل ساير اقوام ايراني، از حقوق اوليه

انسانی و سیاسی محروم هستند.

آیا «ملت فارس» «پارسی های زرده‌شی هستند؟

اکثر پارسی های زرده‌شی نیز پس از حمله اعراب به هند پناه برداشت و بقایای این «پارسیان» نیز در ایران از اقلیتهای قومی محسوب می‌شوند که در ساختار قدرت سیاسی-اداری حکومت مرکزی و یا در انحصار گرفتن اقتصاد کشور نقشی ندارند، بلکه بوسیله این رژیم مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند.

واقعیت اینستکه: حکومت مرکزی با ساختار قدرت سیاسی-اداری متمرکز و ضد دموکراتیک، با در انحصار گرفتن قدرت مالی و اقتصادی کشور (اقتصاد دولت) و همچنین از طریق سیاستهای غارتگرانه بوسیله باندهای مافیائی مرتبط به قدرت مرکزی، حقوق مردم سراسر کشور و حقوق اقوام گوناگون ساکن ایران را مورد تجاوز قرار میدادند و می‌دهند.

مبارزه مردم محروم و تحت ستم سراسر ایران از کرد، بلوج، آذری، ترکمن و عرب و غیره برای پایان بخشیدن به محرومیت ها، نابرابری ها و برای دمکراتیزه کردن مناسبات اقتصادی، سیاسی - اداری کشور و شکوفا ساختن فرهنگ و زبان ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد اما چگونه؟

در تاریخ تحولات سیاسی ایران برخی عناصر مثل قاضی محمد در کردستان ایران، صادقانه می‌خواستند برای احقاق حقوق پاییمال شده مردم کردستان مبارزه کنند، اما اعلام «جمهوری مهاباد» و چشم امید به قدرتهای خارجی دوختن، سیاست غلطی بود که سر انجام خوبی بیار نیاورد.

غلام یحیی و پیشه وری از نارضایتی و محرومیت مردم آذربایجان استفاده کردند تا خواستها حق طلبانه مردم آذربایجان را وجه المصالحه قدرت طلبی فرقه خود و اتحاد جماهیر شوروی قرار دهند که سیاستی خائنانه به مردم آذربایجان و ایران بود و این آقایان و فرقه آنان عاقبت به سرنوشت شومی در همان شوروی

دچار شدند.

شخصاً تجربیات زیادی از ارتباط احساسی و کورکورانه هموطنان عرب ما در خوزستان دارم . عناصر و محافلی از اعراب ساکن ایران را می شناختم که بخاطر محرومیتها و تحقیر هائی که در اثر مناسبات سیاسی - اداری ضد دمکراتیک و یا بخاطر فرهنگ ارتقای حاکم در ایران به آنها روا میداشتند، با حکومتهای عراق ، سوریه یا مصر ارتباط برقرار میکردند تا باصطلاح « مدافعان حقوق مردم عرب » ساکن ایران شوند. سازمانهای امنیتی و استخبارات این کشورها که خود ماهیت ارتقای و ضد دمکراتیک داشتند، کوشش بعمل میآوردند تا از این افراد برای « جاسوسی و تحرییگری » استفاده کنند. برخی از این افراد شریف و آزاد اندیش عرب ایرانی را می شناختم که حاضر به همکاری نمی شدند و لذا سالها در زندانهای حکومتهای بعضی عراق و سوریه مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفتند. یکی از همان شکنجه شدگان و آوارگان عرب ایرانی، اکنون در اروپا زندگی و فعالیت میکند . امیدوارم که این هموطن عرب ، راه نجات خود را در همبستگی با مردم تحت ستم سراسر ایران جستجو کند ، نه اینکه اینبار بجای حکومتهای عربی ، به ابزاری در دست قدرتهای بزرگ اروپا و آمریکا بدل شود. اینگونه سیاستها و روش کار موجب تضعیف همبستگی مردم و تقویت حکومتهای ارتقای در ایران خواهد شد و قدرتهای خارجی نیز پس از بهره برداری تاکتیکی آنان را قربانی خواهند کرد.

شخصاً قریب سه سال در کردستان ایران زیسته و در کنار مردم و رزمندگان کرد مبارزه کرده ام. شخصاً از محرومیتها میشود آگاهی دارم و آماده هستم که توسط حکومت مرکزی در سراسر کردستان اعمال میشود آگاهی دارم و آماده هستم که با تمام امکانات و تاپایی جان برای برابری حقوق مردم زحمتکش و محروم کردستان و سراسر ایران بمبازات خود ادامه دهم ، اما حاضر نیستم از سیاست جدائی طلبانه و نفاق اندازانه که به همبستگی مردم سراسر کشور و یکپارچگی ایران لطمه وارد می سازد، حمایت کنم.

شخصاً که از خصلت آزادیخواهانه و ترقیخواهانه احزاب کرد اطلاع داشتم برایم تعجب آور بود که چگونه حزب دمکرات کردستان ایران، در چنین جمعیت بی هویت و بی محتوا بنام «کنگره ملیت های ایران» عضویت دارد؟ اخیراً فرستی دست داد تا با دوست مبارز آقای مصطفی هجری، مدیرکل این حزب ملاقات داشته باشم. خیلی باز و شفاف درباره «تئوری دروغین ستم ملت فارس علیه ملل دیگر» با ایشان گفتگو کردم. خوشبختانه ایشان نیز بامن هم عقیده بودند که «ستم ملت فارس علیه ملل دیگر» پایه و اساس ندارد و همیشه ستم «حکومت مرکزی اعمال می شده و میشود و درباره ماهیت و خصلت حکومت کنونی ایران نیز نظریاتم را تائید میکردند.

راهکارهای نجات از دیکتاتوری و محرومیتهای اجتماعی:

عقیده دارم برای نجات مردم از نابرابری ها و تبعیض های سیاسی ، اقتصادی، جنسی، فرهنگی .. ضروریست که ابتدا با طرح برنامه سیاسی و تعین استراتژی و تاکتیکها و برنامه عمل مبارزاتی مشترک زمینه ذهنی مناسبی برای همبستگی مردم سراسر کشور و قام ستمدیدگان ایران در برابر حکومت استبدادی و دیوان سالاری - تروریستی مرکزی فراهم سازیم.

ضروریست شعارهای سیاسی و مبارزاتی ما با سیاست همبستگی ایرانیان انطباق داشته باشد تا زمینه برای هماهنگ کردن شیوه های سازماندهی و مبارزه فراهم شوند و در سراسر ایران گسترش یابند.

ضروریست که مشترکاً چشم انداز روشنی برای دمکراتیزه کردن مناسبات سیاسی - اداری کشور از طریق فدرالیزه کردن قدرت سیاسی - اداری کشور، بدون توسل به «شوینیسم» داشته باشیم تا زمینه مشارکت وسیع مردم در اداره امور خویش و مدیریت آینده جامعه ایران فراهم شود.

در ایران اقوام گوناگون ایران در نقاط مختلف کشور زندگی میکنند . بطور مثال : کردها در گیلان، مازندران، قزوین ، قوچان و همچنین آذربایجان در نقاط مختلف ایران ساکن هستند که گروههای اجتماعی قدرمندی را تشکیل میدهند و یا میدانیم که هرکدام از اقلیتهای مذهبی ایران فقط در یک منطقه خاصی ساکن نیستند.. لذا تأمین حقوق برابر برای همه مردم و رفع تبعیضات قومی ، دینی و جنسی میتواند فقط از طریق فدرالیزه کردن قدرت سیاسی- اداری براساس مفاهیم دموکراسی خواهی و گسترش آن در عرصه های اجتماعی- سیاسی - اداری - فرهنگی صورت بگیرند، نه براساس تقسیم بندی ایران بخاطر تمایلات شوینیتی نژادی ، یا مذهبی.

ضروریست که «عدم تمرکز سیاسی - اداری» و تقسیمات کشوری پنهان نظر تقویت بخشیدن شوراهای محلی و منطقه ای منتخب مردم و براساس مفاهیم دموکراسی خواهی و، گسترش آن در عرصه اجتماعی صورت بگیرند . مشارکت مستقیم مردم در اداره و مدیریت جامعه ، نه تنها موجب گسترش دموکراسی و نهادینه شدن آن میشود، بلکه شرایط نوسازی ایران تسهیل میگردد وامکانات اقتصادی و مالی در دست دولت یا بخش خصوصی انحصارگر تمرکز نمیگردد. ایجاد کار، مسکن و زمینه سازی برای رفاه اجتماعی برای مردم از حرف بعمل در می آید. بامشارکت مستقیم مردم است که فرهنگ هنر و زبان شکوفا میشوند و فرهنگ و هنر فرمایشی جایگاهی نخواهد داشت . اگر هر حزب و گروه قومی و مذهبی بخواهد کشور را جولانگاه خاص خود قرار بدهد با فرهنگ و سیاست کثرت گرائی سیاسی ، سکولاریسم و دموکراسی خواهی در تضاد قرار میگیرد. تمایلات فرقه گرایانه باید از هم اکنون مهار شوند و گرنم در باز سازی دیکتاتوری دیگری نقش ایفا نخواهد کرد. تقسیم بندی سیاسی و یا جغرافیائی ایران براساس دین و مذهب و یا نژاد پرستی، سیاستی است ارتজاعی و تفاوتی با جمهوری اسلامی نخواهد داشت .

از طرف دیگر، مناسبات اقتصادی و سیاسی در جهان امروز و روند «گلوبالیزیشن»

بما می آموزد که همبستگی مردمی، ملی و سراسری خود را برای تضمین بقای خود حفظ کنیم. بدون چنین چشم اندازی، به سرنوشت بسیاری از کشورهای افریقائی دچار خواهیم شد که جنگ داخلی و انتقامجوئی‌ها ای مذهبی و قبیله ای جوامع آنان را متلاشی کرده است و به زائدی بی ارزشی در جهان تبدیل شده اند.

توضیح : (۱*) رجوع شود به نظریات مارکس و انگلیس درباره «شیوه تولید آسیائی» همچنین به نظریات و پژوهش‌های آقای ویت فوگل در کتاب استبداد آسیائی و مقالات آقای دکتر محمد علی خنجی درباره شیوه تولید آسیائی

نکاتی پیرامون شکل‌گیری فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی در جامعه

گونه خصلت‌های ترقی خواهانه یا واپسگرایانه "زنگنه" می‌شوند و از نسلی به نسل دیگر در جامعه انتقال می‌یابند. وقتی ابعاد مختلف پندار، گفتار و کردار روزمره‌ی مردم یک جامعه را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم و خصلت‌ها و خصوصیات آن‌ها را با جوامع دیگر مقایسه می‌کنیم، متوجه خواهیم گشت که هریک از افراد جامعه، از یک طرف دارای خصلت‌های انسانی و اجتماعی ویژه‌ای می‌باشند که متأثر از شرایط خاص آموزش و پرورش خانوادگی، روابط خویشاوندی و ایلیاتی و محدود محیط زیست می‌باشد. از طرف دیگر، دارای خصلت‌های "عام، همگرا و مشترکی" با سایر مردم جامعه می‌باشد که در اثر همزیستی، هم نشینی با افراد جامعه، و فرهنگ اجتماعی رایج و غالب در جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند، جذب و بازتولید می‌شوند.

مجموعه این خصوصیات فرهنگی- انسانی که طی روندی، "دریافت" و "بازتولید" می‌شوند، بینش و منش هر انسان را سامان می‌بخشند.

بنابراین، خصلت‌های انسانی و بینش و منش هرفرد فقط از طریق شرایط خاص خانوادگی و یا جایگاه طبقاتی شکل نمی‌گیرند بلکه مناسبات عام اقتصادی، سیاسی،

فرهنگی و رویدادهای تاریخی در جامعه، نقش تعیین کننده ای در ساختار روحی، فرهنگی، بینش و منش هر فرد ایفا می کنند.

مشاهدات روزمره، نشان می دهند که افراد جامعه به طور آگاهانه و یا ناخودآگاه خصلت های فردی یا فرهنگ طبقاتی، فرقه ای و همچنین فرهنگ عمومی و مشترک اجتماعی خویش را در عملکردهای روزانه شان به نمایش می گذارند.

جامعه شناسان، روان شناسان و روانکاوان مختلفی نظیر: لونا چارسکی، پاولف، فروید، اریک فروم، ویلهلم رایش، گوستاو یونگ، آلفرد آدلر، پلخانف، مارکس و انگلس درباره روابط انسانی و مناسبات اجتماعی و درباره پدیده های بغرنج فرهنگی و روانی نظیر «مازوخیسم»، «садیسم»، «فاشیسم»؛ همچنین درباره «از خود بیگانگی» و «نقش شخصیت در تاریخ»، درباره روند شکل گیری «آگاهی طبقاتی»، «فرهنگ سیاسی»، «فرهنگ اجتماعی»، اظهار نظر کرده اند.

در اینجا به طور اساسی به عوامل و روند شکل گیری فرهنگ اجتماعی و فرهنگ سیاسی خواهیم پرداخت تا از این طریق شناخت بهتری از بینش و منش و نقش اجتماعی هر فرد و گروه بندی های اجتماعی، داشته باشیم.

روند شکل گیری فرهنگ اجتماعی

لونا چرسکی، یکی از نظریه پردازان روسی عقیده دارد که "... انسان به خودی خود یک لوح پاک کوچک، یک ورق کاغذ سفید است که از همان اوان کودکی شروع به ثبت حروف زندگی می کند..."

روانکاوان و جامعه شناسان مختلف براین عقیده هستند که واقعیت هایی که درخانه، مدرسه، مناسبات جامعه، محیط طبیعی زیست (کوه، دشت، صحرا)، و دراژر رویدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی، به وسیله ذهن و شعور انسان ها، دریافت می شوند، طی روندی در ضمیر انسان ها « درونی » گشته و تحت شرایط

معین تاریخی و اجتماعی، تجدید تولید می‌گردد و در نهایت احساس، شعور، بینش و منش انسان‌ها را سامان بخشدید که در گفتار، پندار و کردار انسان‌ها تبلور پیدا می‌کند.

"عادت‌ها" چگونه شکل می‌گیرند و در فرهنگ اجتماعی تاثیر می‌گذارند

انسان‌ها تا مدت زمان معین و تحت شرایط مشخص قابلیت پذیرش و دریافت‌اند یشه‌ی نو را دارند و قادرند آن را در ضمیر خود متحول سازند و به بینش و منش نوین تبدیل سازند که جایگزین بینش و منش کهن شود. اما اگر مناسبات تولیدی، سیاسی، فرهنگی، اقلیمی و شرایط زیست انسان‌ها تغیر اساسی نیابند و همان مناسبات بارها و بارها تکرار و بازتولید گردد، خصلت‌های کسب شده، آنچنان درونی می‌شوند که تبدیل به عادت می‌گردند. به همین دلیل بخشی از انسان‌های جامعه، خصوصاً افراد کهنسال، به نوعی اند یشیدن، رفتار اجتماعی داشتن شیوه‌ی خاصی سخن گفتن، عادت کرده و حاضر (قادر) نیستند آن را به آسانی تغیر دهند.

عادت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، شیوه‌ی تفکر و کردارهای اجتماعی تثبیت شده ای هستند که در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی به طور ناخودآگاه اثر می‌گذارند. برخی از عادت‌ها قادرند نقش بازدارنده‌ی بزرگی در برابر نوآوری ایفا کنند. اما عادت‌های خوب می‌توانند در حفظ خصلت‌های مطلوب فرهنگی و انسانی، نقش سازنده و تداوم بخشی، ایفا کنند.

چند مثال درباره‌ی عادت‌های مطلوب و نا مطلوب اجتماعی: عادت به خرافات، عادت به زن ستیزی، عادت به پرستش قدرت، عادت به منفی بافی و بیهوده نگری، عادت به سلوک و همزیستی، عادت به مهمان نوازی، عادت به دموکرات منشی، عادت به یاوری و همیاری، عادت به وقت شناسی و عادت به احساس مسئولیت اجتماعی، عادت به پرستش قدرت و نوکر منشی، عادت به ریاکاری و فرصت طلبی

و... هرکدام از اینگونه عادت‌ها می‌توانند در شکل گیری مناسبات اجتماعی و سامان بخشیدن ساختار فرهنگ اجتماعی و فرهنگ سیاسی نقش مهمی ایفا کنند.

ایدئولوژی و خرافات مذهبی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی

همان طورکه اشاره رفت، انسان‌ها از زمان کودکی تا سنین بلوغ واقعیت‌های محیط خود را دریافت می‌کنند و در ضمیر خود درونی کرده به احساس و شعور فردی و اجتماعی تبدیل می‌کنند. اما باید توجه داشت که همه‌ی واقعیت‌های مادیت یافته در ضمیر انسان‌ها، بیانگر حقیقت نیستند، بلکه بخشی و یا قسمت اعظم آن‌ها در جوامع موجود دنیا کاذب، غیرعلمی و ارجاعی هستند که از طریق مناسبات مالی و اقتصادی و اپسگرایانه یا غارتگرانه، آموزش و پرورش ارجاعی و تبلیغات ایدئولوژیکی، شکل می‌گیرند و شعور کاذب فردی و اجتماعی را بوجود می‌آورند.

مارکس و انگلس ایدئولوژی را شعور کاذب می‌نامند و عقیده دارند که انسان‌ها به جای مذهب و یا ایدئولوژی، ضروری است که به جهان بینی علمی متولّ شوند. در جوامعی که مذهب، خرافات و ایدئولوژی حاکم هستند، احساس و روان اجتماعی مورد تهاجم عناصر غیرعلمی قرار می‌گیرند و شعور کاذب را بوجود می‌آورند. شعور کاذب نیز در ترویج بینش و منش و عادت‌های ارجاعی، نقش تخریبگرانه ای را ایفا می‌کند.

مناسبات تولیدی عقب مانده، مناسبات سیاسی قدرتمندار و تبلیغات ایدئولوژیکی و مذهبی، ابزار تحقیق بشریت محسوب می‌شوند. مذاهبان و ایدئولوژی‌ها موجب می‌گردند که انسانها با تعصّب و تحجر فکری (دگماتیسم)، و بصورت تک بعدی و انتزاعی با مسائل جامعه و جهان برخورد کنند و واقعیت‌های ارجاعی محیط خود را به عنوان «حقیقت‌های سرنوشت ساز» پذیرند.

دیکتاتوری، دیکتاتور پروری، فرهنگ خشونت و فرصت طلبی در جامعه

فقدان رفاه اجتماعی، فقدان امنیت سیاسی و قضائی و تقسیم بندی جامعه به خودی و ناخودی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، پاییمال کردن حقوق زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی و اصولن هرنوع تبعیض در جامعه؛ همچنین ناامیدی نسل جوان کشور به آینده خویش، موجب می‌شوند که فرهنگ خشونت و نفرت در جامعه ترویج پیدا کنند.

توده‌های مردم جوامعی که سال‌ها در یوغ دیکتاتوری زندگ کرده‌اند و از سازمان یافتگی و تشکل دمکراتیک محروم هستند و چشم‌اند از امیدوار کننده ای برای نجات خود نمی‌بینند، به تئوری و فرهنگ توطئه گری روی می‌آورند و یا راه نجات خویش را از طریق مراکز غیبی قدرمدادار جستجو می‌کنند. گاهی نیز به خاطر تلاش برای معاش دربرابر صاحبان قدرت، سیاست فرصت طلبانه و تمکین و تملق را انتخاب می‌کنند و برای صاحبان قدرت، صلووات فرستاده و هورا می‌کشند.

درجوامع استبداد زده، روشنفکر به مفهوم واقعی خود، امکان رشد و مجال برای ابراز وجود ندارد. اما دیکتاتورها از روشنفکران فرصت طلب که بتوانند نقش واسطه را بین مراجع قدرت و مردم ایفا کنند، استقبال می‌کنند. به همین دلیل، درجوامعی که در آن دیکتاتوری حاکم است، تعدادی از روشنفکران و فعالین سیاسی فرصت طلب کوشش می‌کنند که در ارتباط با مراجع قدرت، جایگاه ویژه ای برای خود دست و پا کنند. اینگونه افراد برای اینکه به راهکاری برای آشتی میان دیکتاتورها و توده مردم دست یابند، هردو طرف را برای رسیدن به تفاهمن، نصیحت می‌کنند. روزها با اپوزیسیون به سرمی برند و شبها با مراجع قدرت خلوت می‌کنند تا خود را به عنوان کارشناس، مطرح سازند.

شرایط اقتصادی و مناسبات تولیدی جامعه

جامعه شناسان برجسته ای نظیر مارکس و انگلس عقیده دارند که : هرگونه مناسبات و شیوه‌ی تولید، طرز فکری نیز به همراه دارد که بر همدیگر اثر متقابل می‌گذارند. به عبارت دیگر، فرهنگ اجتماعی و کیفیت بینش و منش ما، ارتباط تنگاتنگی با مناسبات تولیدی و اقتصادی جامعه دارند. مناسبات واپسگرایانه و ناموزون تولیدی و اقتصادی، همچنین استقرار و استمرار دیکتاتوری، جنگ‌های ویرانگرانه، و فاشیسم مذهبی موجب سقوط فرهنگ اجتماعی می‌شوند.

روند تحولات تاریخ اجتماعی ایران نشان می‌دهد که شیوه‌ی «تولید آسیائی» در ایران حاکم بوده و در ارتباط با چنین شیوه‌ای، بخش بزرگی از خدمات اجتماعی از قبیل فراهم کردن امکانات برای آبیاری و تولید مواد غذائی در اختیار دولت قرار داشت و درنتیجه: وابستگی مردم از نظرنیازمندی‌های تولیدی و خدمات اجتماعی، موجب می‌شد که حاکمیت سیاسی، مطلق العنوان شود و خصلت استبدادی کسب کند. استقرار طولانی مدت استبداد در ایران موجب شده است که اقسام و طبقات جامعه، خصوصاً «بورژوازی» و در نتیجه، «پرولتاریا» نتوانند روند رشد و تکامل تاریخی خود را طی کنند و لذا مشاهده می‌کنیم که این طبقات هنوز قادر توأم‌نده و سرشت طبقاتی خویش هستند. در واقع از درون چنین مناسباتی، «ملپن بورژوازی» و «ملپن پرولتاریا» شکل می‌گیرند.

در کشورهایی نظیر ایران، اکثر افرادی که در جرگه‌ی «طبقه سرمایه دار» قرار می‌گیرند، راه رشد و تکامل طبقاتی خود را از طریق مشارکت در مناسبات تولیدی و مدیریت جامعه طی نکرده‌اند و حاکمیت استبدادی به آنان اجازه نمی‌دهد که استقلال و ابتکار عمل داشته باشند. به همین علت، اکثریت آنان افرادی هستند که هنوز از خرد و منطق بورژوازی بهره‌ای نبرده‌اند. چنین افرادی فقط در اثرهم پیمان شدن با مافیای قدرت سیاسی و مشارکت در دزدی و غارت ثروت ملی و دراثر مشارکت در امور قاچاق، صاحب سرمایه می‌شوند. فقدان فرهنگ و آگاهی طبقاتی، عدم برخورداری از تشكیل و سازمان یافتگی به عنوان یک طبقه‌ی مستقل اجتماعی،

موجب می‌شوند که صاحبان سرمایه نتوانند نقش اجتماعی خود را در تولید، مدیریت و غنای فرهنگ طبقاتی ایفا کنند.

فقدان توافقنامه‌ی، درایت و آگاهی طبقاتی موجب شده‌اند که سرمایه داران ایران، به طور غالب خصلت «ملپنی» کسب کنند. در اکثر کشورهای عقب مانده‌ی سه قاره، فقط اقلیت بسیار کوچکی از بورژوازی نوپا، دارای طرز تفکر منطقی هستند و خرد گرایانه، در زمینه‌ی تولید و مدیریت جامعه عمل می‌کنند. اما اکثریت غالب سرمایه داران این کشورها، دارای خصلت «ملپنی» هستند و به همین دلیل کارشناسان و پژوهشگرانی نظیر «گوندر فرانک» آن‌ها را «ملپن بورژوازی» می‌نامند.

خصوصیت فرهنگی بورژوازی کشورهای سه قاره، موجب شده‌اند که دیکتاتورهای حاکم، خودشان را قیم آنان قلمداد کنند. بی‌جهت نیست که گاهی شاه، سپس ولی فقیه به نام بورژوازی ایران تصمیم گیری می‌کنند.

ابتکار عمل سیاسی و فرهنگی «بورژوازی تحت فرمان شاه» را که اکنون به طور عمده در هجرت بسرمی برند، از طریق برنامه‌های تلویزیونی «لس آنجلسی» تاکنون ملاحظه کرده ایم. و شاهد کردار بورژوازی آفتابه و لگن به دست نظام ولایت فقیه در داخل کشور نیز هستیم.

خصلت طبقاتی پرولتاریای تهییدست ایران که متولد همان مناسبات عقب مانده و ناموزون جامعه و پرورش یافته در دامن «ملپن بورژوازی» است، نمی‌تواند بهتر و پیشرو تر از بورژوازی باشد.

واقعیت این است که: نیروهای تهییدست و رانده شده از دهات ایران که به نیروی «حاشیه نشین شهرها» تبدیل شده بودند، با آمیخته ای از «فرهنگ ماقبل سرمایه داری» و «فرهنگ خرد بورژوازی شهری»، نیروی عمدی کارگران ایران را تشکیل می‌دهند. مشاهده می‌کنیم که چنین نیرویی هنوز خصلت و «

خود آگاهی طبقاتی» کسب نکرده است. هنوز مذهب و خرافات نقش تعین کننده ای در شیوه‌ی تفکر این طبقه ایفا می‌کند. این طبقه نه خردگراست و نه علمی می‌اندیشد؛ به همین دلیل طبقه کارگر ایران هنوز قادر نیست به عنوان یک طبقه‌ی متکی به خویش، نقش نیروی پیشتاز را در جامعه، ایفا کند. بی‌جهت نیست که گروه‌های چند نفره‌ی مختلفی از روشنفکران خودشیفته، که خود را «مارکسیست - لنینیست» نیز می‌نامند، ادعای رهبری و قیومیت طبقه کارگر ایران را دارند.

از این رو نتیجه می‌گیریم که "ملپن بورژوازی" و "ملپن پرولتاریا" مولود جامعه‌ی هستند که از نظر مناسبات تولیدی و شرایط فرهنگی، واپسگرا، ناموزون و ارجاعی هستند. تا زمانی که نیروهای اجتماعی از چنین مناسباتی برخوردارند، قادر نخواهند بود که فرهنگ اجتماعی ایران را از جنبه‌ی خردگرایی و علمی غنا بخشنند و به این زودی نیز قادر نخواهند بود که در روند تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، نقش دموکراتیکی ایفا کنند.

نقش "فرهنگی اقوام و ملت‌های مختلف" در فرهنگ اجتماعی

در کشوری نظیر ایران که اقوام با خصلت‌های فرهنگی و اعتقادات مذهبی گوناگون قرن‌ها با همدیگر زیسته‌اند، فرهنگ و بینش و منش هر قومی بر دیگری اثرگذاشته است. به طوریکه می‌توانیم از یک طرف فرهنگ و خصلت‌های مشترک ایرانی را در کل جامعه، مشخص سازیم و از طرف دیگر ویژگیهای فرهنگی هر قوم درون ایران را نیز تشخیص بدهیم.

بنابراین، فرهنگ عمومی مردم ایران آمیخته‌ای است از فرهنگ ملت‌ها و اقوام ایرانی و غیر ایرانی که در طول تاریخ در ایران حکمرانی کرده‌اند و فرهنگ سیاسی و اجتماعی خود را پجا گذاشته‌اند و یا اینکه در اثر سیطره‌ی سیاسی ایرانیان، جذب

مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقوام ایرانی شده‌اند.

به طور مثال : به رغم اینکه قرن‌ها از سیطره‌ی سیاسی و نظامی اعراب در ایران می‌گذرد، مشاهده می‌کنیم که فرهنگ و سیاست واپسگرایانه‌ی اسلامی آنچنان در ایران باز تولید شده است که حکومت اسلامی با فرهنگ قصاص و بربریت هنوزدر ایران حاکم است. اما باید توجه داشت که در هرکشوری فرهنگ عمومی و اجتماعی جنبه‌های تکامل بخش، سازنده و ترقی خواهانه و یا جنبه‌های واپسگرایانه، ضد انسانی و فاجعه انگیز دارد. از اینکه چه عواملی (غفلت‌های سیاسی، نظامی یا فقدان توانمندی طبقاتی و یا سیطره‌ی خارجی) موجب سقوط فرهنگی و سقوط سیاسی مردم یک جامعه می‌شود، مبحث جداگانه‌ای است که ضروری است به آن آگاه باشیم.

شرایط جغرافیائی و اقلیمی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی

موقعیت جغرافیائی و شرایط اقلیمی در هر منطقه و در هر کشور، تاثیر مهمی در شکل گیری روحیه، احساس، بینش و منش مردم، بجا می‌گذارند. به طور مثال: اگر ذوق و سلیقه، احساس و کردار مردمی را که در یک منطقه سبز و خرم و در کنار دریا، با آب و هوای مطلوب زندگی می‌کنند، با احساسات و بینش و منش مردم صحرانشین مقایسه کنیم به تفاوت‌های فاحش میان آنها پس خواهیم برد (مردم صحرانشین "تک بعدی" ساخته می‌شوند و از تنوع سلیقه و اندیشه کمتر برخوردار هستند).

مردم مناطقی که دائم در معرض خطرسیل، زلزله و آتش‌شان قرار دارند، در اضطراب بسیار می‌برند و این نگرانی و اضطراب در باره‌ی آینده‌ی خویش، موجب شکل گیری فرهنگ اجتماعی و بینش و منش خاصی در میان مردم آن اجتماع می‌شود. در برخی از کشورها نظیر ژاپن که مردم آن دارای ابتکار عمل هستند و

ازعلم و تکنولوژی پیشرفته بهره برداری می‌کنند و در مدیریت جامعه نیز نقش فعالی ایفا می‌نمایند، برای مقابله با خطرات زلزله تدبیر ایمنی مختلفی اتخاذ کرده‌اند ولذا مردم، کمتر در اضطراب و نگرانی بسیار می‌برند و با دلگرمی نقش سازنده ای در جامعه ایفا می‌کنند. اما در کشورهایی نظیر ایران، راه حل چنین معضلاتی را به ظهور امام زمان موكول می‌کنند؛ از این رو فرهنگ اجتماعی مردم ژاپن و مردم ایران برای مقابله با آفات‌ها بلایای طبیعی، با همدیگر تفاوت فاحش دارند.

حوادث و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی

رویدادهای مثل جنگهای ویرانگر و طولانی مدت، شکست‌های پیاپی سیاسی و ناکامی‌های اجتماعی، آوارگی و مهاجرت‌های اجباری، در شکل گیری فرهنگ سیاسی و اجتماعی مردم تاثیرات منفی بسزایی می‌گذارند.

باید توجه داشت که در جوامع پیشرفت‌های صنعتی که مردم آن به بینش علمی و انصباط عادت دارند، قادرند که دلایل بحران، جنگ، یا شکست و ناکامی خود را به طرز علمی ارزیابی کنند و با برنامه ریزی هدفمند، و با توصل به انصباط، آن‌ها را جبران کنند، مثل آنچه که در آمان و ژاپن در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن اتفاق افتاد. اما در کشورهایی که مردم آن از تفکر علمی، انصباط و احساس مسئولیت اجتماعی، و فرهنگ همیاری برخوردار نیستند، تسلیم رویدادها به عنوان مصیبت الهی می‌شوند و زندگی غم انگیز خود را «سرنوشت» غیرقابل جبران تلقی می‌کنند.

فرهنگ سیاسی چگونه شکل می‌گیرد؟

فرهنگ سیاسی، از فرهنگ اجتماعی نشات می‌گیرد اما به طور اساسی بواسیله‌ی نخبگان یا "الیت" جامعه، یعنی روشنفکران و کوشندگان سیاسی تبلور می‌یابد. روشنفکران و کوشندگان سیاسی که متعلق به گروه‌بندی‌های مختلف اجتماعی

هستند و در ضمن متاثر از فرهنگ عمومی جامعه می‌باشند، تلاش می‌کنند که دیدگاههای خود را درباره‌ی مسائل مختلف تدوین کرده در عرصه‌ی سیاست و جامعه تبلیغ کنند. افزون بر آن کوشش می‌کنند که مبانی‌اند یشه‌های خود را در عملکردهای روزمره در جامعه به اجرا درآورند.

برخورد آرا و عقاید کوشندگان سیاسی و رقابت‌های طبقاتی آنان، موجب می‌گرددند که از یک طرف «فرهنگ سیاسی خاص» گروههای اجتماعی سامانه یابند واژطرفدیگر، کنکاش‌ها و تلاش‌های تئوریک و سیاسی مجموعه‌ی نخبگان (اليت) جامعه موجب می‌گردد که یک نوع «فرهنگ سیاسی عام» نیز در سطح باور عمومی رواج پیدا کند. به طور مثال: نیروها و کوشندگان سیاسی چپ، مذهبی، میانه رو و لیبرال، محافظه کار... هرکدام از فرهنگ سیاسی ویژه‌ای در جامعه برخوردار هستند که آن‌ها را با ارزش‌ها و معیارهای مختلفی از قبیل: «انسانگرا»، «دموکرات»، «واپسگرا»، «استبدادی» و غیره می‌سنجند. اما فرهنگ سیاسی عام و حاکم در میان ایرانیان، ملقمه و ترکیبی است از بینش و منش توده‌ی مردم و همه نخبگان (اليت) جامعه. به طور مثال درباره‌ی خصوصیات فرهنگ سیاسی عام ایرانیان ابراز می‌شود که: «ایرانیان فرد گرا هستند و به کار جمعی عادت ندارند»، «هر ایرانی یک دیکتاتور کوچک می‌باشد»، «دو روئی و فرصت طلبی از خصوصیات فرهنگ سیاسی ما ایرانیان می‌باشد» و خصلت‌های سیاسی و اجتماعی منفی دیگر...

بنابراین، حمله مغول، جنگ‌های ایران و یونان، تسلط اعراب و اسلام در ایران و استقرار حکومت جهالت - جنایت- فاشیستی - اسلامی در کشورمان، از عوامل مهمی هستند که موجب فروپاشی فرهنگی و مناسبات اجتماعی ایران گردیدند.

باید متذکر شد که معمولاً نقش روشنفکران و نخبگان فرهنگی جامعه این است که قدرت شناخت، تشخیص و تحلیل جوانب مطلوب و نامطلوب فرهنگ عمومی را داشته باشند و با تکیه‌ی بر قدرت آگاهی و با همکاری همفکران خود

کوشش به عمل آورند جنبه‌های واپسگرایانه و نا مطلوب فرهنگ اجتماعی و یا فرهنگ سیاسی را در جامعه دفع کنند. افزون بر آن جنبه‌های مطلوب، انسانگرا و ترقیخواهانه‌ی فرهنگ عمومی را جذب کرده، در روند تحولات سیاسی و اجتماعی آن‌ها را در «ضمیر انسانها درونی» کرده و در جامعه حاکم سازند.

اما بررسی پندار، کردار و گفتار اکثریت قریب با اتفاق کوشندگان سیاسی و روشنفکران کنونی ایران از زمان شکل گیری انقلاب مشروطه تاکنون نشان می‌دهد که اغلب دنبله روی حوادث بوده و از فرهنگ خشونت، تخریب و فرصت طلبی حمایت کرده‌اند.

پس از استقرار رژیم جهالت- جنایت - فاشیستی - اسلامی به رهبری خمینی در ایران، فرهنگ ملپنی، فرهنگ ریاکاری، فرصت طلبی، در سراسر جامعه گسترش یافته است. بنابراین، آزاداندیشان و فرهیخته گان انساندوست و ایراندوست ایران، وظیفه‌ی تاریخی بزرگی در پیش دارند که نه تنها این رژیم را به طور بنیادی متلاشی کنند، بلکه ضروری است که در راه شکل گیری قدرت جایگزین مطلوبی، گام بردارند تا فرهنگ و نهادهای جهالت پرور در ایران ریشه کن شوند. در غیر این صورت همین مناسبات ناهنجار و فرهنگ و سیاست بازی‌های ریاکارانه باز تولید خواهند شد

نکاتی درباره فرهنگ عناصر ملپن و تخریبیگر در درون جنبش آزادیخواهانه ایران

پس از استقرار رژیم اسلامی - فاشیستی در ایران، جامعه ایران با فاجعه‌ای بزرگ روبرو شده است. یکی از ابعاد فاجعه، کشتارهزاران نفر از جوانان، زنان، مبارزین و دگراندیشان، بدون برخورداری از حقوق اولیه حقوقی و انسانی بود که همچنان ادامه دارد. اما ابعاد فاجعه خیلی بزرگتر و گستردگر تر هستند، بطوریکه

میتوانیم از ویرانی کشور، گسترش فساد و واپسگرائی فرهنگی و فروپاشی مناسبات انسانی و اجتماعی نام ببریم.

بطورمثال: فرهنگ تخریب و لمپنیسم، نه تنها در میان توده های مردم، بلکه در میان بسیاری از مدعیان روشنفکری "و در درون بسیاری از سازمانهای سیاسی، اثرات بسیار ناهنجاری بجا گذاشته است".

تخریبیگری در جنبش آزادیخواهانه ایران، و اهانت و اتهام زدن به مبارزین و کوشندگان سیاسی- اجتماعی، تنها از طریق عوامل رژیم صورت نمیگیرند، بلکه افراد زیادی هستند که کم و بیش قبل از استقرار رژیم خمینی، در صفوف مبارزین قرار داشتند، اما پس از آن، قادر نشدند "تحولی در اندیشه و در عملکرد مبارزاتی خود بوجود بیاورند، و لذا کوشش میکنند ناتوانی های فکری، سیاسی و مبارزاتی خود را از طریق "پرخاشگری های تخریبیگرانه" و رفتارهای "لمپن منشانه" و از طریق "اتهام زدن" به مبارزین پیگیر، و جنبش آزادیخواهانه، جبران کنند.

خودم، بارها بطور کتبی و شفاهی اعلام کرده ام که در مبارزات سیاسی عاری از اشتباه نبوده ام. اما بیش از پنجاه سال است که - ضمن بررسی به شکست ها و ناکامی های خودم و مجموعه جنبش- کوشش کرده ام که راهکارهای جدیدی برای استمرار مبارزه جستجو کنم..

اکنون- ضمن استمرار بخشیدن به مبارزات خود علیه رژیم حاکم، دارم کوشش میکنم که "ماجرای زندگی" خودم را بطور مستند، چنین نظر انتقال تجارب به نسل آینده کشور، انتشار دهم.

مبحثی در کتاب خاطراتم خواهم گنجاند که مربوط به "فروپاشی فرهنگ انسانی و دمکراتیک" در درون برخی سازمانهای سیاسی و در میان برخی "مدعیان روشنفکری" میباشد.

بطور غونه: فرهنگ حسادت و جمود فکری و یا ناتوانی های مبارزاتی، و

"خود پرستی های ابلهانه" موجب میگردند که دارندگان چنین خصلت هائی، بطور لجام گسیخته، به حرمت انسانی و سیاسی دیگران اهانت کنند. و این اشخاص و محافل، همطراز با جنایتکاران جمهوری اسلامی، مانعی بزرگ در راه گسترش فرهنگ دمکراسی خواهی محسوب میشوند و لذا مبارزات ما خصلت و ابعاد مختلفی کسب میکنند که باید در حال و آینده به آنها توجه کنیم.

هنگامی که اسناد و مدارک تاریخی را سازماندهی و تنظیم میکردم، اسناد و مدارکی نظرم را جلب کرد که نشاندهنده عمق "فروپاشی فرهنگی" در درون بخشی از باصطلاح "اپوزیسیون" ایران میباشد. و مشاهده میکنیم که متاسفانه چنین فرهنگ تخریبیگرانه و ملپن منشانه، گسترش یافته است.

آنها که مرا می شناسند، میدانند که طرفدار مصدق بودم، از سازماندهنگان و مبارزین کنفردراسیون و جبهه ملی و همچنین از طرفداران و سازماندهنگان مبارزات چریکی بودم. از طبرزی دربرابر رژیم ارتجاعی دفاع کرده ام. مدت کوتاهی با دکتر شاپور بختیار برای مقابله با رژیم خمینی، همکاری کرده ام. از عملکرد های خودم، برای هریک از آن دوران، باتوجه به شرایط مشخص آن زمان، دفاع میکنم. زیرا هرکدام از این فعالیتها مربوط به دوران تاریخی و شرایط سیاسی - اجتماعی معینی بودند و آلتزناحیو بهتر وجود نداشت. اما برای هرکدام از این دوران های تاریخی، اگر اشتباهی مرتکب شده ام آماده ام بطور مشخص از خودم انتقاد کنم. اما حاضر نیستم جنبش آزادیخواهانه مردم و بسیاری از رهبران سیاسی تاریخی را تخطیه کنم. یا اگر "گرایش و آمن سوسیالیستی" کسب میکنم، روند تحول تاریخی جوامع بشری را در نظر میگیرم و بخودم اجازه نمیدهم که افسار گسیخته به دگر اندیشان فحاشی کنم. در ضمن، یکی دیگر از خصوصیات انسانی و سیاسی ام اینست که: تحت لوای طرفداری از شخصیت های سیاسی نظری مصدق (که خیلی برایش احترام قائل هستم) حاضر نیستم، منفعانه لم بدم و هیچگونه شکوفائی اندیشه و تحول در عمل را نپذیرم و فقط خودم را "میراث خوار" مصدق بدانم و

زیر چنین "تابلوئی" به دیگران فحاشی کنم..

متاسفانه مشاهده میشود که برخی عناصر که منفعل شده اند، بجای اینکه زندگی غیر سیاسی محترمانه ای را بگذرانند، کوشش میکنند تحت عنوان "طرفدار لینین"، "طرفدار مصدق"، "جانشین بختیار" و نظایر آن... فقط دیگران را تخریب کنند. آیا شرم آور نیست که افراد و محافلی که خود را "سوسیالیست و مارکسیست" می نامیدند، "خمینی را به عنوان رهبر" بپذیرند و تا به امروز حتی حاضر نشده اند از خودشان انتقاد کنند، اما به طرفداران بختیار فحاشی میکنند!!! در آن شرایط و مرحله تاریخی آلتراستیو بختیار بود یا خمینی؟ اگر هم هیچکدام را نمی پسندیم، لااقل این شعور، درایت و کارданی را می داشتیم و "آلتراستیو مطلوب" دیگری بوجود می آوردیم، نه اینکه در تخریبگری هنرمندانی کنیم.

در ارتباط با چنین فرهنگ تخریبگرانه، اسناد و مدارکی دارم که درآینده بیشتر به آنها خواهم پرداخت. در اینجا به ذکر چند نمونه اکتفا میکنم:

یکی از افراد که خیلی ادعائی روشنفکری میکند، در سالهای ۱۹۹۵-۹۶ نوشه است: "روابط دیپلماتیک ترکیه با اسرائیل و مانور نظامی آمریکا در خلیج فارس.. همه با دخالت و مشورت... حسن ماسالی صورت گرفته است.".!!

آدم های منطقی و عاقل باید از چنین فردی که "لجن پراکنی" میکند بپرسند، اگر ماسالی اینقدر قدرت دارد که قادر است چنین روابطی برقرار کند و نیروی دریائی آمریکا نیز با نظر ایشان به حرکت در می آید... چرا نتوانسته است تاکنون از قدرت و نفوذ خود برای ایران استفاده کند؟

در سوم ژوئیه ۱۹۹۷ در نشریه کیهان- چاپ لندن ، همان ورشکستگان سیاسی می نویسند "...حسن ماسالی تحت عنوان برگزار کننده "کنفرانس ملی" در تبانی با سرویس های خارجی و برخی از اعضای خانواده پهلوی به یک رشتہ فعالیت های ضد ملی و ضد نهضت مقاومت ملی ایران دست یازیده است.". ...

در آن زمان، یک حقوقدان آلمانی را بعنوان "وکیل مدافع" انتخاب کردم و به آنها نامه نوشت که اگر نتوانید ادعای خود را بطور مستند ارائه بدهید، این کار شما از نظر حقوقی "تپور شخصیت" تلقی می‌شود و باید جریمه مادی پردازید و ممکن است به حبس نیز محکوم شوید.

پس از ارسال نامه و اخطاریه وکیل، دو نفر از امضا کنندگان اعلام کردند که امضا خود و اتهامات واردہ را پس می‌گیرند.

یک نفر دیگر نوشت آقای وکیل شما مسئله را با فرهنگ دیگری برداشت می‌کنید...". وکیل مدافع آلمانی بمن می‌گفت "آیا مقصود ایشان اینست که با "فرهنگ ایرانی" می‌تواند به دیگران توهین کند؟ این جدال به درون تشکیلات نهضت مقاومت ملی کشید و نتایج نامطلوبی ببار آورد که در اینجا به آنها نمی‌پردازم.

سپس همین افراد و عناصر تخریبگر دیگر از قول "داریوش همایون" ادعا کردند که حسن ماسالی با "پرویز ثابتی" همکاری می‌کند!!!

در آن زمان به داریوش همایون نوشتم که در اینباره نظرش را کتاباً به من بنویسد. ضمن تکذیب، ابراز تأسف کرده بود که این "اپوزیسیون" چرا به چنین بیماری‌های مبتلا شده است (نامه ایشان را نیز حفظ کرده‌ام).

درباره فرهنگ مپنی رایج در درون سازمانهای سیاسی، اسناد و مدارک مختلفی در اختیار دارم که چگونه پس از بروز اختلاف سیاسی با یاران و همرزمان خود، بلافضل‌های آنها را "خائن"، "جاسوس"، و یا "وابسته به آمپریالیسم" و غیره متهم کرده‌اند.

اخیراً دو نفر از همین افراد که بیش از سی سال است به تخریب دگر اندیشان مشغول هستند، برای اینکه عقده‌های درونی خود را به نمایش بگذارند، ادعا کرده اند که "عنوان دکترای حسن ماسالی قلابی است"!!!

ضروری میدانم به اختصار برای آنها که از ماجراهای زندگی سیاسی و اجتماعی

ام اطلاع ندارند، توضیح بدهم: در سال ۱۹۵۸ وارد آلمان شدم و بلا فاصله در شهر توبینگن، سپس در شهر کیل (آلمان) در رشته پزشکی مشغول به تحصیل شدم. سه سال در این رشته تحصیل کردم و امتحانات آنرا گذراندم؛ اما بعلت فعالیتهای پیگیرانه ام در شکل گیری جنبش دانشجوئی (فراسیون آلمان و کنفراسیون) همچنین مشارکت در سازماندهی سازمان‌های جبهه ملی ایران در اروپا، سفارت ایران از تمدید گذرنامه ام خودداری میکرد تا مرا مجبور به توافق فعالیتها و باز گشت به ایران کنم. در این ارتباط جنبش دانشجویان ایرانی و آلمانی از من حمایت کردند و از جمله یکی از نمایندگان حزب سوسیال دمکرات آلمان بنام "یوخن اشتفن" در مجلس ایالتی، در کیل از من حمایت کرد و مسئله به روزنامه‌ها کشانده شد. در این ارتباط سفیر رژیم شاه ادعا کرد که: عدم تمدید گذرنامه، دلیل سیاسی ندارد بلکه ایشان درس نمیخواند و بهمین دلیل گذرنامه ایشان تمدید نمیشود. پس از آن، رئیس بخش امتحانات پزشکی، مطلبی در روزنامه انتشار داد و ادعای سفیر ایران را نادرست خواند. سپس با کوشش‌های مدبرانه و صمیمانه و کیل مدافع ام بنام "دکتر هلد من"، اقامتم (بدون گذرنامه ایران) تمدید شد..

پس از این ماجرا، تصمیم گرفتم که در ارتباط با فعالیت‌ها روزمره سیاسی ام، در رشته علوم سیاسی و جامعه‌شناسی اسم نویسی کنم و ادامه تحصیل بدهم. علوم سیاسی را بعنوان رشته اصلی و جامعه‌شناسی و ادبیات آلمانی را بعنوان رشته‌های فرعی انتخاب کردم. در دانشگاه فرانکفورت، تمام کارهای پژوهشی و امتحانات مقدماتی را گذراندم و قرار گذشتم که "تز دکتری" خود را بگذرانم که ناگهان در سال ۱۹۷۸-۷۹ تصمیم گرفتم که در ارتباط با مبارزات مسلحانه، مخفیانه وارد ایران شوم. پس از مبارزه در گیلان و کردستان، و تجارت شکست و ناکامی، دوباره به خارج برگشتم و در دانشگاه فرانکفورت (آلمان) با استادان سابقم تماس گرفتم و پس از گذراندن چند مرحله، خودم را برای گذراندن چند دوره، خودم را برای ارائه "تز دکترا" آماده کردم.

کار پژوهشی ام درباره دلایل شکست و ناکامی جنبش چپ و (ملی)، و عوامل بحران مداوم آن، از زمان انقلاب مشروطه تا به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی(خمینی) بود، در جولای ۱۹۹۹ پس از تصحیحاتی، آنرا ارائه دادم و امتحانات شفاهی را نیز در ماه مه و ژوئن ۲۰۰۰ گذراندم. این کار پژوهشی پذیرفته شد و برحسب مقررات دانشگاه مذبور به زبان آلمانی به اندازه نیاز کتابخانه های آلمان انتشار یافت. سپس بخش های مهمی از آن کتاب را همراه چندین مقاله به فارسی انتشار دادم. اکنون نیز در صدد هستم آنرا به انگلیسی انتشار دهم.

استاد علوم سیاسی، آقای پروفسور "هیرش"، مسئول اصلی، و پروفسور داود غلام آزاد استاد علوم جامعه شناسی، و یکنفر نیز بعنوان استاد ادبیات آلمانی، در این ارتباط تصمیم گیری کردند. خوشبختانه همه این استادان، گرچه بازنده شده اند، اما خوشبختانه زنده هستند. بنابراین، همه افراد میتوانند از طریق تماس با دانشگاه فرانکفورت و با این استادان همه گونه اطلاعات را کسب کنند. بسیار شرم آور است که چنین افرادی که ادعاهای پر طمطران روش‌نگری و "ملی گرایی" میکنند به این طریق مبتذل، لجن پراکنی میکنند و در "ترور انسان" نقش ایفا میکنند.

بیش از پنجاه سال است که بطور مستمر مبارزات سیاسی ام ادامه میدهم. و به عنوان "دکتر" نیز دل خوش نکرده ام و عقیده دارم، این عنوان را باید به مبارزینی اهدا کرد که در سخت ترین شرایط و در مناسبات فاشیستی حاکم در ایران، سرسختانه مقاومت و مبارزه میکنند..

پس از استقرار رژیم اسلامی - فاشیستی در ایران ، فرهنگ ملپنی، تخریبگری و توطئه گری در داخل و خارج از کشور گسترش یافته است. به سهم خود تصمیم گرفته ام که با همکاری چند حقوقدان و وکیل مدافع، در آینده علیه چنین عناصری که غیر مسئولانه و ملپن منشانه، علیه حرمت انسانی مبارزین، لجن پراکنی میکنند، اقدامات حقوقی و قانونی بعمل آورم تا با جریمه های مالی و زندانی کردن چند عنصر خطاکار، بقیه عناصر تخریبگر و ملپن مهار شوند.

و اما حرف آخر

من و بسیاری از کنشگران سیاسی، به طور خود جوش، در مبارزات سیاسی شرکت می‌کردیم. ما پرورش یافته‌ی یک حزب سیاسی نبودیم. فنون مبارزه‌ی سیاسی و سازماندهی را به مرور، ضمن شرکت فعالیت‌های سیاسی، در عمل می‌آموختیم. به همین دلیل، خطاهای مختلفی را مرتکب می‌شدیم که اجتناب ناپذیر بودند. متاسفانه، بسیاری از جوانان مبارز و مردم ناراضی کشور، جان خود را به خاطرامور پیش پا افتاده ای از دست می‌دهند و ما برای اینکه عملکرد نسنجیده‌ی خود را که موجب مرگ مبارزین می‌شود، توجیه کنیم، فرهنگ شهادت طلبی را به عنوان حماسه انقلابی تبلیغ می‌نماییم. شیوه‌ی ای که نگارنده، برای استمرار مبارزه، اتخاذ کرده بودم، اینچنین بود:

هرگاه به یک نظریه وانگیزه ای دست می‌یافتم، کوشش می‌کرم که با ابتکارات مختلف، آن را تحقق بخشم. به عبارت دیگر فقط حرف نمی‌زدم، بلکه "عملگرا" بودم و از افرادی که فقط شعار می‌دادند و تنها با "جدل‌های سیاسی" خودشان را مشغول کرده، خوشنم نمی‌آمد.

از آنجایی که «خودجوش» فعالیت می‌کرم، دچار خطا نیز می‌شدم. اما، پس از اینکه به خطاهای خود واقع می‌گشتم، به مرور در صدد بر می‌آمدم که خطاهای گذشته را جبران کنم. اما، برخی عادت کرده بودند که همان راه و روش نامطلوب گذشته را، ادامه دهند. امیدوارم نوشتار پیش رو فرصتی باشد برای جوانان و آزادی خواهان ایرانی که از نکات تاریخی بیش از پیش عبرت گرفته و دچار غفلت‌هایی نشوند که اپوزیسیون ایران در طول این سال‌ها دچار آن شده است.

بی‌شک مطالعه، و ممارست از تجربه آموزی یکی از راه‌هایی است که می‌تواند افق‌های روشی را پیش روی جوانان مستعد ایرانی بگشاید. و اما اکنون که به

آستانه‌ی هشتاد سالگی رسیده‌ام هیچ آرزویی ندارم جز رهایی و آزادی وطنم.
نه طالب قدرت بوده و هستم و نه سن و سام اجازه این کار را به من می‌دهد.
اما آنچه مسلم است همچنان به چیزی جز ایرانی آباد و آزاد در سایه‌ی یک نظام
سکولار دموکرات مبتنی بر موازین حقوق بشر و اجماع ملی، نمی‌اندیشم.

به امید چنین روزی

حسن ماسالی

تابستان ۱۳۹۲